

بررسی معافیت زیر بخش های کشاورزی در نظام مالیاتی ایران

وزارت امور اقتصادی و دارائی
معاونت امور اقتصادی

بررسی معافیت زیر بخشهای کشاورزی در نظام مالیاتی ایران

الله محمد آقائی

وزارت امور اقتصادی و دارایی
معاونت امور اقتصادی

آقای، الله محمد، ۱۳۴۷-

بررسی معافیت زیر بخش های کشاورزی در نظام مالیاتی
ایران / الله محمد آقای (برای) وزارت امور اقتصادی و
دارایی ، معاونت اقتصادی . - تهران : پایگان ، ۱۳۸۰.
۲۸۱ ص .

ISBN 964-7539-00-2 ۱۴۵۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا .

کتابنامه
ص. ۲۷۶-۲۸۱

۱. معافیت مالیاتی -- ایران. ۲. کشاورزی -- ایران --
مالیات.

۳۳۶/۲۰۶۰۹۵۵

Hj ۲۳۳۷/الف ۲۳۳۷

محل نگهداری :

کتابخانه ملی ایران

م ۸۰-۱۰۴۳۴

بررسی معافیت زیر بخش های کشاورزی در نظام مالیاتی ایران

□ مسئول اجرای مطالعه : الله محمد آقای

□ همکاران : محسن کلانتری بنگر- مریم گرامی - مجید آفاعلی

□ تیراژ: ۱۱۰۰

□ چاپ اول : ۱۳۸۰

□ قیمت : ۱۴۵۰۰ ریال

□ انتشارات پایگان: ۸۸۰۹۲۵۷۶

ISBN 964-7539-00-2

□ شابک: ۹۶۴-۷۵۳۹-۰۰-۲

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ده	پیشگفتار
۱	۱ بررسی جایگاه و اهمیت معافیت‌های مالیاتی
۱	۱-۱ مقدمه
۳	۲-۱ ضرورت وضع مالیات
۵	۳-۱ اهمیت و جایگاه درآمدهای مالیاتی در ساختار اقتصاد کشور
۹	۴-۱ اهمیت مطالعه معافیت‌های مالیاتی
۱۰	۵-۱ مبانی تئوریک معافیت‌های مالیاتی
۱۳	۱-۵-۱ انواع معافیت‌های مالیاتی

- ۱۷ ۲-۵-۱ ویژگی‌های وضع معافیت‌های موضوعی
- ۱۹ ۳-۵-۱ انگیزه‌های معافیت مالیاتی
- ۲۱ ۶-۱ راه‌های اعمال مالیات بر بخش کشاورزی
- ۲۱ ۱-۶-۱ مالیات‌های شخصی در مقابل مالیات‌های کالایی
- ۲۲ ۲-۶-۱ مالیات بر درآمد کشاورزی
- ۲۳ ۳-۶-۱ مالیات بر صادرات محصولات کشاورزی
- ۲۳ ۴-۶-۱ مالیات بر عوامل تولید و تولید بخش کشاورزی
- ۲۴ ۵-۶-۱ مالیات بر زمین
- ۲۶ ۷-۱ تاریخچه مالیات بر کشاورزی
- ۲۶ ۱-۷-۱ مالیات بر درآمد املاک زراعی
- ۳۱ ۲-۷-۱ مالیات بر اراضی (دارایی)
- ۳۳ ۸-۱ انگیزه‌های معافیت مالیاتی در ایران
- ۳۴ ۱-۸-۱ معافیت مالیاتی بخش کشاورزی طبق قانون مالیات‌های مستقیم فعلی
- ۳۶ ۹-۱ خط مشی‌های اساسی برنامه دوم و طرح ساماندهی اقتصادی
- ۳۶ ۱-۹-۱ کشاورزی
- ۳۷ ۲-۹-۱ معافیت‌های مالیاتی
- ۳۸ ۱۰-۱ مطالعات انجام شده
- ۳۸ ۱-۱۰-۱ اندازه‌گیری تاثیر معافیت بخش کشاورزی و نفت
- ۳۹ ۲-۱۰-۱ بررسی هزینه فرصت معافیت‌های موضوعی در مالیات‌های مستقیم طی
- ۳۹ برنامه اول (۷۲-۱۳۶۸)
- ۴۰ ۳-۱۰-۱ بررسی اقتصادی معافیت‌های مالیاتی در قانون مالیات‌های مستقیم

۲ تجربه سایر کشورها در زمینه مالیات بر بخش کشاورزی ۴۷

- ۴۷ ۱-۲ مقدمه
- ۴۸ ۲-۲ مالیات بر کشاورزی در الجزایر
- ۵۱ ۳-۲ مالیات بر کشاورزی در پاکستان
- ۵۲ ۱-۳-۲ مالیات بر درآمد کشاورزی
- ۵۴ ۲-۳-۲ مالیات بر زمین کشاورزی
- ۵۸ ۴-۲ مالیات بر کشاورزی در بنگلادش
- ۵۹ ۱-۴-۲ روش محاسبه درآمد کشاورزی مشمول مالیات
- ۶۰ ۵-۲ مالیات بر کشاورزی در کشور آلمان
- ۶۳ ۱-۵-۲ مالیات بر شکار و ماهیگیری
- ۶۳ ۲-۵-۲ مالیات بر قهوه
- ۶۴ ۳-۵-۲ مالیات بر شکر
- ۶۵ ۴-۵-۲ مالیات بر چای
- ۶۶ ۶-۲ مالیات بر کشاورزی در اروگوئه
- ۶۷ ۷-۲ مالیات بر کشاورزی در نیجریه
- ۶۷ ۸-۲ نحوه برخورد با بخش کشاورزی در سیستم مالیات بر ارزش افزوده
- ۷۰ ۹-۲ خلاصه تجربه سایر کشورها

۳ روشهای مختلف حمایت و جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد ایران ۷۳

- ۷۳ ۱-۳ مقدمه
- ۷۶ ۲-۳ روشهای مختلف حمایت از بخش کشاورزی
- ۷۶ ۱-۲-۳ تعیین قیمت‌های حمایتی
- ۸۳ ۲-۲-۳ تعرفه‌های گمرکی

۸۴	۳-۲-۳ بیمه محصولات کشاورزی
۸۵	۴-۲-۳ یارانه نهاده‌های کشاورزی
۸۶	۵-۲-۳ نرخهای استهلاک فزاینده
۹۰	۳-۳ جایگاه بخش کشاورزی
۹۰	۱-۳-۳ ترکیب واحدهای تولیدی کشاورزی
۹۴	۲-۳-۳ سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی
۹۸	۳-۳-۳ سهم اشتغال‌زایی بخش کشاورزی
۱۰۲	۴-۳-۳ سرمایه‌گذاری و روند تشکیل سرمایه در بخش کشاورزی
۱۰۷	۵-۳-۳ امکانات بالقوه و بالفعل بخش کشاورزی
۱۱۰	۶-۳-۳ بهره‌وری در بخش کشاورزی
۱۱۴	۷-۳-۳ عملکرد بخش کشاورزی در برنامه اول و دوم

۴ بررسی هزینه فرصت معافیتهای مالیاتی

۱۱۹	۱-۴ مقدمه
۱۲۲	۲-۴ هزینه فرصت معافیتهای مالیاتی
۱۲۲	۱-۲-۴ ارزش افزوده بخش کشاورزی و زیر بخشهای آن
۱۲۵	۳-۴ نرخ مؤثر مالیاتی
۱۲۹	۴-۴ مالیات از دست رفته

۵ بررسی معافیت زیر بخش زراعت

۱۳۵	۱-۵ مقدمه
۱۳۶	۲-۵ جایگاه زراعت در بخش کشاورزی
۱۴۰	۱-۲-۵ گندم

۱۴۲	۲-۲-۵ جو
۱۴۹	۳-۲-۵ برنج
۱۵۱	۴-۲-۵ پنبه
۱۵۲	۵-۲-۵ چغندر قند
۱۵۴	۶-۲-۵ حبوبات
۱۵۶	۷-۲-۵ پسته
۱۵۹	۳-۵ ارزیابی عملکرد بخش زراعت در برنامه اول توسعه اقتصادی
۱۵۹	۱-۳-۵ بررسی سیاستهای اجرایی
۱۶۱	۲-۳-۵ دلایل عدم تحقق اهداف برنامه اول
۱۶۱	۴-۵ بررسی عملکرد بخش زراعت در برنامه دوم توسعه اقتصادی
۱۶۳	۵-۵ تحولات حاصل در تعداد و اندازه واحدهای بهره برداری
۱۶۳	۱-۵-۵ طبقه بهره برداران کمتر از پنج هکتار
۱۶۵	۲-۵-۵ طبقه بهره برداران پنج تا پنجاه هکتار
۱۶۶	۳-۵-۵ طبقه بهره برداران بیشتر از پنجاه هکتار
۱۷۰	۶-۵ محاسبه درآمد مشمول مالیات در زیر بخش زراعت
۱۷۰	۱-۶-۵ گندم
۱۸۱	۲-۶-۵ جو
۱۹۰	۳-۶-۵ برنج
۱۹۷	۴-۶-۵ پنبه
۲۰۴	۵-۶-۵ چغندر قند

۲۱۳	۶ بررسی معافیت مالیاتی زیر بخش دامپروری
۲۱۳	۱-۶ مقدمه

- ۲-۶ جایگاه دامپروری در بخش کشاورزی ۲۱۴
- ۳-۶ نظام‌های مختلف دامپروری ۲۱۵
- ۱-۳-۶ روش سنتی در شکل‌های روستایی و عشایری. ۲۱۵
- ۲-۳-۶ دامداری صنعتی در مناطق مستعد دامپروری حاشیه شهرها ۲۱۷
- ۴-۶ بررسی وضعیت دام و طیور در برنامه‌های توسعه اقتصادی ۲۱۹
- ۱-۴-۶ برنامه عمرانی پنجم (۵۶-۱۳۵۲) ۲۲۰
- ۲-۴-۶ برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۲۲۱
- ۳-۴-۶ میزان تولید فرآورده‌های پروتئینی کشور طی دو برنامه اول و دوم ۲۲۱
- ۴-۴-۶ میزان واردات فرآورده‌های پروتئینی کشور طی دو برنامه ۲۲۲
- ۵-۶ جمعیت دام و طیور کشور ۲۲۴
- ۶-۶ بررسی ظرفیت بالقوه مالیاتی زیربخش دامپروری ۲۲۶
- ۷-۶ وضعیت دامپروری صنعتی در کشور ۲۲۷
- ۱-۷-۶ تعداد گاو و گوساله در کشور ۲۲۷
- ۲-۷-۶ تحولات صنعت گاو‌داری و پرواربندی ۲۲۸
- ۳-۷-۶ خلاصه نتایج طرح آمارگیری نمونه‌ای سال ۱۳۷۵ ۲۲۹
- ۴-۷-۶ اشتغال در بخش گاو‌داری صنعتی ۲۳۳
- ۸-۶ وضعیت صنعت مرغداری ۲۳۴
- ۹-۶ وضعیت زنبورداری ۲۳۷
- ۱۰-۶ وضعیت پرورش پيله ابریشم ۲۳۸
- ۱۱-۶ بررسی وضعیت قیمت فرآورده‌های پروتئینی ۲۳۸
- ۱۲-۶ وضعیت شرکتهای بزرگ دولتی در بخش کشاورزی ۲۳۹
- ۱۳-۶ محاسبه ظرفیت بالقوه زیربخش دامپروری و نحوه وصول مالیات ۲۴۰

۷ بررسی معافیت زیر بخشهای شیلات و جنگلداری

۲۴۵	۱-۷ مقدمه
۲۴۵	
۲۴۷	۲-۷ جایگاه شیلات در بخش کشاورزی
۲۵۱	۳-۷ میزان صید و تولید آبزیان در کشور
۲۵۳	۴-۷ صادرات فرآورده‌های آبی
۲۵۴	۵-۷ سرمایه گذاری در بخش شیلات
۲۵۶	۶-۷ خصوصی سازی شیلات
۲۵۸	۷-۸ تعاونیهای صیادی
۲۶۰	۸-۷ شیلات در برنامه اول توسعه
۲۶۲	۹-۷ شیلات در برنامه دوم توسعه
۲۶۵	۱۰-۷ مالیات و عوارض در بخش شیلات
۲۷۶	۱۱-۷ جنگلداری
۲۷۶	۱۲-۷ مساحت جنگل‌ها و مراتع
۲۷۹	۱۳-۷ وضعیت جنگل و تولید فرآورده‌های چوبی
۲۸۱	۱۴-۷ ارزش اقتصادی جنگل
۲۸۲	۱۵-۷ هزینه‌های بهره برداری
۲۸۲	۱۶-۷ مشکلات مراتع و جنگلداری
۲۸۳	۱۷-۷ مالیات در بخش جنگل‌ها و مراتع

۸ خلاصه، نتایج و پیشنهادات

۲۸۷	خلاصه و نتیجه گیری
۲۸۷	
۳۰۲	پیشنهادات
۳۰۵	مأخذ

پیشگفتار

در تحقیق حاضر به بررسی معافیت مالیاتی بخش کشاورزی پرداخته می‌شود و شامل چهار قسمت اساسی می‌باشد. در قسمت اول جایگاه و اهمیت معافیت مالیاتی، در قسمت دوم تجارب سایر کشورها در زمینه مالیات بر این بخش، در قسمت سوم جایگاه بخش کشاورزی و حمایت‌های صورت گرفته از آن و در قسمت آخر پس از محاسبه مالیات از دست رفته ناشی از معافیت طی سالهای گذشته به بررسی نحوه برخورد با معافیت کنونی در زیر بخشهای مختلف، پرداخته شده است.

اعطای معافیت مالیاتی به برخی فعالیت‌ها و نیز برخی مناطق خاص علاوه بر هدف تخصیص منابع، هدف توزیعی را نیز دنبال می‌کند. به همین منظور دولت‌ها در چارچوب قوانین مالیاتی، بر حسب شرایط موجود به اخذ مالیات یا اعطای معافیت می‌پردازند تا بدین

وسیله ضمن دستیابی به اهداف درآمدی و عدالت اجتماعی، جهت دهی به فعالیت های اقتصادی را انجام دهند. در نظام اقتصادی ایران دولت بر اساس اهداف خاص اقدام به اعطای معافیت به بخش های از جمله کشاورزی بطور عام و فعالیت های خاص مانند فعالیت های صنعتی و معدنی و نیز معافیت منطقه ای، مانند مناطق محروم و مناطق آزاد تجاری نموده است. در حال حاضر زنجیره های بعد از تولید کننده به نحوی از دادن مالیات واقعی خود طفره میروند و اگر واقعا هدف حمایت از تولید است با توجه به اینکه بخش کشاورزی به طور واقعی از حمایت دولتی کمتری نسبت به سایر بخش ها برخوردار است، پس تحت فشار قرارداد دادن تولیدکنندگان این بخش سیاست منطقی نمی باشد. ضمن اینکه اصل عدالت مالیاتی نقص خواهد شد. بنابراین بایستی به دنبال شناسایی افرادی بود که درآمد بالایی دارند و در بخش کشاورزی فعالیت می کنند، بطوری که وضع مالیات اثر منفی برانگیزه تولید این افراد نداشته باشد.

نتیجه بررسی ها حاکی است که محدوده هایی که جهت وضع مالیات پیشنهاد می شود، قسمت هایی از بخش کشاورزی هستند که در آنجا درآمد بالایی وجود دارد و اگر درصد کمی را به عنوان مالیات اخذ نمائیم اثر منفی برانگیزه تولیدکنندگان نخواهد داشت. همچنین قسمت هایی که پیشنهاد می شود معافیت آنها ادامه پیدا کند به دلیل این است که با توجه به حمایت ناچیز دولت و کم بودن درآمد، چنانچه مالیاتی وضع شود بر انگیزه تولیدکنندگان آن قسمت اثر منفی می گذارد. نکته ای که در مورد مالیات بر درآمد ناشی از فعالیتهای کشاورزی باید بدان اشاره کرد این است که با توجه به تأثیر شدید متغیرهای محیطی از جمله شرایط جوی (بارندگی، درجه حرارت و ...) و آفات و از سوی دیگر با توجه به وضعیت خاص بازار محصولات کشاورزی و نوسانات دوره ای قیمت در این بازار، درآمد مؤدی دارای نوسانات نسبتاً زیادی خواهد بود. همچنین به دلیل عدم همخوانی با سیاستهای دولت مبنی بر محوریت بخش کشاورزی در نتیجه نمی توان بر روی مالیات حاصل از این بخش به عنوان یک بخش مطمئن از درآمدهای مالیاتی تکیه نمود.

تحقیق حاضر با مساعدت و حمایت معاونت اموراتصادی وزارت اموراتصادی و دارایی انجام گرفته و شایسته است از آقایان دکتر مرتضی قره‌باغیان معاون محترم اموراتصادی و مصطفی ضرغامی سرپرست محترم دفتر تحقیقات و سیاستهای مالی به خاطر حمایت و فراهم آوردن موجبات انجام این تحقیق تشکر و قدردانی فراوان گردد. از همکاران محترم آقایان محسن کلانتری بنگر و مجید آقاعلی و سرکار خانم مریم گرامی که در تهیه این تحقیق همکاری کرده‌اند بسیار سپاسگذارم. همچنین از همکاری صمیمانه آقایان بابک دائی و عباس باقر کلانتری در دفتر معاونت اموراتصادی تقدیر و تشکر می‌شود. از سرکار خانم جان نثاری تایپیست دفتر مالی تشکر و قدردانی می‌شود.

امید است نتایج این تحقیق برای برنامه ریزان و مسئولان امر مالیاتی مفید واقع شود. تردیدی نیست که تحقیق مزبور نمی‌تواند عاری از نقص باشد و مسئولیت کلیه ایرادات و کاستی‌ها بر عهده اینجانب است، لذا استدعا دارم صاحب‌نظران و محققان محترم با نقد و بررسی و ارائه رهنمودها اینجانب را در غنی ساختن تحقیقات آتی یاری نمایند.

مسئول مطالعه و اجرای طرح

الله محمد آقائی

۱ بررسی جایگاه و اهمیت معافیت‌های مالیاتی

۱-۱ مقدمه

مالیات یکی از مهمترین ابزارهاست که دولتها توسط آن سه هدف تخصیص منابع اقتصادی، توزیع مجدد درآمد و تأمین هزینه‌های خود را پوشش می‌دهند. وضع مالیات یا اعطای معافیت مالیاتی علاوه بر تأمین اهداف درآمدی دولت به مسأله تخصیص بهینه منابع و توزیع مجدد درآمد نیز توجه دارد. اخذ مالیات از یک فعالیت خاص یا اعطای معافیت مالیاتی به آن بیشتر در جهت تخصیص بهینه منابع صورت می‌گیرد. علاوه بر این، اعطای معافیت مالیاتی به برخی فعالیتها در مناطق خاص علاوه بر هدف تخصیص منابع، هدف توزیعی را نیز دنبال می‌کند. به همین منظور دولتها در چارچوب قوانین مالیاتی بر حسب شرایط موجود به اخذ مالیات یا اعطای معافیت مالیاتی می‌پردازند تا

بدین وسیله ضمن دستیابی به اهداف درآمدی و عدالت اجتماعی، جهت دهی به فعالیت‌های اقتصادی را نیز پوشش دهند. البته اعطای معافیتها و تعیین حد و مرز آنها در کشورهای مختلف با توجه به اهدافی که آن جامعه تعقیب می‌کند، متفاوت می‌باشد. به عبارت دیگر نیازهای هر جامعه تعیین کننده خط مشی‌های لازم در قانونمندی آن جامعه می‌باشد.

در کشور ما نیز دولت بر اساس اهداف خاصی اقدام به اعطای معافیت به بخشهای خاص از جمله کشاورزی بطور عام و فعالیتهای خاص، مانند فعالیتهای صنعتی و معدنی و همچنین معافیت منطقه‌ای، مانند مناطق محروم نموده است. یکی از مهمترین معافیتها و در واقع حمایت‌های مالیاتی اعطا شده از سوی دولت در قالب مواد ۴، ۸۱، ۱۲۷ و ۱۴۱ قانون مالیاتهای مستقیم می‌باشد که طبق این مواد قانونی، درآمد حاصل از کلیه فعالیتهای کشاورزی و املاکی که برای تولیدات کشاورزی استفاده می‌شوند، همچنین صددرصد درآمد حاصل از صادرات محصولات تمام شده بخش کشاورزی و صنایع تبدیلی و تکمیلی آن از شمول مالیات معاف‌اند.

در این مطالعه ما به دنبال اهداف کسب درآمد و تخصیص منابع از طریق اخذ مالیات از کشاورزان هستیم. ولی ابتدا باید مشخص شود که آیا از بخش کشاورزی اصولاً بایستی مالیات گرفته شود یا خیر؟ یا در مرحله بعد از چه زیربخشهایی مالیات گرفته شود؟ میزان آن چقدر باشد؟

بطور کلی برای وضع و اخذ مالیات در مورد هر منبع درآمدی دو شرط مطرح می‌باشد که در این طرح مورد بررسی قرار می‌گیرند. یکی شرط لازم که عبارتست از وجود منابع بالقوه مالیاتی و دیگری شرط کافی که عبارتست از:

الف) امکان تجهیز عوامل مورد لزوم جهت شناسایی و اخذ مالیات (داشتن توجیه اقتصادی).

ب) هم جهت بودن اخذ مالیات از یک منبع خاص با سایر اهداف و سیاستهای

دولت.

در فصل حاضر ابتدا راجع به اهمیت و جایگاه درآمدهای مالیاتی بحث نموده، سپس ضمن تشریح مبانی تئوریک معافیت‌ها و اهمیت آن، تاریخچه مالیات بر کشاورزی، روش‌های ممکن وضع مالیات و نیز مطالعات انجام شده در مورد معافیت بخش کشاورزی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱-۲ ضرورت وضع مالیات

در جوامع امروزی دیگر نقش دولت منحصر به حفظ نظم و تأمین امنیت نبوده و ابعاد مختلف از فعالیتهای اقتصادی و غیر اقتصادی را شامل می‌شود. بطوری که در عصر حاضر علاوه بر حفظ نظم و امنیت و تصویب و اجرای قوانین، انجام فعالیتهائی نظیر توسعه امور زیربنائی، انجام سرمایه گذاری‌های اجتماعی، رفع نقایص بازار، رفع موانع و تنگناهای ساختاری، ایجاد تعادل در بازارهای پولی و مالی، ایجاد فضا و جو مناسب برای رشد و شکوفائی خلاقیتها و پویائی رشد اقتصادی برای دولتها لازم می‌باشد. که در این صورت، به موازات گسترش وظایف دولت، دسترسی به منابع مالی با اهمیت‌تر می‌شود و در نتیجه مالیات‌ها به عنوان اصلی‌ترین منبع تأمین درآمدهای دولت، نقش مهمتری را بر عهده می‌گیرند.

به طور کلی ضرورت وضع مالیات در اقتصاد از سوی دولت دستیابی به اهداف زیر است^(۱):

توزیع مجدد درآمد

اساساً از جمله اهداف مهم دولت در قالب مفهوم عدالت اجتماعی توجه به توزیع

۱. محمود محضرنیا، برآورد کشش‌های مالیاتی و پیش‌بینی درآمدهای مالیاتی در اقتصاد ایران پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی سال ۱۳۷۴.

درآمد و ثروت در جامعه است. یکی از برنامه‌ها و سیاستهای دولتها، استفاده از سیاستهای مالیاتی جهت توزیع مجدد درآمد است. همچنین یکی از مالیاتهایی که در توزیع درآمد اثرات فراوانی دارد و در کاهش نابرابری موثر و مفید است مالیات بر درآمد بر مبنای نرخ تصاعدی می‌باشد. این نوع مالیات بیشتر بر دوش افراد با درآمد بالا قرار می‌گیرد و در کاهش نابرابری موثر است. تفکیک جامعه به دو قطب فقیر و غنی سبب شده که اقتصاددانان راه حل «توزیع مجدد درآمد و ثروت» را در جامعه به دولتها پیشنهاد کنند. این امر از طریق کمکهای بلاعوض نقدی و غیر نقدی، پرداخت یارانه و ارائه خدمات عمومی رایگان یا ارزان قیمت به اقشار کم درآمد و توزیع میان آنها، می‌تواند شکاف درآمدی بین اقشار فقیر و غنی را تا حدود زیادی کاهش دهد.

ایجاد توازن در بودجه دولت (کسب درآمد)

اقتصاد دانان در بحث تعادل بودجه بر این نکته تاکید می‌کنند که وجود کسری بودجه مداوم یعنی فرونی مخارج بر دریافتیهای دولت می‌تواند عواقب وخیمی را برای اقتصاد بوجود آورد. کسری بودجه با افزایش تقاضای بازار و نقدینگی در جامعه، زمینه بروز فشارهای تورمی را پدید می‌آورد. وجود کسری بودجه به خصوص در بودجه جاری مسأله آفرین است. زیرا در مقابل هزینه‌های جاری انجام شده، کالاهائی تولید نمی‌شود تا جوابگوی تقاضای اضافی بوجود آمده باشد. اما چنانچه دولت از پشتیبانی مالی، دست کم به اندازه تأمین هزینه‌های جاری بهره‌مند باشد، تا حدود زیادی از بروز این عوارض جلوگیری کرده است. یکی از وظایف مالیات، در وهله اول تأمین هزینه‌های جاری دولت و سپس پشتیبانی از طرحهای عمرانی است.

ابزاری برای سیاست‌گذاری‌های اقتصادی (تخصیص منابع)

رشد متعادل و متوازن بخشهای اقتصادی و عدم پیشی گرفتن بعضی از بخشهای

خاص اقتصادی و غیر ضروری نیز از اهداف دیگر وضع مالیات‌ها می‌باشد. رشد متوازن بخش‌های اقتصادی و جلوگیری از عدم تمرکز امکانات در مناطق خاص از جمله اهدافی است که در اقتصاد هر کشور دنبال می‌شود. توفیق در این زمینه باعث می‌شود، امکانات و منابع میان فعالیتهای اقتصادی در بخش‌های مختلف و مناطق گوناگون کشور، بطور متناسب و معقول توزیع شود و امکان رشد را برای افراد جامعه به طور یکسان و عادلانه فراهم کند. برای مثال چنانچه با عنایت به وضعیت اقتصاد ایران دولت تمایل نداشته باشد که بخش خدمات بیش از بخش‌های دیگر رشد داشته باشد و یا فی المثل رشد بخش کشاورزی سریعتر از سایر بخش‌ها باشد در این صورت با تنظیم مالیات‌های خاص و تعیین نرخهای آن، یا معافیت‌های خاص، سرمایه و به طور کلی منابع بکار رفته در بخش‌ها را به سمت بخش مورد نظر سوق خواهد داد و این در واقع نوعی سیاست‌گذاری هدایت شده می‌باشد. یعنی دولت با تعیین نرخها و...، نوعی سیاست‌گذاری با هدف رشد یک بخش خاص را اعمال نموده است.

هدف اول را هدف اجتماعی وضع مالیات و هدف دوم و سوم را اهداف اقتصادی وضع مالیات می‌توان نام نهاد.

۳-۱ اهمیت و جایگاه درآمدهای مالیاتی در ساختار اقتصاد کشور

علی رغم اهمیت درآمدهای مالیاتی به عنوان مهمترین منبع بالقوه درآمدی دولت و نقش آنها در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، این نوع درآمدها جایگاه واقعی خود را در بودجه دولت و ساختار اقتصادی کشور دارا نیستند. عمده‌ترین دلایل این امر اتکاء بیش از حد به درآمد نفت و مشکلات موجود در ساختار نظام مالیاتی کشور است. جدول شماره (۱-۱) میزان و سهم هر یک از اجزاء اصلی درآمد عمومی دولت را طی دوره ۱۳۶۰-۷۶ نشان می‌دهد. با توجه به سهم بالای درآمد نفت از کل درآمد عمومی نوسانات درآمدهای دولت عمدتاً متأثر از نوسانات درآمد حاصل از فروش نفت

می باشد که به تبع آن درآمدهای مالیاتی نیز دستخوش نوسان گردیده است. دولت در صورتی می تواند به درآمدهای مالیاتی به عنوان منبع تأمین مالی با ثبات متکی باشد که اولاً فعالیتهای اقتصادی به صورتی تنظیم گردند که کمترین اتکا و نیاز به ارز حاصل از فروش نفت را داشته باشند، ثانیاً امکان تمرکز کلیه درآمدهای مالیاتی و همچنین یکسان و شفاف سازی کلیه عوارض فراهم گردد. تنها در این صورت است که دولت می تواند به درآمدهای مالیاتی مطمئن و با ثبات اتکاء نموده و بعلاوه از مالیات به عنوان یک اهرم مالی مؤثر (علاوه بر تأمین منابع جهت هزینه های ضروری) در تعدیل توزیع درآمد و ثروت و هدایت فعالیتهای اقتصادی جامعه در مسیری که رشد اقتصادی مطلوب را به دنبال داشته باشد، استفاده نماید. لذا توجه به درآمدهای مالیاتی و تأکید بر نقش اساسی آن بیش از پیش آشکار می گردد. با وجود برخورداری درآمدهای مالیاتی از نرخ رشد مطلوب طی سنوات اخیر (متوسط نرخ ۳۷/۱ درصد طی پنج سال اخیر) این منبع درآمدی هنوز از پتانسیل واقعی خود فاصله زیادی دارد.

جدول شماره (۱-۷۶): میزان و سهم اجزاء درآمدهای عمومی دولت (۷۶-۱۳۶۰)

سال	درآمد عمومی دولت		درآمد نفت و گاز		درآمد مالیاتی		سایر درآمدها	
	مبلغ	سهم	مبلغ	سهم	مبلغ	سهم	مبلغ	سهم
۱۳۶۰	۱۷۰۲/۹	۰/۵۵	۹۳۷/۹	۰/۲۳	۵۵۴/۱	۰/۱۲	۲۱۰/۹	۰/۱۲
۱۳۶۱	۲۳۹۱/۶	۰/۶۵	۱۵۶۳/۴	۰/۳۶	۶۱۳/۹	۰/۰۹	۲۱۴/۲	۰/۰۹
۱۳۶۲	۲۶۰۰/۱	۰/۶۱	۱۵۸۵/۳	۰/۳۱	۷۹۶/۵	۰/۰۸	۲۱۸/۳	۰/۰۸
۱۳۶۳	۲۶۳۵/۶	۰/۴۹	۱۲۸۲/۲	۰/۳۴	۸۹۸/۷	۰/۱۷	۴۵۴/۷	۰/۱۷
۱۳۶۴	۲۶۹۱/۴	۰/۴۴	۱۱۸۸/۶	۰/۳۸	۱۰۳۳/۷	۰/۱۷	۴۶۹/۱	۰/۱۷
۱۳۶۵	۱۷۸۱/۸	۰/۲۳	۴۱۶/۸	۰/۵۸	۱۰۲۴/۶	۰/۱۹	۳۴۰/۵	۰/۱۹
۱۳۶۶	۲۲۱۰/۸	۰/۳۵	۷۶۶/۲	۰/۴۷	۱۰۳۰/۳	۰/۱۹	۴۱۴/۳	۰/۱۹
۱۳۶۷	۲۰۹۸/۹	۰/۲۲	۶۶۷/۹	۰/۴۷	۹۸۶/۵	۰/۲۱	۴۴۴/۵	۰/۲۱
۱۳۶۸	۳۱۸۱/۴	۰/۲۴	۷۷۰/۸	۰/۳۷	۱۱۸۷/۸	۰/۳۸	۱۲۲۲/۸	۰/۳۸
۱۳۶۹	۵۶۳۸/۵	۰/۲۰	۱۱۱۸/۳	۰/۳۰	۱۶۹۴/۹	۰/۵۰	۲۸۲۵/۲	۰/۵۰

ماخذ: قوانین بودجه سالانه کل کشور.

ادامه جدول شماره ۱-۱: میزان و سهم اجزاء درآمدهای عمومی دولت (۷۶-۱۳۶۰)

سال	درآمد عمومی دولت		درآمد نفت و گاز		درآمد مالیاتی		سایر درآمدها	
	مبلغ	سهم	مبلغ	سهم	مبلغ	سهم	مبلغ	سهم
۱۳۷۰	۷۰۰۳/۶	۱۰۳۸/۶	۰/۱۵	۲۷۶۵/۲	۰/۳۹	۳۱۹۹/۷	۰/۴۶	
۱۳۷۱	۹۹۵۹/۶	۵۱۴۱/۳	۰/۵۲	۳۷۷۳/۴	۰/۳۸	۱۰۴۴/۹	۰/۱۰	
۱۳۷۲	۲۰۳۶۱/۸	۱۴۶۸۳/۲	۰/۷۲	۴۰۶۱/۳	۰/۲۰	۱۶۱۷/۲	۰/۰۸	
۱۳۷۳	۲۹۳۲۸/۹	۲۱۴۷۹/۷	۰/۷۳	۵۴۹۰/۸	۰/۱۹	۲۳۵۸/۴	۰/۰۸	
۱۳۷۴	۴۱۸۵۰/۶	۲۶۶۶۶/۲	۰/۶۴	۷۳۱۲/۹	۰/۱۷	۷۸۷۱/۳	۰/۱۹	
۱۳۷۵	۵۷۳۵۰/۱	۳۲۷۴۵/۷	۰/۵۷	۱۲۵۶۰/۱	۰/۲۲	۱۲۰۴۴/۲	۰/۲۱	
۱۳۷۶	۵۵۰۷۳/۵	۲۶۰۱۸/۱	۰/۴۰	۱۷۳۴۴/۵	۰/۲۷	۲۱۷۱۰/۸	۰/۳۳	

۱-۴ اهمیت مطالعه معافیت‌های مالیاتی

انتخاب پایه مالیاتی فقط یک گام از مجموعه اقداماتی است که نظام مالیاتی هر کشور را می‌سازد. موارد دیگری که در نظام‌های مالیاتی بایستی به درستی شناخته شود، استثنائات و معافیت‌های اعطاء شده در نظام مالیاتی است که سبب تغییر در پراکنش آثار سیاست‌های مالیاتی کشور می‌شود. انتخاب هدف و موارد بخشودگی یا معافیت، کار بسیار پیچیده‌ای است که حتی با مطالعات تحقیقی گسترده نمی‌توان از صحت تشخیص، اطمینان یافت. قانون و قواعدی که برای معافیت‌ها در یک کشور یا در یک سازمان انتخاب می‌شود، لزوماً برای سایر کشورها و در زمان‌های متفاوت با همان اعتبار قابل استفاده نیست. در هر صورت هر انتخابی که انجام گیرد، نقطه نظرات فردی مسئولان مالیاتی مؤثر بوده و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

از آنجا که هر نوع معافیت یا بخشودگی مالیاتی در نهایت نوعی تبعیض در مورد مؤدیان می‌باشد، نظام مالیاتی بایستی دلایل و مدارک لازم را در اختیار داشته و در هر صورت رفتار خود را توجیه نماید. بدیهی است با دگرگون شدن وضعیت حاکم بر اقتصاد، موارد استثناء و معافیت هم باید تغییر یابد.

در مورد مجموعه قوانین مالیاتی ایران موارد متعددی از بخشودگی، فعالیت‌های شناسائی نشده و معافیت‌های پنهان وجود دارد که بدون بررسی آنها نمی‌توان آثار توزیعی - تخصیص - مالیات‌های موجود را به درستی ارزیابی کرد. وجود منابع سرشار ارزی حاصل از صادرات نفت عاملی بوده که دولت را نسبت به فعالیت‌های شناسائی نشده و انواع معافیت‌های متفاوت ساخته است. بنابراین طی سال‌های مختلف گروه‌هایی که این درآمدها را داشته‌اند یا به این قبیل منابع دست یافته‌اند، توانسته‌اند ثروت قابل ملاحظه‌ای بدست آورند. با کاهش درآمدهای نفتی و افزایش جمعیت، درآمدهای مالیاتی دولت به تدریج مهمتر شده‌اند و در این چارچوب توجه به معافیت‌های مالیاتی اولویت یافته است.

عوامل مختلفی موجب به وجود آمدن معافیتهای پنهان در سیستم مالیاتی کشور می‌شوند. مهمترین این عوامل عبارتند از:

۱. استفاده از روش معاملاتی برای املاک، مستغلات و انواع مختلف دارایی‌های واقعی که بسیار پایین‌تر از قیمت بازار می‌باشد.

۲. انجام انواع مبادلات به ارز به جای پول ملی با اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی.

۳. وجود واسطه‌ها و دلالان در مبادلات داخلی.

معافیتهای آشکار نیز به اشکال مختلف و در ابعاد گوناگون وجود دارد. برخی از این معافیتها برای یک دوره بسیار طولانی وجود داشته مثل کشاورزی و برخی دیگر به صورت موردی برقرار شده است.

یکی از مواردی که در ارزیابی اثرات انواع معافیتهای مالیاتی باید به آن توجه داشت این است که دولت از دریافت چه میزان منابع مالی محروم می‌شود و جوهی که بدست دولت نمی‌رسد در دست کدام گروه از افراد جامعه باقی می‌ماند؟ در این چارچوب با ارزیابی مزایا و معایب هر معافیت می‌توان به لزوم وجود یا عدم وجود معافیت آشکار یا پنهان پی برد.

گردآوری و تدوین اطلاعات درباره ماهیت انواع معافیتها یکی از اقدامات ضروری است که به مطالعه‌ای همه جانبه نیاز دارد. اگر چه مطالعات موردی درباره برخی معافیتها وجود دارد، ولی به نظر می‌رسد که مطالعه‌ای جامع به خصوص در مورد معافیت بخش کشاورزی انجام نشده و ضرورت انجام چنین مطالعه‌ای انکارناپذیر است.

۱-۵ مبانی تئوریک معافیتهای مالیاتی

معافیت مالیاتی طبق تعریف، تخفیف قسمتی و یا حتی کل مالیات حقه یک شخصیت حقیقی یا حقوقی برای مدتی طولانی یا کوتاه مدت است و به عنوان ابزار حمایتی متداول در کنار سایر سیاستهای حمایتی توسط دولت بکار گرفته می‌شود.

استفاده از این سیاست در هر مورد، توجیهات اقتصادی و اجتماعی خاص خود را دارد اما در هر حال معافیت مالیاتی برای حمایت از یک منطقه مشخص، فعالیت ویژه و یا به منظور کمک به قشری خاص اعطا می‌شود.

یکی از اهداف معافیت‌های مالیاتی افزایش بازدهی عوامل تولید بخش‌های مورد نظر می‌باشد. در این روش دولت با برقراری سیاست حمایتی از تولیدکنندگان داخلی این فرصت را در اختیار آنان قرار می‌دهد تا بتوانند وضعیت خود را بهبود بخشیده و به اصلاح ساختار مالی و فنی خود بپردازند^(۱).

تانزی انگیزه‌های معافیت مالیاتی را در رسیدن به هدف تخصیص بهینه منابع و اهداف اجتماعی بیان می‌کند^(۲). محرک‌های مالیاتی انواع مختلفی دارند که از آن جمله می‌توان به روش معافیت مالیاتی کامل (دوره‌ای)^(۳)، نرخهای استهلاک فزاینده و محاسبه فوری مخارج سرمایه‌گذاری و اعتبار مالیاتی سرمایه‌گذاری (ITC)^(۴) اشاره نمود^(۵).

از نگاهی علمی‌تر، معافیت مالیاتی همانند کاهش نرخهای مالیاتی یک نوع سیاست مالی انبساطی به حساب می‌آید. بطور کلی سیاست مالی به اتخاذ مجموعه تدابیر سنجیده و هماهنگ از طرف دولت درباره مالیاتها و مخارج دولتی اطلاق می‌شود. هدف از این تدابیر علاوه بر تنظیم جریان دخل و خرج عمومی، نیل به یک یا چند هدف از اهداف اشتغال کامل، تثبیت قیمتها، رشد اقتصاد ملی و بالاخره تعادل تراز پرداختها

1. Carlos. A. Griffiths, "Special Tax Incentives", IMF Occasional paper No, 8, PP, 33-36.

2. Tanzi, Vito "Is The request for Public Sector efficiency in developing countries", Paper presented at the Thrity - Eight congress Internationall inqueste of public Finance, 1982

3. Tax Holiday.

4. Investment Tax credit.

5. Sanchez, U. Fernando, "Rationality of Income tax Incentives in developing countries", Supply Side Tax policy, IMF, 1987.

می باشد.

در بین ابزارهای سیاست مالی، مالیاتها از اهمیت خاصی برخوردارند. سیاستهای مالیاتی به طرق مختلف می توانند عاملی برای تشویق سرمایه گذارها باشند که یکی از مهمترین انواع آن، استفاده از معافیت مالیاتی است. لیکن برخلاف تصور رایج، اجرای این سیاست ساده نیست و نادیده گرفتن بعضی از نکات به ظاهر کم اهمیت می تواند اثرات نامطلوبی بر اقتصاد بگذارد. به عبارت دیگر، هنگام استفاده از سیاست معافیت مالیاتی سیاست گذاران باید به نکات ظریف و حساس توجه داشته باشند تا اثرات مثبت اجرای آن بر بخشهای مختلف اقتصاد هر چه بیشتر نمایان شود و در عوض مضار اعمال این سیاست به حداقل برسد. بنابراین برای بهره مندی کامل از نتایج اعمال سیاست معافیت مالیاتی و به حداقل رساندن اثرات منفی احتمالی آن رعایت نکاتی به شرح زیر و توجه جدی به آنها ضروری است:

۱. مهمترین موضوعی که در به کار بردن سیاست معافیت مالیاتی باید مورد توجه قرار بگیرد تشخیص صنایع یا بخشهایی است که حق استفاده از این بخشودگی را دارند. یک اصل کلی که در این مورد باید ملاک عمل قرارگیرد آن است که معافیت مالیاتی باید بیشتر منطبق بر سیاست توسعه ملی باشد. در این شرایط معافیت مالیاتی نه تنها موجب گسترش صنایع یا بخشهای مولد می شود، بلکه بطور غیر مستقیم درآمد مالیاتی دولت را نیز افزایش می دهد.

۲. موضوع دیگری که باید بدان توجه داشت، مدت و میزان استفاده از معافیت مالیاتی است. نکته حائز اهمیت در زمینه مدت و میزان معافیت مالیاتی این است که اعمال این سیاست باید طی یک دوره از پیش تعیین شده صورت گیرد و به تدریج درصد معافیت کاهش یافته و در نهایت به صفر برسد. این امر موجب می شود کارایی افزایش یابد و از منابع محدود به نحو اقتصادی تری استفاده شود. این روش وقتی مؤثرتر خواهد بود که اعطای معافیت مالیاتی سالهای بعد، ضمن کاهش درصد معافیت منوط به افزایش

کارایی باشد.

اگر معافیت مالیاتی برای دوره‌ای طولانی و با ضریب ثابتی - مانند اکثر معافیت‌های مالیاتی در ایران^(۱) عطا شود نه تنها کارایی افزایش نخواهد یافت بلکه به محض پایان یافتن دوره معافیت، ممکن است فعالیت ورشکست شده و از حیات اقتصادی باز ماند.

۳. در اجرای هرگونه سیاست حمایتی از جمله معافیت مالیاتی باید به این نکته توجه شود که تمامی تولیدکنندگان یک کالای مشابه (اعم از دولتی و خصوصی) از حمایت مورد نظر برخوردار شوند. اگر حمایت مورد نظر فقط از بخشهای دولتی به عمل آید، بخشهای خصوصی مشابه قادر نخواهند بود با آنها به رقابت پرداخته و از گردونه فعالیت خارج می‌شوند. این فرایند بدون شک با هدف اولیه اتخاذ سیاستهای حمایتی (یعنی افزایش و تقویت تولید ملی) مغایر می‌باشد و موجبات کند شدن روند توسعه اقتصادی کشور را فراهم خواهد آورد.

۴. آخرین نکته مهم در اتخاذ سیاست معافیت مالیاتی، دامنه و وسعت استفاده از آن است. این واقعیت که معافیت‌های مالیاتی همیشه بر هزینه هستند غیر قابل انکار است، زیرا سیاست مذکور موجب کاهش درآمد مالیاتی دولت می‌شود. در چنین شرایطی معمولاً گروه‌هایی که از معافیت مالیاتی استفاده نمی‌کنند، با نرخهای بالاتر مالیاتی مواجه می‌شوند. به عبارت دیگر هر چه میزان استفاده از سیاست معافیت مالیاتی گسترده‌تر شود، بار مالیاتی بهره‌مندان از معافیت بر روی دوش سایرین قرار می‌گیرد و فشار مالیاتی را بر آنان افزایش می‌دهد.

۱-۵-۱ انواع معافیت‌های مالیاتی

معافیتها با توجه به اهداف توزیع درآمد و تخصیص بهینه منابع و جهت بخشیدن به

۱. معافیت‌های مندرج در مواد ۱۳۲، ۱۳۳ و ۱۳۴ قانون مالیات‌های مستقیم.

فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، متناسب با اهداف هر جامعه، به روشهای گوناگون اعمال می‌گردند. متداولترین این روشها را می‌توان به دو دسته تقسیم بندی نمود. دسته اول، معافیهایی که پس از حصول درآمد و ثمر بخشی فعالیت اقتصادی اعطا می‌گردد که هدف عدالت اجتماعی و بهبود توزیع درآمد را دنبال می‌کند. دسته دوم، معافیهایی که قبل از انجام هرگونه سرمایه‌گذاری و به منظور جهت دهی به روند سرمایه‌گذاری اعطا می‌شوند. به بیان ساده‌تر معافیت‌های دسته اول در قالب معافیت‌های پایه درآمدی و دسته دوم در قالب معافیت‌های موضوعی اعمال می‌گردند.

الف) معافیت‌های پایه درآمدی

معافیت‌های پایه درآمدی به قسمتی از درآمد افراد تعلق می‌گیرد و بر حسب میزان درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی در محدوده سقف و کف درآمدی، درصدی از درآمد از پرداخت مالیات معاف می‌باشد. معافیت‌های اعطایی در بخشهای حقوق، مستغلات و ارث از این نوع می‌باشند.

معافیت پایه درآمدی در کلیه نظامهای مالیاتی رایج است و به منظور بهبود و توزیع درآمد و حفظ عدالت مالیاتی وضع می‌گردد. این نوع معافیتها پس از کسب درآمد و در زمان کسر مالیات اعمال می‌گردد. اگرچه معافیت‌های پایه درآمدی در تمامی کشورها اعمال می‌شود، اما هر یک روشهای اجرایی متفاوتی را مورد استفاده قرار می‌دهند. نحوه انتخاب اشکال مختلف این معافیت براساس شرایط کشورها صورت می‌گیرد و به طور کلی این معافیتها به سه روش زیر اعطاء می‌گردند:

۱. اعطای معافیت براساس هزینه‌های استاندارد شده

در برخی کشورها اعطای معافیت پایه درآمدی در قالب اقلام هزینه‌ای افراد صورت می‌گیرد. به بیان دیگر درآمد افراد کلاً مشمول مالیات می‌گردد و این مالیاتها جزء

درآمدهای مالیاتی منظور می‌گردد. سپس برخی از هزینه‌هایی که بطور معمول برای افراد وجود دارند تا میزان خاصی به عنوان هزینه‌های استاندارد در نظر گرفته می‌شود، و به صورت اعتبار مالیاتی یا مالیات برگشتی به افراد مسترد می‌گردد. اکثر کشورهای پیشرفته از این شیوه استفاده می‌کنند. کشورهای کانادا، فرانسه، آلمان و برزیل از جمله کشورهایی هستند که معافیت‌های پایه درآمدی را در این قالب اعطا می‌نمایند. کشورهایی که دارای درآمد مالیاتی بالا هستند و از نسبت مالیاتی بالایی برخوردارند، در این بخش معافیت‌ها به صورت گسترده‌تری وجود دارند و اقلام هزینه‌ای بیشتری را مشمول معافیت نموده‌اند. به عنوان مثال در کشور فرانسه هزینه تهیه مسکن و تعمیرات اساسی آن مشمول معافیت می‌باشد.

۲. اعطای معافیت براساس حداقل درآمد

روش اجرای این شیوه از اعطای معافیت پایه درآمدی بدین صورت است که یک سطح درآمدی حداقل در نظر گرفته می‌شود و کلیه افرادی که دارای درآمد کمتر از میزان تعیین شده می‌باشند از پرداخت مالیات معاف شده و درآمد بیشتر از سطح معین، مشمول مالیات می‌گردد. نرخ این مالیات عمدتاً با تغییر درآمد، بطور تصاعدی اعمال می‌شود. در تعیین این نوع معافیت، علاوه بر سطح حداقل درآمد، تعداد افرادی که در این محدوده درآمدی خاص قرار می‌گیرند و همچنین بار هزینه‌ای آن قابل اهمیت می‌باشد و این امر در انتخاب شیوه اجرایی معافیت‌های پایه درآمدی مورد توجه است.

۳. اعطای معافیت بر اساس ترکیب هزینه و درآمد

یکی دیگر از روشهای متداول در تعیین تعلق معافیت‌های پایه درآمدی، لحاظ نمودن سطح حداقل درآمد مشمول مالیات در هزینه‌های استاندارد شده می‌باشد. بدین مفهوم که علاوه بر اینکه برخی از هزینه‌های افراد به عنوان هزینه‌های قابل قبول جهت معافیت مالیاتی در نظر گرفته می‌شود، یک حداقل درآمد نیز برای معافیت از پرداخت مالیات

تعیین می‌گردد. معمولاً در کشورهایی که از این روش استفاده می‌نمایند دامنه هزینه‌های استاندارد شده گسترده نمی‌باشد.

ب) معافیت‌های موضوعی

معافیت‌های موضوعی، معافیت‌هایی هستند که به منظور تأمین اهداف برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و ضروریات موجود صورت می‌پذیرد. اهداف اولیه اعطای این معافیت‌ها رونق بخشیدن به بخشی از فعالیتهای اقتصادی، سمت و سو بخشیدن به جریان سرمایه و ایجاد انگیزه جهت سرمایه‌گذاری‌های خاص بوده است. این نوع معافیت‌ها از جمله معافیت‌هایی هستند که به قبل از حصول درآمد تعلق گرفته و با هدف تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی افراد وضع می‌گردند. اعطای این معافیت‌ها به دو شکل زیر انجام می‌پذیرد:

۱. اعطای معافیت بخشی

اعطای معافیت به بخشهای اقتصادی زمانی انجام می‌شود که بخش خاصی از اقتصاد، دچار رکود عملیاتی شدید گردیده و درآمدهای ناشی از آن بخش بسیار ناچیز می‌باشد. لذا رونق اقتصادی آن مشروط به ایجاد انگیزه‌های قوی مالی جهت جذب سرمایه و نیروی کار می‌باشد و معافیت مالیاتی به عنوان یکی از این انگیزه‌ها بکار گرفته می‌شود. این معافیت می‌تواند برای مقطع زمانی خاص یا بطور محدود اعطا گردد و انتخاب نوع معافیت متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی هر کشور متفاوت می‌باشد.

۲. اعطای معافیت به سرمایه‌گذاری‌های خاص

اعطای معافیت به برخی سرمایه‌گذاری‌های خاص در اکثر کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نوع معافیت برحسب شرایط اقلیمی، اجتماعی و اقتصادی هر کشور، همچنین با توجه به برنامه ریزیهای انجام شده در هر منطقه متفاوت می‌باشد. در مواردی

که نوعی فعالیت خاص به دلایلی از جمله سختی کار و عدم وجود امکانات مناسب زندگی از جاذبه لازم جهت جذب سرمایه و نیروی انسانی برخوردار نیست، دولتها به دلیل نیاز به آن فعالیت و ضرورت‌های زمانی با دادن امتیازات و معافیت‌ها سعی در ایجاد انگیزه‌های لازم برای آن رشته خاص دارند. همچنین در مناطق خاصی از کشور به دلیل دوری از مرکز و کمبود امکانات مناسب برای زندگی، دولت به منظور تأمین نیازهای اقتصادی و استفاده از مزایای این مناطق ملزم به ایجاد انگیزه‌های مالی لازم می‌باشد. استفاده از این نوع معافیت در اکثر قریب به اتفاق کشورها معمول است.

۱-۵-۲ ویژگی‌های وضع معافیت‌های موضوعی

وضع معافیت موضوعی در هر کشور با اهداف مختلف انجام می‌گیرد. اما اینکه گستردگی این معافیت‌ها به چه میزان باشد و تا چه مقطع زمانی ادامه یابد ارتباط نزدیکی با ویژگی‌های معافیت‌های اعطایی دارد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. محرک بودن

محرک بودن بدین مفهوم است که آیا معافیت‌های اعطایی قادر به ایجاد انگیزه لازم در سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مورد نظر دولت می‌باشند یا خیر؟ و این ایجاد انگیزه تا چه حد توان جابجایی سرمایه از مقاصد سودآور کنونی به سمت اهداف برنامه ریزی شده را دارد. بنابراین ملاحظه می‌گردد که وسعت امتیازات و بخشودگیها باید تا بدان حد باشد که سرمایه‌گذاران در ارزیابی اقتصادی طرح‌های سرمایه‌گذاری خویش، آنها را به عنوان ملاک و معیار انتخاب در نظر بگیرند. در غیر این صورت دولت متحمل خسارت ناشی از تقبل چنین هزینه‌هایی می‌گردد. به عبارت دیگر از یک سو درآمد مالیاتی به دلیل اعطای معافیت کاهش یافته است و از سوی دیگر جابجایی سرمایه در مسیر مورد نظر صورت نگرفته است.

۲. کم هزینه بودن

زمانی که بحث کم هزینه بودن معافیت‌های موضوعی مطرح می‌شود، هزینه فرصت

معافیت‌های اعطایی تداعی می‌گردد. آنچه که در تعیین و انتخاب این گونه معافیت باید در نظر گرفته شود، مقایسه میزان کارایی درآمد مالیاتی کاهش یافته ناشی از معافیت موضوعی و موفقیت‌آمیز بودن آن است و آیا سرمایه‌گذاری در مناطق یا فعالیتهای اقتصادی مورد نظر افزایش یافته یا خیر؟ با یک ارزیابی اقتصادی می‌توان به این سوالات پاسخ صحیح داد و در صورت مثبت بودن نتایج این بررسی، باید دوره زمانی سودآوری چنین معافیهایی نیز معین گردد. بطوری که زمان آغاز بازده نزولی اعطای معافیت مشخص شود تا آثار منفی ناشی از بکارگیری آن در بلند مدت، قابل کنترل و پیشگیری باشد.

۳. قابل جبران بودن

اعطای هر گونه معافیت مالیاتی به معنای کاهش بخشی از درآمدهای مالیاتی و هموار گردیدن راه برای ایجاد کسری بودجه می‌باشد. کاهش درآمد مالیاتی معضلات بی‌شماری به همراه خواهد داشت که به طور کلی می‌توان آن را در عدم پوشش هزینه‌های دولت، کسری بودجه، بدهی، کاهش قدرت خرید و مشکل بازپرداخت بدهیها خلاصه نمود. لذا دولتها قبل از تصمیم‌گیری در زمینه اعطای امتیازات و بخشودگی‌های مالیاتی باید در جستجوی منابع جبرانی، در مقابل درآمدهای از دست رفته ناشی از اعمال معافیت بوده و با قدرت بخشیدن به سایر منابع اخذ درآمد، درآمدهای از دست رفته را جبران نمایند. بطوری که با افزایش کوشش مالیاتی در سایر منابع اخذ مالیات و استفاده از روشهای بهینه اخذ مالیات سعی در بهبود درآمدها و جبران درآمد مالیاتی از دست رفته داشته باشند.

چنانچه معافیهای موضوعی اعطا شده، ویژگی‌های فوق‌الذکر را در بر داشته باشد، این امکان برای دولتها فراهم خواهد گردید تا با کمترین هزینه فرصت، کمبود درآمد مالیاتی را حتی‌الامکان از منابع دیگر جبران کنند و با ایجاد انگیزه در نیروی کار و سرمایه و جذب منابع اقتصادی به هماهنگ سازی کلیه فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی در قالب برنامه‌های تدوین شده پرداخته و دستیابی به اهداف خویش را هر چه بیشتر ممکن

سازند.

۱-۵-۳ انگیزه‌های معافیت مالیاتی

معافیت مالیاتی به عنوان یک ابزار حمایتی متداول در کنار سایر سیاستهای حمایتی، توسط دولت بکار گرفته می‌شود. یکی از مسائلی که در مورد معافیتها وجود دارد به دلیل محدودیت منابع مالی نمی‌توان به همه فعالیتها یا بخشها معافیت داد بلکه به بخشهایی که اهداف دولتها را بیشتر تأمین می‌کند معافیت داده می‌شود، مثلاً اگر در جامعه‌ای بیکاری وجود داشته باشد و دولت بخواهد سطح بیکاری را کاهش دهد در این صورت به طرحها و فعالیتهایی که اشتغال را می‌باشند، معافیت اعطا می‌شود. مسأله دیگری که وجود دارد تأثیر و کارایی اعطای معافیت مالیاتی است. زمانی معافیت مالیاتی کاراست که اهداف مورد نظر از اعطای آن را پوشش داده و بتواند رفتار اقتصادی واحدهایی که معافیت به آنها اعطا شده را تغییر دهد. استفاده از سیاست معافیت مالیاتی در هر مورد توجیهات اقتصادی و اجتماعی خاص خود را دارد اما در هر حال معافیت مالیاتی برای موارد زیر اعطا می‌شود:

۱. تشویق سرمایه‌گذاری

سیاستهای مالیاتی به طرق مختلف می‌توانند عاملی برای تشویق سرمایه‌گذاری باشند و یکی از مهمترین انواع آن معافیت مالیاتی است. در اثر اعطای معافیت مالیاتی سود ناشی از سرمایه‌گذاری و به تبع آن نرخ بازدهی مورد انتظار سرمایه‌گذاری افزایش یافته که این امر موجب افزایش انگیزه سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری خواهد گردید. به عبارت دیگر در صورتی که سرمایه‌گذاری از پرداخت مالیات معاف باشد نرخ بازدهی داخلی^(۱) سرمایه از زمان پرداخت مالیات بیشتر خواهد بود. بدین ترتیب

۱. نرخ بازدهی داخلی سرمایه، نرخ تنزیلی است که در آن نرخ ارزش فعلی خالص ناشی از یک طرح سرمایه‌گذاری برابر صفر باشد. در هنگام سرمایه‌گذاری، از این نرخ به عنوان یکی از معیارهای تصمیم‌گیری استفاده می‌شود.

معافیت مالیاتی با افزایش نرخ بازدهی داخلی موجب تشویق سرمایه گذاران به سرمایه گذاری می گردد. اما باید توجه داشت که استفاده از معافیت مالیاتی به تنهایی تأثیر چندانی روی سرمایه گذاری نمی گذارد، زیرا عوامل متعدد دیگری چون نرخ تورم، نوسانهای ارزی، نرخ سود تسهیلات بانکی، فراهم بودن تأسیسات زیربنایی و... بر سرمایه گذاری تأثیر می گذارند.

۲. تشویق صادرات

یکی از انگیزه هایی که در اعطای معافیت مالیاتی مد نظر قرار می گیرد تشویق صادرات می باشد. برخی کشورها (مخصوصاً کشورهای توسعه یافته) انگیزه های سخاوتمندانه مالی به شکل معافتهای مالیاتی و پرداخت یارانه برای صنایع خود برقرار می نمایند. به عنوان مثال کشور ژاپن برای حمایت از صنایع صادراتی بخش خصوصی از این سیاست بیشترین استفاده را نموده است. روشهای اعطاء معافیت در این مورد متفاوت می باشد از جمله: اعطاء معافیت مالیاتی بر درآمد ناشی از سرمایه گذاری هایی که منجر به صادرات می گردد، معافیت واردات موقتی مواد خام، کالاهای واسطه ای و نهایی که در ساخت تولیدات صادراتی به کار می روند و معافیت کالاهای تولید شده داخلی که به خارج از کشور صادر می شوند (مثل محصولات کشاورزی). هدف از اعطاء معافیت در این مورد حمایت صنایع داخلی جهت رقابت در بازارهای جهانی، برتری نسبی در صادرات کالا و تحصیل ارز بیشتر می باشد.

۳. توسعه اقتصادی منطقه خاص

کمبود منابع و نبود امکانات اولیه در برخی مناطق، همواره فعالیت سرمایه های خصوصی داخلی و خارجی را در این مناطق با محدودیت روبرو می نماید. که این امر موجب توسعه نیافتگی مناطق مذکور و ایجاد دوگانگی و تشدید فقر و نابرابری منطقه ای می گردد. به منظور تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه گذاری و افزایش درآمد عمومی، برخی مناطق کشور (مثل مناطق آزاد تجاری) برای مدت خاصی از پرداخت مالیات معاف می گردند. یکی از اهداف

معافیت‌های مالیاتی توجه به مناطق خاص جغرافیایی که از لحاظ شاخصهای اقتصادی از سایر مناطق عقب مانده‌ترند، یا با مشکل بیکاری مواجه‌اند و یا اینکه برای فعالیتهای اقتصادی خاص و جذب سرمایه‌ها مستعدتر از سایر مناطق هستند، می‌باشد. مثلاً در کشور اکوادور جهت جذب متخصصان در مناطق خاص کشور، درآمد کسب شده توسط آنها از مالیات معاف می‌باشد.

۱-۶ راههای اعمال مالیات بر بخش کشاورزی

۱-۶-۱ مالیات‌های شخصی در مقابل مالیاتهای کالایی

مالیاتهای شخصی، مالیاتهایی هستند که بر حسب توانایی شخصی مؤدی مالیاتی تنظیم می‌گردد. در حالی که مالیاتهای کالایی، مالیاتهایی هستند که بر فعالیتها یا کالاها (یعنی بر خریده‌ها، فروشها) یا تملک املاک، مستقل از ویژگی‌های مبادله‌کننده یا مالک وضع می‌گردند.

در مالیاتهای کالائی، مالیات بر بنگاه یا بر خانوار وضع می‌گردد. اما مالیاتهای شخصی با توجه به ماهیت اصلی آنها باید بر مبادله پولی خانوار وضع گردد. بدین ترتیب اگر قرار است بر درآمد حاصل از فروش عوامل تولید به عنوان درآمد شخصی مالیات وضع گردد، در این صورت مالیات بر خانوار باید تحت عنوان مالیات بر درآمد شخصی وضع گردد. مالیاتی که بر پرداختهای بنگاه بابت عوامل وضع می‌گردد نمی‌تواند توان پرداخت مالیات دسته معینی از دریافت‌کنندگان درآمد را تمیز دهد. هر چند طبقه خانوار را می‌توان در جدول مالیات بر حقوق و دستمزد منظور نمود، نتیجه‌نهایی بابت تعیین بار مالیاتی را باید با یکایک افراد شاغل در بنگاه مورد ارزیابی قرار داد. به همین ترتیب، اگر قرار است بر مصرف به عنوان مصرف شخصی مالیات وضع شود، مالیات باید به شکل مالیات بر مخارج شخصی بر خانوار تحمیل گردد. مالیات بر فروش اگر به بنگاه وضع شود، نسبت به مصرف‌کننده معین واکنش خاصی نشان نمی‌دهد، بلکه با

تمام خانوارهایی که در معاملات کالاها مشمول مالیات می شوند، رفتار یکسانی خواهد داشت^(۱).

تمایز بین مالیاتهای شخصی و کالایی از بعد عدالت مالیاتی نیز از اهمیت حیاتی برخوردار است. عدالت را باید بر حسب توزیع بار مالیاتی بین مردم مورد ارزیابی قرار داد. از آنجا که بار تمام مالیاتها از جمله مالیاتهای وضع شده بر کالاها در نهایت به وسیله افراد تحمل می گردد، عدالت مالیاتی را بایستی براساس توزیع بار تحمیلی بین مردم ارزیابی نمود. بدین ترتیب در هر حالت مالیات کالایی نسبت به مالیاتهای شخصی که خوب طراحی شده و جوانب توانایی افراد را در نظر دارد از اعتبار کمتری برخوردار است. مالیاتهای شخصی از نقطه نظر عدالت نسبت به مالیاتهای تحمیلی بر بنگاه برتری دارند.

انتخاب مبنای مالیاتی به ساختار اقتصادی که وضع مالیات در آن صورت می گیرد و نیز اهرمهای مالیاتی این ساختار بستگی دارد. در یک جامعه کشاورزی که در آن بیشتر درآمد از زمینهای زراعی بدست آمده و به مصارف زراعی می رسد، اجرای روش مالیات بر درآمد فوق العاده مشکل است. مالیات بر املاک یا دام آن طور که در مستعمرات آمریکا متداول بود، راه حل عملی تری برای تخمین ظرفیت مالیاتی عرضه می دارد^(۲).

۱-۶-۲ مالیات بر درآمد کشاورزی

در این نوع مالیات، درآمدی که شخص حقیقی یا حقوقی از طریق اشتغال به فعالیتهای کشاورزی تحصیل می نماید مشمول مالیات بر درآمد کشاورزی است. مالیات بر درآمد، اثرهای نامناسب تخصیص مجدد منابع را نخواهد داشت، زیرا کلیه انواع

۱. ماسگربو، ریچارد و پگی ماسگربو، "مالیه عمومی در تئوری و عمل" جلد اول ترجمه مسعود محمدی و پدا... ابراهیمی فر، انتشارات سازمان برنامه و بودجه سال ۱۳۷۲.

۲. همان منبع پیشین.

درآمدها را با یک نرخ مشمول مالیات می‌کند. به عبارت دیگر اگر درآمد را به درآمد کار و سرمایه خلاصه کنیم، چون نرخ مالیات بر دستمزد و سرمایه برابر است تغییری در نسبت کار و سرمایه ایجاد نخواهد شد. مالیات بر درآمد کشاورزی با مشکلات اجرایی روبرو می‌باشد و تعیین درآمد کشاورزان مهمترین مسأله در این زمینه است. محاسبه و منظور کردن درآمد کشاورزان به نظر مشکل می‌آید زیرا راههای فرار از پرداخت مالیات در این روش بسیار زیاد است.

۱-۶-۳ مالیات بر صادرات محصولات کشاورزی

یکی از اقلامی که می‌تواند مشمول مالیات شود محصولات کشاورزی است که در داخل کشور تولید و در نهایت به دیگر کشورها صادر می‌شود. چنانچه محصولات بخش کشاورزی بیشتر از نیاز داخل باشد به خارج صادر شده و در اینجا ارزشی برای صادر کننده ایجاد می‌شود که یک نوع سود تلقی می‌گردد بنابراین بایستی مالیات آن پرداخت شود.

در کشورهای در حال توسعه به دلیل اینکه بسیاری از تولیدات بخش کشاورزی به منظور مصرف در داخل تولید می‌شود و میزان صادرات این محصولات خیلی پایین می‌باشد، این مالیات از کارائی کمتری برخوردار است، بنابراین درآمد مالیاتی وصول شده ناچیز خواهد بود. از طرف دیگر در صورت امکان صادرات این محصولات و ارزش آوری آنها که برای کشورهای در حال توسعه اهمیت فراوان دارد، وضع مالیات بر صادرات انگیزه صادر کنندگان را از بین می‌برد و آنها به دلیل به صرفه نبودن، اقدام به صادرات نخواهند نمود. لذا وضع این نوع مالیات چندان منطقی نمی‌باشد.

۱-۶-۴ مالیات بر عوامل تولید و تولید بخش کشاورزی

در این مورد، همانند بخش‌های صنعت و خدمات عوامل تولید و تولیدات بخش کشاورزی بایستی مشمول مالیات قرار گیرد. اما مشخص نمودن عوامل تولید خریداری

شده و نیز میزان نیروی کار به عنوان یکی از عوامل تولید، در عمل مشکل است. از طرف دیگر نوسان در تولیدات بخش کشاورزی به دلیل شرایط آب و هوایی باعث نوسان در درآمدهای مالیاتی می‌گردد. علاوه بر ایرادات فوق به دلیل فشار مالیات بر بخشهایی که تولید بیشتری در مقایسه با سایر بخشها دارند، بحث نابرابری عدالت افقی مطرح می‌گردد. برای اخذ مالیات می‌توان طرق مختلفی را انتخاب نمود که مالیات بر واحد محصول یا مالیات بر ارزش از جمله این راهها می‌باشند.

۱-۶-۵ مالیات بر زمین

در زمینه مالیات بر بخش کشاورزی می‌توان به پایه‌های مختلف مالیاتی علاوه بر مالیات بر محصولات اشاره نمود، از جمله معروفترین پایه‌های مالیاتی در این مورد مالیات بر زمین است. در بسیاری از جوامع در حال توسعه بخش کوچکی از کشاورزان قسمت عمده‌ای از زمین را در اختیار دارند. زمین یک دارایی آشکار غیر منقول است و با توجه به کشش ناپذیری عرضه آن، به عنوان یک شاخص ثروت افراد به کار می‌رود و مالیات بر اندازه زمین می‌تواند یکی از راههای اعمال مالیات بر بخش کشاورزی باشد. وضع مالیات بر زمین به شیوه‌ای مؤثر مستلزم ثبت دقیق زمین می‌باشد. این کار از نظر اصولی در مقایسه با اندازه‌گیری مبنای سایر مالیاتها از مشکلات چندانی برخوردار نیست چون صاحبان زمین و مالکین برای اثبات حقوق قانونی خود بر زمینهایشان از انگیزه قوی برخوردارند و همین انگیزه، ثبت دقیق زمین را ممکن می‌سازد. از نظر عدالت و کارایی به نظر می‌رسد که زمین مبنای طبیعی مالیات بندی بر کشاورزی باشد و اقتصاددانان از جمله دیوید ریکاردو و هنری جورج به زمین به صورت زیر نگرسته‌اند: ریکاردو درآمد ناشی از بهره مالکانه را یک نوع درآمد غیر مولد به حساب می‌آورد و به همین دلیل بهره مالکانه را به عنوان منبع اساسی مالیاتی دولت، بسیار مناسب می‌دانست. چون طبق عقاید فیریوکراتها زمین در اقتصاد به عنوان تنها عامل تولیدی به حساب می‌آید که قادر به تولید مازادی به نام «محصول ویژه» است، تمام مالیاتها نهایتاً به

مالکان زمین تحمیل می‌شود. جان استوارت میل پیشنهاد می‌کند که دولت می‌تواند با افزایش مالیات بر اراضی منابع مالی لازم را برای سرمایه‌گذاری‌های عمرانی بدست آورده و از این طریق از بیکاری و رکود جلوگیری کند. هنری جورج اقتصاددان آمریکایی نیز با مطالعاتی که در این مورد انجام داد به این نتیجه رسید که افزایش قیمت زمین، همچنین بهره مالکانه در ایالت کالیفرنیا علل اجتماعی و اقتصادی ای دارد که به هیچ وجه به فعالیت مالکان زمین مربوط نمی‌شود. از آنجا که بهره مالکانه یک نوع درآمد غیر مولد به حساب می‌آید، جورج طرفدار وضع مالیات بر اراضی بود، به نحوی که تمامی بهره مالکانه را در برگیرد و کل آن را به خزانه دولت انتقال دهد. او معتقد بود که هرگاه از تمامی زمینهای زراعی موجود مالیات دریافت گردد، درآمد حاصله دولت، برای پوشاندن تمامی هزینه‌های کافی خواهد بود. به این دلیل بود که پیشنهاد جورج نام جنبش «مالیات واحد» را به خود گرفت و طرفداران مالیات واحد به نظریه بهره مالکانه ریکاردو متوسل شدند^(۱).

یکی از سوالات اساسی که در مورد مالیات بر زمین مطرح است این است که آیا مالیات باید بر ارزش زمین وضع شود؟ از درآمد واقعی یا از درآمد بالقوه‌ای که در صورت استفاده کامل از زمین می‌تواند بدست آید؟ در یک نظام رقابت کامل، هر سه مبنا یکی هستند زیرا ارزش زمین با ارزش سرمایه‌ای درآمد آن، درآمد واقعی و درآمد بالقوه برابر است. ولی در عمل اینطور نیست. از زمین معمولاً استفاده کامل به عمل نمی‌آید و زمین برای هدف بورس بازی نگهداری می‌شود. همچنین بازار ممکن است محدود باشد و به سهولت نتوان به ارزش متداول فروش دست یافت. از اینرو، سه مبنای مختلف می‌توانند نتایج کاملاً متفاوتی به بار آورند. به علاوه، مالیات بر درآمد را به دشواری می‌توان در بخش کشاورزی به صورت کارا اعمال نمود. زیرا درآمد زمین معمولاً ترکیبی از مالیات بر درآمد و مالیات بر زمین است که نه فقط شامل اجاره زمین، بلکه درآمد کار روی زمین را نیز در بر می‌گیرد. مالیات بر زمین را بایستی فقط بر درآمد حاصل از زمین

۱. فریدون تفضیلی، تاریخ عقاید اقتصادی، انتشارات نشر نی سال ۱۳۷۲.

(منهای بازده ناشی از کار و سرمایه) اعمال نمود و دلیل محکمی وجود دارد که این گونه مالیات باید بر درآمد بالقوه و نه درآمد واقعی وضع شود^(۱).

۷-۱ تاریخچه مالیات بر کشاورزی

از ابتدای نظام مالیاتی کشور که به چند هزار سال قبل بر می گردد تا چند سال پیش یکی از منابع مالیاتی ایران درآمد بخش کشاورزی بود و البته مشکلترین کار دستگاه مالیاتی همانا تشخیص و وصول مالیات از اراضی کشاورزی بود. از چند سال پیش به دلیل حمایت از این بخش و تا حدودی هم به دلیل مشکلات وصول مالیات، کلیه فعالیتهای کشاورزی از مالیات معاف شد. در این قسمت ابتدا وضع مالیات بر کشاورزی از نظر قانونی بحث می شود سپس عملکرد آن مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

۱-۷-۱ مالیات بر درآمد املاک زراعی

این مالیات قدیمی ترین مالیاتهاست و از ابتدای پیدایش تاریخ مدون در ایران مرسوم بوده است. در دوران مشروطیت برای اولین بار در سال ۱۳۰۴ با تصویب قانون مالیات املاک اربابی و دواب اجازه وصول آن داده شد، سپس در طی زمان تغییراتی در احکام آن صورت گرفت. پایه و مأخذ این مالیات، درآمد حاصل از کشت و زرع اراضی زراعتی، مراتع و جنگلها، دامداری، فروش آب برای مصارف کشاورزی و درآمدهای مشابه آن است.

وصول مالیات املاک مزروعی مستلزم ممیزی دقیق املاک و سایر منابع درآمدی مشمول پرداخت آن می باشد و یکی از پرکارترین رشته های مالیاتی است. در قسمت بعد مقررات مالیات املاک مزروعی را تحت دو عنوان مورد بررسی قرار می دهیم:

1. Ricard. M. Bird "Taxing agricultural land in developing countries", cambridge, mass: Harward law school International tax program, 1973.

۱-۱-۷-۱ مالیات املاک مزروعی تا آخر سال ۱۳۴۵

به موجب قانون مالیات بر درآمد مصوب سال ۱۳۳۵ مالیات املاک مزروعی به مأخذ ۱۰ درصد از درآمد خالص مالکانه دریافت می‌گردید. درآمد خالص مالکانه طبق موازین زیر تشخیص داده می‌شد:

۱. در املاکی که دارای سابقه ممیزی سال‌های ۱۳۱۳-۱۳۰۵ بود، طبق ارقامی که در اوراق ممیزی از قبیل میزان مالکیت مالک، مقدار سطح زیر کشت ملک، سطح اراضی بایر، سطح باغات، مراتع، جنگلها، مقدار آب و سایر اطلاعات درج شده بود، درآمد ملک تعیین و سهم مالک بنابر عرف محل از درآمد مشخص می‌گردید. سپس $\frac{1}{10}$ این درآمد به عنوان مالیات وصول می‌شد.

۲. در املاکی که از سال ۱۳۲۸ به بعد دارای سابقه ممیزی بود نتیجه ممیزی پس از کسر سی درصد درآمد خالص مالکانه شناخته شده و $\frac{1}{10}$ آن به عنوان مالیات وصول می‌شد.

۳. در املاکی که در خلال سالهای ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۴ تمام یا قسمتی از آن به اجاره واگذار شده بود رقم مال الاجاره مندرج در سند، عایدات مالکانه محسوب می‌گشت. از جمع درآمد این املاک بیست درصد کسر و بقیه درآمد خالص مالکانه بود. همچنین به وزارت دارائی اجازه داده شده بود املاکی را که از سال ۱۳۲۸ به بعد ممیزی نشده بود با هزینه خود ممیزی نماید.

موعد پرداخت و نحوه وصول مالیات

مؤدیان مالیات املاک مزروعی بایستی مالیات خود را در هر سال به تناسب وضع محل و طبق تشخیص وزارت دارائی از اول تیرماه تا آخر آبان ماه می‌پرداختند.

معافیتها

درآمدهای زیر از پرداخت مالیات معاف شناخته شده بود:

- درآمد باغات جدید الاحداث تا ۵ سال از تاریخ بهره برداری.

- درآمد خرده مالکینی که جمع درآمد مالکانه آنها در سال از ۳۰۰۰۰ ریال بیشتر

نمی شد.

- درآمد زارعین بابت سهم زارعانه خود.

- املاک دولت، شهرداریها، و درآمد املاک آستان حضرت معصومه، آستان قدس رضوی و آستان عبد العظیم.

- درآمد املاک موقوفه که صرف امور خیریه و عام المنفعه می شد.

- درآمد ناشی از ایجاد تلمبه یا ساختمان سد و نهر و قنات جدید یا چاه عمیق در

املاک مزروعی تا ۱۰ سال از تاریخ بهره برداری.

- درآمد اراضی خالصه خوزستان تا ۵ سال از تاریخ بهره برداری.

تخفیف مالیاتی

چنانچه بر اثر بروز آفت یا حوادث غیر مترقبه درآمد ملکی کاهش می یافت، مالک می توانست قبل از برداشت محصول از اداره دارایی تقاضای رسیدگی کند. سپس نسبت به تقاضای او رسیدگی می شد و در صورت استحقاق از تخفیف مالیاتی استفاده می نمود.

۱-۷-۱-۲ قانون مالیاتهای مستقیم و مالیات بر درآمد کشاورزی

به موجب این قانون درآمد مشمول مالیات کشاورزی عبارتست از ۱۰ تا ۴۵ درصد قیمت کل محصول سالانه در فصل استحصال در حوزه شهرستان، نسبت به فعالیتهای کشاورزی، یعنی آنچه که در حوزه یک شهرستان از طریق فعالیتهای کشاورزی عاید شخص شود به قیمتی که مجموع این محصول در موقع بهره برداری ارزش دارد. بنابر جدولی که به تصویب هیأت دولت رسیده است و برای هر شهرستان با توجه به نحوه کشت، نوع محصول و عوامل مختلف کشاورزی نسبت هایی برای درآمد مشمول مالیات شهرستان به موجب آن تعیین شده است، از ۱۰ تا ۴۵ درصد این ارزش، درآمد مشمول مالیات محسوب می گردد.

تعیین ارزش محصولات کشاورزی در فصل بهره برداری در هر حوزه سالانه از طرف

کمیسیون مرکب از رؤسای دارایی، کشاورزی، بانک ملی، یک نفر نماینده شرکتهای تعاونی روستایی و یک نفر معتمد بصیر در امور کشاورزی انجام می‌شود و نظر این کمیسیون قطعی است. کلیه مشمولین این مالیات بایستی ظرف ۶ ماه از تاریخ اجرای قانون اظهار نامه‌ای طبق نمونه تنظیمی از طرف وزارت دارایی تهیه و به دارائی محل تسلیم دارند.

برای تعیین میزان واقعی محصول بایستی از املاک ممیزی به عمل آید. ممیزی قبلی تا وقتی که از املاک مجدداً ممیزی به عمل نیامده است معتبر و ملاک وصول مالیات می‌باشد مگر در موارد زیر:

۱. چنانچه درآمد ملک به دلیلی خارج از اختیار مؤدی بیش از ۲۵ درصد کاهش پیدا کند، درآمد مشمول مالیات مؤدی طبق نظر کمیسیون کشاورزی تقلیل داده می‌شود.
۲. وقتی بر اثر بروز آفت عمومی یا حوادث دیگر در محصول کشاورزی ناحیه‌ای کاهش حاصل شود، مالیات کشاورزی آن ناحیه بنا به پیشنهاد وزارت کشاورزی و تصویب هیأت وزیران، بطور کلی یا قسمتی از آن بخشوده می‌گردد. تشخیص درآمد مشمول مالیات قبل از اقدام به ممیزی - قبل از آنکه به موجب این قانون درآمد املاک مزروعی - مورد ممیزی قرار گیرد، درآمد مشمول مالیات مؤدی به یکی از طرق زیر تعیین می‌گردد:

الف) در املاکی که سابقه ممیزی دارد براساس نتیجه آخرین ممیزی قطعی شده و چنانچه نتیجه آخرین ممیزی هنوز به مرحله قطعیت نرسیده است پس از طرح مراتب در کمیسیون کشاورزی طبق نظر کمیسیون.

ب) در املاکی که سابقه ممیزی ندارد ارقام مندرج در اظهارنامه، ملاک تعیین درآمد مشمول مالیات مؤدی قرار می‌گیرد.

مقررات کلی

۱. مؤدیان مالیات بر درآمد کشاورزی بایستی در هر سال مالیات خود را از اول تیر تا

آخر آذرماه با توجه به فصل برداشت محصول به دارایی بپردازند.

۲. نرخ مالیات، نرخهای مقرر در مبحث بازرگانان است.

۳. در مورد مشمولین مالیات کشاورزی که دارای دفاتر قانونی هستند درآمد مشمول مالیات آنان براساس رسیدگی به دفاتر و در صورت ناقص بودن یا عدم ارائه از طرف مؤدی طبق مقررات تشخیص علی الراس تعیین می‌گردد.

۴. کسانی که ضمن فعالیت کشاورزی به فعالیت بازرگانی بپردازند، یعنی محصولات خود را هم با ایجاد فروشگاه به فروش برسانند اگر دفاتر قانونی داشته باشند، طبق دفاتر و در صورت رد یا عدم ارائه از طریق علی الراس تعیین می‌گردد. چنانچه دفتر نداشته باشند نسبت به هر یک از فعالیتها جداگانه طبق مقررات همان فصل مالیات کشاورزی و مالیات مشاغل خواهند پرداخت.

۵. اشخاص حقوقی که به فعالیت کشاورزی اشتغال ورزند، در موقع تشخیص درآمد مشمول مالیات آنان، احکام مقرر در بندهای بالا مورد توجه و اجرا قرار خواهند گرفت.

معافیتها

درآمدهای کشاورزی زیر از پرداخت مالیات بخشوده شناخته می‌شوند:

۱. درآمد کشاورزی زارعینی که در اجرای مقررات اصلاحات اراضی مالک یا مستأجر شناخته شده یا بشوند، نسبت به این املاک.

۲. درآمد حاصل از کاشت درختان غیر مثمر.

۳. درآمد زارعین املاک و مستغلات (رژیم سابق) که برائثر تقسیم املاک مزبور صاحب حداکثر ۲۰ هکتار ملک شده‌اند نسبت به همین املاک.

۴. درآمد باغات جدیدالاحداث تا ۵ سال از شروع بهره برداری.

۵. درآمدی که اشخاص با ساختن سد، ایجاد شبکه آبیاری، حفر قنات جدید یا چاه در املاک مزروعی یا املاک بایر بدست می‌آورند، خواه برائثر توسعه کشاورزی یا از راه فروش آب برای مصرف زراعت بدست آمده باشد از تاریخ بهره برداری تا ده سال.

۶. درآمد حاصل از کشت محصولات که برای توسعه اقتصاد کشور ضرورت دارد تا

۱۰ سال از تاریخ اجرای این قانون.

۷. ۵۰ درصد درآمد حاصل از اضافه تولید معمولی محصولات کشاورزی در واحد هکتار (میزان تولید معمولی در هر واحد هکتار برای هر منطقه تعیین شده است).

۸. درآمد دامپروران و مؤسسات دامپروری که از این فعالیت ناشی شده باشد، خواه قبل از قانون و یا بعد از آن تا ۱۰ سال از تاریخ اجرای قانون.

۹. درآمد کشاورزان از هر قبیله در جزایر و در نقاط مرزی و سواحل تا ۱۵ سال از تاریخ اجرای این قانون.

۱۰. درآمد کشاورزی مالکینی که در اجرای قانون متمم قانون اصلاحات ارضی قسمتی از ملک مزروعی به ملکیت آنها باقی مانده است و در محل ملک اقامت دارند و خود مباشر زراعت می‌باشند تا مدت ۱۰ سال.

۱۱. درآمد مؤسسات مرغداری واقع در خارج از شعاع ۱۲۰ کیلومتری مرکز تهران تا آخر سال ۱۳۵۴.

(درآمد مؤسسات واقع در داخل این شعاع تا آخر سال ۱۳۴۸ از پرداخت مالیات معاف بوده است).

۱-۷-۲ مالیات بر اراضی (دارایی)

در تاریخ ۱۲ آذرماه ۱۳۳۱ به موجب لایحه قانونی مالیات بر اراضی، برای اولین بار مالیاتی به مأخذ سه درصد ارزش بر اراضی ۳۲ شهرستان وضع گردید. این مالیات بعداً لغو شد و سپس در سال ۱۳۳۷ طبق قانون اصلاحی مالیات بر درآمد مقرر شد از اراضی مالیاتی به مأخذ یک درصد ارزش آن وصول شود. مالیات اخیر نیز در سال ۱۳۴۰ ملغی گشت.

۱-۷-۲-۱ عملکرد مالیات بر املاک مزروعی

به موجب قانون مالیات بر درآمد مصوب سال ۱۳۳۵ از املاک مزروعی مالیاتی به

مأخذ ۱۰ درصد از درآمد ناخالص مالکانه دریافت می‌شد و این مالیات تا سال ۱۳۴۶ اخذ گردید. جدول شماره (۱-۲) میزان این مالیات را طی سالهای (۴۶-۱۳۴۲) نشان می‌دهد. سهم مالیات بر املاک مزروعی از مالیاتهای مستقیم طی این دوره بطور متوسط ۲/۶ درصد بوده است.

جدول شماره (۱-۲): مالیات بر املاک مزروعی^(۱) (هزار ریال)

مالیات	مالیاتهای مستقیم	مالیات بر املاک مزروعی	نسبت (۲) به (۱) درصد
سال	(۱)	(۲)	
۱۳۴۲	۵۵۸۴۰۰۰	۱۹۴۰۰۰	۳/۵
۱۳۴۳	۵۷۸۵۳۳۴	۱۸۶۷۱۶	۳/۲
۱۳۴۴	۸۵۱۷۰۱۲	۲۰۸۴۳۷	۲/۴۵
۱۳۴۵	۹۲۰۴۱۲۲	۱۹۵۰۳۲	۲/۱
۱۳۴۶	۱۰۶۷۴۸۳۹	۲۰۸۳۱۱	۱/۹۵

۱-۷-۲-۲ عملکرد مالیات بر درآمد کشاورزی

به موجب قانون مصوب سال ۱۳۴۵ درآمد مشمول مالیات کشاورزی عبارتست از ۱۰ تا ۴۵ درصد قیمت کل محصول. از سال ۴۶ این قانون اجرا و میزان مالیات وصول شده تا سال ۱۳۵۳ در جدول شماره (۱-۳) نشان داده شده است. ارقام حاکی از آن است که مالیات وصولی طبق قانون حتی به اندازه مالیات بر املاک مزروعی نمی‌باشد و میزان وصولی رقم ناچیزی است و سهم آن از مالیاتهای مستقیم طی سالهای ۵۳-۱۳۴۷ کمتر از ۰/۵ درصد مالیاتهای مستقیم بوده است.

۱. قانون بودجه سنوات مختلف.

جدول شماره (۳-۱): مالیات بر درآمد کشاورزی^(۱) (هزار ریال)

مالیات	مالیات‌های مستقیم	مالیات بر املاک مزروعی	نسبت (۲) به (۱)
سال	(۱)	(۲)	درصد
۱۳۴۷	۱۴۵۶۱۳۳۰	۸۶۱۳۳	۰/۵۹
۱۳۴۸	۲۲۱۲۱۲۱۶	۱۰۱۹۷۱	۰/۴۶
۱۳۴۹	۲۶۸۳۸۱۶۰	۸۶۱۸۰	۰/۳۲
۱۳۵۰	۳۲۶۵۳۱۷۷	۹۶۲۳۲	۰/۲۹
۱۳۵۱	۴۱۹۰۷۲۷۷	۱۰۴۲۲۵	۰/۲۴
۱۳۵۲	۵۵۹۷۴۹۲۰	۸۱۶۳۳	۰/۱۵
۱۳۵۳	۷۲۱۲۹۳۷۲	۱۱۶۸۵۶	۰/۱۶

۸-۱ انگیزه‌های معافیت مالیاتی در ایران

انگیزه‌های اعطای معافیت در جمهوری اسلامی ایران خارج از چارچوب مذکور نیست و بطور کلی مهمترین معافیت‌های مالیاتی جاری کشور به همراه اهداف آنها بطور خلاصه به شرح ذیل می‌باشند^(۲):

الف) معافیت مالیاتی بخش کشاورزی

بخش کشاورزی از این ویژگی برخوردار است که می‌تواند در کوتاه مدت سهم تولید کالاهای جامعه را گسترش دهد. از این طریق هم ظرفیت تشکیل سرمایه جامعه در کوتاه مدت به طور محسوس افزایش می‌یابد و هم شرایط عینی مشارکت قشر وسیعی از جمعیت در حرکت اقتصادی فراهم می‌شود.

۱. قانون بودجه سنوات مختلف.

۲. گزارش بازشناسی معافیت‌های مالیاتی در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی شماره ۷۵.

ب) معافیت مالیاتی واحدهای تولیدی و معدنی

توسعه سریع فعالیتهای صنعتی و معدنی یکی از اصلیترین راههای وصول به استقلال اقتصادی است.

ج) معافیت مالیاتی صادرات غیر نفتی

زمینه توسعه صادرات و تحصیل ارز بیشتر را برای کشور فراهم می آورد.

د) معافیت مالیاتی مناطق آزاد تجاری - صنعتی

جذب سرمایههای خارجی، توسعه صادرات غیر نفتی، ایجاد تحرک در اقتصاد منطقهای و پشتیبانی از تولیدات داخلی از این طریق محقق می شود.

ه) معافیت مالیاتی مدارس غیر انتفاعی و دانشگاهها و مراکز آموزش عالی غیر انتفاعی

برای گسترش کمی و ارتقای کیفی و فرهنگ عمومی، تعلیم و تربیت و علوم و فنون در جامعه با توجه به نسل جوان و نیز برای جلب مشارکت مردم در تأمین قسمتی از هزینه ارائه خدمات عمومی اعطا شده است.

و) معافیت مالیاتی درآمد حقوق

برای حمایت از درآمدهای پایین و در جهت توزیع عادلانه درآمد و ثروت اعطاء می شود.

۱-۸-۱ معافیت مالیاتی بخش کشاورزی طبق قانون مالیاتهای مستقیم فعلی

در بررسی تاریخ قوانین مالیاتی در ایران، مالیات بر درآمد املاک مزروعی قدیمیترین مالیاتهاست که از ابتدا در ایران مرسوم بوده است. براساس قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۴۵ تمام اشخاصی که از طریق اشتغال به فعالیتهای کشاورزی اعم از زراعت، دامداری و فروش آب برای مصارف کشاورزی، درآمدی تحصیل می نمودند، خواه مالک بودند یا مستأجر و یا به صورت مزارعه و مساقات درآمدی از کشاورزی به دست می آورند، از حداقل بخشودگی ۶۰۰۰۰ ریال در سال استفاده می نمودند. بنابراین

کلیه افراد کم درآمد در این رشته از فعالیت اقتصادی از پرداخت مالیات معاف شناخته شده و این امر با اصل عدلت مالیاتی همخوانی داشت. در مواردی که محصول ناحیه‌ای بر اثر بروز آفت عمومی یا حوادث طبیعی کاهش می‌یافت، بنا به تشخیص وزارت کشاورزی و تصویب هیأت وزیران، مالیات بر درآمد کشاورزان آن ناحیه کلاً یا جزئاً بخشوده می‌شد.

طبق ماده ۸۱ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ درآمد حاصل از کلیه فعالیت‌های کشاورزی دامپروری، دامداری، پرورش ماهی و زنبور عسل از پرداخت مالیات معاف شدند. همچنین دولت را مکلف به مطالعه و بررسی‌های لازم در زمینه کلیه فعالیت‌های کشاورزی و آن دسته از فعالیت‌های مزبور که ادامه فعالیت آنها ضرورت داشته باشد معمول و نیز لایحه مربوط را به موقع تهیه و به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

طبق اصلاحیه مصوب اردیبهشت ۱۳۷۱ پرورش طیور، صیادی و ماهیگیری، نوغانداری، احیاء مراتع و جنگلها، باغات اشجار از هر قبیل و نخلیات به فعالیت‌های معاف ماده ۸۱ قانون مالیات‌های مستقیم اضافه شدند.

طبق ماده ۴، املاکی که برای تولیدات صنعتی و کشاورزی مورد استفاده می‌باشند در مدت بهره برداری مشمول مالیات سالانه املاک نخواهند بود.

طبق ماده ۱۲۷، جوایزی که دولت برای تشویق صادرات، تولید و خرید محصولات کشاورزی پرداخت می‌نماید مشمول مالیات اتفاقی نخواهد بود.

طبق ماده ۱۴۱ و اصلاحیه سال ۷۶، صد درصد درآمد حاصل از صادرات محصولات تمام شده کشاورزی و صنایع تبدیلی و تکمیلی آن از شمول مالیات معاف می‌باشند.

۱-۹ خط مشی‌های اساسی برنامه دوم و طرح ساماندهی اقتصادی

۱-۹-۱ کشاورزی

۱. تنظیم حرکت و برنامه بخشهای مختلف اقتصادی اعم از آب، صنعت، انرژی، حمل و نقل، بازرگانی و بانکها در جهت تقویت بخش کشاورزی.

۲. اولویت در تأمین اعتبارات عمرانی فصول آب و کشاورزی و منابع طبیعی و افزایش سهم تسهیلات بانکی ارزان و سهل الوصول و ایجاد و تقویت مؤسسات مالی و اعتباری غیر دولتی در بخش کشاورزی، تمرکز تدریجی فعالیتهای دولت در بخش کشاورزی در تحقیقات و ترویج و آموزش، و واگذاری امور تولیدی و توزیعی و حتی الامکان سایر امور به مردم و تأکید بر افزایش تولید در واحد سطح و بالابردن راندمان آبیاری.

۳. عنایت ویژه به صنایع تبدیلی و وابسته به بخش کشاورزی.

۴. تأمین به موقع و کافی نهاده‌ها و ماشین آلات کشاورزی و اعلام به موقع قیمتهای تضمینی با مکانیزم مناسب قیمت گذاری، تعیین تعرفه‌های گمرکی در راستای حمایت از تولید داخلی و کاهش نقش واسطه‌ها در عرضه محصولات، استمرار یارانه و معافیت‌های مالیاتی، اولویت به سرمایه گذاری در بخش کشاورزی نسبت به سایر بخشها، اجرای بیمه تولیدات کشاورزی و تأمین اجتماعی تولید کنندگان کشاورزی و روستائیان.

۵. حفاظت، احیاء و بهره برداری از جنگلها و مراتع و منابع دریائی و آبریزان داخلی کشور با مشارکت عمومی و ایجاد مدیریتهای مناسب، توجه به عمران و توسعه و بهسازی روستاها، تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز و فراهم نمودن امکانات و تسهیلات مناسب صادراتی تولیدات کشاورزی و تشکیل شورای عالی کشاورزی به منظور ارائه پیشنهادهاى لازم جهت هماهنگی و نظارت بر تحقق اهداف بخش کشاورزی.

۶. تلاش جهت حفظ، احیاء، توسعه و بهره برداری صحیح از منابع تجدید شونده و آبریان.

۷. با توجه به مواضع و موقعیت سیاسی ایران در جهان امروز و اصول و مبانی اعتقادی و اجتماعی کشور، طیفی از محصولاتی که فقدان و یا کمبود آنها موجب بروز شوک‌های سیاسی - اقتصادی می‌گردد بدون توجه به مزیت‌های نسبی تولیدشان، مشمول راهبرد جایگزینی واردات می‌گردند. کمبود این قبیل کالاها غالباً دارای پیامدهای داخلی و خارجی است و تولیداتی نظیر کالاهای استراتژیک کشاورزی از قبیل گندم، جو، اقلام اساسی خوراکی و خدمات اجتماعی حساس می‌باشند که همگی نیاز به نوعی تنظیم بازار تا رسیدن به خودکفایی نسبی را ایجاب می‌کند.

۱-۹-۲ معافیت‌های مالیاتی

۱. حذف تدریجی معافیت‌های مالیاتی اعطاء شده به بخشها، رشته فعالیتها و مؤسسات مختلف همراه با اصلاح قیمت‌ها و تخصیص بودجه و بازنگری نظام مالیاتی براساس تعریف پایه درآمد به استثناء بخش کشاورزی، صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی.

۲. لغو برخی معافیت‌های موجود که تأثیر مثبت در تخصیص مجدد منابع ندارد.

۳. عدم تصویب معافیت‌های جدید.

۴. تجدید نظر در معافیت‌های بخشهای اقتصادی با توجه به تغییرات ایجاد شده در ارزش افزوده این بخشها نظیر کشاورزی (باغداری، دامداری، شیلات و جنگلداری).

۵. اعمال نرخ گذاری صفر برای فعالیت‌هایی که اعطای معافیت به آنها ضروریست.

۱۰-۱ مطالعات انجام شده

۱-۱۰-۱ اندازه گیری تاثیر معافیت بخش کشاورزی و نفت بر نسبت واقعی مالیات به GDP^(۱)

در مطالعه اخیر از دیدگاهی جدید به بررسی این نسبت در کشور ایران پرداخته شده و بر معافیت‌های اعطاء شده به بخشهای کشاورزی و نفت و تاثیر آن بر نسبت مالیاتی واقعی تاکید شده است. هدف محاسبه تاثیر قسمتی از معافیت‌های موجود در قانون مالیات‌های مستقیم بر نسبت مزبور می باشد که طی سالیان متمادی وجود داشته و علیرغم تغییرات محسوسی که در این بخشها (به ویژه کشاورزی در سالهای اخیر) ایجاد گردیده، ولی هنوز این معافیت‌های قانونی به قوت خود باقی مانده و انعطاف لازم را جهت تعدیل نداشته است. این گزارش تنها بخشی از معافیت‌های موجود سیستم مالیاتی که به این بخش‌ها اعطا شده مورد ملاحظه قرار داده و تاثیر این معافیت‌ها را بر کاهش نسبت واقعی مالیاتی محاسبه نموده است. نتایج این مطالعه نشانگر آن است که با حذف معافیت‌های موجود در این بخش‌ها میزان وصولی مالیات‌ها را در دو سال ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ می توان بطور متوسط بیش از سه برابر افزایش داد. معافیت‌های قانونی را غالباً بایستی تحت شرایط خاصی اعطا نمود تا انعطاف لازم را با تغییرات ایجاد شده در این بخشها داشته باشد. معافیت اعطا شده به بخش کشاورزی بیشتر در جهت تشویق تولیدات این بخش صورت گرفته است ولی در حال حاضر که این بخش با رشد قابل توجهی نسبت به سایر بخشها مواجه می باشد به نظر می رسد بایستی در زمینه تداوم اعطای معافیت‌ها به آن تجدید نظر نمود. در غیر این صورت درآمدهای مالیاتی قابل توجهی از دست خواهد رفت. بطور کلی این مطالعه ضرورت پرداختن به معافیت‌های بخش کشاورزی و تجدید نظر در آن را گوشزد می کند.

۱. وزارت امور اقتصادی و دارایی، دفتر تحقیقات و سیاستهای مالی، گزارش اندازه گیری تاثیر معافیت بخشهای کشاورزی...

۱-۱۰-۲ بررسی هزینه فرصت معافیت‌های موضوعی در مالیات‌های مستقیم طی برنامه اول (۷۲-۱۳۶۸)^(۱)

در این گزارش ابتدا معافیت‌های موضوعی و معافیت‌های بخشی که یکی از انواع معافیت‌های موضوعی است تعریف شده‌اند و در ادامه با در نظر گرفتن سهم معافیت‌ها در GDP^(۲)، از یکسو و کسری بودجه از سوی دیگر به اهمیت معافیت‌های از دست رفته^(۳) پرداخته شده است. در بخش دیگر از گزارش به این موضوع اشاره شده است که معافیت‌های موضوعی تاثیر عمده‌ای روی تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی - با هدف تخصیص مجدد منابع و استفاده کارا از عوامل تولید - نداشته است ولی هیچ دلیلی در این مورد ذکر نشده است. لذا با لغو این معافیت‌ها و وارد نمودن درآمد ناشی از این منبع در دریافت‌های بودجه، درآمد دولت افزایش یافته و کسر بودجه نیز کاهش می‌یابد. چرا که هزینه فرصت درآمد مالیات‌های مستقیم طی برنامه اول معادل ۸۴۰۸/۶ میلیارد ریال بوده است در حالی که کسر بودجه دولت در طول برنامه بالغ بر ۴۲۵۲/۴ میلیارد ریال گردیده است. هزینه فرصت درآمد مالیاتی مستقیم از دست رفته که در این گزارش محاسبه نشده در جدول شماره (۱-۴) ارائه شده است.

۱. وزارت امور اقتصادی و دارایی، دفتر تحقیقات و سیاست‌های مالی، بررسی هزینه فرصت معافیت‌های

۲. اساس این محاسبات معافیت کامل بخش‌های کشاورزی و نفت و ۲۰ درصد بخش صنعت و معدن می‌باشد.

۳. برای محاسبه هزینه فرصت فرض شده است که نرخ موثر مالیات‌های مستقیم در بخش‌های معاف همانند بخش‌های مشمول مالیات می‌باشد و اشاره‌ای به رقم نرخ موثر نشده است.

جدول شماره (۴-۱): سهم بخش معاف و هزینه فرصت درآمد مالیاتهای

مستقیم از دست رفته طی برنامه اول

میلیارد ریال

مورد	سهم بخش معاف از مالیات های مستقیم در تولید ناخالص داخلی	هزینه فرصت درآمد مالیاتهای مستقیم از دست رفته
سال		
۱۳۶۸	۴۵	۵۳۹/۹۸
۱۳۶۹	۴۷/۵	۸۳۵/۶
۱۳۷۰	۴۵/۳	۱۱۵۵/۸
۱۳۷۱	۴۵/۷	۱۷۳۴/۳
۱۳۷۲	۶۱/۳	۸۴۰۸/۶
جمع		۸۴۰

۱-۱۰-۳ بررسی اقتصادی معافیت های مالیاتی در قانون مالیات های مستقیم (بررسی موردی برای برنج و پسته)^(۱)

در این تحقیق پس از بیان موارد قانونی مربوط به معافیت درآمدهای بخش کشاورزی در قانون مالیاتی، به بررسی موردی دو محصول برنج و پسته پرداخته است. ابتدا به منظور بررسی امکان وضع مالیات و عواقب ناشی از آن بر محصولات بخش کشاورزی، بازار این محصولات از نظر کشش عرضه و تقاضا و همچنین عمده مصرف کنندگان این کالاها مورد بررسی قرار گرفته است.

از آنجا که برنج از عمده مواد غذایی کلیه گروه های درآمدی است و پسته در گروه های اول درآمدی، مصرف ناچیزی داشته، رفته رفته مصرف آن در گروه های بالای درآمدی افزایش می یابد. از این نظر این دو محصول مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. آرمینه مانوکیان سلماسی، بررسی اقتصادی معافیت های مالیاتی در قانون مالیات های مستقیم (بررسی موردی برای برنج و پسته) پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.

ابتدا از طریق روشهای معمول در اقتصاد سنجی توابع عرضه و تقاضای این محصولات تخمین زده شده سپس کششهای آنها را محاسبه و تحلیل و تفسیر بر اساس این نتایج صورت گرفته است.

برای تخمین معادلات عرضه و تقاضای برنج به طور جداگانه از روش OLS برای دوره (۷۴-۱۳۵۸) استفاده شده و بعد مستقل بودن جملات اخلاص مورد بررسی قرار گرفته است.

منحنی عرضه برنج:

$$\text{PROD} = 1319286/4 + 7680/85 \text{ WPR}_{(-1)} - 2009/505 \text{ DWPP}$$

(۱۴/۴۷) (۶/۴۹) (-۲/۵۲)

$$R^2 = 0/77 \quad D.W = 2/31 \quad F = 22/78 \quad n = 16$$

که در آن

PROD: تولید ناخالص داخلی برنج (شلتوک) بر حسب تن

$\text{WPR}_{(-1)}$: شاخص عمده فروشی برنج در زمان (t-1)

DWPP: تفاضل شاخص عمده فروش سیب زمینی

$$e_s = 0/3125 \text{ کشش عرضه برنج}$$

منحنی تقاضای برنج:

$$\text{CONS} = 14195/28 - 225/63 \text{ CPRD} + 0/472 \text{ HB}$$

CONS: متوسط مصرف سرانه سالیانه شهری برنج داخلی

CPRD: شاخص بهای خرده فروشی برنج داخلی

HB: متوسط کل هزینه سرانه سالیانه شهری

$e_d = -1/326$ کشش قیمتی تقاضای برنج داخلی

$\beta = -0/044$ شیب منحنی تقاضای برنج داخلی

با توجه به کششهای عرضه و تقاضا به بررسی بار مالیاتی بر این کالا پرداخته شده

است.

با توجه به مباحث تئوریک:

- سهم مالیاتی دو گروه مصرف کنندگان و عرضه کنندگان بستگی به کشش قیمتی منحنی‌های عرضه و تقاضا دارد.

- هر قدر کشش قیمتی تقاضای کالاها کمتر باشد، کالا ضروری‌تر محسوب می‌شود و سهم هزینه این کالاها در سبد قشرهای فقیر بیشتر خواهد بود، از آنجا که هر قدر کشش تقاضا کمتر باشد سهم مالیات مصرف کننده بیشتر می‌شود، بین کارایی در تخصیص و توزیع مناسب درآمد برخورد ایجاد می‌شود.

- هر قدر کشش عرضه کمتر باشد، کاهش در سطح تولید و در نتیجه جابجایی غیر کارآمد منابع کمتر است.

- معمولاً گفته می‌شود که کشش تولیدات کشاورزی نسبت به صنعتی کم کشش‌تر است. همچنین می‌توان ادعا کرد که به خصوص در کشورهای در حال توسعه درآمد و سود عرضه کننده یا تولید کنندگان محصولات کشاورزی (روستائیان) کمتر از تولید کنندگان صنعتی است.

با توجه به کشش عرضه و تقاضای برنج داخلی ($ed = -1/326$ es = $0/3125$) کشش عرضه برنج از کشش قیمتی تقاضا کمتر است.

و با توجه به سهم مصرف سرانه سالیانه برنج در دهکهای درآمد نتیجه می‌شود که دهکهای پایین درآمدی و قشر فقیر در مصرف برنج وارداتی سهم بالاتری را نسبت به مصرف برنج داخلی به خود اختصاص می‌دهد و بر عکس دهکهای بالا در مصرف برنج داخلی سهم بالاتری دارند^(۱).

با توجه به مصرف سرانه دهکها و تابع تقاضا، کشش قیمتی تقاضا برنج را برای گروه اول (شامل سه دهک پایین درآمدی) بدست آمده است، $ed_{(1,2,3)} = -1/94$. مقایسه کشش بدست آمده با کشش تقاضای کلی دهکها ($ed = -1/326$) نشان می‌دهد که

۱. طرح تحقیقاتی «شناسایی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر» معاونت امور اقتصادی، سال ۱۳۷۴.

کاهش قیمتی تقاضا برای گروه اول بیشتر از کاهش قیمتی تقاضا برای متوسط دهک‌های درآمدی است و اثبات می‌کند که برای قشرهای پایین درآمدی برنج داخلی کالای بسیار ضروری نیست و در صورت افزایش قیمت برنج داخلی می‌توان از برنج وارداتی به عنوان جانشین استفاده کرد. بنابراین در صورت وضع مالیات سهم بالایی از مالیات که توسط مصرف کنندگان باید پرداخت شود به قشرهای با درآمد بالاتر تعلق می‌گیرد.

اما با توجه به کم بودن کاهش عرضه نسبت به کاهش تقاضا، بار مالیاتی بیشتر به عرضه کنندگان، تولید کنندگان محصولات منتقل می‌شود که با توجه به ضعف بنیه مالی روستاییان و این واقعیت که تولید کنندگان محصولات کشاورزی اصولاً به حمایت دولت نیاز دارند، وضع مالیات می‌تواند توجیه‌پذیر نباشد. برای پسته نیز روند فوق طی شده است.

عرضه پسته داخلی

$$PROD = ۸۶۰۲۲/۲۰۳ + ۶۵۸/۲۳۲ WPPED_{(-5)} + ۰/۹۹۱۳۷۹۶ EXPTON_{(-4)}$$

(۱۲/۳۶) (۱/۷۴) (۲/۴)

$$R^2 = ۰/۹۲ \quad D.W = ۱/۴۰۷ \quad F = ۷۳/۸$$

PROD: تولید داخلی پسته بر حسب تن به عنوان جانشین عرضه پسته

WPPED₍₋₅₎: شاخص بهای عمده فروشی پسته مصرف داخلی با ۵ دوره تاخیر

EXPTON₍₋₄₎: میزان صادرات پسته بر حسب تن با ۴ دوره تاخیر

$e_s = ۰/۶۳$ عرضه بی‌کشش است

تابع تقاضای پسته:

$$CPPE = ۰/۰۶۵۵۱۶ CONS + ۰/۰۰۲۶۹ HB$$

(-۲/۲۹) (۲۸/۱۰۴)

$$R^2 = ۰/۹۷ \quad D.W = ۱/۶۱ \quad n = ۱۳$$

با عکس کردن رابطه فوق تابع تقاضا بدست می آید:

$$\text{CONS} = -15/263 \text{ CPPE} + 0/0014 \text{ HB}$$

CONS: متوسط مصرف سرانه سالیانه شهری پسته برحسب گرم به عنوان جانشین تقاضا

HB: متوسط کل هزینه سرانه سالیانه شهری برحسب ریال

CPPE: شاخص بهای خرده فروشی پسته

$$e_d = -10/304$$

کشش قیمتی عرضه پسته ($e_s = 0/63$) کمتر از کشش قیمتی تقاضای پسته ($e_d = -10/304$) است بنابراین در اینجا هم در صورت وضع مالیات بیشترین بار مالیاتی به تولیدکننده منتقل خواهد شد. زیرا با بستن مالیات و افزایش قیمت، مصرف کننده کالای ضروری عکس العمل شدیدی نشان می دهد. در حالی که برای تولید کننده تغییر و جابجایی منابع تولیدی آسان نیست و این باعث شده است که حساسیت تولید کننده در مقابل تغییرات کم باشد.

برای پی بردن به وضعیت پسته کاران کشور می توان به خط فقر و درصد زیر خط فقر آنان توجه کرد و به همین دلیل به خط فقر استان کرمان که در حال حاضر ۸۶ درصد تولید پسته در آن انجام می شود توجه شده است. خط فقر در روستاهای این استان، سالانه ۴۶۲۷۸۷ ریال است. بنابراین ۲۵/۳ درصد روستاییان کرمان زیر خط فقرند^(۱).

همچنین بررسی دهکها نشان می دهد که مصرف پسته در دهکهای پایین درآمد صفر و یا بسیار ناچیز است.

همچنین کشش قیمتی را برای گروه اول (سه دهک پایین درآمد) و گروه ثروتمند (سه دهک بالای درآمد) محاسبه شده است.

$$e_d(8,9,10) = -7/914 \quad e_d(1,2,3) = -15/123 \quad (\text{سه دهک پایین درآمد})$$

کشش قیمتی برای قشر فقیر بیشتر از متوسط کلی آن است که نشانگر آن است که

۱. همان منبع پیشین.

برای این قشر این کالا کاملاً غیر ضروری است و برای قشر ثروتمند این کشتش کمتر است و نشان می‌دهد که دهکهای بالای درآمدی حساسیت کمتری نسبت به تغییرات قیمت این کالای لوکس در مقایسه با دهکهای پایین درآمدی دارند، اما هنوز این کالا کشتش پذیری بالایی دارد. می‌توان نتیجه گرفت که حتی اگر کشتش تقاضای دهکهای بالای درآمدی را در مقابل کشتش عرضه قرار دهیم، کشتش عرضه کمتر است و در صورت بستن مالیات، بار مالیاتی به تولیدکننده منتقل می‌شود.

نتایجی که از این مطالعه بدست آمده به شرح زیر می‌باشد:

با توجه به برنامه دوم توسعه، که طبق آن محور توسعه اقتصادی کشور بخش کشاورزی است، تامین اعتبار بخشهای آب و کشاورزی از اولویت برخوردار می‌باشد. حذف معافیت درآمد بخش کشاورزی و بستن مالیات به این بخش چه به صورت مالیات بر مصرف کالای کشاورزی و چه به صورت مالیات بر سود شرکتهای کشت و صنعت که در بخش کشاورزی فعال هستند هم جهت با اهداف و خط مشی برنامه دوم نخواهد بود. اما در صورتی که موانع ساختاری بخش کشاورزی تا حد قابل قبولی برطرف شود، به طوری که کشاورزان از بنیه مالی بهتری برخوردار گردند، درصد زیر خط فقر کاهش یابد و تولید به گونه‌ای باشد که با آموزش و ترویج این بخش، کاربرد تکنولوژی در تولید محصولات کشاورزی و مدیریت مناسب در سطوح مختلف بهره‌برداری کشتش تولید افزایش یابد. یعنی امکان جابجایی و انتقال منابع برقرار شود، می‌توان به وضع کردن مالیات در بخش کشاورزی اقدام نمود، بنابراین معافیت کامل این بخش نباید به عنوان یک معافیت دائمی تصور شود.

۲ تجربه سایر کشورها در زمینه مالیات بر بخش کشاورزی

۲-۱ مقدمه

به علت حساسیت و اهمیت کشاورزی در اقتصاد و نقش حیاتی محصولات کشاورزی در زندگی روزمره مردم، مالیات بندی بر کشاورزی در کشورهای در حال توسعه مورد توجه خاص قرار گرفته است و آن را نمی توان مانند سایر بخشها مشمول مالیات نمود. اساساً از آنجا که فعالیتهای کشاورزی روز به روز پیچیده تر شده و نقش سرمایه در آن گسترش می یابد و نیز ارزش نهاده های سرمایه ای و خدمات مربوط به آن افزایش یافته است و زارعین ممکن است از خدمات متخصصین استفاده کنند، لذا می بایست این فعالیتهای ثبت

و مشمول مالیات قرار گیرند. بخش کشاورزی در برخی از کشورها به طور کلی معاف از مالیات است و در سایر کشورها برحسب نوع فعالیت مشمول مالیات می باشد. در ایران بخش کشاورزی بعد از سال ۱۳۵۲ از مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی معاف بوده است.

در این فصل چگونگی وضع مالیات بر کشاورزی در برخی از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته مورد بررسی قرار می گیرد تا از تجربیات آنها جهت تحلیل امکان وضع مالیات بر کشاورزی در ایران و آزمون فرضیه های این طرح تحقیقاتی در زمینه بررسی تاثیر معافیت های بخش کشاورزی بر انگیزه تولید در این بخش و درآمدهای مالیاتی دولت استفاده گردد.

۲-۲ مالیات بر کشاورزی در الجزایر

مالیات بر کشاورزی در الجزایر از درآمد ناشی از فعالیتهای کشاورزی و دامپروری، بعد از کسر کسورات لازم و به طور سالانه اخذ می گردد.

میزان مالیات بر درآمد کشاورزی در این کشور براساس نوع زراعت و سطح زیر کشت (مساحت مزرعه) معین می شود.

علاوه بر درآمد حاصل از کشاورزی و دامپروری، درآمد حاصل از پرورش طیور، صدف، زنبورداری و بهره برداری از منابع آبی زیر زمینی نیز مشمول مالیات می شوند. اما اگر این گونه فعالیتها در مزرعه زارع در سطح محدود انجام شود یا فعالیت های مذکور دارای پروانه رسمی مناسب نباشد، مشمول مالیات نمی شوند و در شرایط خاص مشمولیت یا عدم مشمولیت درآمد فعالیت های فوق الذکر توسط دستگاه مالیاتی مشخص می گردد.

نحوه محاسبه و تعیین مالیات

مالیات کشاورزی با توجه به مرغوبیت زمین زراعی، سطح زیر کشت و متوسط بازدهی تولید تعیین می شود. متوسط نرخ مالیات بر یک هکتار با توجه به وضعیت مرغوبیت زمین محاسبه می گردد و این نرخ در هر ایالت بین حداقل و حداکثر نوسان دارد.

مالیات کشاورزی علاوه بر زراعت، شامل فعالیت دامپروری نیز می شود. میزان مالیات دامپروری بر اساس عواید ناشی از پرورش انواع دام و بر حسب تعداد کل دام موجود و متوسط قیمت تجاری آن محاسبه می شود.

در محاسبه و تعیین مالیات بر درآمد حاصل از فعالیتهای پرورش طیور، صدف و بهره برداری از منابع آب زیرزمینی، حجم فعالیتهای بر حسب مقدار یا کمیت در نظر گرفته می شود.

در خصوص زنبورداری نیز مقدار عسل بدست آمده در محاسبات مبنا قرار می گیرد. در هر یک از موارد فوق نرخهای متفاوتی براساس جداول مندرج در قانون مالیاتی اعمال می شود.

اظهار نظر مالیاتی و طریقه تعیین مالیات

در کشور الجزایر هر زارع و دامپرور مکلف است اظهارنامه قانونی را قبل از آغاز ماه فوریه هر سال تسلیم نماید. زارع باید در اظهار نامه اطلاعات لازم را در مورد محل مزرعه یا محل انجام فعالیت، سطح زیر کشت (با مشخصات مرغوبیت)، تعداد درختان و مساحت زمینهای بایر و لم یزرع که مخصوص کشت حبوبات است، ذکر نماید. در اظهار نامه دامپرور و سایر فعالیتهای مشمول مالیات نیز اطلاعاتی در مورد تعداد کل دام بر حسب انواع گاو، گوسفند، شتر و تعداد طیور و یا مقدار عسل یا درآمد ناشی از پرورش صدف و بهره برداری از منابع آبی زیرزمینی قید می شود.

در صورتی که مؤدیان مالیاتی، اظهارنامه مربوط به فعالیت کشاورزی و دامپروری را تسلیم ننمایند یا در اظهارنامه، اطلاعات نادرست قید شود، اداره مالیات میزان مالیات را به روش علی الراس محاسبه و تعیین می نماید.

محاسبه مالیات

میزان مالیات بر درآمد کشاورزی، با اعمال نرخ ۴ درصد بر مبنای تعیین شده و مطابق قانون مالیاتی محاسبه می گردد. از کل ۴ درصد ۱/۵ درصد به حساب دولت و ۲/۵ درصد به حساب اجتماعات محلی (۰/۵) درصد برای ولایت و ۲ درصد برای شهرستان) واریز می شود.

جرایم مالیاتی

در مواردی که مضمولین مالیات و وظایف قانونی خود را انجام ندهند مشمول جرایم مالیاتی به شرح زیر می شوند:

۱۰ درصد، در صورت تاخیر در ارائه اظهار نامه حداکثر تا یک ماه.

۲۵ درصد، در صورت تاخیر در ارائه اظهارنامه بیش از یک ماه و یا در صورت عدم ارائه اظهارنامه و یا درج اطلاعات نادرست در اظهارنامه.

معافیت ها

براساس قانون مالیاتی کشور الجزایر، اگر درآمد حاصل از کشاورزی و دامپروری کمتر از ۶۰۰۰۰ دینار باشد از مالیات معاف خواهد بود و در مواردی که درآمد کشاورز از ۶۰۰۰۰ دینار بیشتر باشد، شخص مکلف به ارائه اظهارنامه قانونی است.

در مورد افراد معاف از مالیات بر کشاورزی، اداره وصول مالیات برگه مخصوصی تحت عنوان «معاف از مالیات» به آنها ارائه می نماید.

مالیات بر درآمد ناشی از صیادی

طبق قانون مالیاتی الجزایر، بر درآمد صیادان، صاحبان قایقهای صیادی و بارگیری کشتی‌ها عوارض ثابتی وضع می‌شود که این عوارض ثابت جایگزین مالیاتهای مستقیم هستند که پرداخت آن بر عهده موذیان مالیاتی می‌باشد. این عوارض به شرح زیر تعیین می‌شود:

۹۰۰ دینار، هر سه ماه یکبار، به نسبت عایدات ناشی از قایقهای صیادی.

۲۰۰۰ دینار، هر سه ماه یکبار، به نسبت تعداد کشتی صیادی.

در غیر این صورت صیادان دریا، مشمول پرداخت عوارض ثابت به میزان ۲۰۰ دینار در محل انجام فعالیت به شکل تمبر می‌باشند که توسط مامور مالیات جمع‌آوری می‌گردد. برای تاخیر در پرداخت عوارض ثابت، جریمه‌ای به میزان ۱۰ درصد عوارض متعلقه مقرر می‌گردد و کل وجوه حاصل از جرایم به خزانه دولت واریز می‌گردد. در موارد تقلب، میزان جریمه به دو برابر عوارض پرداخت نشده افزایش می‌یابد^(۱).

۲-۳ مالیات بر کشاورزی در پاکستان

شواهد موجود نشان می‌دهد که دولت پاکستان در گذشته با ترکیب مالیاتهای ضمنی و غیرمستقیم، بخش کشاورزی را مشمول مالیات سنگینی نموده است و این سیاست گرچه درآمدهایی را برای دولت ایجاد نموده است، لیکن تخصیص منابع را دچار اختلال کرده و منابع تولید را به سایر بخشهای اقتصادی منتقل نموده است.

به طور کلی در پاکستان دو نوع مالیات از بخش کشاورزی اخذ شده و درآمد حاصله در بودجه منظور می‌گردد: ۱. مالیات بر درآمد زمین. ۲. مالیات ثروت بر زمین کشاورزی

۱. سیستم مالیاتی الجزایر (قسمت اول مالیات بر درآمد کشاورزی)، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۶۷.

به عنوان اموال غیر منقول، مالیات نوع اول توسط دولتهای محلی و مالیات نوع دوم توسط دولت مرکزی تعیین و وصول می شود.

۲-۳-۱ مالیات بر درآمد کشاورزی

مالیات بر درآمد واقعی کشاورزی به چند دلیل نمی تواند در پاکستان موثر و کارا عمل نماید. اول آنکه اکثر محصولات کشاورزی بر مبنای تجاری تنظیم و هدایت نمی شوند. دوم آنکه بررسی درآمد و هزینه به دلیل عدم نگهداری مدارک و حسابهای جریان نقدی، امکان پذیر نیست. سوم آنکه مسایل پیچیده ای در مورد زمین های اجاره ای وجود دارد و نهایتاً تجهیزات و امکانات مورد نیاز سازمان مالیاتی بیش از ظرفیت کنونی است. با توجه به موارد فوق، ایده اعمال مالیات بر درآمد واقعی حاصل از کشاورزی به زمان دیگری موکول شده است.

بنابراین می توان از مالیات براساس درآمد فرضی استفاده نمود. در مورد این نوع مالیات دو موضوع مهم وجود دارد. اول شناسایی فردی که درآمد فرضی وی بایستی مبنای مالیات قرار گیرد و دوم نحوه محاسبه درآمد فرضی است. کشاورزان (تولید کنندگان کشاورزی) می توانند به چهار طریق درآمد کسب نمایند: ۱. کشت و زرع اراضی مشخص ۲. کشت و زرع اراضی استیجاری براساس اجاره ثابت یا تقسیم محصول ۳. اجاره زمین به سایرین ۴. مشاغل، خدمات و حرفه های غیر کشاورزی.

در پاکستان فقط اطلاعات مربوط به مالکیت اراضی قابل بازبینی است و حتی اگر این اطلاعات بیشتر باشد نشان دهنده وسعت مالکیت اراضی یک شخص نیست. زیرا آن شخص ممکن است اراضی خود را در دواير مختلف درآمدی نگهداری کند. همچنین قراردادهای اجاره ای زمین های کشاورزی به طور ناقص ثبت شده یا اصلاً ثبت نشده است. بنابراین باید درآمد فرضی برای صاحبان اراضی یا مستاجرین منظور شود.

درآمد فرضی کشاورزی برای اخذ مالیات عبارتست از ارزش ناخالص سالانه

محصول (GVO)^(۱) منهای هزینه تولید (COP)^(۲) که راههای مختلفی برای برآورد GVO و COP وجود دارد.

ارزش ناخالص سالانه محصول (GVO) را می‌توان به وسیله محصول واقعی سالانه که توسط مالک گزارش می‌شود و به تایید مسئول درآمد ایالت می‌رسد محاسبه نمود و یا از طریق مشاهده مستقیم یا تجربیاتی که در برداشت محصول در روستا وجود دارد، محاسبه کرد و یا مسئول درآمد زمین ایالتی، مساحت کامل زمین را برای هر محصول مشخص نموده، آن را در متوسط بازدهی برداشت محصول ضرب کند.

مساله بعدی در محاسبه درآمد فرضی کشاورزی، برآورد COP یا هزینه مربوط به تولید محصول است. از آنجا که تعیین هزینه واقعی کشت برای هر زمین دار تقریباً غیر ممکن است می‌توان هزینه فرضی را منظور نمود. در مورد پاکستان بسیاری از مطالعات مربوط به کشاورزی نشان می‌دهد که مقدار هزینه تولید (COP) در هر هکتار بین ۳۵ تا ۴۵ درصد ارزش ناخالص محصول (GVO) متغیر است. بنابراین درآمد فرضی مشمول مالیات (PTI)^(۳) به صورت زیر برآورد می‌شود:

$$PTI = (GVO - 0.4 GVO)$$

مالکانی که درآمد فرضی آنها معادل میزان معافیت مقرر در قانون مالیات بر درآمد فدرال است مشمول مالیات نمی‌شوند و برای سایر افراد یک نرخ مالیات (مثلاً میانگین نرخ مالیاتی طبق قانون مالیات بر درآمد فدرال) و یا سه نرخ تدریجی هماهنگ با نرخهای کنونی مالیات بر درآمد سایر منابع قابل اعمال است. تجدید نظر در نرخهای

1. Gross Value of Output (GVO).

2. Cost Of Production (COP).

3. Presumed Taxable Income (PTI).

مالیاتی و معافیت مالیاتی طبق شرایط موجود و با تغییر نرخهای درآمدهای غیر کشاورزی صورت می‌گیرد.

۲-۳-۲ مالیات بر زمین کشاورزی

سه روش برای اخذ مالیات بر زمین کشاورزی وجود دارد: الف) مالیات بر مساحت زمین که در پاکستان و بعضی از کشورهای در حال توسعه رایج است ب) مالیات بر اساس ارزش بازاری زمین که در بعضی از کشورهای آمریکای لاتین رایج است. ج) مالیات بر مبنای معیارهای عینی مانند واحد شاخص محصول که می‌تواند جانشین درآمد بالقوه یا ظرفیت بهره‌وری زمین شود.

الف) مالیات بر مساحت زمین کشاورزی

مالیات بر مساحت زمین کشاورزی ساده‌ترین نوع مالیات بر کشاورزی است که نواقص متعددی دارد. به طور مثال درآمد بالقوه آن به وسیله حداکثر بار قابل قبول بر حداقل زمین حاصلخیز، محدود می‌شود. همچنین اگر به دلایل اداری و به منظور برقراری عدالت عمودی، دولت بخش عظیمی از صاحبان زمین را که دارای زمینهای کوچک هستند از مالیات معاف نماید، نرخ مالیات بر سایر اراضی بایستی بسیار بالا باشد و این امر موجب تغییراتی در ثبت اراضی یا تقلب در نقل و انتقالات در مقیاس وسیع خواهد شد.

یکی دیگر از نواقص مالیات بر مساحت زمین کشاورزی، افزایش بار مالیاتی بر روی قطعات زمینهای کشاورزی با بهره‌وری پایین می‌باشد و اگر اکثر کشاورزان فقیر صاحب زمین‌هایی باشند که کمتر حاصلخیز است، مالیات بر مساحت نزولی خواهد بود. بنابراین در این نوع مالیات عدالت افقی رعایت نمی‌شود. زیرا میزان بهره‌وری زمین کشاورزی با توجه به نوع خاک، امکان دسترسی به آب، فاصله آن با بازار و سایر

خصوصیات دیگر، متفاوت است و نمی توان دو قطعه زمین را که دارای یک مساحت هستند (مثلاً یک هکتار) از نظر مالیاتی یکسان فرض نمود در صورتی که ظرفیت تولید و بهره‌وری آنها اساساً متفاوت است.

با توجه به موارد فوق، سیستم مالیاتی زمین کشاورزی که در پاکستان تصویب شده و در ایالات بر اساس مساحت زمین کشاورزی وصول می‌شود و فقط بین زمینهای آبی و غیر آبی برای وصول مالیات تفاوت قائل می‌شود، برای ایجاد درآمد اساسی و اجرای عدالت افقی مناسب نیست.

ب) مالیات بر ارزش بازاری یا اجاره‌ای زمین کشاورزی

در اغلب کشورها، املاک شهری براساس ارزش بازاری یا اجاره‌ای مشمول مالیات می‌شوند تا منبع درآمد خوبی برای شهرداری‌ها یا دولتهای محلی باشد. البته در اخذ این نوع مالیات مشکلاتی وجود دارد. چنانچه خود اظهاری براساس ارزش بازاری زمینهای کشاورزی انجام گیرد بدون آنکه جریمه‌ای برای کم اعلام نمودن ارزش در نظر گرفته شود، درآمد محدودی وصول می‌شود. به دلیل آنکه مالکان زمینها معمولاً مایلند در ارزیابی زمینهای خود میانه رو باشند.

روش دیگر محاسبه مالیات زمین براساس ارزش بازاری و با استفاده از نقشه برداری و ارزیابی مجدد ارزش زمین اعمال می‌شود که این روش با توجه به تجربه برزیل، بسیار هزینه بر است.

در کشور پاکستان از آنجا که بازار زمین کشاورزی در اکثر مناطق بسیار ناقص و محدود است، ارزش بازاری اگر قابل بازبینی باشد، منعکس کننده نقص بازار و نه ظرفیت ایجاد درآمد (بهره‌وری) زمین است. همچنین معاملات ثبت شده، قیمت یا ارزش بازاری زمین و سایر اموال را کمتر از میزان واقعی نشان می‌دهد. در مناطق روستایی، معاملات بازاری زمینهای کشاورزی محدود است و ثبت آنها یا ناقص است یا

با جعل انتقالات میان خویشاوندان همراه است. البته پیشنهاد شده که مالکیت بر زمین کشاورزی را می‌توان به وسیله ارزش اجاره‌ای آن تعیین نمود. در این صورت جمع‌آوری اطلاعات از طریق آمارگیری خانوار و مزرعه امکان‌پذیر است.

اما همچنان مشکلات عملی در تعیین ارزش بازاری زمین کشاورزی باقی است به علاوه در مورد ارزش اجاره‌ای نیز مشکل وجود دارد زیرا پرداختهای اجاره‌ای به طرق مختلف براساس سهم به صورت نقدی و جنسی یا اجاره ثابت نقدی و جنسی صورت می‌گیرد.

ج) مالیات بر ظرفیت تولید کشاورزی

یکی دیگر از روش‌های اخذ مالیات کشاورزی، اعمال مالیات بر مبنای ظرفیت تولید و بهره‌وری زمین است. در مورد پاکستان شاخص واحدهای محصول (*PIV*) به عنوان معیار عینی ظرفیت تولید زمین کشاورزی پیشنهاد شده است. به دلیل آنکه این شاخص شرایط خاک، آب و ارزش ناخالص ستانده را لحاظ می‌کند. اما مشکل استفاده از *PIV* آن است که این شاخص ابتدا در دهه ۱۹۴۰ و اوایل ۱۹۵۰ و با توجه به شرایط آن زمان محاسبه شده و تجدید نظر اساسی در نحوه محاسبه و برآورد آن نسبت به سالهای اخیر صورت نگرفته است و معمولاً مشکل زمان‌بری و هزینه بر بودن آمارهای مورد نیاز برای تجدید نظر مطرح می‌شود. لیکن تجدید نظر در *PIV* آن‌طور که عنوان می‌شود، به دلیل آنکه اطلاعات و منابع مورد نیاز در بخش درآمد زمین تقریباً در همه ایالات وجود دارد دشوار نیست^(۱).

ارزش جاری واحدهای شاخص محصول را می‌توان با سنجش مقیاس واحدهای شاخص محصول اصلی، یعنی نسبت میانگین ارزش ناخالص محصول در دوره جاری (*PIU*) و دوره مبناء (*PIU₀*) به صورت زیر برآورد نمود:

۱. گزارش مالیات بر کشاورزی در پاکستان، دفتر تحقیقات و سیاستهای مالی، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۷.

$$PIU_c = PIU_b \times [\text{نسبت میانگین ارزش ناخالص ستانده محصول در دوره جاری به دوره مبنا}]$$

در مرحله اول ابتدا یک دایره درآمدی «استاندارد» در هر منطقه زمین (Tehsil-Taluka)^(۱) انتخاب می‌شود. فرض می‌شود واحدهای شاخص محصول برای این دایره درآمدی در سال ۶۰-۱۹۵۹ در هر هکتار ۶۴ برآورد شده است.

در مرحله دوم ارزش ناخالص محصول در هر هکتار برای دوره جاری و دوره مبنا برآورد می‌شود. این ارزش می‌تواند براساس میانگین سه ساله محصول، قیمت نهایی و مساحت کامل هر محصول باشد.

در مرحله سوم فرض می‌شود که ارزش ناخالص محصول حدود ۶/۶۷ برابر افزایش یافته است، بنابراین تعداد واحدهای شاخص محصول (PIV_b) در دایره استاندارد درآمدی در دوره جاری عبارتست از:

$$۶۴ \times ۶/۷ = ۴۲۷$$

در مرحله چهارم فرض می‌شود در دایره درآمدی دیگر ارزش ناخالص محصول برای دوره جاری (۹۷-۱۹۹۵)، ۸۰۰۰ روپیه در هر هکتار برآورد شده است و نسبت ارزش ناخالص محصول در این دایره به ارزش ناخالص محصول که در دایره استاندارد درآمد، در دوره جاری ۰/۸ است. سپس تعداد واحدهای شاخص محصول که در محدوده استاندارد به هنگام شده است (۴۲۷) در این نسبت ضرب می‌شود تا واحدهای شاخص محصول (PIU_c) به هنگام برای محدوده درآمدی موجود به دست آید:

تعداد واحدهای شاخص محصول (PIU_i) در هر هکتار $۴۲۷ \times ۰/۸ = ۳۴۲$
مرحله چهارم باید برای کلیه دایره‌های درآمدی در هر منطقه از استان تکرار شود.
روش دیگر، تکرار مراحل مختلف مذکور در دیگر دایره‌های درآمدی در هر منطقه
زمین می‌باشد. این روش دقیق‌تر است اما نیازمند وقت، منابع و اطلاعات بیشتری
می‌باشد.

۲-۴ مالیات بر کشاورزی در بنگلادش

طبق قانون مالیاتی کشور بنگلادش، منظور از «درآمد کشاورزی» درآمد کسب شده
توسط کشاورز از طریق زمین یا ساختمانی است که مورد استفاده فعالیت‌های کشاورزی
قرار گیرد. موارد مشمول مالیات در مورد زمین و ساختمان مورد استفاده فعالیت‌های
کشاورزی به شرح زیر است:

الف) در مورد زمین کشاورزی، درآمد حاصل از

۱. ابزار آلات کشاورزی
۲. انجام مراحل تولید محصولات به منظور فروش در بازار
۳. فروش یا تولید تحت شرایط غیر تصادفی
۴. انتقال امتیاز استفاده از زمین به شخص دیگری برای مدت مشخص

ب) در مورد ساختمان، درآمد حاصل از

۱. ساختمان‌های مورد استفاده برای انجام مراحل تولید محصولات بازاری
۲. ساختمان‌های که در حومه نزدیک زمین کشاورزی قرار دارد.
۳. ساختمان‌هایی که توسط کشاورز به منظور استفاده به عنوان انبار یا مغازه و
فروشگاه و یا سایر موارد تکمیل و تجهیز شده است.

۲-۴-۱ روش محاسبه درآمد کشاورزی مشمول مالیات

درآمد

- درآمد حاصل از زمین و ساختمان مورد استفاده در امور کشاورزی در کشور بنگلادش.
- درآمد حاصل از مازاد قیمت فروش ماشین آلات و تجهیزات کشاورزی نسبت به قیمت خرید (ثبت شده).
- درآمد حاصل از فروش ماشین آلات و تجهیزات کشاورزی مستهلك و از رده خارج.
- دریافت خسارات و غرامت بیمه برای ماشین آلات و تجهیزات کشاورزی مستهلك و یا خراب شده و قراضه منهای ارزش ثبت شده (ارزش دفتری) و ارزش قراضه آن.

کسورات

- مالیات توسعه زمین، مالیات محلی بر درآمد، مالیات بر آب و سایر موارد.
 - هزینه تولید.
 - حق بیمه پرداختی برای بیمه زمین، محصول و دام.
 - هزینه نگهداری و تعمیر دارایی‌های سرمایه‌ای.
 - استهلاك دارایی‌های سرمایه‌ای با توجه به نرخهای جداول استهلاك.
 - بهره و هزینه رهن سرمایه.
 - بهره سرمایه اجاری.
 - هرگونه هزینه غیر شخصی و سرمایه‌ای در ارتباط با درآمد کشاورزی.
- هزینه تولید شامل موارد زیر است،
- الف) هزینه کشت و زراعت زمین و هزینه پرورش و نگهداری دام.
- ب) هزینه انجام مراحل اولیه تولید محصولات بازاری.
- ج) هزینه حمل و نقل محصولات کشاورزی و دام به بازار.

د) هزینه تعمیر و نگهداری ماشین آلات و تجهیزات کشاورزی و هزینه نگهداری چارپایان برای شخم زدن زمین و حمل و نقل محصولات.
حد مجاز هزینه تولید

الف) در مزارع کشاورزی که دفاتر حسابداری برای ثبت دارایی ها و درآمدها نگهداری نمی شود، حداکثر ۶۰ درصد ارزش بازاری محصول به عنوان هزینه تولید قابل قبول است.

ب) در صورتی که مالک زمین در محصول آن سهم باشد هزینه تولید غیر قابل قبول است.

فروش چای و کائوچو

از کل درآمد حاصل از فروش چای، کائوچو و سایر محصولات صنعتی در بنگلادش ۴۰ درصد آن به عنوان درآمد کسب و کار و ۶۰ درصد آن به عنوان درآمد کشاورزی محسوب می شود^(۱).

۲-۵ مالیات بر کشاورزی در کشور آلمان^(۲)

عوارض متعلق به کشاورزی در چارچوب جامعه اقتصادی اروپا:

در کشور آلمان وضع عوارض در مورد کشاورزی متکی به سیاست مشترک کشاورزی کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا است که مستقیماً تحت قانون جامعه اقتصادی اروپا (EEC)^(۳) می باشد. اهداف سیاست مشترک کشاورزی عبارتند از:

1. M.A. Haque, "INCOME - TAX LAW and Practice", 1987, PP. 94-97.

۲. شرح مختصری از مالیاتها و سیستم مالیاتی در آلمان، دفتر تحقیقات و سیاستهای مالی، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی.

3. European Economic Community.

● افزایش درآمدهای اشخاصی که به امور کشاورزی اشتغال دارند.

● ثابت نگهداشتن بازارها.

● عرضه محصولات به مشتریان با قیمت‌های مناسب.

در ارتباط با بیشتر محصولات کشاورزی، اهداف فوق از طریق سیاست قیمت گذاری حاصل می شود.

عوارض کشاورزی به محصولات وارداتی کشاورزی به اعضاء جامعه اقتصادی اروپا به نرخ ثابتی وضع می شود. قیمت‌های مشخصه جامعه که سالانه تعیین می گردد بایستی آنگونه باشند که در مقابل قیمت‌های کشورهای ثالث که قیمت‌های آنها با سطح بین المللی تعیین می شود مقابله نماید. به عبارت دیگر وضع ما به التفاوت قیمت بازار جهانی و قیمت‌های جامعه اقتصادی اروپا به عنوان مالیات بر واردات محصولات کشاورزی و یا استرداد ما به التفاوت در مورد صادرات عمل می نماید.

هر گاه قیمت‌های بازار جهانی بالاتر از قیمت‌های جامعه باشد ما به التفاوت به وارد کنندگان پس داده می شود و به صادر کنندگان مالیات تعلق می گیرد. مالیات بر محصولات کشاورزی در ابتدا به غلات، گوشت خوک، تخم مرغ و مرغ تعلق گرفت. سپس به تدریج شامل سایر محصولات کشاورزی مانند برنج، شکر، روغن و گوشت گاو و غیره گردید.

منابع قانونی برای وصول عوارض کشاورزی عبارتند از:

الف) قانون حاکم بر وصول عوارض براساس مقررات EEC بر مبنای ایجاد سازمانهای مشترک برای محصولات کشاورزی (قانون وصول عوارض) مصوب ۱۵ جولای ۱۹۶۲ (به استثنای برخی از مقررات ویژه، این قانون صرفاً به مقررات قانونی گمرکی اشاره می نماید).

ب) مقررات EEC در مورد سازمانهای بازار برای محصولات کشاورزی و مقررات مربوطه به تجارت بعضی از محصولاتی که خیلی زیاد به محصولات کشاورزی وابسته باشند.

ج) مقرراتی که توسط کمیسیون EC وضع شده انواع عوارض را تعیین می نماید. عوارض کشاورزی توسط مقامات گمرکی فدرال وصول شده و به حساب جداگانه به بودجه کشور واریز می شود.

عوارض کشاورزی همچنین شامل عوارض مکملی است که روی بعضی از محصولات کشاورزی در موارد خاص از شرایط بازار یا هزینه های برابری وضع می شود و ممکن است به بعضی از کالاهای کشاورزی علاوه بر عوارض گمرکی به طور موقت تثبیت قیمت ها را نیز شامل شود.

این مالیات ها هنگامی وضع می شوند که قیمت های جهانی نسبت به قیمت های بازار مشترک بالاتر باشد. با این ریسک که ممکن است در اثر صادرات بیش از حد، نگرانی هایی برای بازار داخلی به وجود آید. عوارض صادراتی ممکن است زمانی به کالاهایی که نیاز به پروانه صادراتی ندارند نیز وضع گردد. وضع این عوارض بدین لحاظ است که در بعضی مواقع عدم تعادل های شدید در بازار داخلی ایجاد می کند که تمهیداتی حمایتی از این قبیل برای جلوگیری از جریان ناخواسته کالا به کار برده شود. بنابراین عوارض صادراتی به عنوان جزئی از مکانیزم دائمی نبوده و زمانی وضع می شوند که الزاماتی در بازار داخلی وجود داشته باشد. عوارض صادراتی در تجارت با کشورهای ثالث ابتدا در ۸ آوریل ۱۹۷۱ در مورد بعضی از کالاها از قبیل شیر و محصولات لبنی آغاز شد.

عوارض صادراتی توسط ادارات گمرک وصول می شود. وصول این عوارض طبق مقررات قانون حاکم بر وصول عوارض گمرکی است. مقررات عمومی حاکم بر این عوارض صادراتی منبعث از قوانینی است که در شورای EC به تصویب رسیده است. در سیستم مالیاتی آلمان برخی تولیدات کشاورزی به شرح زیر مشمول مالیات قرار گرفته است:

۲-۵-۱ مالیات بر شکار و ماهیگیری

این مالیات یک نوع مالیات محلی است که توسط شهرداریها در آلمان وصول می‌گردد. این مالیات مانند یک مالیات تجملی است. قوانین ایالتی که اختیار وضع این مالیات را به شهرداریها داده مبنا و اساس وضع و وصول این مالیات است. در شهرهای ایالات برلین، برمن و هامبورگ این مالیات اخذ نمی‌شود و در ایالت باوریا و ایالت هیس نیز این مالیات منسوخ شده است.

شکارچیان جواز دار به عنوان پرداخت کنندگان این مالیات مشخص شده‌اند. مالیات بر شکار و ماهیگیری یک بار در سال براساس ارزش سالانه امتیاز شکار و یا در صورت اجاره‌ای بودن آن، براساس قیمت پرداخت شده بوسیله شخص اجاره کننده، تشخیص داده می‌شود.

۲-۵-۲ مالیات بر قهوه

مالیات بر قهوه نوعی مالیات غیر مستقیم است که توسط دولت فدرال وضع و توسط گمرکات فدرال اجرا می‌گردد و درآمد حاصل متعلق به دولت فدرال است.

مبنای قانونی برای وصول مالیات بر قهوه به شرح زیر می‌باشد:

۱. قانون مالیات بر قهوه و چای مصوب ۵ می ۱۹۸۰ که بوسیله آیین نامه‌ها برای تطبیق با تعرفه‌های گمرکی اصلاح شده است.

۲. آیین نامه اجرایی قانون مالیات بر قهوه و چای مورخ ۲ ژوئن ۱۹۸۰ که آخرین بار برای تطبیق مقررات مالیات چای و قهوه با تعرفه‌های گمرکی اصلاح شده است.

مالیات بر واردات قهوه (در شکل‌های مختلف فوق الذکر) در منطقه‌ای که مالیات قهوه اجرا می‌شود، تعلق می‌گیرد. به استثنای گمرکات و مناطق آزاد. نظر به اینکه کل قهوه مصرفی به صورت خام وارد می‌گردد، بنابراین مالیات بر قهوه به نحوی طراحی شده که به عنوان عوارض گمرکی بر این کالا اعمال می‌شود.

مهمترین نرخ های مالیاتی قهوه به شرح زیر می باشد:

- قهوه خام با کافئین ۳/۶۰ مارک برای هر کیلو
- قهوه بو داده با کافئین ۴/۳۰ مارک برای هر کیلو
- مشتقات قهوه با کافئین ۹/۳۵ مارک برای هر کیلو

۲-۵-۳ مالیات بر شکر

این مالیات از انواع مالیاتهای غیر مستقیم است که توسط دولت فدرال وضع و بوسیله گمرکات فدرال به اجراء در می آید و درآمد حاصل از آن به دولت فدرال تعلق دارد. این مالیات اساساً بر روی شکری که مصرف خوراکی دارد وضع می شود.

به موجب قانون مالیات بر شکر، نرخهای مالیاتی گوناگونی اعمال می شود. نرخ مالیاتی برای شکر جامد ناشی از چغندر قند، شبه شکر، فراکتوز و ایزوگلوکز جامد ۶ مارک برای هر ۱۰۰ کیلوگرم می باشد. برای انواع دیگر شکر نرخ مالیاتی بستگی به درجه خلوص شکر دارد. بنابراین نرخ مالیات برای شکر نشاسته ای با درجه خلوص بیش از ۹۵ درصد مبلغ ۵/۴۰ مارک در حالیکه برای شکر نشاسته ای با درجه خلوص کمتر از ۹۵ درصد به نرخ ۲/۴۰ مارک برای هر ۱۰۰ کیلوگرم می باشد. مالیات بر روی شکر مایع و ایزوگلوکز مایع با درجه خلوص ۹۵ درصد به نرخ ۴/۲۰ مارک برای هر ۱۰۰ کیلوگرم می باشد.

وظیفه پرداخت مالیات (به غیر از واردات) به عهده تولید کنندگان شکر می باشد. بنابراین تعداد محدودی افراد درگیر وصول این مالیات بوده و این مالیات به سادگی و با هزینه کم قابل وصول می باشد. مالیات پرداختی توسط تولید کننده به صورت اضافه قیمت محصولات به مشتریان انتقال داده می شود. تکلیف پرداخت مالیات در مورد واردات به عهده وارد کننده است. مقررات حقوق و عوارض گمرکی با جزئی تغییرات در

مورد وصول مالیات شکر وارداتی بکار می‌رود.

مصارف شکر در موارد زیر از مالیات معاف می‌باشند:

۱. به مقاصد صنعتی یا مصارف عامه یا به مصارفی غیر از تهیه غذا برسد.

۲. در خوراک دام و طیور مورد استفاده قرار گیرد.

معمولاً برای موارد فوق شکر مصنوعی مصرف می‌شود اما اگر امکان استفاده از شکر مصنوعی وجود نداشته باشد شکر طبیعی استفاده می‌شود که طبق اجازه مقامات از مالیات معاف است. شکری که به مصرف کالاهای صادراتی برسد در صورتی که تولید کننده قبلاً اجازه چنین کاری را گرفته باشد مشمول مالیات نمی‌شود.

۲-۵-۴ مالیات بر چای

این مالیات از انواع مالیاتهای غیر مستقیم بوده که توسط مراجع قانونگذاری فدرال وضع و توسط گمرکات فدرال اجرا می‌گردد. این مالیات به چای، اسانس یا مشتقات آن تعلق می‌گیرد. بعضی از محصولات وارداتی نیز که حاوی مقداری چای می‌باشند، مشمول این مالیات می‌شوند.

سه نوع نرخ مالیاتی به شرح زیر برای چای وجود دارد:

● در مورد چای ۴/۱۵ مارک برای هر کیلو

● برای هر کیلو مشتقات مایع و اسانس چای ۱۰/۴۰ مارک

تحت شرایط معینی، مالیات بر چای صادراتی مسترد می‌گردد. همچنین در مورد تولیداتی که چای در آن بکار رفته و از قلمرو مالی صادر می‌شوند به نسبت چای مصرفی در آن تولیدات مالیات بر چای مسترد می‌گردد.

۲-۶ مالیات بر کشاورزی در اروگوئه

مالیات بر درآمد کشاورزی^(۱) (IRA)

IRA یک مالیات سرانه بر درآمد حاصل از فعالیتهای کشاورزی است. مؤدی مالیاتی می تواند این مالیات یا مالیات بر فعالیتهای کشاورزی (IMAGR)^(۲) را برای پرداخت انتخاب نماید. درآمدهای مشمول این مالیات عبارتند از: درآمد حاصل از نگهداری حیوانات خانگی (مرغ، خروس و بوقلمون)، درآمد حاصل از پرورش و شکار خرگوش، درآمد حاصل از اجاره زمینهای کشاورزی، درآمد حاصل از نقل و انتقال املاک کشاورزی، درآمد حاصل از باغات میوه.

افراد مشمول مالیات شامل: افراد حقیقی، خانوارها، شرکتهای سهامی، مؤسسات، انجمنها و اتحادیهها می باشند. میزان این مالیات بر اساس درآمد خالص محاسبه می شود. درآمد خالص از طریق کسر هزینههای زیر از درآمد ناخالص فعالیتهای مشمول مالیات بدست می آید.

هزینههای مربوط به کشت و زراعت سالانه، هزینه ایجاد مراتع و چراگاههای دائمی، هزینه مربوط به حصار کشی مزارع و چراگاهها، هزینه ایجاد استخر و حوض آبیاری و هزینه نگهداری و حفاظت اراضی جنگلی.

در شرایطی که درآمد خالص دقیقاً قابل محاسبه نباشد میزان درآمد خالص تخمین زده می شود. نرخ این مالیات مقطوع و ۳۰ درصد سود مالی است.

مالیات بر فعالیتهای کشاورزی (IMAGRO)

یک مالیات سالانه است که قابل وصول از درآمد بالقوه حاصل از کشاورزی برای تولید مواد اولیه و محصولات دامی و زراعی می باشد.

1 Farming Income Tax (IRA)

2 Tax on Farming activities (IMAGRO)

این مالیات براساس پایه‌های اسمی قابل وصول است. درآمد مشمول مالیات شامل درآمد حاصل از فعالیتهای کشاورزی، درآمد ناشی از تصرف املاک و زمینهای کشاورزی بلااستفاده و درآمد حاصل از چراگاهها و سایر فعالیتهای مشابه، می‌باشد. میزان مالیات براساس عایدات خالص محاسبه می‌شود که از حاصل ضرب شاخص متوسط بهره‌وری در سطح زیر کشت بدست می‌آید و حق الزحمه و دستمزد اسمی تولیدکننده قابل کسر می‌باشد. نرخ این مالیات مقطوع و ۳۰ درصد سود مالی اسمی است.

۷-۲ مالیات بر کشاورزی در نیجریه

نرخ استاندارد مالیات بر درآمد شرکتها در این کشور ۳۵ درصد است. اما شرکتهایی که در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند با نرخ ۲۰ درصد مشمول مالیات می‌شوند و شرکتهایی که در بعضی از مناطق معین کشور به فعالیتهای کشاورزی بپردازند، به مدت ۵ سال از پرداخت مالیات معاف هستند. در مورد مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی نیز میزان تخفیفات سرمایه‌ای قابل حصول توسط یک فرد مشمول مالیات در هر سال در نیجریه نباید بیش از $\frac{۶۶}{۳}$ درصد درآمد ارزیابی شده مودی باشد اما برای افرادی که در بخش کشاورزی و صنعتی فعالیت دارند این شرط وجود ندارد.

۸-۲ نحوه برخورد با بخش کشاورزی در سیستم مالیات بر ارزش افزوده

(VAT)

علاوه بر مالیات مستقیم که بر درآمد کشاورزی در برخی از کشورها اخذ می‌شود، مالیاتهای غیر مستقیم نیز در قالب مالیات فروش، مصرف و مالیات ارزش افزوده از محصولات کشاورزی قابل وصول است.

اخذ مالیات ارزش افزوده از کشاورزان عملاً مشکل است. زیرا اغلب معاملات

کشاورزان به صورت نقدی است و گزارش فروش محصولات آنها ثبت نمی‌شود از سوی دیگر کشاورزان محصولات مختلفی را تولید کرده و می‌فروشند که ممکن است براساس نرخهای مختلفی مشمول مالیات شوند. همچنین در بسیاری موارد فعالیتهای کشاورزی با سایر فعالیتهای مشمول مالیات بر ارزش افزوده ترکیب شده است (مثل تولید محصولات همراه با حمل و نقل محصولات) که در این حالت معافیت کشاورزی منجر به معافیت این فعالیت‌ها نیز می‌شود، اما از یک سو معافیت محصولات کشاورزی از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده نیز کشاورزان را کاملاً خارج از سیستم VAT قرار نخواهد داد. زیرا آنها در برخی کشورها برای خرید نهاده‌های مورد نیاز کشاورزی مانند بذر، کود، علوفه و تجهیزات و ماشین‌آلات مالیات بر ارزش افزوده را پرداخت می‌نمایند.

برخورد سیستم مالیات بر ارزش افزوده (VAT) با بخش کشاورزی در کشورهای مختلف، متفاوت است. در کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا، از آنجا که کشاورزان مالیات بر ارزش افزوده نهاده‌های مورد نیاز خود را پرداخته‌اند، نرخ هموار مشترک^(۱) جهت جبران معرفی نشده است. با این حال در کشورهای عضو جامعه اروپا نیز روشهای متفاوتی در رابطه با بخش کشاورزی اعمال می‌شود. در کشورهای انگلستان، دانمارک و نیوزیلند روش خاصی برای بخش کشاورزی اعمال نمی‌شود و در این کشورها با کشاورزان مشابه سایر مؤدیان مالیاتی رفتار می‌شود و فقط در دانمارک، کشاورزان می‌توانند در زمان طولانی‌تری در مقایسه با سایر تجار مالیات را پرداخت نمایند.

در فرانسه و اسپانیا، مالیات پرداختی زارعین روی نهاده‌های کشاورزی مستقیماً از سوی دولت جبران می‌شود. البته این جبران در کشور اسپانیا فقط در مورد صادر کنندگان محصولات کشاورزی صورت می‌گیرد. میزان جبران از سوی دولت به صورت درصدی از سرمایه خواهد بود و در واقع با نرخ هموار توسط خریدار محصولات مالیات پرداخت

۱. این نرخ روی فروش محصولات اعمال می‌شود و در واقع در قیمتی که مشتریان پرداخت می‌کنند مستتر است.

نمی‌شود.

کشور پر تغال زار عین را از پرداخت مالیات معاف نموده است و جبرانی بابت مالیات پرداختی روی نهاده‌ها وجود ندارد. اما نهاده‌های عمده کشاورزی مانند علوفه، بذر و کود مشمول نرخ گذاری صفر^۱ شده‌اند و نرخ پایین‌تری نیز برای تجهیزات و ماشین آلات کشاورزی بکار می‌رود. در اکثر کشورهای آمریکای لاتین انواع فروشهای زار عین از هم مجزا شده و معمولاً اولین فروش تولیدات کشاورزی از پرداخت مالیات معاف است. روش کشور شیلی در میان کشورهای دیگر منحصر به فرد است. در این کشور تمام زار عین به عنوان مودی کاملاً ثبت نشده لیکن انواع محصولات کشاورزی هم از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاف نیست. بطور کلی در بیشتر کشورهای توسعه یافته راه حل مطلوب برخورد با زار عین در صورت امکان، همانند سایر تولیدکنندگان مشمول مالیات است. لذا اگر مبلغ فروش آنها ناچیز باشد، از پرداخت مالیات معاف می‌شوند و چنانچه مبلغ فروش آنها بالاتر از حد معافیت بوده اما پایین‌تر از حدی باشد که اعمال کامل مالیات امکان دارد، یا باید نرخ هموار در مورد آنها به کار رود و یا نهاده‌های کشاورزی نرخ گذاری صفر شود.

در اغلب کشورها، کشاورزان را نمی‌توان به آسانی به عنوان یک مودی مالیاتی محسوب نمود. زیرا در اغلب موارد آنها تمایلی به نگهداری دفاتر حسابداری ندارند و در کشورهای در حال توسعه نیز کشاورزی معمولاً به صورت سنتی و ابتدایی انجام می‌شود و ممکن است کشاورزان در محلهایی قرار گرفته باشند که سازمان مالیاتی نتواند به آسانی به آنها دسترسی پیدا کند.

۱. نرخ صفر بدین معنی است که هیچگونه مالیاتی پرداخت نمی‌شود و مالیاتهای پرداخت شده نیز مسترد می‌گردد.

۲-۹ خلاصه تجربه سایر کشورها

الف) کشورهای در حال توسعه

الجزایر

- از بررسی سیستم مالیات بر کشاورزی در الجزایر می توان نکات زیر را نتیجه گرفت و در بررسی اخذ مالیات بر کشاورزی در ایران به این نکات توجه نمود:
- میزان مالیات براساس درآمد حاصل از کشاورزی اخذ می شود.
 - نحوه محاسبه و تعیین مالیات با توجه به مرغوبیت زمین، سطح زیر کشت و متوسط بازدهی تولید صورت می گیرد.
 - علاوه بر زراعت فعالیت های دامپروری، پرورش طیور، صدف و زنبورداری و بهره برداری از منابع آبی زیر زمینی نیز مشمول مالیات می باشند.
 - معافیت هایی برای کشاورزان کم درآمد لحاظ شده است و این کشاورزان مکلف به ارائه اظهارنامه نمی باشند.
 - برای تضمین اجرا و وصول مالیات، جرایم مالیاتی منظور شده است.

پاکستان

- از بررسی سیستم مالیات بر کشاورزی پاکستان می توان موارد زیر را نتیجه گرفت و در بررسی اخذ مالیات بر کشاورزی ایران به این نکات توجه نمود:
- اخذ مالیات در پاکستان در سطح ایالات و فدرال اخذ می شود.
 - در پاکستان دو نوع مالیات از بخش کشاورزی اخذ می شود؛ مالیات بر درآمد کشاورزی و مالیات بر زمین کشاورزی.
 - از آنجا که اخذ مالیات بر درآمد واقعی در پاکستان ممکن نیست لذا مالیات براساس درآمد فرضی پیشنهاد شده است و می توان از این روش در اخذ مالیات بر درآمد کشاورزی در ایران استفاده نمود.

● مالیات بر زمین کشاورزی در پاکستان براساس مساحت زمین و بدون توجه به سایر ویژگی های آن اخذ می شود که موجب افزایش بار مالیاتی بر روی زمینهای کشاورزی با بهره وری پایینی می گردد.

● روش پیشنهادی و تجربه پاکستان در مورد شاخص واحدهای محصول (PIV) به عنوان معیاری برای تعیین ظرفیت تولید زمین کشاورزی قابل توجه است.

● با توجه به تجربه پاکستان باید از اخذ مالیات های متعدد بر بخش کشاورزی اجتناب نمود تا موجب انتقال منابع از بخش کشاورزی به سایر بخشها نگردد.

بنگلادش

از بررسی سیستم مالیات بر کشاورزی در بنگلادش نکات زیر قابل توجه است که می توان در بررسی اخذ مالیات بر کشاورزی از آنها استفاده نمود:

● مالیات بر کشاورزی در بنگلادش شامل درآمد حاصل از زمین کشاورزی و ساختمانهای مورد استفاده کشاورزی است.

● درآمد حاصل از فروش ماشین آلات و تجهیزات کشاورزی بیش از قیمت خرید نیز مشمول مالیات می باشد.

● به منظور اجتناب از مالیات مضاعف بر کشاورزی، سایر مالیاتهایی که از بخش کشاورزی اخذ می شود مانند مالیات توسعه زمین کشاورزی و مالیات بر آب، کسر می گردد.

● از جمله نکات مهم در زمان وضع مالیات این است که در برخی موارد که دفاتر حسابداری برای ثبت درآمد نگهداری نمی شود، درصد معینی از محصول به عنوان هزینه در نظر گرفته می شود.

● در مورد برخی از محصولات کشاورزی (مانند چای و کاکائو)، ۶۰ درصد درآمد حاصل از فروش این محصولات به عنوان درآمد کشاورزی در نظر گرفته می شود.

ب) کشورهای توسعه یافته

آلمان

به طور کلی در آلمان، اخذ عوارض از محصولات کشاورزی در چارچوب مقررات جامعه اقتصادی اروپا صورت می‌گیرد. این عوارض به صورت ما به التفاوت قیمت بازار جهانی و قیمت‌های جامعه اقتصادی اروپا به عنوان مالیات بر واردات محصول کشاورزی و یا استرداد مابه‌التفاوت در مورد صادرات عمل می‌نماید و توسط ادارات گمرک وصول می‌شود.

در سیستم مالیاتی آلمان از برخی تولیدات کشاورزی مانند قهوه، قند و شکر، چای و مشتقات آنها، مالیات غیر مستقیم به شکل مالیات بر فروش در سطح کارخانه‌های داخلی و یا به صورت عوارض گمرکی از کالاهای وارداتی وصول می‌شود.

۳ روشهای مختلف حمایت و جایگاه بخش

کشاورزی در اقتصاد ایران

۳-۱ مقدمه

از دیرباز میان اقتصاددانان در مورد توسعه بخش کشاورزی بحث وجود داشته است. گروهی از اقتصاددانان با تاکید بر نظام قیمت گذاری بازار در فروش محصولات کشاورزی و نیز تأمین نهاده‌های تولید معتقدند که تنها با اتکا به نظام بازار آزاد می‌توان به درجات بالای توسعه یافتگی در بخش کشاورزی دست یافت. در مقابل، گروهی دیگر از اقتصاددانان با توجه به نقش حساس بخش کشاورزی در تولید کالاهای استراتژیک و

نیازهای حیاتی مردم و نیز وابستگی زندگی اقتصادی بسیاری از مردم در کشورهای در حال توسعه به این بخش، بر لزوم دخالت دولت در فعالیتهای کشاورزی تاکید می‌نمایند. این گروه معتقدند که مکانیزم قیمت به تنهایی قادر نخواهد بود که از یک طرف تولید بخش کشاورزی را تشویق کند و از طرف دیگر ابزار مناسبی برای انتقال مازاد تولید به مناطق مصرف باشد. بدین ترتیب، به منظور تشویق کشاورزان به خرید و بکارگیری نهاده‌های کارا تر مانند سموم، بذره‌های اصلاح شده، ماشین آلات و کود شیمیایی، دولت باید با ایجاد انگیزه و اتخاذ سیاستهای مناسب به ویژه از طریق تضمین قیمت‌های فروش و اعطای یارانه نقش مثبتی در افزایش تولید در این بخش ایفا کند. دولت‌ها از طرفی باید کشاورزان را مورد حمایت خود قرار دهند تا مواد غذایی مورد نیاز جامعه را تولید کنند و از طرف دیگر با اعمال سیاستهایی مصرف کنندگان این کالاها را از حمایت خود برخوردار کنند تا به دلیل ضعف قدرت خرید، از گرفتار شدن طیف گسترده‌ای از مردم در دام سوء تغذیه ممانعت به عمل آورند. اعمال هر یک از سیاستهای مورد نیاز برای تحقق اهداف مذکور، اثرات خاصی را به دنبال دارد که نوع این تأثیرات با اهداف اصلی دولت در اعمال این سیاستها ارتباط دارد. به عبارت دیگر، اگر سیاستهای دولت به منظور افزایش درآمد کشاورزان اتخاذ شده باشد، طبیعتاً درآمد ناشی از فعالیتهای کشاورزی افزایش می‌یابد. ولی اگر انتخاب این هدف به تنهایی صورت گیرد، سبب می‌شود قیمت نهاده‌های تولید مانند زمین که امکان گسترش آن کم است افزایش یابد و با افزایش قیمت این نوع نهاده، هزینه تولید و به دنبال آن قیمت محصولات زراعی افزایش یافته و باعث زیان مصرف کنندگان نهایی خواهد شد.

بخش کشاورزی به دلیل آن که کمتر از سایر بخشها نسبت به شرایط جهانی آسیب‌پذیر است، همچنین به دلیل نقشی که در تولید مواد غذایی دارد، نیاز به تحولات متناسب و ویژه دارد. سیاستهایی که برای ایجاد تحول در بخش کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرند به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند:

الف) سیاستهای مستقیم: این سیاستها شامل آن دسته از سیاستهایی می شود که بطور مستقیم بر فعالیت خاصی اثر می گذارند که خود شامل سیاستهای قیمتی و غیر قیمتی می شوند.

ب) سیاستهای غیر مستقیم: این سیاستها شامل آن دسته از سیاستهایی می شود که بر فعالیت خاص اثر جانبی دارند مانند مالیات بر سود، سیاست اعتباری، قوانین و تسهیلات زیربنایی و امنیت اجتماعی و اقتصادی.

به عبارت دیگر، سیاستهای حمایتی دولتها از بخش کشاورزی که به منظور تنظیم مکانیزم عرضه و تقاضا، ایجاد اشتغال و تنظیم ساختار درآمد کشاورزان صورت می گیرد شامل تعیین قیمت های حمایتی، اعطای وام و اعتبارات کشاورزی، برقراری بیمه محصولات کشاورزی، توزیع نهاده های تولید با قیمت ارزان، ارائه آموزشهای ترویجی، معافیت مالیاتی، کاهش نرخ تعرفه گمرکی واردات نهاده های کشاورزی و افزایش نرخ تعرفه گمرکی واردات محصولات زراعی می گردد.

بخش کشاورزی که تأمین کننده مواد غذایی و برخی از مواد اولیه صنایع کشور است، یک بخش استراتژیک و حیاتی در مجموعه بخش های اقتصادی است. رسالت سنگین این بخش با توجه به ازدیاد جمعیت و اهداف رشد و توسعه اقتصادی، حرکت به سمت خودکفایی در محصولات کشاورزی و بی نیازی از واردات خواهد بود. طی سال های اجرای برنامه های اول و دوم توسعه اقتصادی، بخش کشاورزی در حد امکانات موجود، در مسیر اهداف و سیاست های پیش بینی شده در برنامه ها حرکت کرده و علیرغم وجود محدودیت ها و مشکلات، موفقیت های درخور ملاحظه ای به دست آورده است. از مهم ترین علل توفیق نسبی بخش در نیل به اهداف تعیین شده، نیاز کم آن به منابع ارزی، قابلیت های درونی، اجرای طرح های محوری افزایش تولیدات، توزیع به موقع نهاده ها که منجر به افزایش راندمان تولید شده، اجرای سیاست بیمه محصولات و ... می باشد.

در این فصل دو هدف دنبال می شود اول اینکه در حال حاضر چه نوع حمایت هایی در

بخش وجود دارد و اثرات آنها چگونه است؟ دلیل بررسی آن وابستگی انگیزه تولید به حمایت است و برای اینکه اثبات کنیم سیاستهای حمایتی از جمله معافیت مالیاتی بر انگیزه تولید مؤثر است بایستی تحلیل کاملی از سایر حمایتها داشته باشیم. دوم، جهت اظهار نظر در مورد بخش کشاورزی اطلاع کافی از جایگاه آن و وضعیت داخلی ضروری است. به همین دلیل در ادامه فصل جایگاه بخش کشاورزی بررسی می‌شود و در فصول بعدی هر کدام از زیربخشهای بطور جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت.

۲-۳ روشهای مختلف حمایت از بخش کشاورزی

علاوه بر اعطای معافیت مالیاتی که در فصل اول بحث شد، راههای دیگری برای حمایت از بخش کشاورزی مطرح می‌گردند که در ذیل به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱-۲-۳ تعیین قیمت‌های حمایتی

یکی از روشهای رایج که در جهت تقویت بخش کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد، افزایش درآمد کشاورزان و ایجاد انگیزه لازم در آنان است. برای افزایش درآمد کشاورزان، روشهای گوناگونی به کار می‌رود. تعیین قیمت‌های متفاوت و تعیین قیمت‌های تضمینی از جمله روشهایی هستند که می‌توان از آنها در جهت افزایش درآمد کشاورزان استفاده نمود.

از آنجایی که محصولات زراعی در یک دوره زمانی خاص و محدودی در سال عرضه می‌گردند و ممکن است نوسانهای شدید قیمت محصولات کشاورزی، به تولید محصولات زراعی آسیب وارد کند، حتی در اقتصادهای پیشرفته متکی بر مکانیزم بازار دولتها در تعیین قیمت محصولات کشاورزی دخالت می‌کنند.

کشاورز به عنوان یک تولید کننده، به قیمت محصولات زراعی به عنوان یک علامت راهنما می‌نگرد. دولت‌ها و سیاستگذاران اقتصادی به منظور افزایش توجه کشاورزان به

گسترش فعالیت‌های کشاورزی سعی در تعیین منطقی قیمت محصولات کشاورزی در مقایسه با قیمت محصولات سایر بخشها می‌کنند.

در اغلب کشورهای جهان دولت یا مقامات بازار به طور مستقیم و غیر مستقیم و از طریق تثبیت دامنه فعالیت یا حداقل و حداکثر قیمت از محصولات کشاورزی حمایت می‌کند. همچنین از طریق تدوین طرحهایی به منظور تثبیت (یا افزایش) درآمد کشاورزان، ایجاد تحول در شرایط عرضه و تقاضا و گسترش استفاده از سلف فروشی به منظور کاهش ریسک نیز محصولات کشاورزی مورد حمایت قرار می‌گیرند. عمده‌ترین طرحهای حمایت از بخش کشاورزی در سطح جهان مربوط به سیاست مشترک کشاورزی اروپا و برنامه حمایت از کشاورزان دولت آمریکاست.

قیمت محصولات کشاورزی در کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا به میزان ۷۰ درصد و در کشورهای در حال توسعه حدود ۱۰ درصد بالاتر از سطح واقعی است و اگر حمایت‌های مزبور شود قیمت محصولات کشاورزی و در نتیجه درآمد کشاورزان در سطح پایین‌تری قرار خواهند گرفت^(۱).

در مورد سیاستهای حمایتی از محصولات کشاورزی انگیزه‌های مختلف و گسترده‌ای وجود دارد که مهمترین این انگیزه‌ها عبارتند از: افزایش یا تثبیت درآمد کشاورزان، کاهش نوسان قیمت‌ها، پرهیز از کاهش قیمت‌ها، افزایش میانگین قیمت‌ها، توزیع مجدد بین بخشها یا مناطق اقتصادی، تثبیت درآمد صادراتی (درآمد ارزی)، بهبود کارکرد بازار و تضمین گسترده‌تر عرضه محصولات.

از جمله پیامدهای سیاستهای حمایت از قیمت‌ها آن است که بازار را از واکنش باز می‌دارد چون کشاورزان با وجود بالابودن قیمت‌ها، انگیزه‌های لازم برای تولید بیشتر را ندارند در صورتی که با حذف سیاستهای حمایتی قیمت‌های واقعی محصولات

۱. سید محمود عزیزیان (مترجم)، قیمت واقعی محصولات کشاورزی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۱۵، پاییز

کشاورزی در سطح پایین قرار گرفته و در این حالت کشاورزان نسبت به تغییرات تقاضا واکنش بیشتری نشان می‌دهند.

در شرایطی که پیامدهای سیاستهای حمایتی از کشاورزی توجیه شود مسأله مهم در مورد این سیاستها، درجه حمایت از قیمت‌ها و گزینش ابزارهای لازم است. زیرا برای رسیدن به اهداف سیاستهای حمایتی امکان بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون وجود دارد و انتخاب ابزار براساس کارایی نسبی آن و هزینه انجام کار صورت می‌گیرد.

شکل عملی در مورد سیاستهای حمایتی مربوط به چگونگی تثبیت سطح حمایت از قیمت‌ها می‌باشد. معمولاً قیمت‌های حمایتی به صورت قیمت تضمین حداقل (کف) یا قیمت حداکثر (سقف) و یا ترکیبی از این دو می‌باشد. همچنین می‌توان قیمت‌های حمایتی را بر پایه سطح قیمت‌های هدف با تعیین حداقل و حداکثری برای نوسان آن نیز تعیین نمود.

در مرحله بعد، موضوع مهم چگونگی سطح حمایت از قیمت‌ها مطرح است و اینکه حمایت قیمتی باید بر پایه قیمت بازارهای خاص یا بر پایه قیمت شاخص صورت گیرد. بیشتر محصولات کشاورزی با کیفیتهای متفاوت و در بازارهای مختلف معامله می‌شود بنابراین وجود یک شاخص قیمت برای انجام سیاستهای حمایتی ضروری است.

به طور کلی به منظور پایداری طرحهای حمایتی باید سیاستها و روشها به گونه‌ای اتخاذ شود که برای تداوم فعالیت خود نیازی به افزایش روزافزون کمک مالی و یا دخالت گسترده‌تر نداشته باشد و قیمت هدف باید به گونه‌ای تعیین شود تا در مسیری حرکت کند که در بلند مدت اضافه تقاضا برای آن محصول در حد صفر تضمین شود. بنابراین باید قیمت‌های حمایتی با ورود هر گونه اطلاعات جدیدی درباره تحولات بازار مورد بازنگری و تعدیل قرار گیرد. در زمینه قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی در کشورهای مختلف جهان چهار روش بکار می‌رود:

الف) در برخی از کشورهای صنعتی پیشرفته و حتی در بعضی از کشورهای در حال

توسعه مانند هند به منظور حمایت و تشویق تولید کنندگان محصولات کشاورزی و افزایش تولید، قیمت تضمینی محصولات کشاورزی در سطحی بالاتر از قیمت تعادلی بازار تعیین می‌گردد.

ب) در برخی از کشورها، به ویژه کشورهای سوسیالیستی سابق برای حمایت از مصرف‌کنندگان یا انباشت سرمایه توسط بخش عمومی به منظور گسترش سایر فعالیت‌های اقتصادی، قیمت محصولات زراعی در سطحی پایین‌تر از قیمت تعادلی بازار تثبیت می‌گردد.

ج) در تعدادی از کشورهای در حال توسعه مانند مصر، مالزی، دولت‌ها از یک طرف به منظور افزایش تولید و حمایت از کشاورزان نهاده‌های تولید را با قیمت ارزان‌تر عرضه می‌کنند و از طرف دیگر با تعیین قیمت‌های تضمینی، مازاد قابل عرضه به بازار فروش را افزایش می‌دهند و در همین رابطه به منظور حمایت از مصرف‌کنندگان با پرداخت یارانه، قیمت‌ها را برای مصارف نهایی کاهش می‌دهند.

د) در برخی کشورها از جمله ایران دولت نهاده‌های تولید کشاورزی را (در برخی موارد) به قیمت بازار تحویل کشاورزان می‌نماید ولی محصولات کشاورزی را با قیمت تضمینی که پایین‌تر از قیمت بازار آزاد است از آنان خریداری می‌نماید.

بررسی تعیین قیمت محصولات کشاورزی در ایران

همزمان با افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۳ درآمد سرانه از حدود ۵۰۰ دلار در سال ۱۳۵۲ به حدود ۸۲۰ دلار افزایش یافت و این پدیده موجب شد تا تقاضا برای مواد غذایی به سرعت افزایش یابد. ولی به دلیل محدود بودن ظرفیت تولیدی کشور، افزایش عرضه پاسخگوی رشد تقاضا نبود. به همین دلیل، واردات مواد غذایی افزایش یافت. دولت به منظور حمایت از تولید محصولات کشاورزی، به ویژه مواد غذایی از یک سو اقدام به پرداخت یارانه به مصرف‌کنندگان این محصولات کرد و از طرف دیگر با تعیین

قیمت تضمین شده پایه، کشاورزان را به افزایش تولید تشویق نمود.

از مهمترین سیاستهای اتخاذ شده از سال ۱۳۶۸ در زمینه قیمت گذاری محصولات کشاورزی می توان به مصوبه مجلس شورای اسلامی در مورد خرید تضمینی محصولات کشاورزی اشاره نمود. به موجب این قانون، دولت موظف شد به منظور حمایت از کشاورزان و جلوگیری از نوسانات قیمت محصولات کشاورزی (که غالباً منافع آن نصیب واسطه ها و دلالان گردیده) خرید محصولات اساسی کشاورزی از قبیل گندم، برنج، جو، ذرت، چغندر قند، و ش پنبه، دانه های روغنی، چای، سیب زمینی، پیاز و حبوبات را تضمین کند و حداقل قیمت تضمینی را اعلام و نسبت به خرید آنها توسط مراجع ذیربط اقدام نماید. حال آنکه قبل از به اجرا درآمدن سیاست خرید تضمینی، خرید محصولات کشاورزی عموماً به صورت تثبیتی بوده و روند مشخصی نداشته است. به عبارت دیگر رابطه متعادلی بین بهای محصولات کشاورزی و قیمت سایر کالاها و خدمات برقرار نبود. در واقع بررسی ها و مشاهدات به عمل آمده در بخش کشاورزی بیانگر این واقعیت است که کشاورزان بطور طبیعی تلاش برای تولید محصولاتی را مدنظر قرار می دهند که در شرایط مساوی بالاترین فروش و بهترین بازده اقتصادی را عایدشان سازد. از این رو باید توجه داشت که بین سیاست قیمت گذاری محصولات کشاورزی و نتایج حاصل از هر نوع برنامه ریزی برای توسعه کشاورزی و بهبود زندگی روستائیان ارتباط مستقیم وجود دارد. لذا چنانچه در برنامه ریزیهای به عمل آمده برای تولید محصولات کشاورزی که غالباً با زحمت و صرف وقت و ریسک زیاد همراه است، قیمت های عادلانه و متناسب با هزینه ها در نظر گرفته نشود، بدون شک در بلند مدت امکان اینک نتیجه برنامه ریزی از مسیر اصلی و پیش بینی شده منحرف شود، زیاد خواهد بود. جدول شماره (۱-۳) روند قیمت تضمینی طی سالهای ۷۶-۱۳۷۰ را نشان می دهد.

بطور کلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بخش کشاورزی با سیاست پرداخت یارانه به عوامل تولید و افزایش قیمت تضمین برخی محصولات راهبردی نظیر گندم و عدم

مهار قیمت دیگر محصولات، مورد حمایت بوده است. با شروع اجرای سیاست تعدیل اقتصادی، به نظر می‌رسد که این حمایت دستخوش تغییراتی شده است. بطوری که از سال ۱۳۷۰ به بعد تغییراتی در سیاستهای قیمت گذاری در این بخش دیده می‌شود. این تغییر، عمدتاً حول و حوش حذف تدریجی یارانه‌های عوامل تولید بوده است.

می‌توان گفت که سیاست قیمت گذاری در ایران اصولاً با الگوی عام قیمت گذاری محصولات کشاورزی طی دوره خاصی از فرایند توسعه، وجوه مشترک ضعیفی داشته است. بدین معنی که به دلیل درآمد ارزی حاصل از صدور نفت، بخش کشاورزی از نقش محوری خود به عنوان سرچشمه مازاد اقتصادی محروم بوده است. علاوه بر این اگرچه هر ساله دولت از لحاظ اقتصادی هزینه‌ای را متحمل می‌شود، یعنی هر ساله مبالغی یارانه به صورت پنهان و آشکار می‌پردازد تا بخش کشاورزی در پاره‌ای تولیدات مورد نظر به ویژه کالاهای استراتژیک به خودکفایی برسد، لیکن به دلیل تناقض آشکار بین سیاست قیمت گذاری با برخی سیاستهای دیگر مانند پرداخت یارانه، سیاست پولی، سیاست بازرگانی و شیوه‌های مبارزه با تورم، نتایج مطلوب حاصل نشده است. این وضعیت را شاید بتوان به اختلالی نسبت داد که توسط سیاستهای قیمت‌گذاری و پرداخت یارانه در مکانیسم بازار به وجود آمده است. این اختلال علاوه بر دوری تخصیص منابع از نقطه بهینه و گریز از تولید محصولات مورد نظر، بسیار پر هزینه نیز بوده است. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد که دولت با تکیه بر درآمدهای سرشار ارزی کوشید تا تناقض قیمت‌گذاری و پرداخت یارانه را به نوعی حل کند.

(کیلو - ریال)

جدول شماره (۱-۳): روند قیمت تضمینی برخی محصولات اساسی کشاورزی طی دوره ۱۳۷۶-۱۳۷۰

محصول	سال	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
گندم	۱۰۰	۱۳۰	۱۵۰	۲۲۵	۲۲۵	۲۲۵	۲۳۰	۴۱۰	۴۸۰
چغندر قند	۲۰/۵	۲۵/۵	۳۷	۵۲	۶۲	۶۲	۷۸	۹۷	۱۲۵
جو	۹۰	۱۱۵	۱۱۵۰	۱۷۲/۵	۲۱۰	۲۱۰	۲۵۵	۳۱۷	۳۸۷
ذرت	۱۰۰	۱۲۷	۱۳۰	۱۹۵	۲۳۵	۲۳۵	۲۸۰	۳۴۸	۴۳۰
چای	۲۰۰	۳۳۰	۳۸۵	۵۰۰	۵۷۰	۵۷۰	۶۵۰	۷۰۰	۸۲۰
سویا	۸۲	۲۵۵	۲۷۵	۴۱۲/۵	۴۷۵	۴۷۵	۵۵۰	۶۸۳	۱۱۰۰
آفتابگردان	۲۷۰	۳۴۵	۳۵۵	۵۳۲/۵	۶۱۰	۶۱۰	۷۰۰	۸۷۰	۱۲۵۰
سیب زمینی	۶۵	۷۸	۷۸	۱۱۷	۱۳۵	۱۳۵	۱۴۰	۱۷۴	۲۱۰
پياز	۴۷	۶۰	۶۰	۹۰	۱۰۵	۱۰۵	۱۱۰	۱۳۷	۱۸۰
نخود	۲۷۵	۴۲۰	۴۳۰	۴۵۰	۵۸۵	۵۸۵	۷۲۷	—	—
عدس	۳۴۴	۴۳۷	۴۵۰۰	۵۰۰	۵۷۵	۵۷۵	۷۲۰	۸۹۵	۱۰۵۰
لوبیا چیتی	۳۴۲	۴۴۰	۴۶۰	۶۰۰	۶۶۰	۶۶۰	۷۰۰	۸۷۰	۱۰۳۰
لوبیا قرمز	۲۸۶	۳۶۰	۴۰۰	۵۲۰	۶۰۰	۶۰۰	۶۵۰	۸۰۸	۹۵۰
لوبیا سفید	۲۶۶	۳۳۸	۳۶۰	۴۷۰	۵۴۰	۵۴۰	۷۰۰	۸۷۰	۱۰۳۰
پنبه وشن	۳۰۰	۳۵۰	۴۰۰	۵۲۰	۶۵۰	۶۵۰	۸۰۰	—	—
برنج پر محصول مازندران	۳۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۵۷۲	۶۵۰	۶۵۰	۶۵۰	۸۰۸	۹۵۰
برنج پر محصول گلستان	۴۰۰	۵۰۰	۵۵۰	۷۱۵	۸۲۵	۸۲۵	۹۰۰	۱۰۵۶	۱۲۵۰

منابع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمانه و گزارش اقتصادی سالهای مختلف و اطلاعات اقتصادی سالهای مختلف، مسؤولیات شورای اقتصاد برای سالهای مختلف.

از طرفی قیمت خرید داخلی خود (به ویژه قیمت‌های تثبیتی) را به طور نسبی در سطح پایینی نگه داشت و از طرف دیگر با پرداخت یارانه پنهان (ارز ارزان قیمت به نهاده‌های کشاورزی) و یارانه آشکار به همین نهاده‌ها از شدت افزایش هزینه تولید کشاورز کاست. لیکن اگر دستاورد این سیاست‌ها را ارزیابی کنیم متوجه خواهیم شد که با اهداف اولیه دولت چندان نزدیک نمی‌باشد. بدین معنی که واردات رو به افزایش گذاشت و افزایش تولید عمدتاً به خاطر افزایش سطح زیر کشت بوده و تغییر چشمگیری در عملکرد در هکتار بسیاری از کالاهای اساسی مشاهده نشد و هزینه‌های ارزی دولت بابت خرید محصول و نهاده از خارج و نیز هزینه‌های ریالی آن جهت پرداخت یارانه افزایش پیدا کرد. بنابراین بایستی سیاست‌هایی در پیش گرفته شود که علاوه بر هماهنگی با یکدیگر، مکانیسم بازار را نیز سهولت بخشد. در این صورت است که علاوه بر کاهش کل هزینه‌های دولت (شامل یارانه آشکار و پنهان، خرید نقدی و جایزه، هزینه پرسنلی، هزینه اداری خرید محصول از خارج و...) تولید را با آهنگی شدیدتر از میزان تورم افزایش خواهد داد.

۳-۲-۲ تعرفه‌های گمرکی

یکی از روشهای حمایت از تولیدات بخش کشاورزی وضع تعرفه گمرکی بر واردات محصولات کشاورزی و همچنین معافیت‌های تعرفه‌ای بر واردات نهاده‌های تولید بخش کشاورزی (ماشین آلات کشاورزی) و صادرات این بخش است. دو عامل عمده زیر تأثیر تعرفه‌های وارداتی و صادراتی بر رشد تولید بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه را کاهش می‌دهد:

عامل اول حساسیت دولت‌های کشورهای جهان سوم نسبت به تأمین مواد غذایی مردم است که غالباً خود دولتها مجبور به وارد کردن محصولات غذایی می‌شوند. عامل دوم محدودیت‌هایی است که کشورهای پیشرفته نسبت به واردات محصولات غذایی از

کشورهای جهان سوم اعمال می‌کنند.

۳-۲-۳ بیمه محصولات کشاورزی

یکی دیگر از روشهای حمایت از تولید محصولات کشاورزی، برقراری یک نظام مؤثر بیمه‌ای برای حمایت از تولیدات محصولات کشاورزی است. از آنجایی که سرمایه گذاری‌های جدید در بخش کشاورزی به دلیل خطرات طبیعی دارای ریسک می‌باشد و طبیعتاً همراه با افزایش زمینهای زیر کشت خطرات مذکور نیز فزونی می‌یابد، برای حمایت از بکارگیری شیوه‌های جدید تولید و همچنین گسترش سطح زیر کشت، بیمه محصولات کشاورزی ضروری می‌نماید.

با توجه به شرایط اقلیمی، اجتماعی و اقتصادی خاصی که بر جامعه روستایی کشور حاکم است، لزوم اجرای بیمه محصولات کشاورزی به عنوان حرکتی در جهت تامین و حفظ منافع کشاورزان و تولید کنندگان محصولات کشاورزی و دامی، که در برابر وقوع عوامل قهری طبیعی بالقوه از میزان آسیب پذیری بالایی برخوردارند، ضرورت اجتناب‌ناپذیری است. بیمه محصولات کشاورزی یکی از اصولی‌ترین و موثرترین ابزارهایی است که کشاورزی را در مقابل سوانح طبیعی به بهترین نحو حمایت می‌نماید. ایجاد چنین حمایتی از موثرترین عوامل افزایش بازده محصولات محسوب می‌شود و انگیزه‌ای است مطلوب برای کوشش در راه بهبود کمی و کیفی تولیدات کشاورزی.

صندوق بیمه محصولات کشاورزی فعالیتهای خود را در این زمینه آغاز کرده و با گذشت زمان بر دامنه فعالیت خود افزوده و تعداد محصولات بیشتری را تحت پوشش قرار داده است و هم اکنون محصولات، گندم، برنج، پنبه، چغندر قند، سویا، سیب زمینی، آفتابگردان، خرما و محصولات دامی را در طول سال بیمه می‌نماید و در صورت وارد آمدن خسارت آن را جبران می‌نماید. جدول شماره (۲-۳) سطح بیمه شده و میزان خسارت پرداختی طی سالهای (۱۳۷۲-۷۶) را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳-۲): اراضی بیمه شده و خسارت پرداختی به محصولات

سال	سطح بیمه شده (هزار هکتار)	خسارت پرداختی (میلیارد ریال)
۱۳۷۲	۱۲۳۰/۲	۱۰/۴
۱۳۷۳	۱۴۰۴/۳	۴/۶
۱۳۷۴	۱۸۰۹	۱۶/۶
۱۳۷۵	۱۹۶۶/۹	۱۲/۵
۱۳۷۶	۱۸۳۹/۵	۲۳/۲

ماخذ: ترازنامه بانک مرکزی سالهای مختلف.

۳-۲-۴ یارانه نهاده‌های کشاورزی

روش دیگری که به منظور تقویت بنیه تولید در بخش کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد، عرضه نهاده‌های تولید با قیمتی نازل‌تر از بازار آزاد به کشاورزان است. بدین ترتیب با کاهش هزینه‌های تولید فعالیت کشاورزی سودآورتر می‌شود. به عبارتی عرضه نهاده‌ها با قیمتی نازل‌تر از قیمت بازار و یا حتی نازل‌تر از قیمت تمام شده از طریق تقبل بخشی از تمام هزینه‌های آن توسط دولت در قالب سوبسید صورت می‌گیرد.

یارانه یکی از اهرمهای مهم و مؤثر در مصرف نهاده هاست، اما از آنجا که تأمین هزینه‌های آن به عهده دولت است لذا کشورهایی می‌توانند از این اهرم برای حمایت از تولیدکنندگان استفاده کنند که دارای درآمد کافی باشند و یا این که تداوم و یا گسترش فعالیت‌های اقتصادی کشور به طور قابل ملاحظه‌ای به توزیع نهاده‌های ارزان در بخش کشاورزی بستگی داشته باشد. در این دو حالت است که پرداخت یارانه از طرف دولت قابل توجیه است. در هر دو حالت فوق پرداخت یارانه به منظور گسترش و تقویت توانایی‌های تولید در کشور صورت می‌گیرد. بدین ترتیب یارانه بر نهاده کشاورزی نیز به منظور تقویت بنیه تولید از طریق کاهش هزینه‌های تولید برای کشاورزان صورت می‌گیرد که می‌تواند موجب تشویق آنان در افزایش تولید و تداوم فعالیت‌های تولیدی در این

بخش گردد. به هر حال از آنجا که پرداخت یارانه بر نهاده‌های کشاورزی معمولاً حالت عام دارد، نه تنها کشاورزان خرده پا بلکه کشاورزان بزرگ نیز از مزایای آن حتی به مقدار بیشتری بهره‌مند می‌شوند. این پدیده هر چند در سطح کلان تولید کشاورزی را تشویق می‌کند، اما در بخش کشاورزی به دلیل توزیع نامناسب عواید آن منجر به افزایش شکاف درآمدی بین کشاورزان خرده پا و بزرگ می‌گردد.

بطور کلی از مجموع نهاده‌های مورد استفاده در زراعت، سرمایه، ماشین آلات، بذرها، اصلاح شده، کود و... مشمول دریافت یارانه دولت می‌شوند و کل یارانه پرداختی بابت نهاده‌ها و محصولات اساسی کشاورزی در ایران از ۱۳۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ به ۵۶۸۱/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ رسیده است (جدول شماره (۳-۳)).

گندم از جمله کالاهایی است که دولت بیش از همه کالاهای طی سالهای (۷۶-۱۳۶۸) برای آن یارانه پرداخت کرده است. کمبود تولید داخلی این محصول باعث شده که همه ساله مقدار قابل توجهی از آن از خارج وارد شود. هر چند هدف اصلی از پرداخت یارانه گندم در واقع تثبیت قیمت نان به منظور حمایت از مصرف کنندگان شهری به ویژه گروههای کم درآمد است. لیکن در عمل تمامی طبقات درآمدی از آن استفاده می‌کنند.

۳-۲-۵ نرخهای استهلاک فزاینده

در این روش برای تشویق سرمایه گذاران در بخش کشاورزی، نرخهای استهلاک بالا در نظر گرفته می‌شود و در نتیجه هزینه استهلاک زیاد شده و سود تولید کننده کشاورزی را کمتر نشان می‌دهد که این عمل کاهش درآمد مشمول مالیات کشاورز را به دنبال خواهد داشت. این روش بیشتر برای کشورهایی کاربرد دارد که در آن کشاورزی به صورت شرکتها و مؤسسات اقتصادی صورت می‌پذیرد و در کشورهای جهان سوم که کشاورزی بیشتر به صورت فردی و خانوادگی و سنتی می‌باشد، این روش کاربرد

چندانی ندارد.

از آنجایی که اعطای معافیت‌های مالیاتی به بخش کشاورزی هر ساله درآمدهای بسیاری را از خزانه دولت کاهش می‌دهد و ممکن است اهدافی را که اعطای معافیت‌ها دنبال می‌کنند، برآورده ننماید، بهتر است از روش‌های دیگر حمایتی در این بخش استفاده گردد. چرا که به نظر می‌رسد کشاورزان و تولید کنندگان بخش کشاورزی در تصمیمات سرمایه‌گذاری و سطح فعالیت‌های خود عواملی همچون قیمت تضمینی محصولات کشاورزی، بیمه محصولات کشاورزی، حمایت از محصولات زراعی تولید شده در داخل و استفاده آسان از وام‌ها و اعتبارات بانکی را بیشتر از میزان مالیات بر درآمد کشاورزان مد نظر قرار می‌دهند.

اگر بتوان به عنوان تلفیقی از سیاست‌های حمایتی همچون تعیین قیمت‌های تضمینی، بیمه محصولات زراعی، حمایت از تولیدات داخلی، یارانه بر نهاده‌های کشاورزی (مانند یارانه روی ماشین آلات مورد نیاز در این بخش) و حمایت‌های اعتباری و وامی در بخش کشاورزی بکار گرفت، هم از هدر رفتن درآمدهای بالقوه مالیاتی می‌توان جلوگیری نمود و هم به اهدافی همچون ترغیب سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، افزایش تولید محصولات زراعی و استقلال در تولید آنها دست یافت.

(میلیارد ریال)

جدول شماره (۳-۳): بارانه پرداختی به برخی نهاده‌ها و محصولات اساسی بخش کشاورزی طی سالهای ۷۶-۱۳۶۸

محصول	سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
گندم		۴۵/۳	۱۵۵	۲۵۰/۲	۴۲۸	۱۱۵۲/۴	۲۰۹۶	۷۸۸۱	۲۶۰۰۹	۳۳۹۰۰
برنج		---	---	---	---	۰	۱۱۶	۲۰۳	۱۸۸	۷۷
کمک غیر نقدی به		۳/۵	۳/۲	۵/۳	۳/۹	۰	۱۱۶	۲۰۳	---	---
و ش پنبه										
چای		---	---	---	۴۰	۱۰۰	۰	۰	۲۵	۵۰
قند و شکر		۲۹/۸	۶۷	۸۲/۳	۱۵۴/۳	۲۰۶	۲۹۵	۳۲۹	۳۴۵	۲۹۲
شیر و برخی		۲۱/۳	۲۰	۳۰	۳۲	۱۰۲/۸	۱۲۹	۲۲۶	۳۳۱	۴۱۰
فرآورده‌ها										
گوشت		---	---	---	---	---	۲۲۷	۲۲۵	۱۹۲	۱۱۱

منابع: گزارش اقتصادی و ترانزاکشن بانک مرکزی - سازمان حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان - سال ۱۳۷۶ مصوب می‌باشد.

(میلیارد ریال)

ادامه جدول شماره (۳-۳): بازانه برداشتی به برخی نهاده‌ها و محصولات اساسی بخش کشاورزی طی سالهای ۷۶-۱۳۶۸

محصول	سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
روغن نباتی	---	---	---	---	---	---	۲۵۵	۲۵۸	۳۰۶	۱۳۵/۵
کود شیمیایی	۳۶/۴	۴۶/۱	۷۳	۸۵/۱	۲۳۸/۵	۵۲۲	۵۷۷/۸	۴۹۲	۵۲۱/۳	۵۲۱/۳
خسارت محصولات	---	---	۱/۵	۶	۷/۵	---	۹/۴	۱۳	۲/۵	۲/۵
کشاورزی	---	---	---	۵/۱	۱۰	۸	۱۶/۱	۲۵	۷۰	۶۶/۵
سموم و بذر	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---
اصلاح شده	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---
بیمه محصولات	---	---	---	---	۵/۲	۵/۲	۵/۲	۸/۷	۱۰/۵۰	۱۱/۵
کشاورزی	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---
جمع	۱۳۶/۲	۲۹۱/۳	۴۴۷/۴	۷۶۴/۵	۱۸۲۲/۴	۳۷۸۷/۳	۵۰۴۵/۹	۵۵۸۱/۵	۵۰۶۷/۳	۵۰۶۷/۳

البته استفاده از روش قیمت تضمینی، به عنوان یک نوع مالیات ضمنی بر تولید کننده سایر کالاها محسوب می گردد^(۱). دولت می تواند برای محصولات که تولید آنها کمتر است (به عنوان مثال پنبه، چای) قیمت تضمینی تعیین نماید تا با هدایت منابع تولیدی به این سمت، مقدار تولید این محصولات را افزایش دهد.

سیاستهای حمایتی بایستی براساس مقایسه بین هزینه های متحمل شده و تأمین اهداف مورد نظر، اعمال گردند و در این راستا جنبه های منفی بکارگیری این نوع از سیاستها به دلیل تأثیرگذاری بر سایر بخشها به دقت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل اقتصادی قرار گیرد.

۳-۳ جایگاه بخش کشاورزی

۳-۳-۱ ترکیب واحدهای تولیدی کشاورزی

در سال ۱۳۵۳ نزدیک به ۸۲ درصد از واحدهای کشاورزی زیر ۱۰ هکتار قرار داشت، این نسبت در سال ۱۳۶۱ به حدود ۸۷ درصد افزایش یافته و در سال ۱۳۶۷ با ۸۳ درصد، مجدداً کاهش یافت. واحدهای کمتر از ۵ هکتار در همین مقطع زمانی نیز به نسبت برابر ۶۴، ۷۱ و ۶۶ درصد بود. همچنین بهره برداری های زیر ۲ هکتار ۴۸، ۴۲ و ۴۲ درصد کل واحدها را تشکیل داده اند (جدول شماره ۳-۴). ضمن آنکه مساحت واحدهای زیر ۱۰ هکتار در سال ۱۳۵۳ فقط برابر ۳۳ درصد، سال ۱۳۶۱ حدود ۴۳ درصد و در سال ۱۳۶۷، ۳۶/۱ درصد کل مساحت زمین های زراعی بوده است. به هر حال از نظر تعداد، نظام غالب را بهره برداری های کوچک تشکیل می دهند. همچنین آمار نمایانگر آن است که در سال ۱۳۶۷، حدود ۸۵ درصد واحدها زیر ۲۵ هکتار قرار

۱. محمد قلی موسی نژاد و مصطفی ضرغامی، «ارزیابی سیاستهای حمایتی دولت در بخش کشاورزی»، مجله اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۶.

داشته‌اند که نزدیک به ۶۷ درصد مساحت زمین‌های زراعی را شامل گردیده است. این بدان معنی است که زمینه اصلی اقتصاد کشاورزی را واحدهای نسبتاً کوچک تشکیل می‌دهند. از طرفی حدود نیمی از جمعیت کشور متعلق به جامعه روستایی است که در شرایط کنونی به اقتصاد کشاورزی وابسته‌اند. پس طبیعتاً ساختار ترکیب اندازه واحدهای تولیدی با حجم جمعیت جامعه روستایی در تضاد نیست. البته این فرض را مطرح نمی‌کنیم که در شرایط تورم جمعیت جامعه روستایی، هر چقدر که اندازه واحدهای تولیدی کوچکتر باشد، مناسب‌تر است. این به معنای سکون و پس روی است. فعلاً استدلال می‌کنیم در شرایطی که قدرت جذب نیروی انسانی آزاد شده از بخش کشاورزی در دیگر بخش‌های اقتصادی امکان‌پذیر نیست، بخش کشاورزی با ترکیب واحدهای کار بر پناهگاهی برای اشتغال نیروی انسانی در روستاها محسوب می‌شود. این که به قیمت کدام نسبت تغییرات سطح درآمد و چه حد از نوسانات تولید این روند برای استمرار مناسب خواهد بود، نیازمند تحلیل جداگانه است.

نظر به اینکه ساختار نظام تولیدی کشاورزی و اصولاً اقتصاد کشاورزی منتزع از روند کلی توسعه اقتصادی قابل تغییر و تحول نیست، پس فارغ از مشکلات عملی حتی در سطح نظری دگرگونی مطلق نظام را در کوتاه مدت در قالب معادلات هندسی نمی‌توان مورد استدلال قرار داد. بنابراین راه حل در تجسس الگوهایی است که اصلاحات نظام واحدهای تولیدی را در جهت دستیابی به اهداف بهینه اشتغال، افزایش تولید و درآمد امکان‌پذیر سازد. این اصلاحات به صورت هماهنگ و در بستر امکانات روند توسعه اقتصاد کلان قابل تحقق خواهد بود.

جدول شماره (۲-۴): تعداد و مساحت بهره‌بردارهای به تفکیک طبقات بهره‌برداری

سال	۱۳۵۳		۱۳۶۱		۱۳۶۷		۱۳۷۰	
	تعداد	مساحت	تعداد	درصد	مساحت	درصد	تعداد	مساحت
طبقات بهره‌برداری	۱۰۰۰	درصد	۱۰۰۰	درصد	۱۰۰۰	درصد	۱۰۰۰	درصد
کل بهره‌بردارها	۲۶۸۰	۱۰۰	۲۶۵۵	۱۰۰	۲۸۲۰	۱۰۰	۲۶۲۰	۱۰۰
بهره‌بردارهای کمتر از ۱ هکتار	۷۳۴	۲۹/۵	۸۶۳	۳۲/۵	۷۵۵	۲۶/۸	۴۹۴	۱۸/۹
بهره‌بردارهای ۱ تا کمتر از ۲ هکتار	۳۲۲	۱۳/۰	۴۰۷	۱۵/۳	۴۲۰	۱۴/۹	۳۷۳	۱۴/۴
بهره‌بردارهای ۲ تا کمتر از ۵ هکتار	۵۴۲	۲۱/۹	۶۲۴	۲۳/۵	۶۸۸	۲۴/۴	۶۷۴	۲۵/۷
بهره‌بردارهای ۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار	۴۲۸	۱۷/۳	۴۰۸	۱۵/۴	۴۸۳	۱۷/۱	۴۹۲	۱۸/۸
بهره‌بردارهای ۱۰ تا کمتر از ۵۰ هکتار	۴۲۸	۱۷/۳	۴۵۷	۱۷/۳	۴۳۵	۱۵/۷	۵۲۹	۲۱
بهره‌بردارهای ۵۰ تا کمتر از ۱۰۰ هکتار	۱۶	۰/۶	۱۱	۰/۴	۲۲	۰/۸	۲۳	۰/۹
بهره‌بردارهای ۱۰۰ هکتار و بیشتر	۱۰	۰/۴	۴	۰/۱	۱۰	۰/۳	۸	۰/۳

ملاحظات:

۱. مرکز آمار ایران، «تایید و تکمیل آمارهای کشاورزی در سال ۱۳۵۳»، شماره مسلسل ۱۳۷۲، بهار ۱۳۵۵، ص ۵۵
۲. مرکز آمار ایران، «تایید و تکمیل آمارهای کشاورزی در سال ۱۳۶۱»، شماره مسلسل ۱۳۶۱، بهار ۱۳۶۳، ص ۵۵
۳. مرکز آمار ایران، «سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷»، «تایید و تکمیل آمارهای کشاورزی»، شماره مسلسل ۱۳۶۶، بهار ۱۳۷۰، ص ۳۰

اندازه، ترکیب و پراکندگی واحدها یک بُعد تصویر نظام است، روی دیگر آن وضعیت حقوقی واحدهاست. در نظام تولیدی موجود کشاورزی از نظر تعداد، بهره‌برداری‌های کوچک در اکثریت قرار دارند. آنها یا به صورت بهره‌برداری دهقانی با مالکیت شخصی و یا اجاره‌ای اداره می‌شوند، یا از نوع بهره‌برداری‌های اربابی هستند. واحدهای بزرگ مکانیزه، کشت و صنعت‌ها، شرکت‌های سهامی زراعی، تعاونی‌های تولید روستایی و تعاونی‌های تولیدی مشاع، اشکال دیگر بهره‌برداری‌های نسبتاً جدید کشاورزی است.

علاوه بر تنوع واحدها از نظر ویژگی نحوه بهره‌برداری، از لحاظ حقوقی و تعلق عوامل تولید نیز از تاریخ تغییر نظام تاکنون، تحولاتی در اجزای بافت تولیدی کشاورزی ایجاد گردیده است. در گروهی از واحدها، به علل مختلف جا به جایی مالکیت به وجود آمد. این روند به خصوص بسیاری از واحدهای بزرگ مکانیزه و کشت و صنعت‌های بخش خصوصی را شامل گردیده است. اغلب، بنیادها، سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی، سهامداران و یا مالکان جدید این واحدها گردیده‌اند. نتیجه آنکه سهم نسبی مدیریت و مالکیت غیر خصوصی افزایش یافت. در کنار آن اداره واحدهای طرح‌های بزرگ و کشت و صنعت‌های گذشته زیر چتر وزارت کشاورزی همچنان استمرار دارد. فارغ از تنوع واحدها، نسبت سهم عوامل تولید و ضعف عملکرد آنها در ارتباط با اهداف بخش کشاورزی، تفرق در برنامه‌ریزی واحدهای تولید و اغلب نبود هماهنگی بهینه آنها با برنامه‌های ملی، پیشرفت مطلوب در جهت توسعه بخش را مورد سؤال قرار می‌دهند.

در مجموع می‌توان گفت که حجم غالب واحدها را بهره‌برداری‌های کوچک دهقانی تشکیل می‌دهند. بر عکس از نظر اعتبارات، سیاست‌های حمایتی و نیز عوامل تولید محدود، در درجه اول واحدهای دولتی و واحدهای خصوصی بزرگ منتفع می‌شوند.

۳-۳-۲ سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی

اقتصاد ایران طی سالهای ۷۶-۱۳۵۳ دوران پر نشیب و فرازی را سپری نموده که در مجموع می توان عملکرد آن را طی پنج دوره ارزیابی نمود. دوره اول از ۵۶-۱۳۵۳ که دوران رونق نفتی بود و کلیه متغیرهای اقتصادی تغییر یافت.

دوره دوم از مقطع پیروزی انقلاب تا پایان سال ۱۳۶۴ ادامه داشته است. در ابتدای این دوره اقتصاد کشور با وضعیتی نسبتاً رکودی مواجه گردید و متغیرهای کلان اقتصاد دچار نقصان شدند. به طوری که طی این دوره تولید ناخالص داخلی به طور متوسط سالیانه ۱/۹ درصد رشد نمود. در همین دوران بخش کشاورزی با رشد متوسطی حدود ۵/۶ درصد، بخش نفت با رشد منفی حدود ۵/۹ درصد، بخش صنعت و معدن ۳/۱ درصد، برق و گاز و آب ۸ درصد، ساختمان ۲/۵- درصد و خدمات ۰/۹- درصد همراه بوده اند. بیشتر کاهش رشد بخش ها و کل اقتصاد در این دوران مربوط به سالهای ۵۹-۱۳۵۷ می باشد که کشور درگیر مساله انقلاب و تحریم اقتصادی بود. از ابتدای سال ۱۳۶۰، با افزایش شدید قیمت نفت و بازاریابی مجدد بازارهای صادراتی نفت، اقتصاد کشور به تدریج به رونق نسبی دست یافته و این رونق تا پایان این دوره ادامه داشت. در این دوره ارزش تولید ناخالص داخلی از ۱۰۰۷۰/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به ۹۱۷۵/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰ کاهش یافت. در طی سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ این رقم افزایش یافته و در سال ۱۳۶۴ به ۱۱۶۰۷/۴ میلیارد ریال رسید. اما بر خلاف تولید ناخالص داخلی که در سالهای اولیه با کاهش همراه بود ارزش افزوده بخش کشاورزی در دوره ۶۴-۱۳۵۷ به طور مستمر افزایش داشته و از ۱۷۴۷/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به ۲۵۳۷/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۴ می رسد.

دوره سوم سالهای ۶۷-۱۳۶۴ می باشد. تحولات اقتصادی این دوره با سقوط شدید بهای نفت در بازارهای بین المللی، تشدید خسارت های ناشی از جنگ و بروز تدریجی ضایعات وارده به زیر ساخت اقتصادی کشور آغاز گردید، به گونه ای که اقتصاد

ایران از سال ۱۳۶۴ به بعد وارد دوران رکودی نسبتاً عمیقی گردید که آثار آن تا پایان سال ۱۳۶۷ بر کلیه فعالیت‌های اقتصادی کشور حاکم بود. در ابتدای این دوره قیمت نفت خام در بازارهای جهانی به شدت اُفت نمود و درآمدهای ارزی کشور از محل صدور نفت خام تقلیل یافت. گسترش ابعاد جنگ، تخریب وسیع منابع و زیرساخت‌های اقتصادی کشور و ایجاد تنگنای شدید در صدور نفت خام در این سال‌ها باعث ایجاد رکودی عمیق در اقتصاد گردید به طوری که در این دوران تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت، سالانه حدود ۵/۱ درصد تنزل نمود و از رقم ۱۱۶۰۷/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۴ به ۹۲۳۴/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ رسید. در همین دوره علیرغم کاهش تولید ناخالص داخلی، ارزش افزوده بخش کشاورزی همچنان به روند صعودی خود با آهنگی ملایم ادامه داده و از ۲۵۳۷/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۴ به ۲۶۴۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ رسید، که طی دوره رشدی معادل ۴/۳۵ درصد را نشان می‌دهد و تنها در سال ۱۳۶۷ از رشد منفی برخوردار بوده است.

دوره چهارم سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۶۷ می‌باشد. در این دوره که مصادف با پذیرش قطعنامه و خاتمه جنگ بود رسیدگی به وضعیت اقتصاد کشور و انتقال آن از وضعیت رکودی به شدت نامتعادل دوران جنگ به وضعیت عادی در دستور کار دولت قرار گرفت. این اقدام با طراحی و تدوین اولین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور آغاز گردید. انجام سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و تولیدی، بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ، ایجاد ساختارهای تولیدی جدید و انجام اصلاحات اقتصادی ضروری از جمله اولویت‌های اساسی برنامه پنج ساله اول بود. مجموعه سیاست‌هایی که در راستای برنامه پنج ساله اول به مرحله اجرا گذارده شد در دوره ۷۰-۱۳۶۸ رشد فزاینده اقتصادی را به دنبال داشت. اما در سه سال پایانی این دوره یعنی سال‌های ۷۳-۱۳۷۱ رشد اقتصادی کاهنده بوده است، به گونه‌ای که از اواسط سال ۱۳۷۱ عملکرد مثبت اقتصادی تحت تأثیر قرار گرفته و رشد اقتصادی کشور که در

سال ۱۳۷۰ در حدود ۱۰/۹ درصد بوده به ۵/۵ درصد در سال ۱۳۷۱ و ۴/۷ درصد در سال ۱۳۷۲ و ۱/۶ درصد در سال ۱۳۷۳ محدود گردید. علت این امر را می‌توان در بازدهی پائین طرح‌های اجرا شده از محل اعتبارات سرمایه‌گذاری ثابت در طول برنامه اول و عدم تحقق پیش‌بینی‌های انجام شده در قالب سند برنامه در زمینه مشارکت سرمایه‌های خارجی در پروژه‌های تولیدی و بازپرداخت اعتبارات خارجی کوتاه مدت از محل اجرای طرح‌ها و نیز ضعف بازار جهانی نفت و عدم مساعدت بازارهای مالی جهانی که مجموعاً تبعاتی منفی در زمینه پرداخت‌های خارجی کشور و روند قیمت‌ها در اقتصاد کشور بر جای نهاد، دانست.

بخش کشاورزی در این دوران همچنان به رشد ملایم خود ادامه داده و ارزش افزوده این بخش از ۲،۷۴۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ به ۳،۶۰۵/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۳ می‌رسد. اما در این بخش نیز رشد ارزش افزوده در سال ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ کاهش یافته و از ۷/۴ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۵/۵ درصد در سال ۱۳۷۲ و ۲ درصد در سال ۱۳۷۳ می‌رسد که نشان دهنده رشد کاهنده بخش کشاورزی از سال‌های ۱۳۷۱ به بعد می‌باشد.

دوره پنجم از سال ۷۶-۱۳۷۳ می‌باشد. در این دوره که مصادف با شروع برنامه دوم می‌باشد، ارزش افزوده بخش کشاورزی از ۳۶۰۵/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۳ به ۳۸۸۱/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۶ می‌رسد. نرخ رشد ارزش افزوده از ۲ درصد در سال ۷۳ به ۳/۶ درصد در سال ۷۵ افزایش یافته اما در سال ۱۳۷۶ رشد ارزش افزوده به ۱/۵ درصد کاهش یافته است. علی‌رغم افزایش ارزش افزوده سهم آن از تولید ناخالص داخلی کاهش یافته و از ۲۴/۱ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۲۳/۴ درصد در سال ۱۳۷۶ رسیده است.

از مهمترین عوامل افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی، طی سالهای بعد از انقلاب، حمایت‌های پنهان و آشکار دولت، یارانه‌های پرداختی به نهاده‌ها و تولیدات

کشاورزی، معافیت مالیاتی، تسهیلات اعتباری با نرخ کارمزد بانکی بسیار نازل در قالب تبصره‌های بودجه کل کشور، تعیین قیمت خرید تضمینی، توجه به تحقیقات کاربردی، اجرای طرح محوری گندم و... بوده است.

بررسی جدول (۳-۵) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۷ یعنی سال وقوع انقلاب، تولید ناخالص داخلی رشد منفی داشته و در حالی که بخش نفت و صنعت و معدن و ساختمان دارای رشد منفی بوده و بخش آب و برق و گاز تنها دارای رشدی حدود ۰/۲ درصد بوده، بخش کشاورزی رشد فزاینده‌ای حدود ۶/۵ درصد را دارا بوده و تنها بخش خدمات با رشدی حدود ۹/۶ درصد از رشد بخش کشاورزی بیشتر بوده است.

همچنین در سال ۶۵-۱۳۶۴ بخش کشاورزی بعد از بخش آب و برق و گاز بیشترین نرخ رشد را داشته است و در حالی که در سال ۱۳۶۵ ارزش افزوده بخش‌های نفت و صنعت و معدن و ساختمان و خدمات دارای رشدی منفی بوده، بخش کشاورزی از رشدی حدود ۴/۵ درصد برخوردار بوده است.

در سال ۱۳۷۱ نیز بر خلاف ارزش افزوده بخش‌های دیگر اقتصاد که رشد کاهنده‌ای نسبت به سال ۱۳۷۰ داشته‌اند، بخش کشاورزی رشد فزاینده‌ای نسبت به سال قبل داشته و رشد این بخش در این سال در حدود ۷/۴ درصد می‌باشد.

بررسی فوق نشان می‌دهد که بخش کشاورزی تنها بخشی بوده که همواره به رشد ملایم خود ادامه داده است و این در حالی است که سایر بخش‌های اقتصادی به میزان زیادی تحت تأثیر افزایش یا کاهش درآمد حاصل از نفت قرار گرفته و به شدت به آن وابسته بوده‌اند. در سال‌های بعد از انقلاب علیرغم تمامی مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی، محدودیت ارزی و غیره، بخش کشاورزی صدمات کمتری را متحمل گردید و به فعالیت‌های خود با رشد محسوسی ادامه داد.

اما علیرغم مزیت‌های ذکر شده در فوق، با نگاهی به جدول (۳-۶) درمی‌یابیم که بخش کشاورزی با حجم عظیم نیروی انسانی شاغل در آن، از نظر تولیدی سهم ارزش

افزوده آن نسبت به کل تولید ناخالص داخلی کشور از ۱۴/۷ درصد در سال ۱۳۵۶ به ۲۷ درصد در پایان برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز ۲۵/۷ درصد در سال ۱۳۷۶ رسیده است.

۳-۳-۳ سهم اشتغال زایی بخش کشاورزی

در ایران اشتغال در بخش کشاورزی از ۳۳/۴ درصد کل اشتغال در سال ۱۳۵۳ به ۲۱/۹ درصد در سال ۱۳۷۲ رسیده است. یعنی طی ۲۰ سال تقریباً ۱۱/۵ درصد کاهش در سهم اشتغال داشته است. در طول این دوره ارزش افزوده سرانه نیروی کار کشاورزی از ۴۵۴،۵۰۰ ریال به ۹۶۸،۱۵۴ ریال (به قیمت‌های ثابت ۱۳۶۱) افزایش یافته است. از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ که دوره رونق نفتی است و مصادف با آزاد سازی واردات نیز می‌باشد، رشد اشتغال در بخش کشاورزی منفی بوده و از ۳،۰۶۶ هزار نفر در سال ۱۳۵۳ به ۲،۹۹۳ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ می‌رسد که نشان دهنده کاهش مطلق شاغلین بخش کشاورزی و افت سریع سهم اشتغال کشاورزی از ۳۳/۴ درصد به ۳۰/۵ درصد می‌باشد. در این دوره که به دوره شوک اول نفتی موسوم است، رابطه مبادله بخشی به ضرر بخش کشاورزی است. در این دوره به دلیل رشد سریع درآمدهای نفتی، استفاده از تکنولوژی‌های سرمایه‌بر باعث کاهش جذب نیروهای مولد بیکار پنهان روستایی می‌شود. از سوی دیگر طبق سرشماری‌ها بار تکفل واقعی و تعداد سربازان جمعیت شاغل در مناطق روستایی افزایش یافته و این افزایش بار تکفل به همراه تفاوت ظاهری دستمزدها در شهر و روستا و جذابیت‌های خدمات شهری و رشد سریع بخش ساختمان، انگیزه‌های اقتصادی مهاجرت و انتقال جمعیت شاغل به بخش غیر کشاورزی را ایجاد کرد که این جمعیت مهاجر، در شرایط عدم مهارت و عدم فرصت‌های جذب در صنایع، موجب رشد مشاغل خدماتی ساده و کارهای غیرمولد و یا کم بازده شدند.

(میلیارڈ ریال)

جدول شماره (۳-۵) تولید ناخالص داخلی بر حسب فعالیت‌های اقتصادی به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱

[illegible]

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی، ترازنامه و خلاصه نحوالات اقتصادی سال های مختلف

سپس در دوره بعد از انقلاب تا سال ۱۳۷۰ اشتغال بخش کشاورزی رشدی مثبت داشته و میزان مطلق آن از ۳،۴۰۱ هزار نفر در سال ۱۳۵۷ به ۳،۴۳۷ هزار نفر در سال ۱۳۷۰ می‌رسد. این دوره که همراه با انقلاب و جنگ تحمیلی بود، اگرچه میزان اشتغال بخش به طور مطلق افزایش یافته و از رشد ملایمی برخوردار بوده است، اما سهم آن در اشتغال زایی کل با رشد ملایمی کاهش می‌یابد. علت افزایش مطلق اشتغال در بخش کشاورزی را می‌توان در کاهش شدت مهاجرت در این دوره جستجو کرد، چراکه اولاً در این دوره جذابیت‌های صنایع شهری به دلیل تخریب فیزیکی و یا کاهش ظرفیت بهره‌برداری تولیدی (به خصوص در مرحله رکود نفتی ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۶) کاهش می‌یابد. کما اینکه میزان اشتغال بخش صنعت و معدن از ۲۷۱۷ هزار نفر در سال ۱۳۶۳ به ۲۶۴۶ هزار نفر در سال ۱۳۶۶ می‌رسد. در حالی که در همین دوره اشتغال بخش کشاورزی از ۳،۱۵۰ هزار نفر به ۳،۲۱۱ هزار نفر می‌رسد. ثانیاً به دلیل تغییر رابطه مبادله به نفع بخش کشاورزی که ناشی از افزایش نسبی شاخص قیمت کالاهای کشاورزی بود، باعث گردید تا مهاجرت کاهش یافته و در نتیجه اشتغال در بخش کشاورزی به طور مطلق افزایش یابد.

وضعیت نیروی شاغل در بخش کشاورزی به گونه است که بخش بزرگی از نیروی فعال و شاغل، بهره برداران خرد هستند. به بیان دیگر بخش کشاورزی از لحاظ نیروی انسانی تا حد زیادی بر کسانی تکیه دارد که زمین کوچکی دارند و روی زمین خانواده کار می‌کنند^(۱).

۱. سیاحش مریدی، ضرورت تجاری شدن کشت در بهره برداری‌های کوچک زراعی، سمینار کشاورزی ایران و بازارهای جهانی سال ۱۳۷۵.

(ارقام به هزار تتر و سهم به درصد)

جدول شماره (۳-۶): اشتغال در کل اقتصاد و بخش های کشاورزی، صنعت، خدمات و ساختمان و سهم آنها از کل اشتغال

سال	کل اشتغال در بخش های اقتصادی	اشتغال در بخش کشاورزی	اشتغال در بخش صنعت و معدن	اشتغال در بخش خدمات	سهم اشتغال بخش کشاورزی	سهم اشتغال بخش صنعت و معدن	سهم اشتغال بخش خدمات
۱۳۵۳	۸۳,۳۸۳	۳۰,۶۶۶	۲,۶۶۰	۲,۵۷۳	۳۳/۴	۳۱/۷	۳۰/۷
۱۳۵۴	۸۵,۸۴۴	۳۰,۰۲۹	۲,۷۸۶	۲,۶۸۱	۳۲/۰	۳۲/۵	۳۱/۲
۱۳۵۵	۸۷,۹۹۹	۲,۹۹۲	۲,۹۲۳	۲,۷۹۴	۳۰/۵	۳۳/۲	۳۱/۸
۱۳۵۶	۸۹,۹۹۶	۳,۰۱۱	۲,۸۹۶	۲,۹۹۷	۲۹/۹	۳۲/۲	۳۲/۳
۱۳۵۷	۹۱,۱۹۶	۳,۰۳۰	۲,۸۶۸	۳,۰۷۴	۲۹/۳	۳۱/۲	۳۲/۸
۱۳۵۸	۹۴,۴۰۲	۳,۰۵۰	۲,۸۴۲	۳,۲۱۴	۲۸/۷	۳۰/۳	۳۶/۳
۱۳۵۹	۹۶,۹۱۱	۳,۰۷۰	۲,۸۱۶	۳,۶۲۷	۲۸/۲	۲۹/۳	۳۷/۷
۱۳۶۰	۱۰۰,۰۰۱	۳,۰۹۰	۲,۷۹۰	۴,۰۲۱	۲۷/۲	۲۷/۹	۴۰/۲
۱۳۶۱	۱۰۳,۳۰۲	۳,۱۱۰	۲,۷۶۵	۴,۳۲۷	۲۶/۵	۲۶/۸	۴۲
۱۳۶۲	۱۰۵,۵۷۰	۳,۱۳۰	۲,۷۴۱	۴,۵۹۶	۲۵/۸	۲۵/۹	۴۳/۵
۱۳۶۳	۱۰۸,۴۴۷	۳,۱۵۰	۲,۷۱۷	۴,۸۷۴	۲۵/۳	۲۵	۴۴/۹
۱۳۶۴	۱۱۰,۹۳۵	۳,۱۷۰	۲,۶۹۲	۴,۹۵۵	۲۵/۰	۲۴/۶	۴۵/۴
۱۳۶۵	۱۱۱,۰۳۶	۳,۱۹۱	۲,۶۶۹	۵,۰۶۵	۲۴/۸	۲۴/۲	۴۵/۹
۱۳۶۶	۱۱۳,۳۰۵	۳,۲۱۱	۲,۶۴۶	۵,۳۳۶	۲۴/۷	۲۳/۴	۴۷/۲
۱۳۶۷	۱۱۴,۴۵۰	۳,۱۹۷	۲,۶۸۰	۵,۴۰۰	۲۴/۳	۲۳/۴	۴۷/۲
۱۳۶۸	۱۱۷,۷۸۱	۳,۲۰۰	۲,۸۳۳	۵,۵۲۴	۲۴/۱	۲۴	۴۶/۹
۱۳۶۹	۱۲۱,۱۸۹	۳,۲۰۲	۳,۰۲۱	۵,۶۷۵	۲۳/۸	۲۴/۸	۴۶/۶
۱۳۷۰	۱۲۶,۴۴۱	۳,۲۰۵	۳,۲۳۱	۵,۸۴۰	۲۳/۶	۲۵/۶	۴۶/۱
۱۳۷۱	۱۳۴,۴۵۰	۳,۲۳۵	۳,۳۶۱	۶,۵۵۲	۲۲/۴	۲۵	۴۸/۷
۱۳۷۲	۱۳۴,۹۲۵	۳,۲۶۵	۴,۲۲۷	۶,۴۳۳	۲۱/۹	۳۰/۳	۴۶/۱
۱۳۷۳	۱۳۴,۹۶۳	۳,۲۹۶	۴,۳۲۸	۶,۳۳۹	۲۲/۶	۳۰/۹	۴۵/۳
۱۳۷۴	۱۴۰,۲۶۴	۳,۳۲۶	۴,۴۲۶	۶,۵۰۲	۲۲/۳	۳۱/۱	۴۵/۵
۱۳۷۵	۱۴۰,۵۷۲	۳,۳۵۷	۴,۵۹۲	۶,۶۷۰	۲۳	۳۱/۵	۴۴/۴

منابع: سازمان آمار و سرشماری - مرکز آمار ایران.

آمارهای اقتصادی معیار تری امور اقتصادی و وزارت امور اقتصادی و دارایی سال ۱۳۷۶.

۳-۳-۴ سرمایه‌گذاری و روند تشکیل سرمایه در بخش کشاورزی

آنچه می‌توان در مورد سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی گفت این است که علیرغم اینکه بخش کشاورزی در اکثر برنامه‌های اقتصادی قبل و بعد از انقلاب به عنوان بخش محوری توسعه ذکر گردیده اما توجه و اهمیت لازم به این بخش به عنوان محور رشد و توسعه معطوف نگشته است. زیرا انتظار می‌رود هر گاه بخشی به عنوان محور توسعه مطرح می‌گردد وضعیت سرمایه‌گذاری در آن از ثبات نسبی برخوردار بوده و نسبت به بخش‌های دیگر در زمینه سرمایه‌گذاری از مزیت ویژه‌ای برخوردار باشد.

بخش کشاورزی به دلایلی چند همیشه در تشکیل سرمایه مورد نیاز با مشکل مواجه بوده است. اول آنکه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در مقایسه با سایر بخش‌ها از بازدهی کمتری برخوردار است و سود مورد انتظار در این بخش کمتر از سایر بخش‌هاست. دوم آنکه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی معمولاً در کوتاه مدت جواب نمی‌دهد و نسبت به سایر بخش‌ها به زمان نسبتاً طولانی‌تری نیاز دارد. دلیل سوم به ساختار کلی اقتصاد کشور برمی‌گردد. زیرا در شرایطی که در بخش‌های غیر کشاورزی (عمدتاً بخش‌های خدمات و مسکن) سود سرشاری با ریسک اندک به راحتی قابل حصول است و رانت‌های اقتصادی، سودهای سرشار را موجب می‌شود، گرایش به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی طبیعتاً و منطقاً قابل توجه نخواهد بود.

همانطور که در جدول شماره (۳-۷) مشاهده می‌شود تشکیل سرمایه در بخش کشاورزی در سال ۱۳۶۲ به بالاترین حد خود رسیده و در سال ۶۳ با کاهش قابل ملاحظه‌ای (۲۹ درصد) نسبت به سال قبل مواجه بوده است. در واقع تشکیل سرمایه در بخش کشاورزی در سال‌های پس از انقلاب خصوصاً طی سال‌های ۶۸-۱۳۶۴ روند نزولی داشته است. معذالک در سال ۶۹ و ۷۰ از روند نسبتاً رو به رشد برخوردار می‌باشد به طوری که در این سال ما شاهد ۳۹ درصد و ۱۴ درصد رشد در تشکیل سرمایه می‌باشیم. در سال ۱۳۷۱ رشد سرمایه‌گذاری در بخش مذکور به علت تقلیل

سرمایه‌گذاری ثابت دولت در امور آب، در حدود ۱۲/۵ درصد کاهش یافت و روند نزولی تا سال ۱۳۷۳ ادامه داشت به طوری در این سال تشکیل سرمایه در بخش کشاورزی معادل ۹۵/۱ درصد میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱ بود. اما در سال ۱۳۷۴ رقم مذکور به دلیل افزایش اعتبارات عمرانی دولت به بخش کشاورزی که نسبت به سال قبل ۴۰/۳ درصد رشد داشته به ۱۱۸/۸ درصد میلیارد ریال رسید و در سال ۱۳۷۵ نیز با رشد ۲۷ درصد به ۱۵۰/۸ میلیارد ریال افزایش یافت.

حال باید پرسید که چرا با وجود اینکه بخش کشاورزی در سال‌های پس از انقلاب رشد مثبتی داشته و سهم آن از تولید ناخالص داخلی در سال‌های بعد از انقلاب افزوده شده شاهد رشد منفی در تشکیل سرمایه بوده و حتی در برخی سال‌ها رشد تشکیل سرمایه در آن شدیدتر از رشد منفی تشکیل سرمایه کل اقتصاد بوده است؟ چنانچه در جدول شماره (۳-۸) مشاهده می‌شود سهم تشکیل سرمایه در بخش صنعت بیشتر از بخش کشاورزی بوده و میزان بیشتری از تشکیل سرمایه را به خود اختصاص داده است. در مجموع چنین به نظر می‌رسد که نه تنها سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت بالاتر از کشاورزی بوده بلکه حتی دولت نیز به نفع بخش صنعت تبعیضاتی قائل شده است. به علاوه سهم صادرات کشاورزی در صادرات غیرنفتی در همه دوران‌ها سهم غالب بوده حال آنکه سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای برای بخش کشاورزی نسبت به کل واردات کالاهای سرمایه‌ای بسیار ناچیز می‌باشد و حتی از صادرات محصولات کشاورزی و ارز حاصل از آن برای ورود کالاهای سرمایه‌ای بخش کشاورزی استفاده نشده است و برای واردات مورد نیاز بخش‌های دیگر با وجود اینکه سهم اندکی در صادرات غیر نفتی دارند، استفاده شده است. به علاوه قیمت محصولات کشاورزی و به ویژه محصولات عمده کشاورزی از دو طریق پائین نگهداشته شده است. اول آنکه دولت برای حمایت از اقشار کم درآمد قیمت‌های کالاهای عمده مانند گندم و برنج، سیب زمینی و غیره را کنترل کرده و قیمت این محصولات از قیمت‌های حقیقی خود

پائین تر بوده است. ثانیاً دولت با ورود کالاهای ضروری نظیر گوشت، گندم، برنج لبنیات و غیره از افزایش قیمت محصولات مهم کشاورزی جلوگیری کرده است و در واقع یارانه‌های بیشتری به مصرف کننده نسبت به تولید کننده داده شده است. بنابراین کاهش نرخ بازدهی داخلی سرمایه با توجه به پایین نگهداشتن قیمت‌ها در این بخش، منجر به کاهش تمایل به سرمایه گذاری در بخش کشاورزی گردیده است.

سهم پایین سرمایه گذاری در این بخش باعث شده است که ۳۲ میلیون هکتار از اراضی مستعد کشور و ۷۵ درصد آب قابل بهره‌برداری در کشاورزی به هدر رود و ۷۰ درصد نیروی شاغل بی‌سواد در این بخش وجود داشته باشد.

لازم به ذکر است که بخش کشاورزی علی‌رغم نازل بودن سرمایه گذاری، همچنان نرخ رشد مثبت خود را از لحاظ ایجاد ارزش افزوده حفظ کرده است، لیکن این رشد عمدتاً از طریق استفاده بیش از حد امکانات و منابع تولید در سالهای اخیر حاصل شده است که اولاً ادامه رشد بدین صورت بیش از این قابل دوام نبوده ثانیاً تداوم آن منجر به کاهش قابل توجه توان تولیدی بخش خواهد شد.

رفع مشکلات موجود در بخش کشاورزی نظیر، عدم استفاده مطلوب از سطح زیر کشت، پایین بودن بازدهی آبیاری، عدم وجود نیروی انسانی ماهر، پایین بودن درآمد نسبی کشاورزان در مقایسه با صنعتگران و ... نیازمند سرمایه گذاری عظیم و همه جانبه در این بخش است. به دلیل برخورداری از مزیت نسبی (سهم بیشتر از تولید ناخالص داخلی) و برخورداری از ارز آوری بیشتر در مقایسه با صنعت، لازم است دولت و بخش خصوصی سرمایه مورد نیاز این بخش را تأمین نمایند و این امر مستلزم ایجاد انگیزه و حمایت دولت از سرمایه گذار بخش خصوصی می‌باشد. گرچه دولت در چند سال گذشته اعتباراتی به صورت وام جهت حمایت از بخش کشاورزی پرداخت نموده ولی درصد کمی از این اعتبارات در این بخش صرف شده است و بیشتر صرف فعالیت‌های دلالی و پربازده گردیده است.

به نظر می‌رسد توسعه همه جانبه بخش کشاورزی نیاز به حمایت بیشتر و کنترل و نظارت دقیق دولت از حمایت‌های خود تا رسیدن به معیارهای بین‌المللی دارد و در این حالت است که می‌توان به عنوان یک ظرفیت بالقوه، بخشی از درآمدهای دولت را به صورت مالیات وصول نماید.

جدول شماره (۷-۳): تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی بر حسب بخش‌های اقتصادی به قیمت ثابت

سال ۱۳۶۱ (عملکرد) (واحد میلیارد ریال)

عنوان سال	کشاورزی	نفت و گاز	صنایع و معادن	جمع
۱۳۶۰	۱۲۸/۴	۱۱۵	۲۳۸/۲	۱۷۲۴/۲
۱۳۶۱	۱۰۸/۹	۱۶۷/۹	۲۹۸/۵	۱۸۴۱/۵
۱۳۶۲	۱۵۰/۵	۱۸۸/۵	۳۵۶	۲۵۵۱/۱
۱۳۶۳	۱۰۶/۶	۱۳۹/۶	۴۲۴/۳	۲۵۶۲/۲
۱۳۶۴	۱۱۰/۷	۹۸/۸	۲۹۶/۹	۲۱۵۴
۱۳۶۵	۹۴	۸۹/۶	۲۳۳/۴	۱۶۴۵/۹
۱۳۶۶	۸۶/۹	۴۵/۶	۱۹۵/۶	۱۳۶۰/۶
۱۳۶۷	۸۳/۴	۴۷/۲	۱۶۹/۰	۱۱۴۳/۶
۱۳۶۸	۷۸/۴	۵۷/۵	۱۹۵	۱۲۱۶/۸
۱۳۶۹	۱۰۸/۹	۴۸	۲۴۵/۵	۱۳۶۹/۸
۱۳۷۰	۱۲۴	۱۱۰/۵	۴۷۱/۴	۱۹۴۲/۹
۱۳۷۱	۱۰۸/۵	۷۳/۲	۵۰۷/۲	۲۰۷۷/۳
۱۳۷۲	۱۰۴/۴	۷۴/۴	۴۵۰/۵	۲۰۴۳/۴
۱۳۷۳	۹۵/۱	۱۰۰/۱	۶۲۲/۲	۲۲۰۶/۳
۱۳۷۴	۱۱۸/۸	۱۱۶	۵۹۳/۸	۲۲۷۷/۲
۱۳۷۵	۱۵۰/۸	۱۴۰/۳	۵۸۶/۷	۲۴۶۷
جمع	۱،۷۵۸/۳	۱،۶۱۲/۲	۵،۸۸۴/۲	۳۰،۵۸۲/۸

جدول شماره (۳-۸): سهم تشکیل سرمایه ثابت بخش های اقتصادی از کل تشکیل سرمایه

(به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱)

عنوان سال	کشاورزی	نفت و گاز	صنایع و معادن
۱۳۶۰	۷/۴	۶/۶	۱۳/۸
۱۳۶۱	۵/۹	۹/۱	۱۶/۲
۱۳۶۲	۵/۹	۷/۴	۱۳/۹
۱۳۶۳	۴/۲	۵/۴	۱۶/۶
۱۳۶۴	۵/۱	۴/۶	۱۳/۸
۱۳۶۵	۵/۷	۵/۴	۱۴/۲
۱۳۶۶	۶/۴	۳/۴	۱۴/۴
۱۳۶۷	۷/۳	۴/۱	۱۴/۷
۱۳۶۸	۶/۴	۴/۷	۱۶
۱۳۶۹	۷/۹	۳/۵	۱۸/۵
۱۳۷۰	۶/۴	۵/۷	۲۴/۳
۱۳۷۱	۵/۲	۳/۵	۲۴/۴
۱۳۷۲	۴/۹	۳/۵	۲۵/۳
۱۳۷۳	۴/۳	۴/۵	۲۸/۲
۱۳۷۴	۵/۲	۵	۲۶
۱۳۷۵	۶	۵/۷	۲۳/۸

مأخذ: محاسبات بر اساس جدول (۳-۷)

۳-۳-۵ امکانات بالقوه و بالفعل بخش کشاورزی

در این قسمت به منظور روشن شدن وضعیت کشاورزی ابتدا لازم است با عوامل تولید این بخش آشنا شویم. منابع و عوامل تولید بخش کشاورزی عبارتند از:

۱. زمین ۲. آب ۳. نیروی انسانی ۴. سرمایه و تکنولوژی

۱. زمین

زمین یکی از عوامل مهم تولید است که در فرایند تولید بخش کشاورزی نقش اساسی دارد. عامل زمین دارای خصوصیتی است که آن را از سایر عوامل تولید بخش کشاورزی متمایز می‌سازد. به طوری که این عامل تولید تا حد معینی قابل گسترش است و تنها با بکارگیری تکنولوژی نوین می‌توان بازدهی آن را افزایش داد. اما ساختار استفاده از زمین در بخش کشاورزی ایران به گونه‌ای نیست که حداقل تا چند دهه آینده عامل محدود کننده به شمار آید.

«در زمینه امکانات اراضی بالقوه کشور باید گفت، حدود ۵۱ میلیون هکتار زمین قابل بهره‌برداری وجود دارد که از این مقدار در حال حاضر تنها ۱۸/۵ میلیون هکتار به صورت اراضی مزروعی مورد استفاده قرار می‌گیرد»^(۱). اصولاً ساختار تقسیم بندی و استفاده از اراضی کشور به این صورت است که از کل ۵۱ میلیون هکتار اراضی قابل بهره‌برداری مقدار ۳۲ میلیون هکتار آن جز اراضی خوب و مستعد (۶۳ درصد) و حدود ۱۹ میلیون هکتار نیز جزء اراضی با کیفیت متوسط به شمار می‌آید.

از ۳۲ میلیون هکتار اراضی با کیفیت خوب ۱۱/۱ میلیون هکتار به صورت کشت آبی و آیش قرار دارد (۳۵ درصد) و حدود ۶۵ درصد مابقی به صورت بلااستفاده و بایر رها شده است.

۱. کمیته برنامه ریزی کشاورزی، خلاصه برنامه پنج ساله بخش کشاورزی ۷۲-۱۳۶۸.

۲. آب

آب یکی از عوامل بسیار مهم تولید در بخش کشاورزی است. حتی می توان گفت این عامل عمدتاً میزان بکارگیری از سایر عوامل تولید را مشخص می سازد. ایران یکی از مناطق کم آب جهان به شمار می رود به نحوی که متوسط بارندگی سالانه در حدود ۲۳۰ الی ۲۵۰ میلیمتر و یا حدود $\frac{1}{3}$ بارندگی کره زمین است^(۱).

از نظر منابع تأمین آب، به طور متوسط سالانه حدود ۴۰۰ میلیارد متر مکعب آب از طریق نزولات جوی و رودخانه ها وارد کشور می شود که از این میزان تنها ۱۲۰ میلیارد متر مکعب قابل استحصال است و ۲۸۰ میلیارد متر مکعب آن با توجه به کمبود آب در کشور از طریق تبخیر، تعرق و رودخانه ها از کشور خارج می شود. در حال حاضر از این ۱۲۰ میلیارد متر مکعب تنها حدود ۶۸ میلیارد متر مکعب یا معادل ۵۰ درصد در بخش کشاورزی استفاده می شود. نحوه استفاده از این ۶۰ میلیارد متر مکعب آب نیز به صورت ذیل است:

۱. حدود ۲۷ میلیارد متر مکعب توسط چاههای عمیق و نیمه عمیق و قنوات استحصال شده که قسمت عمده آن صرف امور کشاورزی و بقیه آن به مصرف صنایع و شرب می رسد.

۲. حدود ۲۳ میلیارد متر مکعب توسط سدهای مخزنی و انحرافی موجود مهار می شود که از این مقدار تنها حدود ۱۴ میلیارد متر مکعب در بخش کشاورزی و ۹ میلیارد متر مکعب باقیمانده صرف مصارف شرب و متفرقه می شود.

۳. حدود ۱۸/۵ میلیارد متر مکعب هم با استفاده از روشهای سنتی از آبهای سطحی و رودخانه ها بهره برداری می شود^(۲).

۱. منوچهر وحیدی، آب و آبیاری در ایران، سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۴.

۲. طرح تخصیص بهینه منابع برای خودکفایی در محصولات کشاورزی، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سال ۱۳۷۳.

۳. نیروی انسانی

نیروی انسانی در هر بخشی از اقتصاد، از جمله بخش کشاورزی باید به عنوان موتور محرکه تولید تلقی شود. زیرا فرایند تولید توسط این عامل شکل می‌گیرد. در واقع این عامل می‌تواند تضمین کننده بهینه بودن ترکیب سایر عوامل تولید باشد.

بررسی روند تحولات نیروی شاغل در بخش کشاورزی نشان می‌دهد که تا قبل از اصلاحات ارضی بیش از ۵۳ درصد از کل شاغلین کشور در بخش کشاورزی به کار اشتغال داشته‌اند، اما بعد از اصلاحات ارضی و انجام برنامه‌های عمرانی سوم، چهارم و پنجم نسبت جمعیت شاغل در این بخش به کل شاغلین کشور کاهش یافت. بطوری که در سال ۱۳۶۵ تنها ۲۹ درصد و در سال ۱۳۷۵ حدود ۲۳ درصد جمعیت شاغلین کشور در این بخش فعالیت می‌کردند.

در بخش کشاورزی بیکاری فصلی پنهان و آشکار به صورت گسترده وجود دارد. بنابر سرشماری سال ۱۳۴۵ تعداد بیکاران فصلی در مناطق روستائی ۵۶۸ هزار نفر بوده است و این رقم در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ به ترتیب ۷۷۴ و ۷۶۸ هزار نفر برآورد گردیده که به ترتیب ۱۴ و ۱۳ درصد از کل نیروی انسانی را شامل می‌شود. بنابراین، میزان عرضه نیروی کار نسبت به قدرت و قابلیت جذب نیروی کار در بخش کشاورزی بیشتر است، که همین مسأله موجب پایین بودن بهره‌وری نیروی انسانی در بخش کشاورزی شده است^(۱).

۴. سرمایه و تکنولوژی

در زمینه سرمایه گذاری و تشکیل سرمایه توجه لازم به بخش کشاورزی نشده است و استراتژی توسعه مشخص برای رشد تولید محصولات کشاورزی تدوین نگردیده

۱. بهمن یزدی صمدی، مجموعه مقالات اولین کنگره ملی بررسی مسائل توسعه کشاورزی ایران سال ۱۳۶۷.

است. همین قلت سرمایه گذاری و عدم توجه باعث شده که ۳۲ میلیون هکتار از اراضی مستعد و ۷۵ درصد آب قابل بهره برداری در کشاورزی بدون استفاده رها شود و ۷۰ درصد نیروی شاغل بی سواد در بخش وجود داشته باشد. رکود ترویج و آموزش و صدها مشکل دیگر که نیاز به سرمایه گذاری عظیم و همه جانبه در بخش کشاورزی دارد، باعث شده که سطح زیر کشت گسترش لازم را نیابد و از نظر عملکرد رشد قابل توجهی حاصل نشود.

۳-۳-۶ بهره‌وری در بخش کشاورزی

۳-۳-۶-۱ بهره‌وری سرمایه گذاری

در طول دوره ۷۶-۱۳۶۰ ارزش افزوده بخش کشاورزی به طور متوسط سالانه ۴/۶ درصد رشد داشته است. در همین دوره سرمایه گذاری به قیمت ثابت در این بخش بطور متوسط ۱/۲ درصد رشد داشته است. رشد ارزش افزوده در بالاترین سطح در سال ۶۹ به ۸/۱ درصد می‌رسد و در پایین‌ترین سطح در سال ۶۷، ۲/۵- درصد می‌باشد دامنه رشد سرمایه گذاری از ۳۸/۹ درصد در سال ۶۹ و ۲۹/۲- درصد در سال ۶۳ را در بر می‌گیرد که نشان دهنده نوسان شدید نرخ رشد سرمایه گذاری در این بخش می‌باشد. مقایسه نرخ رشد ارزش افزوده و نرخ رشد سرمایه گذاری در این بخش ارتباط معنی داری را نشان نمی‌دهد.

شاخص بهره‌وری سرمایه گذاری در بخش کشاورزی در دوره (۷۶-۱۳۶۰) به طور متوسط ۲۶/۸ درصد بوده است که نشان می‌دهد هر یک میلیارد ریال سرمایه گذاری انجام شده در این بخش ۲۶/۸ میلیارد ریال ارزش افزوده ایجاد نموده است. بهره‌وری سرمایه گذاری در سال ۷۳ برابر با ۳۷/۹ درصد و در سال ۱۳۶۲ معادل ۱۴/۲ درصد به ترتیب در بالاترین سطح و پایین‌ترین سطح در طی این دوره بوده است.

عدم ارتباط بین نرخ رشد ارزش افزوده و نرخ رشد سرمایه گذاری با سهم سرمایه گذاری در ارزش افزوده در این بخش نیز صادق است. سهم سرمایه گذاری در ارزش افزوده بخش به طور متوسط ۳/۹ درصد بوده و از ثبات نسبی برخوردار بوده است. اطلاعات مربوط به ارزش افزوده، سرمایه گذاری و بهره‌وری سرمایه گذاری در بخش کشاورزی در جدول شماره (۳-۹) ارائه شده است.

۳-۳-۶-۲ بهره‌وری نیروی کار و مقایسه آن با بخشهای دیگر

اگر بخواهیم در بخش کشاورزی معیاری جهت سنجش معافیت‌های آن در سطح کلان و در مقایسه با بخش‌های دیگر از جمله صنعت در نظر بگیریم شاید بهترین معیار محاسبه بهره‌وری نیروی کار بخش کشاورزی باشد تا ببینیم هر کشاورز در مقایسه با نیروی کار بخش صنعت در طول سال چقدر تولید می‌کند و روند آن چگونه است؟ در این بررسی بهره‌وری کشاورزی عبارتست از حاصل تقسیم ارزش افزوده بخش کشاورزی بر تعداد نیروی کار شاغل در این بخش و از همین رابطه برای بخش صنعت استفاده شده است. جدول شماره (۳-۱۰) روند بهره‌وری و رشد آن را برای این دو بخش نشان می‌دهد. بررسی‌ها حاکی از آن است که نسبت بهره‌وری بخش کشاورزی به بخش صنعت در ایران طی دوره (۷۳-۱۳۶۱) روند افزایشی داشته و از ۰/۸۵ به ۱/۳۷ رسیده است. این بدین معنی است که روند بهره‌وری به نفع بخش کشاورزی در حال تغییر بوده است و این بخش بایستی مورد توجه قرار گیرد و معافیت آن کماکان ادامه پیدا کند.

شاخص دیگری که برای مقایسه بخش کشاورزی و غیر کشاورزی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، نرخ مبادله بین این دو بخش است که از تقسیم شاخص قیمت کالاهای کشاورزی و غیر کشاورزی بدست می‌آید.

(میلیارد ریال)

جدول شماره (۳-۹): مقایسه ارزش افزوده و سرمایه گذاری در بخش کشاورزی طی سالهای ۷۵-۱۳۶۰

شرح	ارزش افزوده		ارزش سرمایه گذاری		نسبت ارزش افزوده به سرمایه گذاری (بهره‌وری سرمایه گذاری)		نسبت سرمایه گذاری به ارزش افزوده (درصد)	
	ارزش	نرخ رشد (درصد)	ارزش	نرخ رشد (درصد)	نسبت ارزش افزوده به سرمایه گذاری	نسبت سرمایه گذاری به ارزش افزوده		
سال	ارزش	نرخ رشد (درصد)	ارزش	نرخ رشد (درصد)	نسبت ارزش افزوده به سرمایه گذاری	نسبت سرمایه گذاری به ارزش افزوده		
۱۳۶۰	۱۹۵۲/۷	--	۱۲۸/۴	--	۱۵/۲	۶/۵		
۱۳۶۱	۲۰۹۱/۴	۷/۱	۱۰۸/۹	-۱۵/۲	۱۹/۲	۵/۲		
۱۳۶۲	۲۱۹۳	۴/۹	۱۵۰/۹	۲۸/۲	۱۴/۵	۶/۸		
۱۳۶۳	۲۳۵۳/۷	۷/۳	۱۰۶/۶	-۲۹/۲	۲۲	۴/۵		
۱۳۶۴	۲۵۳۷/۶	۷/۸	۱۱۰/۷	۳/۸	۲۲/۹	۴/۳		
۱۳۶۵	۲۶۵۰/۵	۴/۴	۹۴	-۱۵/۱	۲۸/۲	۳/۵		
۱۳۶۶	۲۷۱۵/۸	۲/۵	۸۶/۹	-۷/۶	۳۱/۲	۳/۲		
۱۳۶۷	۲۶۴۸	-۲/۵	۸۳/۴	-۴	۳۱/۷	۳/۱		

منابع: محموله آماری سری زمانی آمارهای اقتصادی سازمان برنامه و بودجه و خلاصه تصویر لات اقتصادی بانک مرکزی ایران.

(میلیارد ریال)

ادامه جدول شماره (۳-۹): مقایسه ارزش افزوده و سرمایه گذاری در بخش کشاورزی طی سالهای ۷۵-۱۳۶۰

شرح	ارزش افزوده		ارزش سرمایه گذاری		نسبت ارزش افزوده به سرمایه گذاری (بهره‌وری سرمایه گذاری)	نسبت سرمایه گذاری به ارزش افزوده
	ارزش	نرخ رشد (درصد)	ارزش	نرخ رشد (درصد)		
سال	۲۷۴۶	۳/۷	۷۸/۴	-۶	۳۵	۲/۸
۱۳۶۸	۲۹۶۷/۵	۸/۱	۱۰۸/۹	۳۸/۹	۲۷/۲	۳/۶
۱۳۷۰	۳۱۲۰/۲	۵/۱	۱۲۴	۱۳/۹	۲۵/۲	۴
۱۳۷۱	۳۳۵۱/۶	۷/۴	۱۰۸/۵	-۱۲/۵	۳۰/۸	۳/۲
۱۳۷۲	۳۵۳۷/۷	۵/۵	۱۱۹/۸	-۳/۸	۲۹/۵	۳/۴
۱۳۷۳	۳۶۰۵/۵	۲	۹۵/۱	-۲۰/۶	۳۷/۹	۲/۶
۱۳۷۴	۳۶۸۸/۴	۲/۳	۱۱۸/۸	۲۹/۳	۳۱/۱	۳/۲
۱۳۷۵	۳۸۲۲/۹	۳/۶	۱۵۰/۸	۸/۳	۲۵/۳	۳/۹
متوسط		۴/۶		۱/۲	۲۶/۸	۳/۹

در این دوره رابطه مبادله روند نزولی داشته و به ضرر کشاورزان تغییر یافته است. به طوری که از ۱/۲۴ در سال ۱۳۶۱ به ۰/۸۵ در سال ۱۳۷۲ کاهش یافته است. این نرخ نشان می‌دهد علی‌رغم اینکه دولت در برنامه اول یعنی از سال ۶۸ برای حمایت از این بخش تلاش نموده ولی عملاً سیاستهای اجرا شده نتیجه قابل قبولی در بر نداشته است^(۱) (جدول شماره ۳-۱۰).

۳-۳-۷ عملکرد بخش کشاورزی در برنامه اول و دوم

طی سالهای اجرای برنامه‌های اول و دوم توسعه، بخش کشاورزی در حد امکانات موجود، در مسیر اهداف و سیاستهای پیش بینی شده در برنامه‌ها حرکت کرده و علی‌رغم وجود محدودیت‌ها و مشکلات، موفقیت‌هایی درخور ملاحظه‌ای بدست آورده است. از مهمترین علل توفیق نسبی بخشی در نیل به اهداف تعیین شده، نیاز کم آن به منابع ارزی، قابلیت‌های درونی و خود جوش بودن بخش، اجرای طرحهای محوری افزایش تولید محصولات کشاورزی، توزیع به موقع نهاده‌ها که منجر به افزایش بازدهی تولید شده، اجرای سیاست بیمه محصولات و ... می‌باشد^(۲).

۱. بهاء الدین نجفی و ابراهیم زارع، بررسی سیاستهای حمایتی از بخش کشاورزی، مجله برنامه و بودجه شماره ۲۳ سال ۱۳۷۶.

۲. طرح تحقیقاتی «تخصیص بهینه منابع برای خردکفایی در محصولات کشاورزی»، معاونت امور اقتصادی، سال ۱۳۷۴.

(هزار ریال - درصد)

جدول شماره (۳-۱): نسبت بهره‌وری سرانه بخش کشاورزی به صنعت و نرخ مبادله کشاورزی با غیر کشاورزی

شرح سال	بهره‌وری سرانه بخش کشاورزی		بهره‌وری سرانه بخش صنعت		نسبت (۱)	شخص قیمت		نسبت (۳)
	میزان	رشد	میزان	رشد		کالاهای کشاورزی (۳)	کالاهای غیر کشاورزی (۴)	
۱۳۶۱	۶۷۲/۵	--	۹۸۱/۴	--	۰/۹۸	۳۲/۳	۲۵/۹	۱/۲۴
۱۳۶۲	۷۰۰/۶	۴/۲	۸۲۲/۵	۲۰/۷	۰/۸۵	۳۶/۱	۲۷/۴	۱/۳۲
۱۳۶۳	۷۴۷/۲	۶/۶	۸۷۰/۲	۵/۸	۰/۸۵	۴۳/۶	۲۷/۶	۱/۵۸
۱۳۶۴	۸۰۰/۵	۷/۱	۸۲۹/۲	-۴/۷	۰/۹۶	۳۶	۲۹/۲	۱/۶۴
۱۳۶۵	۸۳۰/۶	۳/۸	۷۶۱/۶	-۸/۲	۱/۰۹	۶۰/۵	۳۶/۲	۱/۶۷
۱۳۶۶	۸۴۵/۸	۱/۸	۷۸۷/۶	۳/۴	۱/۰۷	۶۸/۸	۵۰/۸	۱/۳۵
۱۳۶۷	۸۱۴	-۳/۸	۷۳۸/۱	-۶/۳	۱/۱	۷۷/۵	۶۴/۴	۱/۲

منابع: آمارهای اقتصادی معاونت امور اقتصادی برای ردیفهای (۱) و (۲) - بهاء الدین نجفی و ابراهیم زارع، بررسی سیاستهای حمایتی از بخش کشاورزی با تاکید بر محصولات گلندم، مجله برنامه و بودجه شماره ۲۳

(هزار ریال - درصد)

ادامه جدول شماره (۳-۱۰): نسبت بهره‌وری سرانه بخش کشاورزی به صنعت و نرخ مبادله کشاورزی با غیر کشاورزی

شرح سال	بهره‌وری سرانه بخش کشاورزی (۱)		بهره‌وری سرانه بخش صنعت (۲)		نسبت (۲) به (۱)		شاخص قیمت کالاهای کشاورزی (۳)	شاخص قیمت کالاهای غیر کشاورزی (۴)	نسبت (۳) به (۴)
	میان	رشد	میان	رشد	نسبت (۲) به (۱)	رشد	کالاهای کشاورزی (۳)	کالاهای غیر کشاورزی (۴)	نسبت (۳) به (۴)
۱۳۶۸	۸۲۸/۹	۱/۸	۷۴۷/۱	۱/۲	۱/۱	۱/۲	۹۵/۱	۷۵	۱/۲۶
۱۳۶۹	۸۸۱/۵	۶/۴	۷۹۱/۷	۶	۱/۱۱	۶	۱۰۰	۱۰۰	۱
۱۳۷۰	۹۰۷/۷	۳	۸۶۷/۳	۹/۵	۱/۰۴	۹/۵	۱۲۴/۹	۱۲۷/۲	۰/۹۸
۱۳۷۱	۹۸۵/۵	۸/۶	۸۷۲/۴	۰/۶	۱/۳	۰/۶	۱۵۵/۵	۱۷۲/۵	۰/۹
۱۳۷۲	۹۶۸/۲	۱/۸	۷۰۲/۶	-۱۹/۵	۱/۳۷	-۱۹/۵	۱۹۴/۲	۲۱۷/۵	۰/۸۹
۱۳۷۳	---	---	---	---	---	---	۲۶۸/۴	۳۱۴/۲	۰/۸۵

کشور ما به دلیل وسعت قابل توجه خاک، شرایط اقلیمی متنوع و دسترسی به انرژی فراوان، شرایط مناسبی برای توسعه صادرات به ویژه محصولات کشاورزی دارد. وسعت آب و خاک یکی از عوامل بالقوه مزیت نسبی تولیدات کشاورزی است. بخش کشاورزی گرچه به دلیل عدم استفاده مطلوب از سطح زیر کشت، منابع آب و خاک و نهاده‌های تولید دچار معضلات و تنگناهایی است، با این حال این بخش در برنامه اول توسعه از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار بوده است. به طوری که در سال پایانی برنامه اول (۱۳۷۲) از رشدی معادل ۵/۵ درصد برخوردار بوده و معادل ۲۷ درصد از تولید ناخالص داخلی (به قیمت‌های ثابت ۱۳۶۱) را به خود اختصاص داده است. همچنین این بخش از بخشهای بسیار موفق در صادرات غیر نفتی کشور در طول برنامه اول بوده است به گونه‌ای که میزان صادرات کشاورزی در سالهای برنامه همواره بیش از اهداف پیش بینی شده تحقق یافته است. در طول چهار سال اولیه برنامه دوم رشد تولید ناخالص داخلی بخش کشاورزی بسیار کمتر از میانگین برنامه بوده و نشانه عدم موفقیت این بخش می‌باشد (جداول ۱۱-۳ و ۱۲-۳).

(درصد)

سال	۱۳۶۸		۱۳۷۰		۱۳۷۱		۱۳۷۲		میانگین دوره	
	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد
شرح	تولید ناخالص داخلی	۷/۹	۹/۲	۱۱/۵	۱۰/۱	۸/۵	۶	۸/۴	۴/۸	۸/۱
کشاورزی	۴/۲	۳/۷	۴/۶	۸/۱	۵/۱	۷/۱	۷/۴	۸/۵	۵/۵	۶/۱

(درصد)

جدول شماره (۳-۱۲): رشد تولید ناخالص داخلی و کشاورزی طی برنامه دوم^(۱)

سال	۱۳۷۳		۱۳۷۴		۱۳۷۵		۱۳۷۶		میانگین دوره	
	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد
شرح	تولید ناخالص داخلی	۱/۶	--	۴/۵	--	۵/۸	--	۲/۹	۵/۱	۳/۷
کشاورزی	--	۲	--	۲/۳	--	۳/۶	--	۱/۵	۴/۵	۲/۳۵

۱- استنادات برنامه دوم توسعه، سازمان برنامه و بودجه.
۲- آمارهای اقتصادی، معاونت امور اقتصادی - برنامه بانک مرکزی سال ۱۳۷۶

۴ بررسی هزینه فرصت معافیت‌های مالیاتی

زیربخش‌های کشاورزی

۴-۱ مقدمه

طبق قانون، هر نوع درآمدی که توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی کسب شود مشمول مالیات است. این مالیات با نرخ‌های مختلف یا سیاست‌های حمایتی مختلف وضع می‌شود.

در حال حاضر زنجیره‌های بعد از تولید کننده به نحوی از دادن مالیات واقعی خود طفره می‌روند و اگر واقعاً هدف حمایت از تولید است با توجه به اینکه کشاورزی به طور واقعی از حمایت دولتی کمتری نسبت به سایر بخش‌ها برخوردار است، پس تحت فشار قرار دادن تولیدکنندگان این بخش سیاست منطقی نمی‌باشد ضمن اینکه اصل عدالت

مالیاتی نقض خواهد شد. بنابراین بایستی به دنبال شناسایی افرادی بود که به طور واقعی درآمد بالایی دارند و در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند به طوری که وضع مالیات اثر منفی بر انگیزه این افراد نداشته باشد.

براساس مطالب فصول اول تا سوم می‌توان به این نتیجه رسید که با توجه به تاریخچه مالیات بر کشاورزی، اخذ مالیات از این بخش موفق نبوده است. اگرچه قانون مدونی تحت عنوان «مالیات بر درآمد کشاورزی» در سال ۱۳۴۵ به تصویب مجلسین رسید ولی عملکرد حکایت از مشکلات اجرایی فراوان و نیز عدم اراده جدی دولت به دلیل تکیه بر درآمدهای نفتی، برای وصول مالیات از این بخش دارد. همچنین مطالعاتی که در زمینه مالیات بر بخش کشاورزی انجام شده بسیار جزئی بوده و نمی‌توان به آنها استناد نمود و برای پیدا کردن دلایل محکم برای مالیات بر کشاورزی از تجربه سایر کشورها سود برده‌ایم ولی با توجه به منابع محدود در این زمینه تنها بررسی تجربه چند کشور میسر گردید.

در ادامه به این نتیجه رسیدیم که اظهار نظر در مورد مالیات بر کشاورزی نیازمند تحلیل جایگاه بخش کشاورزی، اطلاع از وضعیت کلان آن و نیز تحلیل عملکرد انواع حمایت‌هایی که تا به حال از آن به عمل آمده هستیم. دلیل بررسی حمایتها از بخش کشاورزی این است که به جای وضع مالیات در برخی موارد بهتر است ابتدا یارانه‌ها حذف شوند چون این کار مشابه مالیات عمل می‌کند و ما به هدف‌هایی که از وضع مالیات داریم، خواهیم رسید.

نتیجه‌ای که از بحث‌های قبل بدست آمد چندان با فرضیه‌ای که ما دنبال می‌کنیم تطابق نداشته و مقایسه بین بخشی حاکی از عدم حمایت واقعی دولت از بخش کشاورزی در مقایسه با دیگر بخشها می‌باشد. و در این حالت اگر حمایت قطع شود یا مالیات وضع گردد تولید با مشکل مواجه خواهد شد. این نتیجه بُعد کلان قضیه است ولی برای اظهار نظر دقیق لازم است به صورت ریز و دقیق زیربخشها را مطالعه نماییم و

با اطلاعات آماری ابتدا محاسبه کنیم که آیا ظرفیت بالقوه مالیاتی در این بخش وجود دارد، اگر چنانچه جواب مثبت است میزان آن چقدر است. بنابراین چون شرایط زیر بخشها با همدیگر و نیز درون هر کدام بسیار متفاوت است و سطح درآمد کشاورزان تنوع زیادی دارد لذا ارائه هر گونه پیشنهادی منوط به مطالعه دقیق هر زیر بخش می باشد. در مورد کشاورزی اگر قرار باشد که مالیات وضع شود باید ابتدا از تعداد محدودی تولید کننده کشاورزی که درآمد بالایی دارند مالیات با صرف هزینه کم وصول شود، شاید این بهترین دستاوردی باشد که می توان به آن رسید و سیستم مالیاتی نباید درگیر مودیانی شود که تشخیص، دریافت و محاسبه مالیاتی آنها مستلزم صرف هزینه زیاد است و با این هزینه بالا، گرفتن مالیات به صرفه نخواهد بود.

برای جامه عمل پوشاندن موضوع مذکور در این مطالعه به دنبال شناسایی تولید کنندگان کشاورزی هستیم که درآمد بالایی دارند و در زیر بخشها هم با همین منطق پیش خواهیم رفت. ما ابتدا به محاسبه هزینه فرصت مناسب مالیاتی بخش کشاورزی و زیر بخشهای آن می پردازیم، سپس در ادامه در سه فصل جداگانه زیر بخشها را مورد بررسی قرار داده و در نهایت نتایج و توصیه های نهایی مشخص خواهد گردید. به طور کلی فعالیتهای کشاورزی را می توان به سه قسمت عمده زیر تقسیم بندی نمود:

۱. فعالیتهای زراعی و باغداری.

۲. فعالیتهای دامپروری و طیور.

۳. فعالیتهای صیادی و جنگلداری و مرتع.

در مطالعه زیربخشها این نکته بایستی مد نظر قرار گیرد که نمی توان شیلات و جنگلداری را با زراعت و دامپروری مقایسه نمود. به طور کلی شیلات و جنگلداری و مرتع زیربخشهایی هستند که از اهمیت بسیار کمی برخوردارند و سهم آنها در ارزش افزوده کمتر از ۲ درصد می باشد. بنابراین زیربخشهای زراعت و دامپروری بیشتر مورد تاکید قرار می گیرند.

۴-۲ هزینه فرصت معافیت‌های مالیاتی

مالیات‌ها همواره به عنوان یک ضرورت در سیستم مالیاتی، به منظور تأمین دو هدف عدالت اجتماعی و تخصیص مجدد منابع در قوانین مالیاتی اعمال می‌گردند. از نظر تئوری معافیت‌های موضوعی براساس اولویتهای اقتصادی و در مدت معینی به نوع خاصی از فعالیتهای اقتصادی به منظور نیل به هدف تخصیص بهینه منابع وضع می‌شوند.

عدم موفقیت در نیل به هدف تخصیص مجدد منابع به کمک معافیت‌های موضوعی از یک سو و ملاحظه سهم معافیت‌های بخشی در تولید ناخالص داخلی (با وجود کسری بودجه) از سوی دیگر، ضرورت بحث اثرات درآمدهای از دست رفته ناشی از معافیت‌های موضوعی را بیش از پیش روشن می‌نماید. از این رو در این قسمت به بررسی میزان درآمدهای مالیاتی از دست رفته ناشی از معافیت بخش کشاورزی طی سالهای مختلف پرداخته می‌شود. برای اندازه‌گیری اثرات معافیت بخش کشاورزی بر درآمدهای دولت، ابتدا ارزش افزوده بخش کشاورزی و زیر بخشهای آن مشخص می‌شود سپس با محاسبه نرخ مؤثر (متوسط) مالیاتی در ایران، میزان مالیات از دست رفته به دلیل معافیت بخش کشاورزی تعیین می‌گردد.

۴-۲-۱ ارزش افزوده بخش کشاورزی و زیر بخشهای آن

بخش کشاورزی با رشد متوسط سالانه حدود ۳ درصد طی سالهای ۷۶-۱۳۷۰ از مهمترین بخشهای اقتصاد ایران محسوب می‌گردد. جدول شماره (۴-۱) ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت جاری و همچنین زیربخشها و سهم آنها از کل را نشان می‌دهد. طبق این جدول بخش کشاورزی از چهار زیر بخش زراعت، دامپروری، جنگلداری و ماهیگیری تشکیل شده که زراعت با اختصاص حدود ۶۰ درصد ارزش

افزوده به خود، مهمترین زیربخش در بخش کشاورزی محسوب می‌گردد. و در رده دوم زیربخش دامپروری بیشترین سهم را به خود اختصاص می‌دهد (بطور متوسط حدود ۳۹ درصد).

نکته قابل توجه در روند سهم ارزش افزوده این است که این سهم در زیر بخش‌های زراعت، جنگلداری و ماهیگیری طی دوره مورد بررسی تا سال ۷۵ از روند صعودی برخوردار بوده و بعد از آن کاهش یافته است و روند سهم زیر بخش دامپروری برعکس می‌باشد. به طوری که سهم دامپروری از ۴۱ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۴۵/۲ درصد در سال ۱۳۷۶ افزایش یافته، ولی سهم جنگلداری از ۲ درصد در سال ۱۳۷۰ به کمتر از ۱/۵ درصد در سال ۱۳۷۶ رسیده و سهم زراعت طی همین مدت از ۵۷ درصد به ۵۳ درصد کاهش یافته است.

(میلیارد ریال)

جدول شماره (۴-۱): ارزش افزوده زیر بخشهای کشاورزی و سهم آنها در بخش کشاورزی (قیمت جاری)

سال	کشاورزی	(۱) زراعت		(۲) دامپروری		(۳) جنگلداری		ماهگیری	
		میزان	سهم (درصد)	میزان	سهم (درصد)	میزان	سهم (درصد)	میزان	سهم (درصد)
۱۳۷۰	۱۱۲۲۱/۶	۶۵۳۸	۵۸	۴۴۵۳	۴۰	۲۰۹	۲	۲۲	۰/۲۰
۱۳۷۱	۱۵۳۹۲	۸۲۷	۵۷	۶۲۸۵	۴۱	۲۲۷	۱	۳۴	۰/۲
۱۳۷۲	۱۹۴۴۶/۱	۱۱۴۴۴	۵۹	۷۶۴۵	۳۹	۳۱۲	۲	۴۵	۰/۲۰
۱۳۷۳	۲۷۲۷۲/۸	۱۶۰۵۲	۵۹	۱۰۵۰۵	۳۹	۶۵۲	۲	۶۳	۰/۲۰
۱۳۷۴	۴۰۰۹۱	۳۴۸۴۷	۶۲	۱۴۴۳۴	۳۶	۷۰۱	۲	۱۲۰	۰/۳
۱۳۷۵	۴۷۸۰۳/۲	۲۵۸۴۸/۲	۵۴/۱	۲۰۹۲۷/۴	۴۳/۹	۹۳۲	۱/۹	۹۵/۶	۰/۲
۱۳۷۶	۵۵۴۵۵/۴	۲۹۴۱۲/۴	۵۳/۱	۲۵۱۳۰/۹	۴۵/۲	۸۱۵/۳	۱/۵	۹۶/۷	۰/۲

منابع: معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، آمارهای اقتصادی، سال ۱۳۷۶، ص ۱۷.

۱. زراعت به مجموعه فعالیتهایی اطلاق می شود که منتج به تولید محصولات زراعی می شود. محصولات زراعی شامل غلات، حبوبات، نباتات صنعتی، محصولات چالبوری، سبزیجات، محصولات دارویی و معطر رنگی، محصولات علوفه ای، محصولات بذری، میوه های تازه و خشک، گل، تخم گل و محصولات دامی درختان غیر مشمر است.

۲. محصولات عمده بخش دامپروری شامل شیر، گوشت قرمز، گوشت مرغ، تخم مرغ، عسل، پر مرغ، پشم گوسفند، شیر و موی بز، کود حیوانی، پوست، روده و پهلای پریشم است.

۳. اقلام بخش جنگلداری چوبهای جنگلی، چوبهای غیر جنگلی شامل صنوبر، تیریزی، شالاک و سایر درختان باغی و روستایی، زغال و سایر محصولات جنگلی مثل صمغ، زردآلوده، ریشه شیرین بیان و غیره را دربر می گیرد.

* آمار زیر بخشها برای سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ با استفاده از شاخص نسبت جاری به ثابت بخش کشاورزی به قیمت جاری محاسبه شده است.

۳-۴ نرخ مؤثر مالیاتی

در ادبیات مالیاتی، تعریف پذیرفته شده‌ای از نرخ مؤثر مالیاتی وجود ندارد و محققین مالیاتی تعاریف متفاوتی از آن ارائه می‌نمایند که بیان آنها در حوصله این بحث نمی‌گنجد. بدین جهت در اینجا فقط به یک تعریف که مورد نیاز این تحقیق می‌باشد اکتفا می‌شود.

نرخ مؤثر (نرخ متوسط) مالیاتی عبارت است از نرخ‌ی واحد که براساس آن از فعالیت مشمول مالیات، مالیات اخذ گردیده است.

$$R = \frac{\text{مالیات (بخش)}}{\text{درآمد (همان بخش)}} \text{نرخ مؤثر مالیاتی}$$

نرخ مؤثر مالیاتی را می‌توان برای هر یک از بخش‌ها نظیر مشاغل، اشخاص حقوقی و... محاسبه نمود. اما محدودیت اطلاعات، برآورد نرخ مؤثر مالیاتی در بخش‌ها را مشکل می‌نماید. علاوه بر این، حتی برآورد نرخ مؤثر واقعی مالیاتی به خاطر موجود نبودن اطلاعات، گرچه ناممکن نیست اما بسیار مشکل و هزینه بر خواهد بود. بدین جهت در اینجا تنها به برآورد نرخ مؤثر مالیاتی که نزدیک به واقعیت باشد، اکتفا خواهیم نمود. برای محاسبه نرخ مؤثر مالیاتی براساس تعریف فوق، ابتدا لازم است پایه درآمد مشمول مالیات را محاسبه نماییم. برای دستیابی به پایه درآمد مشمول مالیات با توجه به قانون مالیات‌های مستقیم اجزاء معاف از پرداخت مالیات را شناسایی و از تولید ناخالص داخلی کم می‌نماییم.

براساس فصل اول از باب چهارم و همچنین مواد ۲ و ۸۱ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۷۱ کلیه درآمدهای حاصل از نفت، کشاورزی، قسمتی از صنعت و خدمات و درآمد حاصل از صادرات از پرداخت مالیات معاف می‌باشند. بدین ترتیب پایه درآمد مشمول مالیات را می‌توان به صورت زیر محاسبه نمود.

ارزش افزوده بخش - ارزش افزوده - تولید ناخالص داخلی = پایه درآمد مشمول مالیات

کشاورزی بخش نفت

صادرات کالاهای - ارزش افزوده - ارزش افزوده -

صنعتی خدمات عمومی مؤسسات پولی و مالی

نکته قابل تأمل در مورد فرمول بالا این است که، قسمتی از ارزش افزوده ناشی از گروه خدمات مؤسسات مالی و پولی و ارزش افزوده ناشی از خدمات عمومی (بند سوم و چهارم)، مشمول مالیات می باشد اما عدم دسترسی به اطلاعات برای تعیین حجم مشمول مالیات این دو بخش موجب می گردد که از لحاظ نمودن آن صرف نظر نماییم، مضافاً اینکه حجم پایین درآمد مشمول مالیات این دو بخش تأثیر قابل ملاحظه ای بر نرخ مورد نظر نخواهد گذاشت. از سوی دیگر قسمتی از ارزش افزوده ناشی از گروه معدن، برق، گاز، آب، بازرگانی، هتلداری، رستوران، ساختمان و... براساس قانون مالیاتهای مستقیم (فصل اول از باب چهارم و ماده ۲) و بخشنامه ها از پرداخت مالیات معاف می باشند. (نظیر معافیت سهم بنیاد مستضعفان، بنیاد پانزده خرداد، آستان قدس رضوی و... از درآمد حاصل از بخشهای مختلف غیر معاف). هر چند بررسی های اولیه نشان می دهد که این قسمت از درآمدها سهم بالایی از ارزش افزوده را تشکیل می دهد و بایستی از ارزش افزوده کل کم گردد. اما عدم دسترسی به اطلاعات، ما را از این مهم باز می دارد و فرض می نماییم که سهم ارزش افزوده ناشی از قسمت اول (آن قسمت از ارزش افزوده غیر معاف که به علت عدم دسترسی به اطلاعات معاف فرض شد) اثر ناشی از ارزش افزوده معاف را که به علت عدم دسترسی به اطلاعات، غیر معاف فرض نموده ایم، خنثی می نماید. شایان ذکر است که با توجه به اینکه ارزش افزوده در مخرج کسر قرار می گیرد این یک فرض خوشبینانه برای محاسبه نرخ مؤثر مالیاتی و هزینه فرصتی خواهد بود.

در جدول شماره (۴-۲) پایه درآمد مشمول مالیات براساس فرمول فوق و توضیحات ارائه شده برای سالهای ۷۶-۱۳۷۰ محاسبه گردیده است.

(میلیارد ریال)

جدول شماره (۴-۳): پایه درآمد مشمول مالیات برای سالهای ۱۳۷۰-۱۳۷۶

سال	تولید ناخالص داخلی	کشاورزی	نفت	مؤسسات خدمات پولی و مالی	خدمات عمومی	صادرات صنعتی و معدنی	پایه مالیاتی
۱۳۷۰	۵۰۱۰۷	۱۱۲۲۱/۶	۳۹۸۹/۷	۵۴۰/۴	۴۲۰۰/۹	۷۱۱/۳	۲۹۴۴۴
۱۳۷۱	۶۶۴۶۳	۱۵۳۹۲	۵۸۳۹/۷	۷۲۰/۳	۵۳۲۶/۷	۹۹۲/۱	۳۸۱۹۲
۱۳۷۲	۹۳۶۱۰	۱۹۴۴۶/۱	۱۶۴۹۵	۹۵۶/۲	۸۵۷۶	۱۲۳۰/۷	۴۶۹۰۶
۱۳۷۳	۱۲۸۳۸۲	۲۷۲۷۲/۸	۲۴۴۳۳/۲	۱۱۸۷/۶	۱۱۶۸۹/۱	۱۵۶۵/۹	۶۲۲۳۳
۱۳۷۴	۱۷۸۸۷۵	۴۰۰۹۱	۲۹۰۶۸/۶	۱۷۴۴/۶	۱۵۶۸۶/۸	۱۳۴۹/۷	۹۰۹۳۴
۱۳۷۵	۲۳۵۲۳۳	۴۷۸۰۳/۲	۳۵۹۱۴/۷	۲۱۱۲/۲	۲۱۷۲۶/۲	۱۴۵۹/۹	۱۲۶۲۱۷
۱۳۷۶	۲۸۰۷۳۱	۵۵۴۵۵/۴	۳۱۵۲۵/۳	۲۶۵۲/۹	۲۷۰۹۲/۶	۱۷۴۳/۵	۱۶۲۲۶۲

مأخذ: ۱. آمارهای اقتصادی، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سال ۱۳۷۴

۲. بانک مرکزی، خلاصه تحولات اقتصادی سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶

همانطور که در صفحات قبل اشاره گردید، برای محاسبه نرخ مؤثر مالیاتی لازم است وصولی مالیات مستقیم برای هر سال را به پایه مالیاتی همان سال تقسیم نماییم. جدول شماره (۳-۴) نرخ مؤثر مالیاتی برای سالهای ۷۶-۱۳۷۰ را که بر همین اساس محاسبه گردیده است، نشان می دهد.

جدول شماره (۳-۴): محاسبه نرخ مؤثر مالیاتی (میلیارد ریال)

مورد سال	پایه مالیاتی	مالیات مستقیم	نرخ مؤثر مالیاتی (درصد)
۱۳۷۰	۲۹۴۴۴	۱۳۹۶/۱	۴/۷
۱۳۷۱	۳۸۱۹۲	۱۹۸۹/۲	۵/۲
۱۳۷۲	۴۶۹۰۶	۲۶۱۵/۷	۵/۶
۱۳۷۳	۶۲۲۳۳	۳۸۵۴/۲	۶/۲
۱۳۷۴	۹۰۹۳۴	۵۶۴۸/۸	۶/۲
۱۳۷۵	۱۲۶۲۱۷	۸۹۷۰/۵	۷/۱
۱۳۷۶	۱۶۲۲۶۲	۱۱۰۵۳	۶/۸

مأخذ: خزانه داری کل کشور.

براساس جدول فوق نرخ مؤثر مالیاتی از ۴/۷ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۶/۸ درصد در سال ۱۳۷۶ افزایش یافته است. همانطور که جدول مذکور نشان می دهد نرخ مؤثر مالیاتی به استثنای سال ۱۳۷۶ که رشد منفی داشته است در بقیه سالها از رشد مثبت برخوردار بوده است.

۴-۴ مالیات از دست رفته

حال با توجه به نرخ مؤثر مالیاتی محاسبه شده (جدول شماره (۳-۴)) و ارزش افزوده زیربخشها (جدول شماره (۱-۴))، هزینه فرصت درآمدهای مالیاتی از دست رفته ناشی از معافیت بخش کشاورزی به تفکیک زیربخشهای مختلف برای سالهای ۱۳۷۰-۷۶ محاسبه گردیده است (جدول شماره (۴-۴)).

جدول شماره (۴-۴): مالیات از دست رفته ناشی از معافیت موضوعی بخش کشاورزی (میلیارد ریال)

مالیات	مالیات	مالیات	مالیات	مالیات	سال
کل	ماهگیری	جنگلداری	دامپروری	زراعت	
۵۳۲	۱	۱۰	۲۱۱	۳۱۰	۱۳۷۰
۸۰۲	۲	۱۲	۳۲۷	۴۶۱	۱۳۷۱
۱۰۸۴	۲	۱۷	۴۲۶	۶۳۸	۱۳۷۲
۱۶۸۹	۴	۴۰	۶۵۱	۹۹۴	۱۳۷۳
۲۴۹۱	۷	۴۴	۸۹۷	۱۵۴۳	۱۳۷۴
۳۳۹۴	۶/۸	۶۶/۲	۱۴۸۵/۸	۱۸۳۵/۲	۱۳۷۵
۳۹۷۳	۶/۶	۵۷/۸	۱۹۰۸/۹	۲۰۰۰	۱۳۷۶
۱۳۹۶۵	جمع				

ماخذ: محاسبات بر اساس نرخ مؤثر مالیاتی در جدول شماره (۳-۴)، انجام شده است.

جدول (۴-۴) نشان می دهد که طی سالهای ۱۳۷۰-۷۶ حدود ۱۳۹۶۵ میلیارد ریال مالیات صرفاً به خاطر معافیت بخش کشاورزی از دست رفته است. اهمیت این موضوع زمانی مشخص می گردد که نتایج حاصل از جدول فوق با ارقام وصولی مالیات مستقیم، کسری بودجه و اعتبارات عمرانی سالهای مشابه مقایسه گردد.

ملاحظه جدول (۴-۵) نشان می‌دهد که طی سالهای ۷۶-۱۳۷۰ مجموعاً ۱۳۹۶۵ میلیارد ریال از درآمدهای مالیاتی به خاطر معافیت بخش کشاورزی وصول نگردید، این در حالیست که کل مالیات مستقیم وصول شده طی همین مدت ۳۵۵۲۹ میلیارد ریال می‌باشد. به عبارت دیگر تقریباً به اندازه ۳۹/۳ درصد مالیاتهای مستقیم به خاطر معافیت بخش کشاورزی وصول نشده است (ستون پنجم جدول شماره (۴-۵)).

جدول شماره (۴-۵) مقایسه مالیاتهای از دست رفته ناشی از معافیت بخش کشاورزی با مالیات مستقیم، اعتبارات عمرانی و کسری بودجه (میلیارد ریال)

سال	مالیات از دست رفته (۱)	مالیات مستقیم (۲)	اعتبارات عمرانی (۳)	کسری بودجه (۴)	نسبت (۱) به (۲) (درصد)	نسبت (۱) به (۳) (درصد)	نسبت (۱) به (۴) (درصد)
۱۳۷۰	۵۳۲/۱	۱۳۹۶	۲۵۲۷	۱۰۸۷	۲۱	۳۸	۴۹
۱۳۷۱	۸۰۱/۷	۱۹۸۹	۳۱۹۳	۱۰۱۷	۲۵	۴۰	۷۸
۱۳۷۲	۱۰۸۴	۲۶۱۵	۷۰۱۸	۶۵۶۳	۱۵	۴۱	۱۷
۱۳۷۳	۱۶۸۹	۳۸۵۶	۹۵۸۶	۶۳۵۰	۱۸	۴۳	۲۷
۱۳۷۴	۲۴۹۱	۵۶۴۹	۱۳۱۷۳	۶۶۸۱	۱۹	۴۴	۳۷
۱۳۷۵	۳۳۹۴	۸۹۷۱	۲۰۰۷۴	۴۹۴۲	۱۷	۳۷	۶۸/۶
۱۳۷۶	۲۹۷۳	۱۱۰۵۳	۲۰۲۸۶	۵۹۸۹	۱۹/۵	۳۵/۹	۶۶/۳
جمع	۱۳۹۶۵	۲۵۵۲۹	۷۵۸۵۷	۲۲۶۲۹	۱۸/۴	۳۹/۳	۴۲/۷

منابع: خزانه داری کل کشور و محاسبات تحقیق.

آثار سوء کسری بودجه و اثرات تورمی آن بر اقتصاد کشور و ملاحظه روند کسری بودجه دولت در طی سالهای مورد مطالعه، تاکید بر لزوم کاهش این کسری از طریق رشد درآمدهای مالیاتی را ضروری می‌نماید.

با نگاهی به میزان افزایش درآمد مالیاتهای مستقیم ناشی از لغو معافیت بخش کشاورزی (ستون یک جدول)، ارقام کسری بودجه (ستون چهارم) و نسبت کل هزینه فرصت مالیاتهای مستقیم به کسری بودجه طی سالهای (۷۶-۱۳۷۰)، ملاحظه می‌گردد که حدود ۴۲/۷ درصد کسری بودجه از طریق درآمد مالیاتی از دست رفته ناشی از معافیت بخش کشاورزی قابل جبران بوده است. به عبارت دیگر در صورت عدم وجود معافیت مالیات بخش کشاورزی در طی سالهای مورد مطالعه کسری بودجه تقریباً به نصف تقلیل می‌یافت.

ستون ششم جدول نسبت مالیات وصول نشده ناشی از معافیت بخش کشاورزی به اعتبارات عمرانی طی سالهای (۷۶-۱۳۷۰) را نشان می‌دهد. با ملاحظه این ستون، متوجه می‌شویم که مالیات از دست رفته ناشی از معافیت بخش کشاورزی تقریباً ۱۸/۴ درصد اعتبارات عمرانی طی سالهای مذکور بوده است.

با توجه به سهم قابل ملاحظه مالیات از دست رفته ناشی از معافیت بخش کشاورزی، این سؤال در ذهن خطور می‌کند که آیا با لغو این گونه معافیتها و به کارگیری درآمد ناشی از آن در جهت بهبود و توسعه همان بخش، رشد بیشتر بخش و نتیجتاً توسعه سریعتر اقتصادی فراهم نمی‌گردید.

به زبان دیگر، با توجه به اینکه در مرحله انتخاب سرمایه گذاری عوامل متعددی بر

سرمایه‌گذاران مؤثر است که این عوامل نقش معافیت مالیاتی را در تصمیم‌گیری افراد کم‌رنگ می‌نماید، مناسبتر است با حذف معافیت مالیاتی و بکارگیری درآمد ناشی از حذف آن (از جمله معافیت بخش کشاورزی)، رشد و گسترش فعالیت همان بخش را از طریق افزایش اعتبارات عمرانی تضمین نمائیم.

۵ بررسی معافیت زیر بخش زراعت

۱-۵ مقدمه

مالیاتها مهمترین و کاراترین منبع تامین مالی دولت می باشند، علاوه بر این مهمترین ابزار سیاستگذاری دولت محسوب می گردد. علیرغم اینکه این اهداف ممکن است ضرورت وضع مالیات را ایجاد نماید، لیکن این ضرورت به تنهای برای اعمال مالیات بر یک فعالیت کفایت نمی نماید. از این جهت گفته می شود تصمیم به اعمال و یا عدم اعمال مالیات (معافیت) برای یک فعالیت با توجه به شرایط فعالیت و اصول مالیات ستانی صورت می پذیرد. یکی از اصول مالیات ستانی توانایی افراد مشمول مالیات، در پرداخت مالیات می باشد. براساس این اصل، در صورت وضع مالیات، افراد یا فعالیتهای که مشمول مالیات قلمداد می گردند بایستی توانایی پرداخت مالیات را داشته باشند. بر همین اساس در این فصل ما به بررسی توانایی پرداخت (مالیات) فعالان زیربخش

زراعت می‌پردازیم. به عبارت دیگر هدف از این فصل تعیین و تشخیص بنیه مالی و امکاناتی است که فعالان گروه زراعت می‌توانند درآمدهایی را به صورت مآخذ تعلق مالیات، در دسترس نظام مالیاتی قرار دهند. در این راستا در فصل حاضر ابتدا ضمن بیان، جایگاه زراعت در بخش کشاورزی، فعالیت‌های عمده زیر بخش نظیر گندم، جو، برنج و... تجزیه و تحلیل می‌گردد. پس از آن عملکرد زراعت در تحقق اهداف برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد، در ادامه برای شناخت روند تغییرات و تحولات در زمینه مالکیت اراضی در زیر بخش زراعت، نگاهی به تحولات حاصل در اندازه بهره‌برداری طی چهار دهه اخیر خواهیم داشت و در نهایت توانایی پرداخت شاغلین در زیر بخش زراعت با توجه به اطلاعات هزینه و فایده محاسبه و تحلیل می‌گردد.

۲-۵ جایگاه زراعت در بخش کشاورزی

کشاورزی مجموعه فعالیت‌های زراعی، دامپروری، شکار، جنگلداری، ماهیگیری را شامل می‌شود که در این فصل، ما به بررسی زراعت می‌پردازیم.

جدول (۵-۱) ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت‌های جاری و همچنین ارزش افزوده زیر بخش زراعت و سهم آن در کل ارزش افزوده بخش را نشان می‌دهد. کمی دقت در سهم ارزش افزوده زیر بخش زراعت نشان می‌دهد، علیرغم کاهش سهم زیر بخش از ۶۵/۷ درصد در سال ۱۳۶۰ به ۵۳/۱ درصد در سال ۱۳۷۶، این زیربخش همچنان مهمترین نقش را در بخش کشاورزی دارا می‌باشد. از طرف دیگر بررسی‌ها در ارتباط با سطح کشت نشان می‌دهد از مجموع ۱۶۴ میلیون هکتار وسعت ایران، بیش از ۱۴ میلیون هکتار زیرکشت محصولات کشاورزی قرار داشته است که از این مقدار،

محصولات زراعی حدود ۱۲ میلیون هکتار را به خود اختصاص داده است^(۱). زراعت از مجموعه فعالیتهای به شرح جدول (۵-۲) تشکیل شده است. همانطور که مشاهده می‌گردد محصولات زراعی از نظر نوع بسیار متنوع می‌باشند، شناخت همه آنها، علاوه بر اینکه بسیار مشکل است در حوصله این بحث نیز نمی‌باشد. بنابراین در ادامه برای شناخت بهتر و موثرتر این زیربخش و به منظور جلوگیری از اتلاف وقت، عمده‌ترین فعالیتهای در زیربخش تشریح می‌گردد. شایان توجه است فعالیتهای انتخابی بیش از ۸۰ درصد سطح زیرکشت زیربخش زراعت را به خود اختصاص می‌دهند.

۱. اداره کل آمار و اطلاعات، آمارنامه کشاورزی، وزارت کشاورزی، ۱۳۷۸.

جدول شماره (۵-۱): ارزش افزوده بخش کشاورزی و سهم زراعت
میلیارد ریال

سال	کشاورزی	زراعت	رشد زراعت	نسبت زراعت به کل
۱۳۶۰	۱۶۹۳	۱۱۱۳	--	۶۵/۷
۱۳۶۱	۲۰۹۱	۱۳۳۷	۲۰	۶۳/۹
۱۳۶۲	۲۳۳۵	۱۲۸۲	-۴/۱	۵۴/۹
۱۳۶۳	۲۸۲۷	۱۷۸۱	۳۸/۹	۶۳
۱۳۶۴	۳۱۱۰	۱۹۵۲	۹/۶	۶۲/۸
۱۳۶۵	۳۷۵۳	۲۳۵۵	۲۰/۶	۶۲/۷
۱۳۶۶	۴۸۹۱	۲۹۸۳	۲۶/۷	۶۱
۱۳۶۷	۵۲۰۹	۲۹۶۷	-۰/۵	۵۷
۱۳۶۸	۶۶۷۰	۴۰۸۰	۳۷/۵	۶۱/۱
۱۳۶۹	۸۴۱۹	۵۴۰۵	۳۲/۵	۶۴/۲
۱۳۷۰	۱۱۲۲۲	۶۵۳۸	۲۰/۹	۵۸/۲
۱۳۷۱	۱۵۳۹۲	۸۸۴۷	۳۵/۳	۵۷/۴
۱۳۷۲	۱۹۴۴۶	۱۱۴۴۴	۲۹/۴	۵۸/۹
۱۳۷۳	۲۷۲۷۳	۱۶۰۵۲	۴۰/۳	۵۸/۹
۱۳۷۴	۴۰۰۹۱	۲۴۸۴۷	۵۴/۸	۶۲
۱۳۷۵	۴۷۸۰۳/۲	۲۵۸۴۸	۴	۵۴/۱
۱۳۷۶	۵۵۴۵۵	۲۹۴۱۲	۱۳/۸	۵۳/۱

ماخذ: ۱. معاونت امور اقتصادی، آمارهای اقتصادی ۱۳۷۴-۱۳۳۸، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سال ۱۳۷۶.

۲. محاسبات فصل (۴) تحقیق

جدول شماره (۵-۲): گروه محصولات مختلف بخش زراعت

ردیف	گروه محصولات زراعی	نام محصول
۱	غلات	گندم، جو، شلتوک (برنج)، ذرت، سایر غلات (ارزن، چاودار و سایر)
۲	حبوبات	انواع نخود و لپه، انواع لوبیا، عدس، ماش، باقلا خشک
۳	نباتات صنعتی	نباتات قندی (چغندر قند و نیشکر)، نباتات لیفی (پنبه، کنف، کتان، شاهدانه)، نباتات دخانی (توتون و تنباکو)، دانه‌های روغنی (زیتون، آفتابگردان، سویا، کنجد و شاهدانه، کرچک، خردل و...)، چای (برگ سبز)
۴	محصولات جالیز	هندوانه، خربزه، طالبی، گرمک، خیار، کدو، سایر
۵	سبزیجات	سیب زمینی، پیاز، گوجه فرنگی، بادمجان، هویج، شلغم، سیر تازه، لوبیا و نخود، باقلا تازه، فلفل سبز، کاهو، کلم، ریواس، کرفس، سبزیجات تازه، سایر
۶	محصولات دارویی و مواد رنگی	زعفران، زردچوبه، هل، دارچین، زنجبیل، خشخاش، زیره، حنا، روناس، سایر
۷	نباتات علوفه‌ای	یونجه، اسپرس، شبدر، ذرت علوفه‌ای، چغندر و شلغم علوفه‌ای، حصیر، خلر، ماشک، سایر
۸	محصولات بذری	چغندر بذری و سایر گیاهانی که به منظور بذرگیری کاشته می‌شوند
۹	میوه‌های تازه	میوه‌های هسته دار (گیلاس، آلبالو، زردآلو، هلو، شلیل، شفتالو، سایر)، میوه‌های دانه دار (سیب، گلابی، به)، مرکبات (پرتقال، نارنگی، لیمو شیرین، لیموترش، نارنج)، سایر محصولات دائمی و میوه‌های تازه (انواع انگور، خرما، انجیر، انار، موز، سایر)
۱۰	میوه‌های خشک	گردو، فندق، بادام، پسته، پسته شام، شاه بلوط، نارگیل، برگه، انجیر، توت، کشمش، سایر
۱۱	سایر محصولات	گل، تخم گل، محصولات دائمی درختان غیر مثمر، سایر

ماخذ: اداره حسابهای اقتصادی، حسابهای ملی ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰.

۱-۲-۵ گندم

در میان محصولات زراعی، گندم همواره به عنوان یک محصول اساسی و استراتژیک مطرح بوده و بالاترین سطح زیرکشت از کل اراضی را به خود اختصاص می‌دهد.

جدول (۲-۵) روند اراضی زیر کشت، مقدار تولید و عملکرد گندم طی سالهای ۱۳۶۰-۷۶ را نشان می‌دهد. سطح زیر کشت گندم در طی دوره مورد بررسی همواره با نوسان روبرو بوده است، بطوریکه بعضی از سالها با ۴ درصد کاهش مواجه گردیده (سال ۱۳۷۵) و در برخی سالهای دیگر (سال ۱۳۷۱) با ۷ درصد افزایش روبرو بوده است. علیرغم این نوسان، سطح زیر کشت این محصول در طی دوره مورد بررسی بطور متوسط سالانه ۰/۲۲ درصد رشد نموده و از ۶۱۲۴ هزار هکتار در سال ۱۳۶۰ به ۶۲۹۹ هزار هکتار در سال ۱۳۷۶ افزایش یافته است (سطح زیر کشت این محصول در سال ۱۳۷۲ به بالاترین سطح خود یعنی ۶۸۰۷ هزار هکتار رسید).

تولید گندم علیرغم اینکه در بعضی از سالها به دلیل خشکسالی با کاهش مواجه بوده اما در کل، طی دوره مورد بررسی به دلیل افزایش سطح زیر کشت از یک سو و از سوی دیگر بهبود روشهای تولید افزایش یافته است. بطوریکه تولید گندم از ۶۶۱۰ هزار تن در سال ۱۳۶۰ با متوسط نرخ رشد سالانه ۳/۲۸ درصد به ۱۰۰۴۵ هزار تن در سال ۱۳۷۶ رسید. بالاترین رقم تولید طی چند سال مورد بررسی ۱۱۳۲۸ هزار تن مربوط به سال ۱۳۷۴ می‌باشد.

عملکرد گندم در طی دوره مورد بررسی با نوسان همراه بوده است، لیکن با وجود نوسانات، عملکرد این محصول بهبود یافته بطوریکه از ۱۰۷۹ کیلو در هکتار در سال ۱۳۶۰ به ۱۵۹۵ کیلو در سال ۱۳۷۶ افزایش یافته است. به عبارت دیگر در طی این دوره عملکرد گندم ۴۸ درصد رشد داشته است.

جدول شماره (۳-۵): سطح زیر کشت، تولید و عملکرد در هکتار گندم

سال	تولید (هزار تن)	رشد (درصد)	سطح زیر کشت (هزار هکتار)	رشد (درصد)	عملکرد (کیلو در هکتار)
۱۳۶۰	۶۶۱۰	--	۶۱۲۴	--	۱۰۸۰
۱۳۶۱	۶۶۶۰	۰/۷۶	۶۱۹۲	۱/۱۱	۱۰۸۰
۱۳۶۲	۵۹۵۶	-۱۰/۵۷	۶۰۴۲	-۲/۴۲	۹۹۰
۱۳۶۳	۶۲۰۷	۴/۲۱	۵۹۵۹	-۱/۳۷	۱۰۴۰
۱۳۶۴	۶۶۳۱	۶/۸۳	۶۱۹۵	۳/۹۶	۱۰۷۰
۱۳۶۵	۷۵۵۶	۱۳/۹۵	۶۳۰۴	۱/۷۶	۱۲۰۰
۱۳۶۶	۷۶۰۰	۰/۵۸	۶۵۹۱	۴/۵۵	۱۱۵۰
۱۳۶۷	۷۲۶۵	-۴/۴۱	۶۱۴۷	-۰/۶۷	۱۱۸۰
۱۳۶۸	۶۰۱۰	-۱۷/۲۷	۶۲۵۷	۰/۱۷	۹۶۰
۱۳۶۹	۸۰۱۲	۳۳/۳۱	۶۲۷۸	۰/۳۴	۱۲۸۰
۱۳۷۰	۸۷۹۳	۹/۷۵	۶۱۹۳	-۱/۳۵	۱۴۲۰
۱۳۷۱	۱۰۱۷۹	۱۵/۷۶	۶۶۴۰	۷/۲۲	۱۵۳۰
۱۳۷۲	۱۰۷۳۲	۵/۴۳	۶۸۰۷	۲/۵۲	۱۵۸۰
۱۳۷۳	۱۰۸۷۰	۱/۲۹	۶۷۸۲	-۰/۳۷	۱۶۰۰
۱۳۷۴	۱۱۳۲۸	۴/۲۱	۶۵۶۷	-۳/۱۷	۱۷۲۰
۱۳۷۵	۱۰۰۱۵	-۱۱/۵۹	۶۳۲۸	-۳/۶۴	۱۵۸۰
۱۳۷۶	۱۰۰۴۵	۰/۳۰	۶۲۹۹	-۰/۴۶	۱۵۹۰

مأخذ: ۱. اداره کل آمار و اطلاعات، غلات در آینه آمار، وزارت کشاورزی، ۱۳۷۷.

۲. اداره کل آمار و اطلاعات، آمار نامه کشاورزی، وزارت کشاورزی.

۳. سالنامه آماری کشور، مرکز آمار ایران.

زراعت گندم به دو صورت دیم و آبی صورت می‌پذیرد از آنجایی که هریک از دو نوع زراعت دارای ویژگی خاص خود می‌باشند، هر کدام از آنها به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هرچند کشت گندم آبی در طی دوره ده ساله مورد بررسی (۷۶-۱۳۶۷) افزایش را نشان می‌دهد و از ۱۹۳۲ هزار هکتار در سال ۱۳۶۷ به ۲۲۷۰ هزار هکتار در سال ۱۳۷۶ رسید (تقریباً ۱۷/۵ درصد افزایش یافته است) لیکن سطح کشت گندم دیم در کل دوره با ۴/۴ درصد کاهش از ۴۲۱۵ هزار هکتار در سال ۱۳۶۷ به ۴۰۲۹ هزار هکتار در سال ۱۳۷۶ رسید.

تولید گندم آبی به دلیل افزایش سطح کشت و همچنین افزایش عملکرد گندم آبی (جدول ۴-۵) به شدت افزایش یافت، بطوریکه از ۴۰۵۱ هزار تن در سال ۱۳۶۷ به ۷۱۴۱ هزار تن در سال ۱۳۷۶ رسید به عبارت دیگر در طی دوره ۷۶ درصد رشد نموده است. این در حالی است که مقدار تولید گندم دیم در طی همین دوره به دلیل کاهش سطح زیر کشت و کاهش عملکرد (بر خلاف گندم آبی) با ۹/۶ درصد کاهش مواجه بوده است.

همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که میزان تولید گندم داخلی جواب گوی مصرف نبوده و هر ساله مقداری گندم از خارج وارد شده است.

۵-۲-۲ جو

جو از محصولات عمده کشاورزی است که بعد از گندم از لحاظ سطح زیر کشت، بیشترین سطح زیر کشت را به خود اختصاص داده و از لحاظ سهم در تولید، بطور متوسط ۱۴ درصد تولید محصولات عمده کشاورزی را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره (۵-۴): سطح زیر کشت، تولید و عملکرد گندم به تفکیک دیم و آبی

سال	آبی			دیم		
	سطح زیر کشت (هزار هکتار)	تولید (هزار تن)	عملکرد (کیلو در هکتار)	سطح زیر کشت (هزار هکتار)	تولید (هزار تن)	عملکرد (کیلو در هکتار)
۱۳۹۷	۱۹۳۲	۴۰۵۱	۲۰۹۷	۴۲۱۵	۳۲۱۴	۷۶۳
۱۳۹۸	۲۰۳۹	۴۱۴۶	۲۰۳۴	۴۲۱۸	۱۸۶۴	۴۴۲
۱۳۹۹	۲۱۳۶	۴۸۳۹	۲۲۶۵	۴۱۴۲	۳۱۷۳	۷۶۶
۱۳۷۰	۲۲۲۴	۵۶۹۵	۲۵۶۰	۳۹۶۹	۳۰۹۸	۷۸۱
۱۳۷۱	۲۳۱۸	۶۷۲۴	۲۹۰۱	۴۳۲۲	۳۴۵۵	۷۹۹
۱۳۷۲	۲۳۴۱	۶۵۰۱	۲۷۷۷	۴۴۶۷	۴۲۳۱	۹۴۷
۱۳۷۳	۲۳۰۸	۷۰۴۰	۳۰۵۰	۴۴۷۳	۳۸۲۹	۸۵۶
۱۳۷۴	۲۲۹۱	۷۰۹۴	۳۰۹۶	۴۲۷۶	۴۱۳۳	۹۶۷
۱۳۷۵	۲۲۶۵	۶۸۷۷	۳۰۳۷	۴۰۶۳	۳۱۳۸	۷۷۲
۱۳۷۶	۲۲۷۰	۷۱۴۱	۳۱۴۶	۴۰۲۹	۲۹۰۴	۷۲۱

منابع: ۱. اداره کل آمار و اطلاعات، غلات در آینه آمار، وزارت کشاورزی، ۱۳۷۷.

۲. اداره کل آمار و اطلاعات، آمار نامه کشاورزی، وزارت کشاورزی...

سطح کشت جو در طی سالهای ۶۸-۱۳۶۰ صرفنظر از سالهای ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ که با کاهش مواجه گردید، در بقیه سالها در حال افزایش بوده بطوریکه از ۱۵۶۵ هزار هکتار در سال ۱۳۶۰ به ۲۶۵۱ هزار هکتار در سال ۱۳۶۸ رسید. بعد از سال ۱۳۶۹ (برخلاف سالهای ۶۹-۱۳۶۰) تا پایان دوره مورد بررسی سطح کشت جو همواره در حال کاهش بود بطوریکه در پایان دوره سطح کشت به ۱۵۰۱ هزار هکتار کاهش یافت. به عبارت دیگر در طی ۷۶-۱۳۶۰ نه تنها سطح کشت جو افزایش نیافت بلکه سطح کشت در سال ۱۳۷۶ معادل ۴ درصد از سطح کشت در سال ۱۳۶۰ کمتر بوده است. بررسی روند تولید جو نشان می‌دهد، علیرغم نوسان موجود در تولید، تولید این محصول طی سالهای ۶۹-۱۳۶۰ به دلیل افزایش سطح زیر کشت و افزایش عملکرد در هکتار، به شدت افزایش یافت بطوریکه از ۱۷۰۰ هزار تن در سال ۱۳۶۰ به ۳۵۴۸ هزار تن در سال ۱۳۶۹ رسید (طی کمتر از ده سال تولید بیش از دو برابر افزایش یافت). در سالهای اخیر هر چند با افزایش بهره‌وری، عملکرد در هکتار از ۱۳۵۰ کیلو سال ۱۳۶۹ به ۱۵۹۰ کیلو در سال ۱۳۷۶ افزایش یافته، اما به دلیل کاهش سطح زیر کشت این محصول، تولید جو هر ساله با کاهش مواجه گردید بطوریکه از ۳۵۴۸ هزار تن در سال ۱۳۶۹ به ۲۴۹۹ هزار تن در سال ۱۳۷۶ کاهش یافت. زراعت جو به دو شکل دیم و آبی کشت می‌شود که در سال زراعی ۱۳۷۶ از کل اراضی زیر کشت جو ۶۲۸/۹ هزار هکتار (۴۱/۹ درصد) آن را اراضی زیر کشت جو آبی و ۸۷۲/۶ هزار هکتار (۵۸/۱ درصد) آن را اراضی زیر کشت جو دیم تشکیل می‌دهد. این نسبتها برای سال ۱۳۶۷ به ترتیب ۳۷/۳ درصد و ۶۲/۷ درصد بوده‌اند. با توجه به ویژگی‌های هریک از دو نوع زراعت آبی و دیم، هر کدام از آنها به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سطح زیر کشت جو آبی از سال ۱۳۶۸ (به استثناء سال ۱۳۷۳) همواره در حال کاهش بوده است. بطوریکه سطح کشت از ۱۰۴۶ هزار هکتار به ۶۱۷ هزار هکتار در سال ۱۳۷۵ (۴۱ درصد) کاهش یافت. این در حالی است که مقدار تولید از ۲۰۷۳ هزار

۱۴۵ بررسی معافیت زیربخش زراعت

تن به ۱۷۸۲ تن کاهش یافته است. به عبارت دیگر در حالی که سطح زیر کشت ۴۱ درصد کاهش را نشان می‌دهد مقدار تولید به دلیل افزایش عملکرد در هکتار (۱۹۸۲ کیلو در سال ۱۳۶۸ به ۲۸۸۹ کیلو در سال ۱۳۷۵ افزایش یافت) تنها ۱۴ درصد کاهش یافته است.

جدول شماره (۵-۵): سطح زیر کشت، تولید و عملکرد در هکتار جو

سال	تولید (هزار تن)	رشد (درصد)	سطح زیر کشت (هزار هکتار)	رشد (درصد)	عملکرد (کیلو در هکتار)
۱۳۶۰	۱۷۰۰	---	۱۵۶۵	---	۱۰۹۰
۱۳۶۱	۱۹۰۳	۱۱/۹۴	۱۸۴۱	۱۷/۶۴	۱۰۳۰
۱۳۶۲	۲۰۳۴	۶/۸۸	۲۰۰۶	۸/۹۶	۱۰۱۰
۱۳۶۳	۲۲۹۳	۱۲/۷۳	۲۱۶۳	۷/۸۳	۱۰۶۰
۱۳۶۴	۲۲۹۷	۰/۱۷	۲۰۸۴	-۳/۶۵	۱۱۰۰
۱۳۶۵	۲۵۰۵	۹/۰۶	۱۹۷۳	-۵/۳۳	۱۲۷۰
۱۳۶۶	۲۷۳۱	۹/۰۲	۲۲۲۰	۱۲/۵۲	۱۲۳۰
۱۳۶۷	۳۳۹۴	۲۴/۲۸	۲۵۷۶	۱۶/۰۴	۱۳۲۰
۱۳۶۸	۲۸۴۷	-۱۶/۱۲	۲۶۵۱	۲/۹۱	۱۰۷۰
۱۳۶۹	۳۵۴۸	۲۴/۶۲	۲۶۲۸	-۰/۸۷	۱۳۵۰
۱۳۷۰	۳۱۰۲	-۱۲/۵۷	۲۱۵۷	-۱۷/۹۲	۱۴۴۰
۱۳۷۱	۳۰۶۵	-۱/۱۹	۲۰۸۶	-۳/۲۹	۱۴۷۰
۱۳۷۲	۳۰۵۸	-۰/۲۳	۱۹۶۰	-۶/۰۴	۱۵۶۰
۱۳۷۳	۳۰۴۵	-۰/۴۳	۱۷۵۷	-۱۰/۳۶	۱۷۳۰
۱۳۷۴	۲۹۵۲	-۳/۰۵	۱۷۵۲	-۰/۲۸	۱۶۸۰
۱۳۷۵	۲۷۳۶	-۷/۳۲	۱۶۷۴	-۴/۴۵	۱۶۳۰
۱۳۷۶	۲۴۹۹	-۸/۶۶	۱۵۰۱	-۱۰/۳۳	۱۶۶۰

مأخذ: ۱. اداره کل آمار و اطلاعات، غلات در آینه آمار، وزارت کشاورزی، ۱۳۷۷.

۲. اداره کل آمار و اطلاعات، آمار نامه کشاورزی، وزارت کشاورزی.

۳. سالنامه آماری کشور، مرکز آمار ایران.

هرچند سطح زیر کشت جو دیم در سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ افزایش یافت و از ۱۴۹۴ هزار هکتار در سال ۱۳۶۷ به ۱۶۸۷ هزار هکتار در سال ۱۳۶۹ رسید، اما از سال ۱۳۶۹ سطح کشت این محصول همانند کشت آبی روند منفی داشته بطوریکه در سال ۱۳۷۶ به ۸۷۳ هزار هکتار کاهش یافت. (در طی ده سال مورد بررسی سطح کشت ۴۱ درصد کاهش یافته است). کاهش سطح زیر کشت از یک طرف و کاهش عملکرد در هکتار از طرف دیگر موجب گردید که تولید از ۱۲۹۸ هزار تن در سال ۱۳۶۷ به ۷۲۸ هزار تن در سال ۱۳۷۶ کاهش یابد. به عبارتی تقریباً ۴۴ درصد تولید کاهش یابد.

جدول شماره (۵-۶): سطح زیر کشت، تولید و عملکرد جو به تفکیک دیم و آبی

سال	آبی			دیم		
	سطح زیر کشت (هزار هکتار)	تولید (هزار تن)	عملکرد (کیلو در هکتار)	سطح زیر کشت (هزار هکتار)	تولید (هزار تن)	عملکرد (کیلو در هکتار)
۱۳۶۷	۸۸۹/۶	۲۰۹۶	۲۳۵۶	۱۴۹۴	۱۲۹۸	۸۶۹
۱۳۶۸	۱۰۴۶	۲۰۷۳	۱۹۸۲	۱۶۰۵	۷۷۴	۴۸۲
۱۳۶۹	۹۴۲	۲۲۵۸	۲۳۹۷	۱۶۸۷	۱۲۹۰	۷۶۵
۱۳۷۰	۸۳۴	۲۰۲۸	۲۴۳۳	۱۳۲۴	۱۰۷۳	۸۱۱
۱۳۷۱	۶۹۳	۱۷۰۵	۲۴۶۰	۱۳۹۲	۱۳۵۹	۹۷۶
۱۳۷۲	۶۶۸	۱۷۷۳	۲۶۵۵	۱۲۹۲	۱۲۸۵	۹۹۵
۱۳۷۳	۷۱۶	۱۹۸۰	۲۷۶۶	۱۰۴۱	۱۰۶۵	۱۰۲۳
۱۳۷۴	۶۶۶	۱۷۹۳	۲۶۹۴	۱۰۸۶	۱۱۵۹	۱۰۶۷
۱۳۷۵	۶۱۷	۱۷۸۲	۲۸۸۸	۱۰۵۷	۹۵۴	۹۰۳
۱۳۷۶	۶۲۹	۱۷۷۱	۲۸۱۶	۸۷۳	۷۲۸	۸۳۴

منابع: ۱. اداره کل آمار و اطلاعات، غلات در آینه آمار، وزارت کشاورزی، ۱۳۷۷.

۲. اداره کل آمار و اطلاعات، آمار نامه کشاورزی، وزارت کشاورزی.

۵-۲-۳ برنج

برنج بعد از گندم عمده‌ترین محصول غذایی برای انسان می‌باشد که از لحاظ سطح زیر کشت، دارای مقام سوم بعد از گندم و جو می‌باشد، از لحاظ سهم تولید بطور متوسط ۱۰ درصد کل تولید محصولات عمده کشاورزی را بخود اختصاص داده است و از مناطق مهم تولید برنج استان مازندران و گیلان می‌باشند که به ترتیب با تولید بیش از ۴۰ و ۳۰ درصد، بیشترین سهم را در تولید این محصول به عهده دارند.

سطح زیر کشت برنج در طی دوره مورد بررسی، به دلیل ازدیاد سطح شالیزارهای مناطق گیلان و مازندران، به میزان قابل ملاحظه‌ای رشد داشته است. سطح زیر کشت این محصول در فاصله سالهای ۷۰-۱۳۶۱ از رشد ۱/۸۲ درصد و در دوره (۷۶-۱۳۶۰) از رشد سالیانه ۱/۵۳ درصدی برخوردار بود. به عبارت دیگر در طی سالهای ۱۳۷۶-۱۳۷۰ از سطح زیر کشت این محصول کاسته شده است. بطور کلی افزایش قیمت و احتمالاً سودآوری این محصول باعث شد که شالی کاران مناطق شمالی کشور علیرغم محدودیت منابع آب و خاک، در طی سالهای ۷۰-۱۳۶۰ اراضی بیشتری را به این زراعت اختصاص دهند. اما در سالهای ۷۶-۱۳۷۰ به دلیل افزایش هزینه تولید سطح کاشت محصول کاهش یافته است.

تولید این محصول طی سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ و به موازات افزایش سطح زیر کشت، از افزایش قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود. و با وجودی آن که تولید از ۱۶۴۴ هزار تن در سال ۱۳۶۰ به ۱۲۱۵ هزار تن در سال ۱۳۶۲ کاهش یافت لیکن در کل دوره (۱۳۷۰-۱۳۶۰)، با نرخ رشد متوسط سالانه ده درصد به ۲۳۵۷ هزار تن در سال ۱۳۷۰ افزایش یافت. در طی سالهای ۷۶-۱۳۷۰ علیرغم کاهش سطح زیر کشت برنج به میزان ده هزار هکتار، به دلیل افزایش عملکرد در هکتار برنج، کاهش قابل ملاحظه‌ای در تولید این محصول رخ نداده است.

دلیل افزایش تولید طی سالهای ۷۰-۱۳۶۰، صرفنظر از افزایش سطح زیر کشت،

کاربرد انواع بذر پر محصول در استانهای گیلان و مازندران بود، که موجب شد عملکرد در هکتار از ۳/۵۸ تن در هکتار در سال ۱۳۶۰ به ۴/۱۱ تن در هکتار در سال ۱۳۷۰ افزایش یابد (جدول (۷-۵)).

جدول شماره (۷-۵): سطح زیر کشت، تولید و عملکرد در هکتار برنج

سال	تولید (هزار تن)	رشد (درصد)	سطح زیر کشت (هزار هکتار)	رشد (درصد)	عملکرد (کیلو در هکتار)
۱۳۶۰	۱۶۴۴	---	۴۵۹	---	۳۵۸۰
۱۳۶۱	۱۶۰۵	-۲/۳۷	۴۸۳	۵/۲۳	۳۳۲۰
۱۳۶۲	۱۲۱۵	-۲۴/۳۰	۴۲۹	-۱۱/۱۸	۲۸۳۰
۱۳۶۳	۱۴۷۴	۲۱/۳۲	۴۴۲	۳/۰۳	۳۳۳۰
۱۳۶۴	۱۷۷۶	۲۰/۴۹	۴۷۹	۸/۳۷	۳۷۱۰
۱۳۶۵	۱۷۸۴	۰/۴۵	۴۷۱	-۱/۶۷	۳۷۹۰
۱۳۶۶	۱۸۰۳	۱/۰۷	۵۲۷	۱۱/۸۹	۳۴۲۰
۱۳۶۷	۱۴۱۹	-۲۱/۳۰	۴۶۷	-۱۱/۳۹	۳۰۴۰
۱۳۶۸	۱۸۵۴	۳۰/۶۶	۵۱۹	۱۱/۱۳	۳۵۷۰
۱۳۶۹	۱۹۸۱	۶/۸۵	۵۲۴	۰/۹۶	۳۷۸۰
۱۳۷۰	۲۳۵۷	۱۸/۹۸	۵۷۳	۹/۳۵	۴۱۱۰
۱۳۷۱	۲۳۶۴	۰/۳۰	۵۹۷	۴/۱۹	۳۹۶۰
۱۳۷۲	۲۲۸۱	-۳/۵۱	۵۸۸	-۱/۵۱	۳۸۸۰
۱۳۷۳	۲۲۵۹	-۰/۹۶	۵۶۳	-۴/۲۵	۴۰۱۰
۱۳۷۴	۲۳۰۱	۱/۸۶	۵۶۶	۰/۵۳	۴۰۷۰
۱۳۷۵	۲۶۸۵	۱۶/۶۹	۶۰۰	۶/۰۱	۴۴۸۰
۱۳۷۶	۲۳۵۰	-۱۲/۴۸	۵۶۳	-۶/۱۷	۴۱۷۰

منبع: ۱. اداره کل آمار و اطلاعات، غلات در آینه آمار، وزارت کشاورزی، ۱۳۷۷.

۲. اداره کل آمار و اطلاعات، آمار نامه کشاورزی، وزارت کشاورزی.

۳. سالنامه آماری کشور، مرکز آمار ایران.

۴-۲-۵ پنبه

پنبه از نباتات مهم صنعتی به شمار می‌رود که از لحاظ سطح زیر کشت در میان دیگر محصولات کشاورزی بطور متوسط مقام چهارم و از لحاظ تولید مقام پنجم را به خود اختصاص می‌دهد. از پنبه جهت تهیه منسوجات و از تخم پنبه جهت استحصال روغن و صابون و کنجاله و از ساقه و کاسبرگهای آن برای نئوپان استفاده می‌شود.

مهمترین مناطق کشت پنبه در ایران استان گلستان و خراسان می‌باشند که هریک به تنهایی بیش از ۳۰ درصد تولید کشور را به خود اختصاص می‌دهند.

جدول (۵-۸) نشان می‌دهد که سطح زیر کشت پنبه طی سالهای ۷۶-۱۳۶۰ با نوسانات قابل ملاحظه‌ای همراه بود. به عنوان مثال در حالی که سطح زیر کشت این محصول طی دوره پنج ساله ۶۵-۱۳۶۰ به طور متوسط سالانه ۰/۴ درصد کاهش داشت، ولی افزایش سطح زیر کشت در طی سالهای ۶۸-۱۳۶۵ موجب گردید که در کل دوره سطح زیر کشت از ۱۹۴ هزار هکتار در سال ۱۳۶۰ به ۲۲۸ هزار هکتار در سال ۱۳۶۸ افزایش یابد، به عبارت دیگر بطور متوسط سالانه ۲/۵ درصد رشد را نشان می‌دهد. در سالهای ۷۲-۱۳۶۹ با نرخ بالاتری نسبت به سالهای ۶۴-۱۳۶۰ سطح زیر کشت پنبه کاهش یافت (بطور متوسط سالانه ۱۱ درصد)، بطوریکه سطح زیر کشت این محصول در سال ۱۳۷۲ به یک سوم سطح زیر کشت آن در سال ۱۳۶۰ کاهش یافت. افزایش قیمت خرید تضمینی و ش پنبه، ازدیاد تقاضا، توزیع بهتر نهاده‌های تولید از قبیل بذر و کود و نیز توسعه اراضی بیمه شده این محصول (در مقابل خسارات ناشی از سیل تگرگ و سرمای زودرس) موجب شد سطح زیر کشت این محصول در سالهای اخیر افزایش یافته، بطوریکه در سال ۱۳۷۵ به ۳۲۰ هزار هکتار رسید. افزایش عملکرد در هکتار از ۱/۴۲ تن در سال ۱۳۶۰ به ۱/۸۹ تن در سال ۱۳۷۶ از یک طرف و افزایش سطح زیر کشت در طی دوره مورد بررسی (رشد متوسط سالانه ۲/۸۹ درصد) از طرف دیگر موجب گردید که علیرغم نوسانات قابل ملاحظه در تولید پنبه، تولید پنبه در طی

دوره بطور متوسط سالانه با ۴/۹ درصد رشد از ۲۷۵ هزار تن در سال ۱۳۶۰ به ۴۵۱ هزار تن در سال ۱۳۷۶ افزایش یابد.

شایان توجه است، ارزش اقتصادی پنبه، منحصرأ به پنبه مخلوج مورد نیاز کارخانجات ریسندگی محدود نمی شود، بلکه حدود $\frac{2}{3}$ میزان وش پنبه تولیدی کارخانجات ریسندگی را تخم پنبه تشکیل می دهد که دارای ارزش غذایی فراوانی بوده و در تهیه روغن در کارخانجات تصفیه به عنوان مواد اولیه مورد نیاز می باشد. از این جهت کاهش تولید این محصول نه تنها، منجر به رکود و کاهش اشتغال در سطح مزارع پنبه کاری و کارخانجات ریسندگی و کارخانه های تصفیه می گردد که این امر نهایتاً واردات الیاف مصنوعی و مواد اولیه مورد نیاز کارخانجات روغن کشی و خارج شدن مقدار قابل توجهی ارز از کشور را در پی خواهد داشت.

۵-۲-۵ چغندر قند

متداول شدن کشت چغندر قند در ایران را می توان همزمان با بهره برداری از کارخانه قند کهریزک و تأسیس کارخانه قند کرج در سال ۱۳۱۰ دانست. چغندر قند در ۷۰ درصد از اراضی کشور قابل کشت است. از مناطق مهم چغندر قند کاری در ایران می توان آذربایجان شرقی، خوزستان، فارس و اصفهان را نام برد که تقریباً ۶۵ درصد تولید را به خود اختصاص داده اند. این گیاه به علت داشتن مواد قندی یکی از اساسی ترین مواد غذایی مورد احتیاج بدن انسان را دارد و البته ملاس و تفاله و برگ چغندر قند نیز نقش مهمی در تغذیه دام به عهده دارند.

همانطور که جدول (۵-۹) نشان می دهد طی دوره ۷۴-۱۳۶۰، سطح زیر کشت و تولید چغندر قند نوسانات شدیدی داشت و در مجموع از وضعیت مطلوبی برخوردار نبود. سطح زیر کشت و تولید این محصول در دوره ۶۹-۱۳۶۱ به ترتیب از ۱۹۳ هزار هکتار و ۴۳۱۱ هزار تن به ۱۴۹ هزار هکتار و ۳۶۴۱ هزار تن کاهش یافته است. به

عبارت دیگر در طی این سالها سطح زیرکشت و تولید این محصول با ۲/۳۷ درصد و یک درصد کاهش روبرو بوده است.

جدول شماره (۵-۸): سطح زیرکشت، تولید و عملکرد در هکتار پنبه

سال	تولید (هزار تن)	رشد (درصد)	سطح زیرکشت (هزار هکتار)	رشد (درصد)	عملکرد (کیلو در هکتار)
۱۳۶۰	۲۷۵	---	۱۹۴	---	۱۴۲۰
۱۳۶۱	۳۵۸	۳۰/۱۸	۲۰۶	۶/۱۹	۱۷۴۰
۱۳۶۲	۳۰۰	-۱۶/۲۰	۱۸۴	-۱۰/۶۸	۱۶۳۰
۱۳۶۳	۳۵۱	۱۷/۰۰	۲۱۲	۱۵/۲۲	۱۶۶۰
۱۳۶۴	۳۲۴	-۷/۶۹	۱۸۶	-۱۲/۲۶	۱۷۴۰
۱۳۶۵	۳۵۹	۱۰/۸۰	۱۸۸	۱/۰۸	۱۹۱۰
۱۳۶۶	۳۴۱	-۵/۰۱	۱۹۲	۲/۱۳	۱۷۸۰
۱۳۶۷	۳۸۰	۱۱/۴۴	۱۹۲	۰/۰۰	۱۹۸۰
۱۳۶۸	۳۹۵	۳/۹۵	۲۲۸	۱۸/۷۵	۱۷۳۰
۱۳۶۹	۴۳۷	۱۰/۶۳	۲۲۱	-۳/۰۷	۱۹۸۰
۱۳۷۰	۴۱۲	-۵/۷۲	۲۰۵	-۷/۲۴	۲۰۱۰
۱۳۷۱	۳۳۰	-۱۹/۹۰	۱۷۱	-۱۶/۵۹	۱۹۳۰
۱۳۷۲	۲۷۵	-۱۶/۶۷	۱۴۱	-۱۷/۵۴	۱۹۵۰
۱۳۷۳	۳۸۷	۴۰/۷۳	۱۸۵	۳۱/۲۱	۲۰۹۰
۱۳۷۴	۵۲۳	۳۵/۱۴	۲۷۲	۴۷/۰۳	۱۹۲۰
۱۳۷۵	۵۹۸	۱۴/۳۴	۳۲۰	۱۷/۶۵	۱۸۷۰
۱۳۷۶	۴۵۱	-۲۴/۵۸	۲۳۸	-۲۵/۶۳	۱۸۹۰

مأخذ: ۱. اداره کل آمار و اطلاعات، آمارنامه کشاورزی، وزارت کشاورزی.

۲. سالنامه آماری کشور، مرکز آمار ایران.

۳. اداره حسابهای اقتصادی، حسابهای ملی ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

لیکن این روند در طی دوره (۷۶-۱۳۷۰) جهتی معکوس پیدا کرد و به ترتیب به ۱۹۱ هزار هکتار و ۴۷۵۴ هزار هکتار افزایش یافت. به عبارت دیگر هر چند مقدار تولید و سطح زیر کشت در طی دوره ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۶ با نوسانات شدید روبرو بوده است اما مقدار این دو متغیر در پایان دوره یعنی سال ۱۳۷۶ تقریباً برابر اول دوره یعنی ۱۳۶۱ می باشد.

عدم رشد معنی دار تولید این محصول عمدتاً به دلیل افزایش هزینه های تولید و استمرار روشهای سنتی، نوع تکنولوژی مورد استفاده و عدم جایگزینی شیوه های مکانیزه در کشت این محصول بوده است. به طوری که به علت کوچکی قطعات و عدم امکان استفاده از روشهای صحیح کاشت، داشت و برداشت به ویژه آبیاری، میزان عملکرد چغندر قند در هکتار (عملکرد در هکتار) در طی دوره (۷۶-۱۳۶۱) از ۲۲ تن در هکتار به ۲۴ تن در هکتار رسید. این رقم در مقایسه با سایر کشورها، از جمله کشورهای همسایه (ترکیه) که بطور متوسط ۳۲ تن چغندر قند در هکتار تولید می کند به مراتب پایین تر است.

۵-۲-۶ حبوبات

بر خلاف محصولات اساسی نظیر برنج، جو و چغندر قند که سطح زیر کشت و تولید آنها در طی دوره مورد بررسی با نوسانات همراه بوده است. تولید حبوبات به استثناء چند سال همواره افزایش یافته است. بطوری که سطح کشت از ۳۰۴ هزار هکتار در سال ۱۳۶۰ با رشد متوسط سالانه ۹ درصد به ۱۰۳۴ هزار هکتار در سال ۱۳۷۶ رسید.

همراه با افزایش سطح زیر کشت، تولید آن نیز افزایش یافت و از ۲۹۰ هزار تن در سال ۱۳۶۰ به ۵۴۶ هزار تن در سال ۱۳۷۶ بالغ گردید. به عبارت دیگر سالانه ۷/۱۳ درصد رشد را نشان می دهد جدول (۵-۱۰). کمبود عرضه مواد پروتئینی حیوانی و افزایش قیمت آنها و جایگزین حبوبات، به عنوان تأمین کننده خلاء موجود در تغذیه غذایی افراد موجب

افزایش تقاضا برای این محصولات شد و قیمت آن در بازار سیر صعودی یافت.

جدول شماره (۵-۹): سطح زیر کشت، تولید و عملکرد در هکتار چغندر قند

سال	تولید (هزار تن)	رشد (درصد)	سطح زیر کشت (هزار هکتار)	رشد (درصد)	عملکرد (کیلو در هکتار)
۱۳۶۰	۳۲۳۱	--	۱۴۲	--	۲۲۷۵۰
۱۳۶۱	۴۳۲۱	۳۳/۷۴	۱۹۳	۳۵/۹۲	۲۲۳۹۰
۱۳۶۲	۳۶۴۸	-۱۵/۵۸	۱۶۸	-۱۲/۹۵	۲۱۷۱۰
۱۳۶۳	۳۳۹۲	-۷/۰۲	۱۳۴	-۲۰/۲۴	۲۵۳۱۰
۱۳۶۴	۳۹۲۴	۱۵/۶۸	۱۴۵	۸/۲۱	۲۷۰۶۰
۱۳۶۵	۴۹۶۵	۲۶/۵۳	۱۷۷	۲۲/۰۷	۲۸۰۵۰
۱۳۶۶	۴۴۵۶	-۱۰/۲۵	۱۷۲	-۲/۸۲	۲۵۹۱۰
۱۳۶۷	۳۴۵۴	-۲۲/۴۹	۱۴۷	-۱۴/۵۳	۲۳۵۰۰
۱۳۶۸	۳۵۳۵	۲/۳۵	۱۴۹	۱/۳۶	۲۳۷۲۰
۱۳۶۹	۳۶۴۱	۳/۰۰	۱۴۹	۰/۰۰	۲۴۴۴۰
۱۳۷۰	۵۰۰۰	۳۷/۳۲	۱۷۳	۱۶/۱۱	۲۸۹۰۰
۱۳۷۱	۶۰۰۵	۲۰/۱۰	۲۰۵	۱۸/۵۰	۲۹۲۹۰
۱۳۷۲	۵۴۰۸	-۹/۹۴	۱۸۰	-۱۲/۲۰	۳۰۰۴۰
۱۳۷۳	۵۲۹۵	-۲/۰۹	۲۰۴	۱۳/۳۳	۲۵۹۶۰
۱۳۷۴	۵۵۲۱	۴/۲۷	۲۰۳	-۰/۴۹	۲۷۲۰۰
۱۳۷۵	۳۶۸۷	-۳۳/۲۲	۱۴۹	-۲۶/۶۰	۲۴۷۴۰
۱۳۷۶	۴۷۵۴	۲۸/۹۴	۱۹۱	۲۸/۱۹	۲۴۸۹۰

مأخذ: ۱. اداره کل آمار و اطلاعات، آمارنامه کشاورزی، وزارت کشاورزی.

۲. سالنامه آماری کشور، مرکز آمار ایران.

۳. اداره بررسی های اقتصادی، خلاصه تحولات اقتصادی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

به علاوه سود آوری این محصولات باعث شد که کشت آن حتی در اراضی نامرغوب و کم بازده نیز توسعه یابد و در نتیجه عملکرد حبوبات در

هکتار به نحو قابل ملاحظه‌ای طی دوره مورد بررسی کاهش یابد. تقریباً از ۹۵۰ کیلو در هکتار در سال ۱۳۶۰ به ۵۲۰ کیلو در هکتار در سال ۱۳۷۶ کاهش یافته است.

جدول شماره (۵-۱۰): سطح زیر کشت، تولید و عملکرد در هکتار حبوبات

سال	تولید (هزار تن)	رشد (درصد)	سطح زیر کشت (هزار هکتار)	رشد (درصد)	عملکرد (کیلو در هکتار)
۱۳۶۰	۲۹۰	--	۳۰۴	--	۹۵۰
۱۳۶۱	۲۹۶	۲/۰۷	۳۴۴	۱۳/۱۶	۸۶۰
۱۳۶۲	۲۹۰	-۲/۰۳	۴۱۰	۱۹/۱۹	۷۱۰
۱۳۶۳	۳۰۳	۴/۴۸	۴۳۰	۴/۸۸	۷۰۰
۱۳۶۴	۳۴۳	۱۳/۲۰	۴۶۹	۹/۰۷	۷۳۰
۱۳۶۵	۳۷۶	۹/۶۲	۴۹۱	۴/۶۹	۷۷۰
۱۳۶۶	۳۴۱	-۹/۳۱	۵۰۹	۳/۶۷	۶۷۰
۱۳۶۷	۲۹۹	-۱۲/۳۲	۵۶۲	۱۰/۴۱	۵۳۰
۱۳۶۸	۲۶۴	-۱۱/۷۱	۶۱۸	۹/۹۶	۴۳۰
۱۳۶۹	۳۲۵	۲۳/۱۱	۶۸۱	۱۰/۱۹	۴۸۰
۱۳۷۰	۵۷۶	۷۷/۲۳	۹۸۱	۴۴/۰۵	۵۹۰
۱۳۷۱	۶۷۴	۱۷/۰۱	۱۱۲۱	۱۴/۲۷	۶۰۰
۱۳۷۲	۶۴۳	-۴/۶۰	۱۰۴۸	-۶/۵۱	۶۱۰
۱۳۷۳	۶۲۷	-۲/۴۹	۹۴۶	-۹/۷۳	۶۶۰
۱۳۷۴	۶۷۶	۷/۸۱	۱۱۱۰	۱۷/۳۴	۶۱۰
۱۳۷۵	۷۰۴	۴/۱۴	۱۳۶۳	۲۲/۷۹	۵۲۰
۱۳۷۶	۵۴۶	-۲/۱	۱۰۳۴	-۲۴/۱۴	۵۲۰

مأخذ: ۱. اداره کل آمار و اطلاعات، آمارنامه کشاورزی، وزارت کشاورزی.

۲. سالنامه آماری کشور، مرکز آمار ایران.

۳. اداره بررسیهای اقتصادی، تحولات اقتصادی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۵-۲-۷ پسته

جایگاه خاص پسته در صادرات غیر نفتی و دارا بودن بیش از ۵۰ درصد ارزش صادرات

بخش کشاورزی موجب شده، پسته اهمیت استراتژیکی برای کشور داشته باشد. استان کرمان عمده ترین تولید کننده پسته در ایران است، بطوری که سهم این استان از کل تولید پسته بیش از ۸۰ درصد می باشد.

جدول (۵-۱۱) سطح زیر کشت، میزان تولید و عملکرد پسته طی سالهای ۷۵-۱۳۶۰ را نشان می دهد. براساس جدول فوق سطح زیر کشت پسته طی دوره مورد بررسی به استثناء سال ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ که کاهش یافت در بقیه سالها روند افزایشی داشته است. بطوری که سطح زیر کشت پسته از ۱۱۴ هزار هکتار در سال ۱۳۶۰ به بیش از دو برابر یعنی ۲۳۲ هزار هکتار در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. به عبارت دیگر در طی دوره مورد بررسی بطور متوسط سالانه ۵/۳ درصد رشد نموده است.

برخلاف سطح زیر کشت، میزان تولید پسته با نوسانات بیشتری روبرو بوده است. بطوری که با وجود افزایش سطح زیر کشت در طی سالهای ۶۲-۱۳۶۰ میزان تولید از ۱۲۲ هزار تن در سال ۱۳۶۰ به ۸۴ هزار تن در سال ۱۳۶۲ کاهش یافت. اما طی سالهای ۷۵-۱۳۶۲ به استثنای سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۳ که تولید با کاهش مواجه گردید در بقیه سالها افزایش یافته است. صرفنظر از نوسانات فوق، در طی دوره مورد بررسی تولید بطور متوسط سالانه ۶ درصد رشد نموده بطوری که تولید پسته در سال ۱۳۷۵ به ۲۶۰ هزار تن افزایش یافت که بیش از دو برابر تولید در سال ۱۳۶۰ می باشد.

میانگین عملکرد پسته در کل کشور در طی دوره مورد بررسی روند ثابتی نداشته و در طی سالها با نوسانات همراه بوده است. به عنوان مثال در حالی که در سال ۱۳۶۷ میانگین عملکرد پسته ۶۷۰ کیلو در هکتار بود، طی ۴ سال (در سال ۱۳۷۱) این شاخص به ۱۱۷۰ کیلو در هکتار (یعنی تقریباً دو برابر) افزایش یافت، این در حالی است که عملکرد در سال ۱۳۶۰ بیش از ۱۰۰۰ کیلو در هکتار بوده است. البته شایان ذکر است عملکرد در سطح استانهای مختلف بسیار متفاوت می باشد. به عنوان مثال میانگین عملکرد پسته در سال ۱۳۷۲ در کشور ۱۱۳۶ کیلوگرم در هکتار می باشد که استان سمنان با تولید متوسط ۳۸۸۶ کیلوگرم در یک هکتار بالاترین راندمان و استان خراسان با

عملکرد ۴۱۲ کیلوگرم کمترین راندمان تولید را داشته‌اند.

جدول شماره (۵-۱۱): سطح زیر کشت، تولید و عملکرد در هکتار پسته

سال	تولید (هزار تن)	رشد (درصد)	سطح زیر کشت (هزار هکتار)	رشد (درصد)	عملکرد (کیلو در هکتار)
۱۳۶۰	۱۲۲	--	۱۱۴	--	۱۰۷۰
۱۳۶۱	۹۵	-۲۲/۱۳	۱۱۵	۰/۸۸	۸۳۰
۱۳۶۲	۸۴	-۱۱/۵۸	۱۲۲	۶/۰۹	۶۹۰
۱۳۶۳	۹۴	۱۱/۹۰	۱۲۷	۴/۱۰	۷۴۰
۱۳۶۴	۱۰۵	۱۱/۷۰	۱۳۰	۲/۳۶	۸۱۰
۱۳۶۵	۹۸	-۶/۶۷	۱۴۶	۱۲/۳۱	۶۷۰
۱۳۶۶	۱۱۴	۱۶/۳۳	۱۵۳	۴/۷۹	۷۵۰
۱۳۶۷	۱۲۶	۱۰/۵۳	۱۶۸	۹/۸۰	۷۵۰
۱۳۶۸	۱۳۰	۳/۱۷	۱۳۱	-۲۲/۰۲	۹۹۰
۱۳۶۹	۱۶۳	۲۵/۳۸	۱۵۴	۱۷/۵۶	۱۰۶۰
۱۳۷۰	۱۸۲	۱۱/۶۶	۱۶۱	۴/۵۵	۱۱۳۰
۱۳۷۱	۲۰۲	۱۰/۹۹	۱۷۲	۶/۸۳	۱۱۷۰
۱۳۷۲	۲۲۹	۱۳/۳۷	۲۰۲	۱۷/۴۴	۱۱۳۰
۱۳۷۳	۱۹۵	-۱۴/۸۵	۲۰۶	۱/۹۸	۹۵۰
۱۳۷۴	۲۳۹	۲۲/۵۶	۲۱۸	۵/۸۳	۱۱۰۰
۱۳۷۵	۲۶۰	۸/۷۹	۲۳۲	۶/۴۲	۱۱۲۰

مأخذ: ۱. اداره کل آمار و اطلاعات، آمارنامه کشاورزی، وزارت کشاورزی.

۲. سالنامه آماری کشور، مرکز آمار ایران.

۳. اداره بررسی‌های اقتصادی، تحولات اقتصادی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۳-۵ ارزیابی عملکرد بخش زراعت در برنامه اول توسعه اقتصادی

طی سال‌های اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، بخش کشاورزی در حد امکانات موجود در مسیر هدفها و سیاستهای پیش بینی شده در برنامه حرکت کرده و علی رغم وجود محدودیتها و مشکلات، موفقیت‌های بدست آمده در خور توجه می‌باشد. مهمترین هدف برنامه اول در توسعه زیر بخش زراعت، افزایش تولید محصولات زراعی با اولویت، محصولات اساسی است. به منظور رسیدن به این هدف وزارت کشاورزی با استفاده از نیروهای متخصص و بکارگیری امکانات، تجهیزات و منابع و با وجود محدودیت اعتباری ارزی و کمبود ناشی از آن، گامهای مؤثری برداشته، بطوری که رشد تولید محصولات اساسی در برخی موارد فراتر از هدفهای پیش بینی شده می‌باشد. میزان تولید محصولات اصلی زراعت طی برنامه توسعه اول اقتصادی مشتمل بر میزان هدف و عملکرد حاصله به شرح جدول (۵-۱۲) می‌باشد.

۱-۳-۵ بررسی سیاستهای اجرایی

در جهت تحقق اهداف برنامه، سیاستهای حمایت از تولیدات محصولات کشاورزی، تعیین نرخ تضمینی برای محصولات اساسی کشاورزی، منطقه‌ای کردن کشت محصولات کشاورزی و ارائه به موقع خدمات تخصصی و ترویجی و نهاده‌ها، بررسی استعدادهای کشاورزی مناطق مختلف کشور و تهیه طرحهای جامع مربوطه به منظور استفاده بهینه منابع و امکانات بالقوه، سازمان دادن به نظام بهره برداری و تهیه الگوی مناسب کشت و استفاده صحیح و مؤثر از ابزار و نهاده‌های کشاورزی جهت تقلیل سطح زیر کشت گندم دیم، سیاستهای پیش بینی شده در جهت تحقق اهداف برنامه اول می‌باشند.

ارقام به هزار تین

جدول شماره (۱۲-۵) اهداف و عملکرد بخش زراعت در برنامه اول توسعه اقتصادی

محصول	۱۳۶۷		۱۳۶۸		۱۳۶۹		۱۳۷۰		۱۳۷۱		۱۳۷۲		میانگین رشد	
	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	درصد تحقق	برنامه
گندم	۷۰۱۲	۷۴۹۷	۶۰۱۰	۷۴۹۷	۸۰۱۲	۸۲۱۸	۸۷۹۳	۸۸۲۷	۱۰۱۷۹	۱۰۱۸۵	۱۰۷۳۳	۱۱۰۴۹	۹۹/۴۹	۹/۵۶
جو	۳۳۹۴	۳۷۳۳	۳۸۲۷	۳۹۷۳	۴۵۲۸	۴۹۷۳	۳۱۰۱	۳۲۰۷	۳۰۶۵	۳۱۵۹	۳۰۵۸	۳۷۰۴	۸۸/۶۱	۹/۵۶
برنج	۱۴۱۹	۱۸۳۸	۱۸۵۴	۱۸۷۲	۱۹۸۱	۱۸۷۲	۲۳۵۷	۱۹۵۹	۲۳۶۴	۲۰۲۳	۲۲۸۱	۲۰۵۵	۱۱۶/۸۶	۱۳۴/۰۹
پنبه	۳۸۰	۳۶۰	۳۹۵	۳۸۲	۴۲۷	۳۸۲	۴۱۲	۴۱۳	۳۳۰	۲۴۱	۲۷۵	۴۵۷	۷۲/۸۳	۶۲/۰۲
چغندر قند	۳۹۵۳	۴۶۷۰	۴۵۷۰	۵۰۲۹	۴۶۲۱	۵۰۲۹	۵۰۰۰	۵۷۸۲	۶۰۰۵	۵۹۱۱	۵۴۰۸	۶۲۱۲	۱۰۱/۵۹	۷/۲۴
دانه روغنی	۲۹۸	۱۵۶	۳۲۶	۱۹۹	۱۴۵	۱۹۹	۱۳۷	۲۲۰	۲۶۷	۲۵۰	۲۱۶	۲۷۹	۱۰۶/۸۰	۳/۱۴
حبوبات	۳۰۴	۳۶۶	۴۶۴	۴۰۰	۳۳۵	۴۰۰	۵۷۶	۴۳۶	۶۷۰	۶۷۳	۶۴۳	۵۱۶	۱۴۱/۶۵	۱۱/۲۵
سبب زمین	۳۳۰	۳۳۷	۳۰۳۳	۲۶۲۲	۴۵۱۶	۲۶۲۲	۲۶۱۲	۲۵۱۶	۲۷۰۰	۲۷۰۴	۲۸۰۰	۳۰۰۰	۹۹/۸۵	۵/۱۶
بیار	۹۱۱	۹۲۴	۶۹۳	۹۴۶	۱۲۱۳	۹۴۶	۱۱۲۵	۹۹۰	۱۳۰۵	۱۰۳۵	۱۴۰۰	۱۱۵۰	۱۲۶/۰۹	۶/۸۳

منابع: ۱. سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱۱.

۲. سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

۵-۳-۲ دلایل عدم تحقق اهداف برنامه اول

۱. پایین بودن سطح آموزش و دانش اکثریت بهره برداران.
۲. کافی نبودن مراکز نگهداری محصولات زراعی و باغی، نظیر سردخانه، انبارهای سرد و سایر تأسیسات بسته بندی، درجه بندی و نیز نارسائی در مدیریت صنایع تبدیلی تکمیلی که منجر به ضایعات قابل توجهی در محصولات کشاورزی می شود.
۳. عدم پیش بینی اعتبارات ارزی لازم و عدم تصویب و تخصیص آن و نتیجتاً عدم امکان تأمین ماشین آلات مورد نیاز.
۴. ضعف بنیه مالی بهره برداران کشاورزی در تأمین سرمایه گذاری مورد نیاز.
۵. تعیین نرخهای ارزی متفاوت با پیش بینی برنامه.

۵-۴ بررسی عملکرد بخش زراعت در برنامه دوم توسعه اقتصادی

طی چهار سال اجرای برنامه دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، علیرغم پیش بینی اکثر برنامه ریزان مبنی بر تحقق اهداف برنامه توسعه دوم اقتصادی، در زیر بخش زراعت با توجه به وجود امکانات و پتانسیل موجود در زیربخش، به دلیل عدم اتخاذ سیاستهای اصولی مناسب نه تنها عملکرد از اهداف پیش بینی شده بیشتر نبوده است بلکه در اکثر موارد حتی اهداف برنامه نیز تحقق نیافته است.

اهداف برنامه دوم توسعه اقتصادی در تولید محصولات اصلی زراعت و عملکرد آن در طی چهار سال اجرای برنامه به شرح جدول (۵-۱۳) می باشد.

(ارقام به هزار تن)

جدول شماره (۵-۱۳): اهداف و عملکرد پیش زراعت در برنامه دوم توسعه اقتصادی

محصول	۱۳۷۲		۱۳۷۳		۱۳۷۴		۱۳۷۵		۱۳۷۶		۱۳۷۷		متوسط رشد	
	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	برنامه	عملکرد	رشد
گندم	۱۰۸۰۰	۱۱۵۳۴	۱۰۸۷۰	۹۴/۲	۱۳۳۱۹	۹۴/۲	۱۰۰۱۵	۷۶/۱	۱۴۰۵۱	۱۰۰۴۵	۱۵۰۰۷	۶/۸	۱۵۰۰۷	-۱/۶
جو	۳۰۵۸	۳۳۴۰	۳۰۴۵	۹۱/۲	۳۴۹۵	۸۴/۵	۲۷۳۶	۷۵/۰	۳۷۶۰	۲۴۹۹	۲۸۷۰	۵/۱	۲۸۷۰	-۵/۱
برنج	۲۵۵۰	۲۶۲۷	۲۲۵۹	۸۶/۰	۲۷۰۵	۸۵/۱	۲۶۸۵	۹۶/۴	۲۸۷۰	۲۳۵۰	۲۹۵۶	۲/۰	۲۹۵۶	-۱/۳
پنبه	۷۸۸	۳۰۴	۲۸۷	۱۲۷/۱	۳۲۲	۵۲۳	۵۹۸	۱۷۵/۸	۲۵۹	۴۵۱	۲۸۰	۵/۷	۲۸۰	۱۴/۸
چغندر قند	۵۴۰۸	۵۹۱۰	۵۲۹۵	۸۹/۶	۵۹۸۱	۵۵۲۱	۶۰۵۳	۶۰/۹	۶۱۷۵	۲۷۵۴	۶۱۹۹	۱/۲	۶۱۹۹	-۲/۳
دانه روغنی	۱۸۶	۱۹۸	۲۸۸	۱۴۵/۷	۲۱۰	۲۳۴	۲۲۳	۹۴/۰	۲۳۷	۲۶۷	۲۵۲	۶/۳	۲۵۲	۱۳/۲
سبزی زعفرانی	۲۸۰۰	۲۸۷۸	۳۱۸۵	۱۱۰/۷	۲۹۵۹	۳۰۷۴	۳۰۴۲	۱۰۴/۲	۳۱۷۷	۳۱۸۴	۳۱۱۵	۲/۸	۳۱۱۵	۴/۲
پاپار	۱۴۰۰	۱۴۲۷	۱۱۱۲	۷۷/۹	۱۴۵۴	۱۱۳۰	۱۲۸۱	۸۱/۰	۱۵۰۹	۱۱۵۷	۱۵۳۸	۱/۹	۱۵۳۸	-۴/۱

منابع: ۱. سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

۲. اداره بررسی‌های اقتصادی، خلاصه تحولات اقتصادی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۳. دفتر اقتصاد کلان، گزارش اقتصادی، سازمان برنامه و بودجه.

۵-۵ تحولات حاصل در تعداد و اندازه واحدهای بهره برداری

بسیاری از صاحب نظران بر این باورند که در کشاورزی، زمین در شرایط عادی ملاک اصلی و محوری تولید است. لیکن به نظر می رسد، این معیار به تنهایی نمی تواند ضابطه تعیین درآمد باشد در این راستا، مسائل دیگری مانند توزیع زمین، تعداد بهره برداران و... از اهمیت قابل توجهی برخوردار می باشند. بر این اساس در این بخش وضعیت بهره برداری در چهار دوره قبل از اصلاحات اراضی، بعد از اصلاحات اراضی، بعد از انقلاب و وضعیت موجود را مورد بررسی قرار می دهیم.

جدول شماره (۵-۱۴) تعداد بهره برداران و مقدار اراضی مورد بهره برداری در چهار دوره قبل از اصلاحات اراضی (۱۳۳۹)، بعد از اصلاحات اراضی (۱۳۵۳)، بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۶۷) و وضعیت موجود (۱۳۷۱ آخرین سرشماری) در سه طبقه بهره برداری زمین را نشان می دهد.

۵-۵-۱ طبقه بهره برداران کمتر از پنج هکتار

تعداد بهره برداران این طبقه در سال ۱۳۳۹ (قبل از اجرای اصلاحات اراضی) ۱۲۲۳ هزار بهره بردار ۶۵/۲ درصد کل بهره برداران و میزان اراضی تحت مالکیت آنها ۲۱۲۵ هزار هکتار (۱۸/۷۱ درصد کل اراضی) بوده و نسبت اراضی به تعداد بهره برداران ۱/۷۴ بوده است. به عبارت دیگر بطور متوسط هر بهره بردار در این طبقه مالک ۱/۷۴ هکتار زمین بوده است.

حدود ده سال پس از گذشت اجرای اصلاحات اراضی تعداد بهره برداران با ۲۳ درصد رشد به ۱۵۹۸ هزار بهره بردار رسید، در حالی که اراضی متعلق به این طبقه با ۱۳ درصد رشد به ۲۴۳۴ هزار هکتار افزایش یافت. این تغییرات حاکی از آن است که در دوره بعد از اصلاحات اراضی به رغم اینکه می بایست به افراد کم زمین، زمین بیشتری واگذار می شد تا واحدهای آنها از واحدهای غیر اقتصادی به واحدهای اقتصادی تغییر یابد، نه تنها افزایش

نیافت، بلکه سهم این گروه حتی با کاهش مواجه گردید بطوری که نسبت اراضی به تعداد بهره برداران از ۱/۷۴ به ۱/۵۲ درصد کاهش یافته است.

پس از انقلاب اسلامی (سال ۱۳۶۷) تعداد بهره برداران و میزان اراضی تحت مالکیت آنها به ترتیب با رشدی معادل ۱۴ و ۱۷ درصد به ۱۸۶۲ هزار بهره بردار و ۲۵۳۵ هزار هکتار افزایش یافت. در طی این سالها به علت اینکه قسمتی از زمینهای مالکان بزرگ توسط هیت هفت نفره و بعضاً تصرف غیر قانونی بعضی از اراضی توسط خرده مالکان، و با وجود ثابت بودن نسبت تعداد بهره برداران به کل بهره برداران، نسبت اراضی تحت مالکیت بهره برداران این طبقه به کل اراضی به ۱۸/۱۷ درصد افزایش یافته است.

براساس آخرین سرشماری (سال ۱۳۷۱) تعداد بهره برداران ۱۵۴۱ هزار و میزان اراضی این طبقه ۲۷۴۹ هزار هکتار می باشد که نشان می دهد متغیرهای فوق نسبت به سال ۱۳۶۷ به ترتیب با رشدی منفی معادل ۲۱ و ۷ درصد روبرو بوده اند. روند تغییرات حاصل در تعداد بهره برداری ها و میزان اراضی آنها در این دوره، موید کاهش بیشتر تعداد بهره برداران این طبقه به نسبت میزان اراضی بوده است و این وضعیت سبب بزرگتر شدن اندازه بهره برداری ها در این طبقه نسبت به گذشته است. بطوری که اندازه متوسط هر بهره برداری از ۱/۵۸ هکتار در سال ۱۳۶۷ به ۱/۷۸ هکتار برای هر واحد بهره برداری افزایش یافته است. این در حالی است که تعداد بهره برداران این طبقه به کل بهره برداران به ۵۹ درصد کاهش یافته است که احتمالاً ناشی از مهاجرت تعدادی از بهره برداران این طبقه به بخشهای دیگر اقتصادی نظیر خدمات می باشد.

علیرغم افزایش متوسط اراضی بهره برداران این طبقه به ۱/۷۸، به نظر می رسد در این طبقه به علت کوچک بودن مزارع، همچنان میزان بهره وری اراضی و اتلاف منابع تولید این بهره برداران در سطح پایین قرار داشته و اتلاف منابع تولید در این طبقه زیاد باشد. علاوه بر این با توجه به عدم تکافوی درآمد ناشی از این مزارع احتمالاً بهره برداران در این طبقه دارای مشاغل دیگری برای تکمیل مخارج خود بوده و شغل زراعت برای آنان یک مشغله جانبی

است.

۵-۵-۲ طبقه بهره برداران پنج تا پنجاه هکتار

براساس سرشماری سال ۱۳۳۹ تقریباً ۳۴ درصد کل بهره برداران یا ۶۴۲ هزار بهره بردار در این طبقه قرار داشته‌اند که مالک ۶۷ درصد کل اراضی یا ۷۶۷۷ هزار هکتار بوده‌اند. به عبارت دیگر متوسط اراضی هر بهره بردار در این طبقه ۱۲ هکتار بوده است.

پس از اجرای اصلاحات اراضی هر چند تعداد بهره برداران و اراضی تحت مالکیت این طبقه تقریباً ۲۵ درصد افزایش یافته‌اند، اما نسبتها تقریباً ثابت مانده و همچنان سهم خود را از کل حفظ نموده‌اند. به عبارت دیگر در طی دوره رشد تعداد بهره برداران و اراضی تحت مالکیت در این طبقه با رشد کل بهره برداران و کل اراضی یکسان بوده که این امر موجب گردید در نسبتها تغییر حاصل نگردد.

پس از انقلاب اسلامی (سال ۱۳۶۷) اراضی تحت مالکیت این طبقه با ۴ درصد کاهش از ۱۰۴۵۲ هزار هکتار در سال ۱۳۵۳ به ۹۹۹۷ هزار هکتار رسید. اما تعداد بهره برداران در این طبقه با رشدی معادل ۷ درصد از ۸۵۶ هزار در سال ۱۳۵۳ به ۹۲۵ هزار بهره برداری افزایش یافت. مجموع تغییرات فوق (۴ درصد کاهش اراضی در حالی که ۹ درصد تعداد بهره برداران افزایش یافت) موجب گردید متوسط اراضی تحت مالکیت این طبقه از ۱۲ هکتار به ۱۰/۸ هکتار کاهش یابد. اما از آنجایی که تغییرات تعداد بهره برداران و میزان اراضی در این طبقه با تغییرات این متغیرها در کل هم جهت می‌باشند، تاثیر تغییرات ایجاد شده در سهم متغیرها بسیار محدود و اندک می‌باشد. بطوری که نسبت تعداد بهره برداران در این طبقه به کل بهره برداران از ۳۴ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۳۳ درصد کاهش یافت و نسبت اراضی تحت مالکیت این طبقه به کل اراضی از ۶۴ درصد به ۶۲ درصد در طی این مدت کاهش یافت.

براساس آخرین سرشماری تعداد بهره برداران ۱۰۲۱ هزار نفر و میزان اراضی تحت مالکیت این طبقه بالغ بر ۱۱۴۵۲ هزار هکتار می‌باشد که نشان دهنده رشدی معادل ۹ و ۱۳

درصد می‌باشد. افزایش در تعداد بهره برداران (۹ درصد) در حالی صورت پذیرفت که کل بهره برداران در طی دوره مورد نظر ۹ درصد کاهش را نشان می‌دهد. همین امر موجب گردید نسبت تعداد بهره برداران در این طبقه به کل بهره برداران از ۳۲ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۳۹ درصد در سال ۱۳۷۱ افزایش یابد از طرف دیگر افزایش ۱۳ درصد اراضی تحت مالکیت این طبقه در مقابل ۶ درصد افزایش کل اراضی در طی دوره موجب گردید سهم اراضی تحت مالکیت این طبقه به ۶۶ درصد افزایش یابد. رشد بالاتر میزان اراضی در مقابل رشد بهره برداران در این طبقه موجب گردید که متوسط اراضی تحت مالکیت هر بهره بردار در این طبقه به ۱۱/۲ هکتار افزایش یابد.

۳-۵-۵ طبقه بهره برداران بیشتر از پنجاه هکتار

قبل از اصلاحات اراضی این طبقه از بهره برداری از عمده مالکان اراضی سلطنتی، اراضی دولتی و اراضی موقوفه تشکیل می‌شد. پس از اصلاحات اراضی این طبقه، از واحدهای مکانیزه خصوصی، کشت و صنعت دولتی، کشت و صنعت خصوصی، شرکتهای سهامی زراعی، شرکتهای تعاونی تولید روستایی و مالکان باقی مانده از دوره قبل از اصلاحات اراضی تشکیل شده بود. پس از انقلاب اسلامی و در پی مصادره اموال واحدهای خصوصی به نفع نهادهای انقلاب اسلامی بخش عمده این واحدهای بهره برداری دارای شخصیت حقوقی، نظیر شرکت تعاونی تولید روستایی، شرکتهای سهامی زراعی، شرکتهای کشت و صنعت و مزارع دولتی بوده و تعداد بسیار محدودی ممکن است همچنان دارای شخصیت حقوقی باقی باشد.

تعداد بهره برداران این طبقه قبل از اجرای اصلاحات اراضی ۱۲ هزار بهره بردار (۰/۶۴ درصد کل بهره برداران) و میزان اراضی آنها ۱۵۵۵ هزار هکتار (۱۳/۹۶ درصد کل اراضی) بوده است. که نشان می‌دهد هر بهره بردار بطور متوسط صاحب ۱۳۰ هکتار زمین بوده است. در دوره بعد از اصلاحات اراضی تعداد بهره برداران بارشدهی معادل ۵۲ درصد به ۲۵ هزار

بهره بردار (۱ درصد کل بهره برداران) افزایش و همزمان با آن، میزان اراضی تحت مالکیت این طبقه با رشدی معادل ۵۵ درصد به ۳۵۲۵ هزار بهره بردار (۲۱ درصد کل اراضی) افزایش یافت.

این تغییرات موجب گردید اندازه واحدهای بهره برداری در این طبقه در دوره بعد از اصلاحات اراضی نسبت به دوره قبل از اصلاحات اراضی افزایش یابد. بطوری که متوسط اراضی هر بهره بردار از ۱۳۰ هکتار در سال ۱۳۳۹ به ۱۴۱ هکتار در سال ۱۳۵۳ افزایش یابد. افزایش تعداد بهره برداران در این طبقه و عدم کاهش متوسط اراضی هر بهره بردار در این دوره نشان دهنده این مطلب است که مالکین بزرگ برای رهایی از تقسیم اراضی شان بین زارعین اقدام به تقسیم اراضی خود بین افراد خانواده شان کرده‌اند. و از طرف دیگر سهم قابل توجهی از اراضی اضافه شده به کل اراضی در این دوره نسبت به دوره قبل از اصلاحات ارضی به این طبقه اختصاص داده شده است. این افزایش‌ها نشان می‌دهد که در دوره بعد از اصلاحات ارضی به رغم اینکه می‌بایست به افراد کم زمین، زمین بیشتری واگذار می‌شد تا واحدهای آنها از واحدهای غیر اقتصادی به واحدهای اقتصادی تغییر یابد. این امر عملی نشده و مالکان در این خصوص از خرده مالکان پیشی گرفته‌اند.

پس از انقلاب اسلامی تعداد بهره برداران با رشد ۱۹ درصد به ۳۱ هزار بهره بردار افزایش یافت در حالی که اراضی تحت مالکیت این طبقه با ۹/۵ درصد کاهش روبرو بوده و به ۳۲۱۸ هزار هکتار (۲۰ درصد کل اراضی) رسید. به عبارت دیگر در حالی که نسبت بهره برداران این طبقه به کل بهره برداران از ۱ به ۱/۱ افزایش یافت، نسبت اراضی تحت مالکیت این طبقه به کل اراضی از ۲۱/۵ به ۲۰ درصد کاهش یافت. این تغییرات موجب گردید متوسط اراضی تحت مالکیت هر بهره بردار در این طبقه از ۱۴۱ هکتار در سال ۱۳۵۳ به ۱۰۴ هکتار در سال ۱۳۶۷ کاهش یابد. این روند در سالهای بعد نیز ادامه یافت بطوری که با ۶ درصد کاهش در اراضی تحت مالکیت این طبقه طی سالهای ۷۱-۱۳۶۷ متوسط اراضی تحت مالکیت این طبقه به ۹۷/۸ هکتار کاهش یافت.

کاهش اراضی تحت مالکیت این طبقه در حالی صورت می‌پذیرد که کل اراضی ۶/۲ درصد در طی سالهای مذکور افزایش یافته است. کاهش اراضی تحت مالکیت این طبقه از یک سو و افزایش اراضی از سوی دیگر موجب شد که سهم اراضی این طبقه به کل اراضی به ۱۷/۶ درصد کاهش یابد.

بررسی کلی این طبقه نشان می‌دهد انجام اصلاحات ارضی و پیروزی انقلاب اسلامی نتوانسته‌اند تغییرات اساسی در شاخص‌های مورد نظر ایجاد نمایند، و تقریباً تمام شاخص‌ها در سطح سال ۱۳۳۹ ثابت باقی مانده‌اند، شایان توجه است هر چند در دهه اول پس از انقلاب اسلامی تغییرات در شاخصها مورد نظر رخ داد اما آخرین سرشماری نشان می‌دهد که تغییرات ایجاد شده موقتی بوده و تغییری در شاخص‌ها نسبت به سال ۱۳۳۹ ایجاد نگردید.

(ارقام: هزار هکتار، هزار بهره بردار)

جدول شماره (۵-۱۴) وضعیت طبقات بهره برداران در چهار دوره قبل از اصلاحات ارضی، بعد از اصلاحات ارضی، بعد از انقلاب و آخرین سرشماری

تاریخ طبقات	۱۳۲۹				۱۳۵۳				۱۳۶۷				۱۳۷۱			
	تعداد بهره بردار	درصد به کل	اراضی بهره برد به	متوسط اندازه واحد بهره برداری به هکتار	تعداد بهره بردار	درصد به کل	اراضی بهره برد به	متوسط اندازه واحد بهره برداری به هکتار	تعداد بهره بردار	درصد به کل	اراضی بهره برد به	متوسط اندازه واحد بهره برداری به هکتار	تعداد بهره بردار	درصد به کل	اراضی بهره برد به	متوسط اندازه واحد بهره برداری به هکتار
کثیر از ۵ هکتار	۱۲۳۳	۶۵/۱۵۷	۲۱۲۵	۱۸/۱۲۳	۱۵۹۸	۲۲/۳۲۵	۲۲۲۳	۱۳/۸۱۶	۱۸۷۳	۲۳/۵	۶۶۱/۷۵	۱۸/۱۷۳	۱۵۲۱	۵۹/۲۲۹	۳۲۲۹	۱۵/۸۵
	۶۲۲	۳۲/۰۴	۷۶۷	۱۱/۵۵۸	۸۵۶	۳۳/۵۱۶	۱۰۲۵۳	۶۳/۴۶۶	۹۹۹۸	۳۱/۸۵۵	۶۱/۸۰۷	۱۰/۸۰۹	۱۰۰۲۱	۳۹/۳۷۵	۱۱۴۵۳	۶۶/۲۲۶
	۱۲	۰/۲۲۳	۱۵۵۵	۱۳/۴۹۳	۲۵	۷۵	۲۵۱۵	۲۱/۳۷۲	۳۶۱۸	۱/۰۰۱	۱۹/۹۴۶	۱/۰۳/۸۱	۳۱	۱/۱۹۵۵	۳۰۳۳	۱۷/۶۰۴
	۱۸۷				۲۸۰				۶/۲۱۸۸				۵/۲۳۱			
کثیر از ۵۰ هکتار	۶۲۲	۳۲/۰۴	۷۶۷	۱۱/۵۵۸	۸۵۶	۳۳/۵۱۶	۱۰۲۵۳	۶۳/۴۶۶	۹۹۹۸	۳۱/۸۵۵	۶۱/۸۰۷	۱۰/۸۰۹	۱۰۰۲۱	۳۹/۳۷۵	۱۱۴۵۳	۶۶/۲۲۶
	۱۲	۰/۲۲۳	۱۵۵۵	۱۳/۴۹۳	۲۵	۷۵	۲۵۱۵	۲۱/۳۷۲	۳۶۱۸	۱/۰۰۱	۱۹/۹۴۶	۱/۰۳/۸۱	۳۱	۱/۱۹۵۵	۳۰۳۳	۱۷/۶۰۴
					۲۸۰				۶/۲۱۸۸				۵/۲۳۱			
جمع	۱۸۷				۲۸۰				۶/۲۱۸۸				۵/۲۳۱			

منابع: ۱- سرشماری عمومی کشاورزی نتایج تفصیلی کل کشور مرکز آمار ایران.

۲- معایرت امور اقتصادی، تخصیص منابع برای خودکفایی در محصولات کشاورزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی.

۳- محاسبات تحقیق.

۵-۶ محاسبه درآمد مشمول مالیات در زیر بخش زراعت (تحلیل هزینه و فایده مالیاتی در زیر بخش زراعت)

در این قسمت و به دنبال بحثهای گذشته به محاسبه درآمد مشمول مالیات در زیر بخش زراعت می پردازیم. برای این کار پنج محصول عمده زراعی از جمله گندم، جو، برنج، چغندر قند، پنبه را که مهمترین محصولات زیر بخش زراعت و باغبانی می باشند انتخاب و مورد بررسی قرار می دهیم. در اینجا ضروری است چند نکته یادآوری گردد:

۱. نتیجه بررسی تولید محصولات عمده زراعی و باغی نشان می دهد که میزان تولید همواره با نوساناتی روبرو بوده است برای از بین بردن اثر این نوسانات، بررسی ها برای سه سال متوالی ۷۷-۷۵ صورت می پذیرد.

۲. انتخاب محصول با توجه به سهم محصول در زیر بخش زراعت صورت گرفته است بدین ترتیب که محصولاتی را که دارای بیشترین سهم از بخش زراعت بوده اند انتخاب و بررسی می شوند.

۳. با توجه به نتیجه مبحث (۵-۴) (تغییرات قابل ملاحظه ای در طبقات بهره برداران صورت نپذیرفته است) فرض می شود تعداد بهره برداران در طبقات اراضی ثابت و در حدود سال ۱۳۷۲ می باشد.

۴. علیرغم اینکه اعتقاد بر این است آمار وزارت کشاورزی دارای عیب بوده و نتیجه گیری را با انحراف مواجه می سازد اما از آنجایی که آمار مربوط به کشاورزی علی الخصوص آمار مربوط به هزینه در دیگر سازمانهای معتبر آماری (مرکز آمار ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و...) تهیه نمی گردد این آمار تنها آمار قابل دسترس بوده بنابراین به نظر می رسد لازم است نتایج با حساسیت بیشتری تحلیل گردد.

۵-۶-۱ گندم

همانطور که در مباحث قبلی اشاره کردیم گندم به عنوان یکی از مهمترین محصولات زیر

بخش زراعت در ایران (حدافل در سالهای اخیر) که بیشترین سطح زیر کشت را به خود اختصاص داده است مطرح می‌باشد.

گندم به دو صورت دیم و آبی کشت می‌گردد که به جهت تفاوت بسیار در عملکرد در هکتار و هزینه تولید هر یک از روشهای تولید، سود این محصول جداگانه محاسبه می‌گردد. جدول (۵-۱۵) سطح زیر کشت، تولید، قیمت و در نهایت ارزش گندم تولید شده در یک هکتار را نشان می‌دهد.

ارزش محصول تولیدی:

با مراجعه به جدول (۵-۱۵) ملاحظه می‌شود در سال ۱۳۷۵ حدود ۲۲۶۵ هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی به کشت گندم آبی و بیش از ۴۰۶۳ هزار هکتار از زمینها به کشت گندم دیم اختصاص یافته است (میزان کشت گندم دیم دو برابر کشت گندم آبی بوده است). در حالی که میزان تولید گندم آبی در همین سال بیش از دو برابر میزان تولید گندم دیم می‌باشد. بنابراین علیرغم اینکه کشت گندم آبی نصف کشت گندم دیم می‌باشد، با این وجود میزان تولید در کشت آبی بیش از دو برابر کشت دیم می‌باشد. این موضوع موجب گردید که عملکرد گندم در کشت آبی بیش از سه برابر کشت دیم برآورد گردد. این امر برای سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ نیز مصداق دارد.

با ضرب مقدار عملکرد در هکتار، برای هر سال در قیمت‌های تضمینی اعلام شده در سال مذکور (قیمت خریداری شده گندم از تولید کننده توسط دولت) ارزش محصول اصلی تولید شده در هر سال حسب مورد بدست خواهد آمد (ستون ۵)

از طرف دیگر با توجه به اینکه تولید محصول اصلی، همراه با محصول فرعی می‌باشد لذا برای محاسبه ارزش محصول تولید شده در هر هکتار لازم است ارزش محصول فرعی نیز محاسبه گردد (ستون ۶) علاوه بر این جواز پرداختی توسط دولت در ازای تحویل گندم نیز بایستی مد نظر قرار گیرد. که این امر به جهت کاهش مراحل محاسبات و ساده سازی در

ستون ششم آورده شده است. به عبارت دیگر ستون ششم جدول شامل ارزش محصول فرعی و متوسط ارزش جوائز پرداختی در هر هکتار توسط دولت می باشد. مجموع ستون ۵ و ۶ جدول، ارزش یک هکتار محصول گندم بر حسب کشت آبی و دیم می باشد که در ستون ۷ جدول نشان داده شده است. مطابق این ستون، ارزش تولیدات یک هکتار زمین در طی سالهای ۷۷-۱۳۷۵ که به کشت گندم آبی اختصاص یافته به ترتیب ۱۳۸۰۸۲۰ و ۱۷۵۵۳۸۰ و ۲۲۴۰۴۸۰ ریال و ارزش تولیدات برای کشت گندم دیم برابر ۳۶۱۴۴۰ و ۴۱۸۴۷۰ و ۷۲۵۶۴۰ ریال بوده است.

جدول شماره (۵-۱۵): ارزش محصول تولید شده گندم در یک هکتار به تفکیک آبی و دیم

نوع محصول	سال	سطح کشت هزار هکتار	تولید هزار تن	عملکرد کیلو در هکتار	قیمت ریال	ارزش محصول اصلی ریال	ارزش محصول فرعی ریال	جمع ارزش محصول ریال
آبی	۱۳۷۵	۲۲۶۵	۶۸۷۷	۳۰۳۷	۴۱۰	۱۲۴۵۱۷۰	۱۳۵۶۵۰	۱۳۸۰۸۲۰
	۱۳۷۶	۲۲۷۰	۷۱۴۱	۳۱۴۶	۴۸۰	۱۵۱۰۰۸۰	۲۴۵۳۰۰	۱۷۵۵۳۸۰
	۱۳۷۷	۲۲۲۹	۷۶۳۱	۳۴۲۳	۶۰۰	۲۰۵۳۸۰۰	۱۸۶۶۸۰	۲۲۴۰۴۸۰
	میانگین	۲۲۵۵	۷۲۱۶	۳۲۰۲	۴۹۷	۱۶۰۳۰۱۷	۱۸۹۲۱۰	۱۷۹۲۲۷
دیم	۱۳۷۵	۴۰۶۳	۳۱۳۸	۷۷۲	۴۱۰	۳۱۶۵۲۰	۴۴۹۲۰	۳۶۱۴۴۰
	۱۳۷۶	۴۰۲۹	۲۹۰۴	۷۲۱	۴۸۰	۳۴۶۰۸۰	۷۲۳۹۰	۴۱۸۴۷۰
	۱۳۷۷	۳۹۵۱	۴۳۲۴	۱۰۹۵	۶۰۰	۶۵۷۰۰۰	۶۸۶۴۰	۷۲۵۶۴۰
	میانگین	۴۰۱۴	۳۴۵۵	۸۶۳	۴۹۷	۴۳۹۸۶۷	۶۱۹۸۳	۵۰۱۸۵۰

منابع: ۱. اداره کل آمار و اطلاعات، هریبه تولید محصولات کشاورزی، وزارت کشاورزی، (۷۷-۱۳۷۵).

۲. اداره کل آمار و اطلاعات، آمار نامه کشاورزی، وزارت کشاورزی، (۷۷-۱۳۷۵).

۳. اداره بررسی های اقتصادی، خلاصه تحولات اقتصادی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

هزینه‌ها:

با توجه به اهمیت هزینه‌های تولید در تعیین روند درآمد مشمول مالیات (تحلیل هزینه - فایده)، در این قسمت هزینه‌های مختلف تولید گندم آبی و دیم در طی دوره مورد بررسی (۷۷-۱۳۷۵) به تفکیک مراحل تولید (کاشت، داشت و برداشت) و زمین در جدول (۵-۱۶) ارائه شده است که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

- هزینه کاشت

هزینه کاشت حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد هزینه‌های تولید است و شامل هزینه شخم، دیسک، کرت بندی، مرز بندی، نهر کشی، لایروبی، خزانه، بذر پاشی، بذر و... می‌شود که بذر مصرفی در بین هزینه کاشت بیشترین هزینه را به خود اختصاص می‌دهد (در حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد). بررسی متوسط هزینه کاشت یک هکتار گندم در طی سالهای (۷۷-۱۳۷۵) نشان می‌دهد میانگین هزینه یک هکتار گندم آبی ۲۵۲ هزار ریال و یک هکتار گندم دیم ۱۱۴ هزار ریال بوده است. به عبارت دیگر کاشت یک هکتار گندم آبی در طی دوره مورد نظر بیش از دو برابر کاشت یک هکتار گندم دیم هزینه کاشت در بر داشته است.

- هزینه داشت

هزینه داشت گندم آبی تقریباً ۲۸ درصد هزینه‌ها و در گندم دیم کمتر از ۱۰ درصد کل هزینه را تشکیل می‌دهد. این در حالی است که تفاوت محسوسی بین نسبت هزینه کاشت در کل هزینه‌ها برای دو نوع کشت دیم و آبی وجود ندارد. هزینه داشت در کشت آبی شامل هزینه کود حیوانی و شیمیایی، حمل کود و کود پاشی، آب بها و آبیاری، سم، وجین و... می‌باشد که ۴۵ درصد هزینه به آب بها و آبیاری اختصاص دارد. اما هزینه داشت در کشت دیم شامل هزینه کود حیوانی و شیمیایی، حمل کود و کود پاشی، سم و وجین و... می‌باشد که کود شیمیایی بیشترین هزینه را به خود اختصاص می‌دهد. میانگین هزینه انجام شده در طی سالهای (۷۷-۱۳۷۵) در یک هکتار برای کشت گندم آبی ۳۱۵ هزار ریال و برای کشت گندم دیم ۳۲ هزار ریال بوده است به عبارت دیگر تولید یک هکتار گندم آبی در طی دوره حدود ده برابر تولید یک هکتار گندم دیم هزینه داشت در بر داشته است.

ارقام به ریال

جدول شماره (۵-۱۶): متوسط هزینه تولید و سود حاصل از یک هکتار گندم به تفکیک آبی و دیم

محصول	سال	هزینه کاشت	هزینه داشت	هزینه برداشت	هزینه زمین	هزینه کل	سود
آبی	۱۳۷۵	۲۰۲۴۹۰	۲۴۲۰۸۰	۱۳۱۰۶۰	۲۳۸۸۳۰	۸۱۴۴۶۰	۵۶۶۳۶۰
	۱۳۷۶	۲۵۹۴۸۰	۳۳۱۰۰۰	۲۴۹۰۶۰	۳۵۰۵۵۰	۱۱۹۰۰۹۰	۵۶۵۲۹۰
	۱۳۷۷	۲۹۵۱۸۰	۳۷۱۶۶۰	۲۸۲۶۹۰	۳۷۶۰۹۰	۱۳۲۵۶۲۰	۹۱۴۸۶۰
	میانگین	۲۵۲۳۸۳	۳۱۴۹۱۳	۲۲۰۹۳۷	۳۲۱۸۲۳	۱۱۱۰۰۵۷	۶۸۲۱۷۰
دیم	۱۳۷۵	۹۵۵۴۰	۲۹۶۲۰	۷۱۱۳۰	۱۰۴۱۰۰	۳۰۰۳۹۰	۶۱۰۵۰
	۱۳۷۶	۱۱۶۵۸۰	۳۲۱۹۰	۱۱۳۶۵۰	۹۴۳۷۰	۳۵۶۷۹۰	۶۱۶۸۰
	۱۳۷۷	۱۳۰۸۶۰	۳۵۲۸۰	۱۵۱۷۰	۱۲۹۶۹۰	۴۴۷۶۰۰	۲۷۸۰۴۰
	میانگین	۱۱۴۳۲۷	۳۲۲۶۳	۱۱۲۱۸۳	۱۰۹۳۸۷	۳۶۸۲۶۰	۱۳۳۵۹۰

منابع: ۱. اداره کل آمار و اطلاعات، هزینه تولید محصولات کشاورزی، وزارت کشاورزی، (۷۷-۱۳۷۵).

۲. محاسبات تحقیق.

- هزینه برداشت

هزینه برداشت حدود ۲۰ درصد از هزینه‌ها را در کشت آبی و ۳۰ درصد هزینه‌ها را در کشت دیم تشکیل می‌دهد. و شامل هزینه درو، جمع آوری، خرمن کوبی، بسته بندی، حمل و... می‌باشد که درو به تنهایی حدود ۶۰ درصد هزینه‌ها را (در هر دو نوع کشت دیم و آبی) به خود اختصاص می‌دهد. میانگین هزینه برداشت انجام شده در طی سالهای ۷۷-۱۳۷۵ در یک هکتار برای کشت آبی ۲۲۱ هزار ریال و برای کشت دیم ۱۲۱ هزار ریال بوده است. یعنی هزینه برداشت برای تولید گندم آبی نزدیک به دو برابر هزینه برداشت در کشت دیم می‌باشد.

- هزینه زمین

هزینه زمین در واقع هزینه اجاره زمین می‌باشد که حدود ۳۰ درصد از هزینه‌ها را تشکیل می‌دهد. میانگین هزینه زمین طی سه سال مورد بررسی ۳۲۱ هزار ریال برای کشت آبی و ۱۰۹ هزار ریال برای کشت دیم بوده است. بررسی روند هزینه نشان می‌دهد هزینه زمین برای کشت آبی از ۲۳۸ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ با ۵۷ درصد رشد به ۳۷۶ هزار ریال افزایش یافته است و این در حالی است که برای کشت دیم هزینه زمین از ۷۱ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ با ۸۲ درصد رشد به ۱۲۹ هزار ریال افزایش یافته است.

مجموع هزینه‌های انجام شده برای تولید گندم در یک هکتار جمع افقی ستونهای اول تا چهارم می‌باشد که در ستون پنجم جدول آمده است. براساس این ستون، هزینه تولید در یک هکتار گندم آبی از ۸۱۴۴۶۰ ریال در سال ۱۳۷۵ با ۶۳ درصد رشد به ۱۳۲۵۶۲۰ ریال در سال ۱۳۷۲ افزایش یافت. اما هزینه تولید یک هکتار گندم دیم با ۲۵ درصد رشد از ۱۰۴۱۰۰ ریال

در سال ۱۳۷۵ به ۱۲۹۶۹۰ ریال در سال ۱۳۷۷ رسید.

سود:

تفاوت بین ارزش محصول تولیدی و هزینه صورت پذیرفته در تولید محصول سود می باشد. بدین ترتیب تفاوت بین ستون هفتم جدول (۵-۱۵) با ستون پنجم جدول (۵-۱۶) نشان دهنده سود حاصل از کشت گندم در یک هکتار خواهد بود. براساس این ستون میانگین سود حاصل از کشت یک هکتار گندم آبی در سالهای (۷۷-۱۳۷۵) برابر ۶۸۲۱۷۰ ریال بود، در حالی که میانگین سود حاصل از گندم دیم برای همین سالها برابر ۱۳۳۵۹۰ ریال می باشد.

نتیجه:

در اینجا می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که، آیا درآمد حاصل از کشت گندم به طور بالقوه می‌تواند مبنای اخذ مالیات باشد؟ و آیا وصول مالیات از درآمد حاصل از کشت گندم اقتصادی، و با اصول مالیات ستانی مطابقت دارد؟

برای پاسخگویی به سوالات فوق و نظایر آنها در مبحث قبلی سود حاصل از کشت گندم به تفکیک دیم و آبی محاسبه گردید، اما سود به تنهایی نمی‌تواند بیانگر شمول و یا عدم شمول مالیات بر درآمد حاصل از گندم باشد. زیرا علاوه بر مبنای مالیاتی (در ایران برای اکثر بخشهای سود مبنای مالیاتی تلقی می‌گردد) میزان معافیت پایه درآمدی و نرخهای مالیاتی برای محاسبه مالیات ضروری می‌باشد. معافیت پایه درآمدی که در قانون مالیاتهای مستقیم تعریف می‌گردد، با توجه به معافیت بخش کشاورزی (ماده ۸۱ قانون مالیاتهای مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه بعدی آن) برای این بخش تعریف نشده است. لیکن بررسی‌ها نشان می‌دهد که معمولاً معافیت پایه درآمدی در بخش کشاورزی حداقل برابر معافیت بخش مشاغل می‌باشد. بر این اساس در اینجا فرض می‌کنیم که معافیت پایه درآمدی برای کشاورزی برابر معافیت پایه درآمدی بخش مشاغل باشد که در این صورت با توجه به ماده ۱۰۱ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن، تا مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰ ریال از درآمد یک بهره‌بردار از پرداخت مالیات معاف خواهد بود و به موجب تبصره همین ماده، در شرکت‌های مدنی اعم از اختیاری و قهری، شرکاء حداکثر از دو معافیت استفاده خواهند کرد. به عبارت دیگر معافیت به ۳۰۰۰۰۰۰ ریال افزایش می‌یابد. از آنجایی که کشاورزی عموماً به صورت مشارکتهای مدنی (خانوادگی) می‌باشد، اکثر بهره‌برداران می‌توانند به سادگی از دو معافیت استفاده نمایند که در این صورت از ۳۰۰۰۰۰۰ ریال معافیت برخوردار خواهند بود. به بیان روشن‌تر تا ۳۰۰۰۰۰۰ ریال درآمد حاصل از کشاورزی از پرداخت مالیات معاف می‌باشد.

با توجه به محاسبات مقدار سود حاصل از یک هکتار زمین، در صورت تعیین اندازه اراضی تحت مالکیت هر کشاورز، سود سالانه هر بهره‌بردار قابل محاسبه خواهد بود. در این

راستا تعداد بهره برداران و متوسط سطح کشت هر بهره بردار در جدول (۵-۱۷) آمده است. براساس این جدول ۲۶/۴ درصد از بهره برداران که به کشت گندم آبی اشتغال دارند مالک کمتر از ۲ هکتار زمین و ۷۸/۱ درصد بهره برداران مالک کمتر از ۱۰ هکتار زمین بوده اند. در حالی که ۶۵ درصد از بهره برداران که به کشت گندم دیم اشتغال دارند مالک کمتر از ده هکتار زمین می باشند.

جدول شماره (۵-۱۷): تعداد بهره برداران محصول گندم برحسب وسعت اراضی به تفکیک آبی و دیم

دیم			آبی			وسعت اراضی
درصد تراکمی	نسبت به کل	تعداد بهره بردار	درصد تراکمی	نسبت به کل	تعداد بهره بردار	
۱۰/۷	۱۰/۷	۸۴۸۵۰	۲۶/۴	۲۶/۴	۲۶۴۱۶۰	کمتر از ۲ هکتار
۳۷/۸	۲۷/۰	۲۱۳۶۹۰	۵۵/۳	۲۸/۹	۲۸۹۱۰۰	از ۲ تا ۵ هکتار
۶۵/۱	۲۷/۳	۲۱۶۰۰۰	۷۸/۱	۲۲/۸	۲۲۷۸۹۰	از ۵ تا ۱۰ هکتار
۹۷/۷	۳۲/۶	۲۵۷۷۴۰	۹۸/۵	۲۰/۴	۲۰۳۴۳۰	از ۱۰ تا ۵۰ هکتار
۹۹/۹	۲/۲	۱۷۴۶۰	۹۹/۹	۱/۴	۱۴۰۱۰	از ۵۰ تا ۲۰۰ هکتار
۱۰۰/۰	۰/۱	۸۹۰	۱۰۰/۰	۰/۱	۱۰۶۰	بیش از ۲۰۰
۷۹۰۶۳۰			۹۹۹۶۵۰			جمع (۱)

مأخذ: ۱. از آنجایی که بعضی از بهره برداران همزمان به کشت آبی و دیم اشتغال دارند بین جمع آبی و دیم (۱۷۹۰۲۸۰)

با کل بهره برداران گندم (۱۵۴۹۸۱۰) اختلاف وجود دارد.

۲. سرشماری عمومی کشاورزی نتایج تفصیلی کل کشور، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۲.

۳. محاسبات تحقیق.

در اینجا با توجه به مباحث مطروحه (و با تاکید بر بند (۴) فرض صفحه (۱۷۰) می توان نتیجه گرفت در صورتی که مالیات بر گندم وضع گردد، احتمالاً بیش از ۹۴ درصد از بهره برداران که به کشت گندم دیم اشتغال دارند درآمد مشمول مالیات آنها کمتر از معافیت مالیاتی بوده لذا مشمول مالیات نخواهند بود و ۶ درصد از گندمکاران دیم مشمول مالیات می باشند. همچنین بیش از ۵۵ درصد از گندمکاران آبی از پرداخت مالیات معاف و کمتر از ۴۵ درصد از

گندمکاران (آبی) مشمول مالیات خواهند بود. به عبارت دیگر در کل کمتر از ۲۷ درصد از بهره برداران که به کشت گندم اشتغال دارند مشمول مالیات خواهند بود. به بیان روشن تر از هر ۱۰۰ بهره بردار که به کشت گندم اشتغال دارند ۲۷ بهره بردار توانایی پرداخت مالیات را خواهند داشت.

و اما در پاسخ به سؤال «آیا وصول مالیات از درآمد حاصل از کشت گندم اقتصادی می باشد؟ بایستی توجه نمود، هر چند از نظر تئوری ۲۷ درصد از بهره برداران گندمکار، توانایی پرداخت مالیات را دارند، لیکن در عمل شناسای و وصول مالیات از همه افرادی که توانایی پرداخت مالیات را دارند با توجه به مشکلات اجرایی و قابلیت انتقال زمینهای کشاورزی دور از ذهن بوده و به نظر می رسد در عمل تعداد افراد کمتری در تور مالیاتی گرفتار گردند. از طرف دیگر درآمد مشمول مالیات این گروه از بهره برداران با توجه به تصاعدی بودن نرخ مالیات در ایران، در طبقات پایین درآمدی قرار داشته و بدین جهت مورد اصابت نرخهای پایین مالیاتی خواهند بود. مجموع اثرات فوق موجب می گردد حجم مالیات قابل وصول از این منبع بسیار اندک بوده که در این صورت به نظر می رسد توانایی پوشش هزینه شناسای و وصول مالیات را نداشته باشد. این امر با اصول مالیات ستانی مبنی بر اینکه لازم است هزینه های جمع آوری مالیات، در مقایسه با درآمد مالیاتی در حد پایینی باشد منافات دارد شایان توجه است هزینه شناسای، وصول مالیات و نگه داری پرونده های مالیاتی در ایران بسیار بالا می باشد که خود این از معضلات سیستم مالیاتی در ایران می باشد^(۱).

۱. معاونت امور اقتصادی، تحلیل هزینه - فایده افزایش سرمایه های انسانی در سیستم مالیاتی، وزارت امور اقتصادی

۵-۶-۲ جو

جو پس از گندم بیشترین سطح زیر کشت در بین محصولات زراعی را به خود اختصاص داده و همانند گندم به دو صورت دیم و آبی کشت می‌گردد که سود حاصل از کشت هر یک از روشها جداگانه محاسبه می‌گردد.

ارزش محصول تولیدی:

جدول (۵-۱۸) سطح زیر کشت، تولید، قیمت و در نهایت ارزش جو تولید شده در یک هکتار را نشان می‌دهد. براساس این جدول، سطح کشت جو آبی، از ۶۱۷ هزار هکتار در سال ۱۳۷۵ با ۱۴/۴ درصد رشد به ۷۰۶ هزار هکتار در سال ۱۳۷۷ افزایش یافت. میزان تولید علیرغم اینکه در سال ۱۳۷۶ نسبت به سال ۱۳۷۵ با کاهش مواجه گردید، لیکن در سال ۱۳۷۷ با ۱۸/۵ درصد رشد نسبت به سال ۱۳۷۵ از ۱۷۸۲ هزار تن در سال ۱۳۷۵ به ۲۱۱۱ هزار تن افزایش یافت. این امر (کاهش و سپس افزایش تولید) موجب گردید که عملکرد جو آبی با نوسانات مواجه گردد بطوری که علیرغم اینکه عملکرد جو آبی در سال ۱۳۷۶ نسبت به سال ۱۳۷۵ با ۷۲ کیلوگرم کاهش مواجه گردید اما عملکرد این محصول در سال ۱۳۷۷ به ۲۹۹۰ کیلو در هکتار رسید که نسبت به سال ۱۳۷۵ حدود ۱۰۲ کیلو و نسبت به سال ۱۳۷۶، ۱۷۴ کیلو بیشتر می‌باشد.

از طرف دیگر بررسی سطح کشت جو دیم نشان می‌دهد برعکس جو آبی (که روند آن همواره افزایشی بوده است) سطح کشت جو دیم در سال ۱۳۷۶ با ۲۲ درصد کاهش به ۸۲۳ هزار هکتار رسید اما در سال پس از آن (۱۳۷۷) با ۳۶ درصد رشد به ۱۱۱۹ هزار هکتار افزایش یافت. این بررسیها نشان می‌دهد همزمان با این تغییرات میزان تولید جو دیم از نوسانات بیشتری برخوردار بوده است بطوری که در سال ۱۳۷۶ نسبت به سال ۱۳۷۵ مقدار تولید با ۲۴ درصد کاهش مواجه گردید. در حالی که در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۷۶ بیش از ۶۳ درصد رشد را نشان می‌دهد. این تحولات (نوسان بیشتر تولید نسبت به سطح کشت)

موجب گردید تا عملکرد در هکتار جو دیم نیز همانند جو آبی با نوسان (حتی نوسان بیشتری) مواجه باشد.

برای محاسبه ارزش محصول اصلی مقادیر عملکرد در هکتار (ستون سوم جدول) را در قیمت تضمینی جو (ستون چهارم) ضرب می‌نمائیم. حاصل جمع این ارقام با ارزش محصول فرعی (ستون ۶) نشان دهنده ارزش تولید یک هکتار جو خواهد بود (ستون ۷). بررسی ستون ۷ جدول (ارزش تولید یک هکتار جو) نشان می‌دهد علیرغم نوسان در سطح کشت و میزان تولید، ارزش تولید یک هکتار محصول همواره افزایشی بوده است. علاوه بر این بررسی این ستون نشان می‌دهد که ارزش محصول تولید شده در کشت آبی همواره بیش از ۳ برابر ارزش محصول تولید شده در کشت دیم می‌باشد.

هزینه‌ها:

همانطور که در مبحث قبلی اشاره شد، یکی از متغیرهای مهم در تعیین درآمد مشمول مالیات هزینه‌ها می‌باشند. در این قسمت هزینه‌های مختلف تولید جو آبی و دیم در طی دوره مورد بررسی (۷۷-۱۳۷۵) به تفکیک مراحل تولید (کاشت، داشت، برداشت) و زمین مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا جدول (۵-۱۹) ارائه شده است.

جدول شماره (۵-۱۸): ارزش محصول تولید شده جو در یک هکتار به تفکیک آبی و دیم

نوع محصول	سال	سطح کشت هزار هکتار	تولید هزار تن	عملکرد کیلو در هکتار	قیمت ریال	ارزش محصول اصلی ریال	ارزش محصول فرعی ریال	جمع ارزش محصول ریال
آبی	۱۳۷۵	۶۱۷	۱۷۸۲	۲۸۸۸	۳۱۷	۹۱۵۴۹۶	۱۶۴۱۸۰	۱۰۷۹۶۷۶
	۱۳۷۶	۶۲۹	۱۷۷۱	۲۸۱۶	۳۸۷	۱۰۸۹۷۹۲	۲۴۹۷۱۰	۱۳۳۹۵۰۲
	۱۳۷۷	۷۰۶	۲۱۱۱	۲۹۹۰	۴۷۸	۱۴۲۹۲۲۰	۱۸۳۵۴۰	۱۶۱۲۷۶۰
	میانگین	۶۵۱	۱۸۸۸	۲۸۹۸	۳۹۴	۱۱۴۴۸۳۶	۱۹۹۱۴۳	۱۳۴۴۹۷۹
	۱۳۷۵	۱۰۵۷	۹۵۴	۹۰۳	۳۱۷	۲۸۶۲۵۱	۵۳۱۵۰	۳۳۹۴۰۱
دیم	۱۳۷۶	۸۲۳	۷۲۸	۸۳۴	۳۸۷	۳۲۲۷۵۸	۸۰۵۴۰	۴۰۳۲۹۸
	۱۳۷۷	۱۱۱۹	۱۱۸۹	۱۰۶۳	۴۷۸	۵۰۸۱۱۴	۷۴۱۲۰	۵۸۲۲۳۴
	میانگین	۱۰۰۰	۹۵۷	۹۱۳	۳۹۴	۳۷۲۳۷۴	۶۹۲۷۰	۴۴۱۶۴۴

منابع: ۱. اداره کل آمار و اطلاعات، هزینه تولید محصولات کشاورزی، وزارت کشاورزی، (۷۷-۱۳۷۵).

۲. اداره کل آمار و اطلاعات، آمار نامه کشاورزی، وزارت کشاورزی، (۷۷-۱۳۷۵).

۳. اداره بررسی های اقتصادی، خلاصه تحولات اقتصادی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، (۷۷-۱۳۷۵).

- هزینه کاشت

هزینه کاشت شامل هزینه شخم، دیسک، کرت بندی، مرز بندی، ماله کشی، نهر کشی و لایروبی آنها، خزانه و بذر پاشی... می باشد. که طی سالهای زراعی ۷۷-۱۳۷۵ بین ۲۰ تا ۳۰ درصد هزینه های تولید را به خود اختصاص داده است. متوسط مقدار هزینه کاشت همه ساله در حال افزایش بوده است، این افزایش از طرفی به علت افزایش طبیعی کالاهای نهاده های کاشت و از طرف دیگر وجود پاره ای نارسایی ها در امر تأمین نهاده های مرحله کاشت است. بررسی متوسط هزینه کاشت یک هکتار جو در طی دوره مورد بررسی نشان می دهد، میانگین این هزینه برای یک هکتار جو آبی ۲۳۴ هزار ریال بوده در حالی که برای یک هکتار جو دیم ۱۰ هزار ریال می باشد. به عبارت دیگر هزینه کاشت برای کشت جو آبی دو برابر جو دیم است.

- هزینه داشت

هزینه داشت همانند هزینه کاشت در طی دوره در حال افزایش بوده است این هزینه برای کشت دیم شامل کود حیوانی، شیمیایی، حمل کود و کودپاشی، سم و سم پاشی، وجین و... می باشد. که برای کشت آبی آب بها و هزینه آبیاری به آن افزوده شده است. این هزینه ها هر ساله بیش از ۳۰ درصد هزینه در کشت آبی و کمتر از ۱۰ درصد هزینه در کشت دیم را تشکیل می دهند.

میانگین هزینه داشت انجام شده در طی سالهای ۷۷-۱۳۷۵ در یک هکتار، برای کشت جو آبی ۳۳۲ هزار ریال و برای کشت دیم ۲۶ هزار ریال برآورد گردید که نشان می دهد هزینه داشت برای یک هکتار جو آبی ۱۲ برابر بیشتر از هزینه داشت برای یک هکتار جو دیم می باشد.

- هزینه برداشت

هزینه برداشت نه تنها همزمان با افزایش هزینه داشت و کاشت در حال افزایش بوده بلکه سهم این هزینه (برداشت) در کل هزینه ها به طور مرتب در حال افزایش بوده است.

بطوری که سهم هزینه برداشت از کل هزینه‌ها، برای کشت آبی از ۱۶/۸ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۲۲/۴ درصد در سال ۱۳۷۷ و برای کشت دیم از ۲۸ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۳۷/۶ درصد در سال ۱۳۷۷ رسید.

هزینه برداشت جو شامل درو، جمع آوری، خرمن کوبی، بسته بندی حمل به انبار و... می‌باشد که هزینه درو بیشترین سهم را دارا می‌باشد. (بیش از ۵۵ درصد هزینه برداشت کشت جو مربوط به هزینه درو می‌باشد) میانگین هزینه برداشت انجام شده در طی سالهای ۷۷-۱۳۷۵ برای کشت آبی ۲۲۰ هزار ریال و برای کشت دیم ۱۲۶ هزار ریال بوده است.

- هزینه زمین

برخلاف هزینه برداشت که سهم آن در طی دوره همواره در حال افزایش بوده است، سهم هزینه زمین در کل هزینه‌ها در طی دوره مورد بررسی روند نزولی داشته است. بطوری که برای کشت آبی این سهم از ۲۷ درصد در اول دوره به ۲۴ درصد در آخر دوره و برای کشت دیم از ۳۵ درصد به ۲۷ درصد کاهش یافته است.

متوسط هزینه زمین طی سال مورد بررسی برای کشت آبی ۲۷۴ هزار ریال و برای کشت دیم ۱۱۳ هزار ریال بوده است. به عبارت دیگر متوسط هزینه زمین برای کشت آبی بیش از دو برابر کشت دیم می‌باشد.

مجموع هزینه انجام شده (کاشت، داشت، برداشت و زمین) برای تولید جو در یک هکتار زمین در ستون ششم جدول آمده است. براساس این ستون هزینه تولید یک هکتار جو در کشت آبی از ۸۰۱ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ با ۵۸ درصد رشد به ۱۲۶۳ هزار ریال در سال ۱۳۷۷ رسید هزینه تولید یک هکتار جو در کشت دیم از ۱۱۰ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ با ۴۲ درصد رشد به ۴۴۲ هزار ریال در سال ۱۳۷۷ افزایش یافته است به عبارت دیگر رشد هزینه‌ها در کشت آبی در مقایسه با کشت دیم به مراتب بیشتر بوده است. این در حالیست که رشد ارزش محصول تولید شده در کشت دیم بیشتر از رشد ارزش محصول تولید شده در کشت آبی می‌باشد.

- سود

بررسی متوسط سود از هر هکتار جو آبی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۵ میزان سود برابر ۲۷۸ هزار ریال بود که این مقدار در سال ۱۳۷۷ به ۳۵۰ هزار ریال رسیده است. به عبارت دیگر سود ناشی از هر هکتار جو آبی در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۷۵ افزایشی برابر ۲۵ درصد را نشان می‌دهد. نرخ سود دهی در سال ۱۳۷۵ برابر $34/7$ درصد و در سال آخر مورد بررسی برابر $27/6$ درصد هزینه تولید بوده است. به سخن دیگر، با وجود افزایش نسبی درآمد حاصل از فروش محصول جو، سود حاصل از هر واحد هزینه انجام شده کمتر شده است.

ارقام به ریال

جدول شماره (۵-۱۹): متوسط هزینه تولید و سود حاصل از یک هکتار جو به تفکیک آبی و دیم

محصول	سال	هزینه کاشت	هزینه داشت	هزینه برداشت	هزینه زمین	هزینه کل	سود
آبی	۱۳۷۵	۱۸۵۸۱۰	۲۶۲۳۳۰	۱۳۵۳۴۰	۲۱۷۸۹۰	۸۰۱۳۷۰	۲۷۸۳۰۶
	۱۳۷۶	۲۳۹۵۷۰	۳۳۷۷۴۰	۲۴۱۳۵۰	۲۹۹۰۸۰	۱۱۱۷۷۴۰	۲۲۱۷۶۲
	۱۳۷۷	۲۷۷۳۸۰	۳۹۶۹۶۰	۲۸۳۱۸۰	۳۰۵۶۱۰	۱۲۶۳۱۳۰	۳۴۹۶۳۰
	میانگین	۲۳۴۲۵۳	۳۳۲۳۴۳	۲۱۹۹۵۷	۲۷۴۱۹۳	۱۰۶۰۷۴۷	۲۸۳۲۳۳
دیم	۱۳۷۵	۸۷۸۱۰	۲۴۲۰۰	۸۸۷۹۰	۱۱۰۳۱۰	۳۱۱۱۱۰	۲۸۲۹۱
	۱۳۷۶	۱۱۴۳۹۰	۲۵۱۹۰	۱۲۳۹۰۰	۱۰۷۳۱۰	۳۷۰۷۹۰	۳۲۵۰۰۸
	۱۳۷۷	۱۲۴۷۵۰	۲۸۷۹۰	۱۶۶۶۷۰	۱۲۱۴۴۰	۴۴۱۶۵۰	۱۴۰۵۸۴
	میانگین	۱۰۰۸۹۸۳	۲۶۰۶۰	۱۲۶۴۵۳	۱۱۳۰۲۰	۳۷۴۵۱۷	۶۷۱۲۸

منابع: ۱. اداره کل آمار و اطلاعات، هزینه تولید محصولات کشاورزی، وزارت کشاورزی، (۱۳۷۵-۷۷).

۲. محاسبات تحقیق.

نتیجه:

سود حاصل از هر هکتار کشت جو به تفکیک جو دیم و آبی در صفحات قبل محاسبه گردید لیکن این سود نمی تواند به تنهایی مشخص کننده سود هر بهره بردار باشد. زیرا سود سالانه هر بهره بردار تحت تأثیر ۱. سود ناشی از هر هکتار محصول ۲. میزان اراضی تحت مالکیت بهره بردار می باشد. به عبارت دیگر علاوه بر سود ناشی از هر هکتار محصول، میزان اراضی تحت مالکیت هر بهره بردار در تعیین میزان سود سالانه هر بهره بردار موثر می باشد. بدین جهت لازم است میزان اراضی تحت مالکیت هر بهره بردار مشخص گردد. در این راستا جدول (۵-۲۰) ارائه شده است. در این جدول بهره برداران جو به تفکیک دیم و آبی در ۶ طبقه بهره برداری طبقه بندی شده اند.

براساس این جدول ۱۱۱۵۶۰ بهره بردار (۲۲/۵ درصد) که به کشت جو آبی اشتغال دارند و ۳۴۹۰۰ بهره بردار (۸/۷ درصد) که به کشت جو دیم اشتغال دارند مالک کمتر از ۲ هکتار زمین و ۱۱۹۲۳۰ بهره بردار (۲۴ درصد) که به کشت جو آبی اشتغال دارند و ۱۱۵۲۳۰ بهره بردار (۲۸/۷ درصد) که به کشت جو دیم اشتغال دارند مالک ۵ تا ۱۰ هکتار زمین می باشند همچنین این جدول نشان می دهد ۲ درصد بهره برداران که به کشت جو آبی و ۲/۲ درصد بهره برداران که به کشت جو دیم اشتغال دارند مالک بیش از ۵۰ هکتار زمین می باشند.

جدول شماره (۵-۲۰): تعداد بهره برداران محصول جو بر حسب وسعت اراضی به تفکیک آبی و دیم

دیم			آبی			وسعت اراضی
درصد تراکمی	نسبت به کل	تعداد بهره بردار	درصد تراکمی	نسبت به کل	تعداد بهره بردار	
۸/۷	۸/۷	۳۴۹۰۰	۲۲/۵	۲۲/۵	۱۱۱۵۶۰	کمتر از ۲ هکتار
۳۵/۱	۲۶/۴	۱۰۵۹۲۰	۴۹/۸	۲۷/۳	۱۳۵۵۱۰	از ۲ تا ۵ هکتار
۶۳/۸	۲۸/۷	۱۱۵۲۳۰	۷۳/۹	۲۴/۰	۱۱۹۲۳۰	از ۵ تا ۱۰ هکتار
۷۹/۷	۱۵/۸	۶۳۵۴۰	۸۵/۴	۱۱/۵	۵۶۹۴۰	از ۱۰ تا ۱۵ هکتار
۹۷/۸	۱۸/۱	۷۲۶۱۰	۹۸	۱۲/۶	۶۲۷۱۰	از ۱۵ تا ۵۰ هکتار
۱۰۰	۲/۲	۸۹۷۰	۱۰۰	۲	۹۸۱۰	بیش از ۵۰ هکتار
۴۰۱۱۷۰			۴۹۵۷۶۰			جمع

مأخذ: ۱. سرشماری عمومی کشاورزی نتایج تفصیلی کل کشور، مرکز آمار ایران ۱۳۷۲.

۲. محاسبات تحقیق.

از تلفیق ستون ۶ جدول (۵-۱۹) با جدول (۵-۲۰) نتیجه گرفته می شود ۷۵ درصد بهره برداران که به کشت جو آبی اشتغال دارند و ۹۸ درصد بهره برداران که به کشت جو دیم اشتغال دارند از پرداخت مالیات معاف می باشند. به عبارت دیگر سود سالانه ۷۵ درصد بهره برداران جو آبی و ۹۸ درصد بهره بردار جو دیم کمتر از ۳۰۰۰۰۰۰ ریال بوده و مشمول مالیات نخواهد بود.

از طرف دیگر از آنجایی که سود اکثر بهره برداران مشمول مالیات (۲۵ درصد از بهره برداران که به کشت جو آبی اشتغال دارند و ۲ درصد از بهره برداران که به کشت جو دیم اشتغال دارند) بسیار کم می باشد. در طبقات پایین درآمدی قرار داشته و بدین جهت مورد اصابت نرخهای پایین مالیاتی خواهند بود. این امر موجب می گردد حجم مالیات قابل وصول از این منبع بسیار اندک باشد. این نکته در کنار حجم بالای هزینه های وصول (شناسایی،

تشخیص، قطعی، وصول مالیات و هزینه نگهداری پرونده‌ها) این انگیزه را تشدید می‌نماید که بهره برداران جو همچنان از پرداخت مالیات معاف باشند.

۵-۶-۳ برنج

از محصولات دیگری که سهم عمده‌ای از زیربخش زراعت را به خود اختصاص داده برنج می‌باشد. برنج به صورت کشت آبی در ایران رایج بوده و سود حاصل از کشت آن در ذیل محاسبه گردیده است.

ارزش محصول تولیدی:

جدول (۵-۲۱) سطح زیر کشت، مقدار تولید، قیمت و ارزش محصول تولید شده در یک هکتار را نشان می‌دهد. همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود، سطح کشت برنج از ۲۲۴ هزار هکتار در سال ۱۳۷۵ به ۲۵۱ هزار هکتار در سال ۱۳۷۶ افزایش یافت اما در سال بعد (۱۳۷۷) با کاهش مواجه گردید بطوری که سطح زیر کشت به ۲۲۹ هزار هکتار رسید. علیرغم افزایش در سطح کشت (بانوسانات)، مقدار تولید برنج در طی دوره همواره در حال کاهش بوده است بطوری که از ۹۴۰ هزار تن در سال ۱۳۷۵ به ۸۹۳ هزار تن در سال ۱۳۷۷ کاهش یافت (۵ درصد). افزایش سطح کشت و کاهش مقدار تولید در طی دوره موجب گردید عملکرد در هکتار از ۴۱۹۶ کیلو در سال ۱۳۷۵ به ۳۹۰۰ کیلو در سال ۱۳۷۷ کاهش یابد. برنج برخلاف محصولاتی نظیر گندم و جو که توسط کشاورزان پس از برداشت، بدون تغییر در ماهیت به فروش می‌رسد، قابل عرضه به بازار نیست، و برای اینکه قابل عرضه در بازار باشد لازم است توسط کشاورزان به کارخانه‌ها منتقل و تبدیل به برنج گردد. ستون چهار جدول در صد تبدیل شلتوک (محصول اولیه) به برنج (محصول قابل عرضه به بازار) را نشان می‌دهد. براساس این ستون ۶۰ درصد محصول تولید شده در سال ۱۳۷۵ تبدیل به برنج گردید. به عبارت دیگر هر چند در سال ۱۳۷۵ از هر هکتار ۴۱۹۳ کیلو محصول برداشت

گردید اما میزان برنج قابل عرضه به بازار ۲۵۱۶ کیلو از هر هکتار می باشد.

ستون پنجم جدول نشان دهنده قیمت برنج می باشد. از آنجای که قیمت رسمی اعلام شده توسط دولت به مراتب پایین تر از قیمت بازار می باشد، کشاورزان تمایلی به عرضه محصول با این قیمت را ندارند، بنابراین قیمت مذکور نمی تواند مبنای قیمت تولید کننده قرار گیرد. از طرف دیگر وزارت کشاورزی قیمت برنج دانه بلند مرغوب برای سالهای ۷۷-۱۳۷۵ را به ترتیب ۱۴۰۰، ۱۶۶۰ و ۲۹۷۶ ریال اعلام نموده است، هر چند این ارقام بیشتر از ارقام منتشره توسط بانک مرکزی می باشد اما به نظر می رسد ارقام واقعی به مراتب بیش از ارقام مزبور باشد. این فرضیه زمانی به یقین نزدیک می شود که این ارقام را در محاسبات وارد نمائیم. محاسبه سود با ارقام منتشره توسط وزارت کشاورزی حاکی از آن است که کشت برنج در همه سالها با زیان مواجه بوده است که این امر منطقی نیست شایان توجه است در صورتی که متوسط قیمت فروش برای تولید کننده برنج را ۱۶۶۰ ریال در سال ۱۳۷۶ فرض نمائیم (قیمت اعلام شده توسط وزارت کشاورزی) بایستی قبول نمائیم که تولید کننده برنج در سال ۱۳۷۶ به ازای کشت هر هکتار برنج معادل ۱۲۸۶ هزار ریال زیان نموده است.

با توجه به عدم دسترسی به آمار رسمی قابل اعتماد در این زمینه، قیمت برآوردی برنج در سالهای مذکور، به عنوان قیمت واقعی در محاسبات منظور گردید. برای برآورد قیمت برنج در سالهای مذکور، پس از محاسبه میانگین قیمت خرده فروشی در تهران برای سالهای مورد بررسی فرض می نمائیم که قیمت تولید کننده ۶۰ درصد قیمت خرده فروشی می باشد. به عبارت دیگر ۴۰ درصد از قیمت خرده فروشی در سطح تهران، سود واسطه ها و هزینه حمل از تولید تا مصرف می باشد. (با توجه به اینکه انتقال برنج از تولید کننده تا مصرف کننده حداقل در چهار مرحله صورت می پذیرد فرض ۶۰ درصد را می توان یک فرض منطقی تصور نمود).

حاصل ضرب ستون ۳ (عملکرد در هکتار)، ستون ۴ (درصد تبدیل شلتوک به برنج) و ستون ۵ (قیمت) ارزش محصول اصلی تولید شده در یک هکتار می باشد. که در ستون ۶

جدول آمده است. حاصل جمع این ستون با ارزش محصول فرعی (ستون ۷)، ارزش محصول تولید شده در یک هکتار را نشان می دهد. براساس محاسبات انجام شده علیرغم اینکه ارزش برنج تولید شده در یک هکتار در سال ۱۳۷۶ نسبت به سال ۱۳۷۵ با افت مواجه گردید اما بررسی کل دوره نشان می دهد ارزش محصول تولید شده از ۶۶۹۳ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ به ۸۶۲۹ هزار ریال در سال ۱۳۷۷ افزایش یافته است (۲۹ درصد رشد).

جدول شماره (۵-۲۱): ارزش محصول تولید شده برنج در یک هکتار

سال	هزار هکتار	تولید هزار تن	عملکرد کیلو در هکتار	درصد تبدیل	قیمت ریال	ارزش محصول اصلی ریال	ارزش محصول فرعی ریال	جمع ارزش محصول ریال
۱۳۷۵	۲۲۴	۹۴۰	۴۱۹۶	۶۰	۲۶۴۲	۶۶۳۰۰۰۵	۶۳۰۱۰	۶۶۹۳۰۱۵
۱۳۷۶	۲۵۱	۹۳۳	۳۷۱۷	۵۸	۳۰۱۰	۶۴۶۶۹۹۱	۶۹۶۳۰	۶۵۳۶۶۲۱
۱۳۷۷	۲۲۹	۸۹۳	۳۹۰۰	۵۹	۳۷۱۴	۸۵۱۱۶۴۶	۱۱۷۱۱۰	۸۶۲۸۷۵۶
میانگین	۲۳۵	۹۲۲	۳۹۳۸	۵۹	۳۱۲۲	۷۲۰۲۸۸۱	۸۳۲۵۰	۷۲۸۶۱۳۱

منابع: ۱. اداره کل آمار و اطلاعات، هزینه تولید، محصولات کشاورزی، وزارت کشاورزی، (۷۷-۱۳۷۵).

۲. اداره کل آمار و اطلاعات، آمار نامه کشاورزی، وزارت کشاورزی، (۷۷-۱۳۷۵).

۳. اداره آمار اقتصادی، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش ماهانه.

۴. محاسبات تحقیق.

هزینه‌ها:

نظر به اهمیت هزینه‌ها در تعیین روند درآمد مشمول مالیات، در این قسمت هزینه‌های مختلف تولید برنج از سال ۷۷-۱۳۷۵ ارائه شده است.

- هزینه کاشت

هزینه کاشت برنج که بیش از ۲۰ درصد هزینه تولید آن را تشکیل می‌دهد، شامل هزینه شخم، دیسک، ماله کشی، بند مصرفی، خزانه و نشاکاری و... می‌باشد. بررسی روند هزینه کاشت انجام شده نشان می‌دهد که هزینه کاشت از ۱۱۱۳ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ با ۵۶ درصد رشد به ۱۷۳۷ هزار ریال در سال ۱۳۷۷ افزایش یافته است.

- هزینه داشت

هزینه داشت که حدود ۱۶ درصد هزینه تولید را به خود اختصاص می‌دهد شامل کود و کودپاشی، آب بها و آبیاری، سم و سمپاشی و جین و... می‌باشد و از ۸۰۲ هزار ریال در هر هکتار در سال ۱۳۷۵ با ۳۵ درصد رشد به ۱۰۷۹ هزار ریال در سال ۱۳۷۷ افزایش یافت.

- هزینه برداشت

هزینه برداشت کمتر از ۲۰ درصد هزینه را تشکیل می‌دهد و شامل هزینه درو، جمع‌آوری، خرمن کوبی، بسته بندی و حمل و... می‌باشد. که خرمن کوبی و درو بیش از ۹۰ درصد هزینه‌ها را به خود اختصاص می‌دهند. بررسی روند هزینه برداشت نشان می‌دهد هزینه برداشت از ۸۴۰ هزار ریال برای هر هکتار در سال ۱۳۷۵ با ۵۴ درصد رشد به ۱۲۹۴ ریال افزایش یافته است.

- هزینه زمین

هزینه زمین برخلاف هزینه مراحل تولید که با رشد یکنواخت افزایش یافته‌اند، با نوسان مواجه بوده است. بررسی روند هزینه زمین نشان می‌دهد، علیرغم اینکه هزینه زمین در سال ۱۳۷۶ نسبت به سال ۱۳۷۵ کاهش یافته بود لیکن ۱۱۷ درصد رشد این هزینه در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۷۶ موجب گردید که هزینه زمین در کل دوره مورد بررسی با ۸۰

درصد رشد از ۱۸۷۹ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ به ۳۳۹۵ هزار ریال در سال ۱۳۷۷ افزایش یابد. علاوه بر این موجب گردید تا سهم هزینه زمین در کل (هزینه‌ها) از ۴۰ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۴۵ درصد در سال ۱۳۷۷ افزایش یابد.

- هزینه کل

ستون ۵ جدول (۵-۲۲) هزینه انجام گرفته برای تولید برنج در یک هکتار را نشان می‌دهد. متوسط هزینه تولید یک هکتار برنج در سال ۱۳۷۵ معادل ۴۶۳۴ هزار ریال بوده است که این مقدار با ۶۲ درصد رشد به ۳۳۹۵ هزار ریال در سال ۱۳۷۷ افزایش یافت که بیشترین رشد هزینه‌ها مربوط به هزینه زمین و کمترین رشد مربوط به هزینه داشت می‌باشد.

جدول شماره (۵-۲۲): متوسط هزینه تولید و سود حاصل از یک هکتار برنج (ارقام به ریال)

سال	کاشت	داشت	برداشت	زمین	هزینه کل	سود
۱۳۷۵	۱۱۱۲۵۵۰	۸۰۲۰۵۰	۸۴۰۹۱۰	۱۸۷۸۶۷۰	۴۶۳۴۱۸۰	۲۰۵۸۸۳۵
۱۳۷۶	۱۳۸۰۷۸۰	۹۶۴۶۷۰	۱۰۱۴۰۹۰	۱۵۶۲۴۲۰	۴۹۲۱۹۶۰	۱۶۱۴۶۶۱
۱۳۷۷	۱۷۳۷۲۴۰	۱۰۷۹۳۳۰	۱۲۹۳۸۶۰	۳۳۹۵۳۰۰	۷۵۰۵۷۳۰	۱۱۲۳۰۲۶
میانگین	۱۴۱۰۱۹۰	۹۴۸۶۸۳	۱۰۴۹۶۲۰	۲۲۷۸۷۹۷	۵۶۸۷۲۹۰	۱۵۹۸۸۴۱

ماخذ: ۱. اداره کل آمار و اطلاعات، هزینه تولید، محصولات کشاورزی، وزارت کشاورزی، (۷۷-۱۳۷۵).

۲. محاسبات تحقیق.

سود:

علیرغم افزایش ارزش محصول در طی دوره، به دلیل افزایش بیشتر هزینه تولید (در حالی که ارزش محصول ۲۹ درصد رشد داشته هزینه کل ۶۲ درصد در طی دور رشد نموده است)، سود ناشی از یک هکتار محصول برنج از ۲۰۵۹ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ به ۱۱۲۳ هزار ریال در سال ۱۳۷۷ کاهش یافته است. به عبارت دیگر سود ناشی از یک هکتار کشت برنج در طی دوره با ۴۵ درصد کاهش مواجه گردید. کاهش سود از یک طرف و افزایش هزینه

از طرف دیگر موجب گردید که نرخ سود از ۴۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۴ درصد در سال ۱۳۷۷ کاهش یابد.

از طرف دیگر همانطور که پیش تر گفته شد، برای بررسی توانایی بالقوه شمول و یا عدم شمول مالیات بر برنج علاوه بر میزان سود در هر هکتار، لازم است میزان اراضی تحت مالکیت هر بهره بردار برنجکار مشخص گردد. به عبارت دیگر قابلیت شمول و یا عدم شمول مالیات بستگی به میزان سود هر بهره بردار نه میزان سود دهی هر هکتار زمین دارد. بدین جهت جدول (۵-۲۳) که بیانگر میزان مالکیت هر بهره بردار برنجکار می باشد ارائه گردید. براساس این جدول ۷۱ درصد بهره برداران که به کشت برنج اشتغال دارند مالک کمتر از ۲ هکتار زمین می باشند و ۱/۷ درصد بهره برداران مالک بیش از ۱۵ هکتار زمین می باشند. بررسی همزمان جدول (۵-۲۲) و جدول (۵-۲۳) حاکی از آن است که ۷۱ درصد از افرادی که به کشت برنج اشتغال دارند، متوسط درآمد آنها طی سه سال کمتر از ۳۰۰۰۰۰۰ ریال در سال بوده، و لذا مشمول مالیات نخواهند بود. به عبارت دیگر احتمالاً ۷۱ درصد افرادی که به کشت برنج اشتغال دارند، درآمد آنها به حد نصابهای مقرر نمی رسد و مشمول مالیات نمی باشند. که در این صورت ۲۹ درصد از بهره برداران که به کشت برنج اشتغال دارند درآمد متوسط آنها، بیشتر از حد نصاب مقرر (۳۰۰۰۰۰۰ ریال) بوده و بطور بالقوه می توانند مشمول مالیات شناخته شوند.

جدول شماره (۵-۲۳): تعداد بهره برداران محصول برنج بر حسب وسعت اراضی

وسعت اراضی	تعداد بهره بردار	نسبت به کل	درصد تراکمی
کمتر از ۲ هکتار	۳۲۸۰۵۰	۷۱/۰	۷۱/۰
از ۲ تا ۵	۹۱۰۱۰	۱۹/۷	۹۰/۷
از ۵ تا ۱۰	۲۷۱۲۰	۵۹	۹۶/۶
از ۱۰ تا ۱۵	۸۳۵۰	۱/۸	۹۸/۴
از ۱۵ تا ۵۰	۶۸۲۰	۱/۵	۹۹/۸
بیش از ۵۰	۷۴۰	۰/۲	۱۰۰/۰
جمع		۴۶۲۰۹۰	

ماخذ: ۱. سرشماری عمومی کشاورزی نتایج تفصیلی کل کشور، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۲.

۲. محاسبات تحقیق.

۵-۶-۴ پنبه

از دیگر محصولات عمده در زیر بخش زراعت، پنبه می باشد که از نظر سطح کشت مقام چهارم و از نظر میزان تولید مقام پنجم در بین محصولات زراعی را به خود اختصاص می دهد. و همانند گندم و جو به دو صورت دیم و آبی کشت می گردد که سود حاصل از کشت هر یک از روشها جداگانه محاسبه می گردد.

ارزش محصول تولیدی:

جدول (۵-۲۴) سطح زیر کشت، تولید، قیمت و در نهایت ارزش پنبه تولید شده در یک هکتار را نشان می دهد. براساس این جدول سطح کشت پنبه آبی در طی دوره مورد بررسی همواره در حال کاهش بوده است. بطوری که از ۲۶۷ هزار هکتار در اول دوره (۱۳۷۵) به ۲۰۶ هزار هکتار در پایان دوره (۱۳۷۷) کاهش یافت (۲۳ درصد کاهش). بررسی

روند تولید این محصول نشان می‌دهد هر چند در سال ۱۳۷۶ نسبت به اول دوره، تولید با ۲۴ درصد کاهش مواجه گردید. لیکن در سال ۱۳۷۷ (پایان دوره) نسبت به سال ۱۳۷۶ (علیرغم کاهش تولید نسبت به سال ۱۳۷۵) با ۵ درصد رشد از ۴۱۰ هزار تن به ۴۳۱ هزار تن افزایش یافت، این تغییر و تحولات موجب گردید که عملکرد در هکتار از ۲۰۲۲ کیلو در سال ۱۳۷۵ به ۱۹۵۲ کیلو در سال ۱۳۷۶ کاهش یابد لیکن در سال ۱۳۷۷، به ۲۰۹۲ کیلو در هکتار افزایش یابد.

بررسی سطح کشت پنبه دیم و مقدار تولید آن نشان می‌دهد که سطح کشت با ۵۶ درصد کاهش از ۵۳ هزار هکتار در سال ۱۳۷۵ به ۲۳ هزار هکتار در سال ۱۳۷۷ رسید در حالی که در همین مدت مقدار تولید با ۵۰ درصد کاهش از ۵۸ هزار تن به ۲۹ هزار تن رسید. هر چند سطح کشت و مقدار تولید در طی این مدت با کاهش مواجه بوده لیکن با توجه به اینکه، سطح کشت با نرخ بالاتری نسبت به مقدار تولید کاهش یافته است (علی‌الخصوص در سال اول) عملکرد در هکتار از ۱۰۹۴ کیلو در سال ۱۳۷۵ به ۱۴۲۹ کیلو در سال ۱۳۷۶ رسید و در سال ۱۳۷۷ به ۱۲۶۱ کیلو در هکتار کاهش یافت.

حاصل ضرب ستون سوم در ستون چهارم (عملکرد در هکتار در قیمت محصول) به اضافه ارزش محصول فرعی (ستون ۶) ارزش محصول تولید شده را نشان می‌دهد (ستون ۷). ملاحظه این ستون نشان می‌دهد، علیرغم نوسان عملکرد در هکتار کشت پنبه آبی، ارزش محصول تولید شده (پنبه) همواره در حال افزایش بوده است، بطوری که از ۳۲۵۱ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ به ۳۶۷۲ هزار ریال در سال ۱۳۷۷ رسید (۱۳ درصد رشد). علاوه بر این نشان می‌دهد که ارزش پنبه دیم تولید شده در هر هکتار در طی دوره بطور متوسط ۲۱۶۰ هزار ریال بوده است.

جدول شماره (۵-۴): ارزش محصول تولید شده پنبه در یک هکتار به تفکیک آبی و دیم

نوع محصول	سال	سطح کشت هزار هکتار	تولید هزار تن	عملکرد کیلو در هکتار	قیمت	ارزش محصول اصلی ریال	ارزش محصول فرعی ریال	جمع ارزش محصول ریال
آبی	۱۳۷۵ -	۲۶۷	۵۴۰	۲۰۲۲	۱۶۰۰۰	۳۲۳۵۹۵۵	۱۵۳۲۰	۳۲۵۱۲۷۵
	۱۳۷۶	۲۱۰	۴۱۰	۱۹۵۲	۱۷۵۰	۳۴۱۶۶۶۷	۳۴۴۲۰	۳۴۵۱۰۸۷
	۱۳۷۷	۲۰۶	۴۳۱	۲۰۹۲	۱۷۵۰	۳۶۹۱۴۰۸	۱۱۰۷۰	۳۶۷۲۴۷۸
	میانگین	۲۲۸	۴۶۰	۲۰۲۲	۱۷۰۰		۲۰۲۷۰	۳۴۵۸۲۸۰
		۵۳	۵۸	۱۰۹۴	۱۶۰۰	۱۷۵۰۹۴۳	۳۹۴۰	۱۷۵۴۸۸۳
دیم	۱۳۷۶	۲۸	۴۰	۱۴۲۹	۱۷۵۰	۲۵۰۰۰۰۰	۵۹۷۰	۲۵۰۰۵۹۷۰
	۱۳۷۷	۲۳	۲۹	۱۲۶۱	۱۷۵۰	۲۲۰۶۵۲۲	۱۲۰۰۰	۲۲۱۸۵۲۲
	میانگین	۳۵	۴۲	۱۲۶۱	۱۷۰۰		۷۳۰۳	۲۱۵۹۷۹۲

منابع: ۱. اداره کل آمار و اطلاعات، هزینه تولید، محصولات کشاورزی، وزارت کشاورزی، (۱۳۷۵-۷۷).

۲. اداره کل آمار و اطلاعات، آمار نامه کشاورزی، وزارت کشاورزی، (۱۳۷۵-۷۷).

۳. اداره بررسی های اقتصادی، خلاصه تحولات اقتصادی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

هزینه‌ها:

دستیابی به هزینه تولید انواع پنبه در خصوص تعیین سود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا به بررسی متوسط هزینه تولید یک هکتار پنبه آبی و دیم به تفکیک مراحل تولید (کاشت، داشت و برداشت) و زمین می‌پردازیم.

- هزینه کاشت

هزینه کاشت پنبه شامل هزینه شخم، دیسک، ماله کشی، بذر مصرفی، خزانه و بذر پاشی و... می‌باشد که در طی سالهای مورد بررسی حدود ۱۰ درصد کل هزینه‌های تولید را به خود اختصاص داده است. بررسی روند هزینه کاشت نشان می‌دهد علیرغم اینکه هزینه کاشت در سال ۱۳۷۶ نسبت به سال ۱۳۷۵ به دلیل افزایش طبیعی کالاها و نهاده‌های کاشت و از طرفی وجود پاره‌ای نارسایی‌ها در امر تأمین نهاده‌های مرحله کاشت به شدت افزایش یافته (برای کشت آبی ۴۹ درصد و در کشت دیم ۷۰ درصد)، لیکن در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۷۶ این هزینه افزایش قابل توجه‌ای نداشته است. از طرف دیگر بررسی متوسط هزینه کاشت یک هکتار پنبه در طی دوره مورد بررسی نشان می‌دهد، میانگین این هزینه برای یک هکتار پنبه آبی ۲۶۳ هزار ریال بوده در حالی که برای پنبه دیم ۲۰۳ هزار ریال برآورد گردید.

- هزینه داشت

هزینه داشت پنبه دیم شامل کود حیوانی و شیمیایی، حمل کود و کود پاشی، سم و سمپاشی و... می‌باشد که آبیاری و آب بها برای کشت آبی به آن افزوده شده است. این هزینه‌ها هر ساله تقریباً ۴۰ درصد هزینه در کشت آبی و حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد هزینه در کشت دیم را تشکیل می‌دهند. میانگین هزینه داشت برای یک هکتار پنبه آبی در طی دوره مورد بررسی ۹۷۲ هزار ریال و برای یک هکتار پنبه دیم ۴۶۴ هزار ریال برآورد گردید که نشان می‌دهد هزینه داشت برای یک هکتار پنبه آبی ۲۰ برابر بیشتر از هزینه داشت برای یک هکتار پنبه دیم می‌باشد این امر نشان‌دهنده اهمیت هزینه آبها و آبیاری در کشت آبی و

همچنین سهم این هزینه (آبها و آبیاری) در کل هزینه تولید پنبه آبی می باشد.

- هزینه برداشت

هزینه برداشت که حدود ۲۰ درصد کل هزینه تولید پنبه را تشکیل می دهد شامل هزینه درو، خرمن کوبی، بسته بندی، حمل و... می باشد که درو بیش از ۵۰ درصد هزینه ها را به خود اختصاص می دهد. میانگین هزینه برداشت انجام شده در طی سالهای ۷۷-۱۳۷۵ در یک هکتار برای کشت پنبه آبی ۵۲۴ هزار ریال و برای کشت دیم ۳۶۲ هزار ریال بوده است.

- هزینه زمین

هزینه زمین تقریباً ۲۵ درصد هزینه ها در کشت پنبه آبی و ۴۵ درصد هزینه در کشت دیم را تشکیل می دهد و میانگین آن برای دوره مورد بررسی در کشت پنبه آبی ۶۳۸ هزار ریال و برای کشت دیم ۸۱۴ هزار ریال بوده است. به عبارت دیگر برخلاف محصولاتی نظیر گندم و جو، هزینه زمین برای کشت آبی به مراتب کمتر از هزینه زمین برای کشت دیم می باشد. این امر نشان دهنده اهمیت هزینه زمین در کشت پنبه دیم می باشد.

از طرف دیگر بررسی روند هزینه زمین در کشت پنبه نشان می دهد هزینه زمین برای کشت آبی از ۵۴۴ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ با ۲۷ درصد رشد به ۶۹۳ هزار ریال در سال ۱۳۷۷ رسید در حالی که در طی همین مدت هزینه زمین برای کشت دیم با ۴۴ درصد رشد از ۶۴۸ هزار ریال به ۹۳۴ هزار ریال افزایش یافته است.

کل هزینه برای تولید پنبه در یک هکتار زمین در ستون ششم جدول آمده است. براساس این ستون هزینه تولید یک هکتار پنبه آبی با ۴۴ درصد رشد از ۱۹۲۵ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ به ۲۷۷۱ هزار ریال در سال ۱۳۷۷ رسید و هزینه تولید یک هکتار پنبه دیم از ۱۳۹۳ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ با ۴۷ درصد رشد به ۲۰۶۰ هزار ریال افزایش یافته است.

سود:

جدول (۵-۲۵) نشان می دهد متوسط سود حاصل از یک هکتار پنبه آبی ۱۳۲۶

هزار ریال در سال ۱۳۷۵ بوده است اما رشد بیشتر هزینه‌ها در مقایسه با رشد ارزش محصول تولید شده (رشد ۴۵ درصدی هزینه‌ها در مقابل رشد ۱۳ درصدی ارزش محصول تولید شده) موجب گردید که سود حاصل از یک هکتار پنبه آبی به ۹۰۱ هزار ریال کاهش یابد. به عبارت دیگر افزایش بی‌رویه هزینه‌های تولید موجب گردید سود حاصل از یک هکتار زمین با ۳۲ درصد کاهش مواجه گردد. این مهم برای کشت پنبه دیم با شدت بیشتری مصداق دارد. (سود حاصل از کشت پنبه دیم از ۳۶۰ هزار ریال در اول دوره به ۱۵۸۰ هزار ریال در آخر دوره کاهش یافت). همچنین بررسی نرخ سود حاصل از کشت پنبه نشان می‌دهد نرخ سود دهی در کشت پنبه آبی و دیم به ترتیب از ۶۸/۸ و ۲۵ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۳۲ و ۸ درصد در سال ۱۳۷۷ کاهش یافته است.

جدول شماره (۵-۲۵): متوسط هزینه تولید و سود حاصل از یک هکتار به تفکیک آبی و دیم

محصول	سال	هزینه کاشت	هزینه داشت	هزینه برداشت	هزینه زمین	هزینه کل	سود
آبی	۱۳۷۵	۲۰۰۷۰	۷۹۵۲۴۰	۳۸۴۸۵۰	۵۴۴۴۰	۱۹۲۵۵۰۰	۱۳۲۵۷۷۵
	۱۳۷۶	۲۹۰۷۶۰	۹۹۵۳۶۰	۵۳۴۱۵۰	۶۷۸۸۳۰	۲۴۹۹۱۰۰	۹۵۱۹۸۷
	۱۳۷۷	۲۹۸۶۹۰	۱۱۲۶۲۱۰	۶۵۲۸۳۰	۶۹۳۳۱۰	۲۷۷۱۰۴۰	۹۰۱۴۳۸
	میانگین	۲۶۳۴۰۷	۹۷۲۳۳۷	۵۱۲۹۴۳	۶۳۸۸۶۰	۲۳۹۸۵۴۷	۱۰۵۹۷۳۳
	۱۳۷۵	۱۳۷۷۶۰	۳۶۱۵۳۰	۲۴۶۳۵۰	۶۴۸۳۴۰	۱۳۹۳۹۸۰	۳۶۰۹۰۳
دیم	۱۳۷۶	۲۳۴۶۶۰	۵۱۶۹۰۰	۴۶۵۳۹۰	۸۶۰۱۵۰	۲۰۷۷۱۰۰	۴۲۸۸۷۰
	۱۳۷۷	۲۳۹۴۶۰	۵۱۲۲۶۰	۳۷۴۳۶۰	۹۳۴۱۵۰	۲۰۶۰۲۳۰	۱۵۸۲۹۲
	میانگین	۲۰۳۹۶۰	۴۶۳۵۶۳	۳۶۲۰۳۳	۸۱۴۲۱۳	۱۸۴۳۷۰	۳۱۶۰۲۲

منبع: اداره کل آمار و اطلاعات، هزینه تولید محصولات کشاورزی، وزارت کشاورزی، (۷۷-۱۳۷۵).

۲. محاسبات تحقیق

نتیجه:

با توجه به مباحث قبل و برای آزمون فرضیه «کشت پنبه به طور بالقوه می تواند مبنای اخذ مالیات باشد» جدول (۵-۲۶) ارائه شده است. در این جدول بهره برداران با توجه به وسعت اراضی تحت مالکیت آنها به ۶ طبقه بهره برداری طبقه بندی شده اند. براساس این طبقه بندی ۱۴۵۱۰ بهره بردار (۲۰/۴ درصد) که به کشت پنبه آبی اشتغال دارند و ۴۳۵۰ بهره برداری (۳۸/۶ درصد) که به کشت پنبه دیم اشتغال دارند مالک کمتر از دو هکتار زمین می باشند. همچنین این جدول نشان می دهد، ۱۴۱۰ بهره بردار که به کشت پنبه آبی اشتغال دارند مالک بیش از ۵۰ هکتار زمین می باشند.

از تلفیق ستون ۶ جدول (۵-۲۵) با جدول (۵-۲۶) نتیجه می گیریم که بیش از ۴۰ درصد از بهره برداران که به کشت پنبه آبی اشتغال دارند و ۹۲ درصد بهره برداران که به کشت پنبه دیم اشتغال دارند به علت پایین بودن میزان سود آنها (کمتر از ۳۰۰۰۰۰۰ ریال) مشمول مالیات نخواهند بود. به عبارت دیگر در صورت وضع مالیات ۸ درصد بهره برداران که به کشت دیم اشتغال دارند و ۶۰ درصد بهره برداران که به کشت پنبه آبی اشتغال دارند به طور بالقوه می توانند مبنای اخذ مالیات قرار گیرند.

۵-۶-۵ چغندر قند

یکی از محصولات عمده کشاورزی که به صورت مستقیم و غیر مستقیم بخشی از نیازهای غذایی را تأمین می کند، چغندر قند است. و در ۷۰ درصد اراضی زراعی کشور قابل کشت می باشد. چغندر قند به صورت کشت آبی در ایران رایج بوده که سود حاصل از کشت آن در ذیل محاسبه گردید است.

جدول شماره (۵-۲۶): تعداد بهره برداران محصول پنبه برحسب وسعت اراضی به تفکیک آبی و دیم

دیم			آبی			وسعت اراضی
درصد تراکمی	نسبت به کل	تعداد بهره بردار	درصد تراکمی	نسبت به کل	تعداد بهره بردار	
۳۸/۶	۳۸/۶	۴۳۵۰	۲۰/۴	۲۰/۴	۱۴۵۱۰	کمتر از ۲ هکتار
۷۹/۵	۴۱/۰	۴۶۲۰	۵۱/۸	۳۱/۴	۲۲۴۰۰	از ۲ تا ۵ هکتار
۹۲/۷	۱۳/۲	۱۴۹۰	۷۶/۴	۲۴/۶	۱۷۵۶۰	از ۵ تا ۱۰ هکتار
۹۹/۶	۶/۸	۷۷۰	۸۷/۱	۱۰/۷	۷۶۱۰	از ۱۰ تا ۱۵ هکتار
۱۰۰/۰	۰/۴	۵۰	۹۸/۰	۱۱/۰	۷۸۱۰	از ۱۵ تا ۵۰ هکتار
			۱۰۰	۲/۰	۱۴۱۰	بیش از ۵۰ هکتار
۱۱۲۸۰			۷۱۳۰۰			جمع

ماخذ: ۱. سرشماری عمومی کشاورزی نتایج تفصیلی کل کشور، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۲.

۲. محاسبات تحقیق.

ارزش محصول تولیدی:

جدول (۵-۲۷) سطح زیر کشت، مقدار تولید، قیمت و در نهایت ارزش چغندر قند تولید شده در یک هکتار را نشان می دهد. ملاحظه جدول نشان می دهد علیرغم نوسان در سطح کشت (افزایش سطح کشت از ۱۴۹ هزار هکتار در سال ۱۳۷۵ به ۱۹۱ هزار هکتار در سال ۱۳۷۶ و سپس کاهش آن به ۱۸۵ هزار هکتار در سال ۱۳۷۷)، به علت افزایش میزان تولید، عملکرد در هکتار چغندر قند در طی دوره مورد بررسی، در حال افزایش بوده بطوری که از ۲۴۷۴۵ کیلو در سال ۱۳۷۵ با ۹ درصد رشد به ۲۶۹۵۷ کیلو در سال ۱۳۷۷ افزایش یافت. به همین دلیل ارزش محصول اصلی تولید شده که حاصل ضرب عملکرد در هکتار (ستون ۳) و قیمت محصول (ستون ۴) می باشد در طی دوره افزایشی بوده و از ۲۴۰۰ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ به ۴۲۳۲ هزار ریال در سال ۱۳۷۷ رسید.

ارزش محصول تولید شده در یک هکتار مجموع ارزش محصول اصلی و فرعی می باشد که برای چغندر قند در ستون ۷ جدول آورده شده است. براساس این ستون ارزش چغندر قند تولید شده در یک هکتار از ۲۷۰۱ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ به ۴۶۸۷ هزار ریال در سال ۱۳۷۷ رسید که نشان می دهد ارزش چغندر قند در طی دوره ۷۴ درصد رشد نموده است.

جدول شماره (۵-۲۷): ارزش محصول تولید شده چندرکن در یک هکتار

سال	هزار هکتار	تولید هزار تن	عملکرد کیلو در هکتار	نیت ریال	ارزش محصول اصلی ریال	ارزش محصول فرعی ریال	جمع ارزش محصول ریال
۱۳۷۵	۱۴۹	۳۶۸۷	۲۴۷۴۵	۹۷	۲۴۰۰۲۶۲	۳۰۱۰۹۰	۲۷۰۱۳۵۲
۱۳۷۶	۱۹۱	۴۷۵۴	۲۴۸۹۰	۱۲۵	۳۱۱۱۱۲۵۷	۳۶۵۰۸۰	۳۴۷۶۳۳۷
۱۳۷۷	۱۸۵	۴۹۸۷	۲۶۹۵۷	۱۵۷	۴۲۳۲۲۱۱	۴۵۴۹۵۰	۴۶۸۷۱۶۱
میانگین	۱۷۵	۴۴۷۶	۲۵۵۳۱	۱۲۶	۳۲۴۷۹۱۰	۳۷۳۷۰۷	۳۶۲۱۶۱۶

منبع: ۱. اداره کل آمار و اطلاعات، هزینه تولید، محصولات کشاورزی، وزارت کشاورزی، (۷۷-۱۳۷۵).

۲. اداره کل آمار و اطلاعات، آمار نامه کشاورزی، وزارت کشاورزی، (۷۷-۱۳۷۵).

۳. اداره بررسی های اقتصادی، خلاصه نمونهات اقتصادی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

هزینه‌ها:

هزینه از جمله متغیرهایست که برای تعیین سود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، به همین دلیل در این قسمت به بررسی هزینه تولید یک هکتار چغندر قند به تفکیک مراحل تولید (کاشت، داشت، برداشت) و زمین می‌پردازیم:

- هزینه کاشت

هزینه کاشت چغندر قند که حدود ۱۰ درصد هزینه تولید آن را تشکیل می‌دهد، شامل هزینه شخم، دیسک، ماله کشی، بذر مصرفی، خزانه و بذر پاشی و... می‌باشد. بررسی روند هزینه‌ها نشان می‌دهد که هزینه کاشت از ۱۹۸ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ با ۷۲ درصد رشد به ۳۴۰ هزار ریال رسید. به عبارت دیگر هزینه کاشت طی سه سال نزدیک به دو برابر افزایش یافته است.

- هزینه داشت

هزینه داشت که بیش از ۴۰ درصد هزینه تولید چغندر را به خود اختصاص می‌دهد شامل کود حیوانی، شیمیایی، کود پاشی، آب بها و آبیاری، سم و سمپاشی و... می‌باشد. و از ۸۱۹ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ به ۱۴۷۳ هزار ریال در سال ۱۳۷۷ افزایش یافته است. به عبارت دیگر طی سه سال ۸۰ درصد به هزینه داشت افزوده شده است.

- هزینه برداشت

هزینه برداشت که حدود ۳۰ درصد هزینه‌ها را تشکیل می‌دهد شامل هزینه درو، بسته‌بندی و حمل و... می‌باشد که بیش از ۴۰ درصد هزینه‌ها به هزینه حمل اختصاص دارد. بررسی روند هزینه برداشت نشان می‌دهد هزینه برداشت از ۵۶۵ هزار ریال در اول دوره با ۷۵ درصد رشد به ۹۹۱ هزار ریال در پایان دوره رسید که نشان می‌دهد پس از هزینه داشت در بین هزینه مراحل تولید بیشترین رشد را داشته است.

- هزینه زمین

هزینه زمین برخلاف هزینه مراحل تولید با نوسان مواجه بوده است. بررسی روند هزینه زمین نشان می‌دهد، هرچند هزینه زمین در سال ۱۳۷۶ نسبت به سال ۱۳۷۵

افزایشی بوده اما این هزینه در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۷۶ با کاهش مواجه گردید. بطوری که در کل دوره ۱۷ درصد رشد داشته است. رشد ۱۷ درصدی هزینه زمین در مقابل رشد ۷۰ درصدی (و بیشتر از ۷۰ درصد) هزینه مراحل تولید، موجب گردید که سهم هزینه زمین به هزینه تولید چغندر قند از ۲۰ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۴ درصد در سال ۱۳۷۷ کاهش یابد. - هزینه کل

ستون ۵ جدول (۵-۲۸) هزینه انجام گرفته برای تولید چغندر قند در یک هکتار را نشان می دهد. متوسط هزینه تولید یک هکتار چغندر قند در سال ۱۳۷۵ برابر ۱۹۹۶ هزار ریال بوده است که این مقدار در سال ۱۳۷۷ به ۳۲۸۹ هزار ریال رسیده است. به بیان دیگر هزینه تولید یک هکتار چغندر قند در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۷۵ بیش از ۶۴ درصد افزایش داشته است.

سود:

بررسی ستون ۶ جدول (۵-۲۸) نشان می دهد علیرغم اینکه متوسط سود حاصل از یک هکتار کشت چغندر قند از ۷۰۵ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ به ۵۵۷ هزار ریال در سال ۱۳۷۶ کاهش یافت (۲۱ درصد کاهش) اما افزایش سود در پایان دوره (سال ۱۳۷۷) نسبت به سال ۱۳۷۶ به اندازه ای شدید بوده که موجب گردید سود در کل دوره به ۸۸۷ هزار ریال برسد. که این رقم نسبت به اول دوره رشدی معادل ۲۶ درصد را نشان می دهد. علاوه بر این بررسی نرخ سود حاصل از کشت چغندر قند نشان می دهد افزایش شدید سود در سال ۱۳۷۷ موجب گردید تا نرخ سوددهی از ۱۹ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۴۳ درصد در سال ۱۳۷۷ افزایش یابد.

علاوه بر میزان سود ناشی از هر هکتار، متغیر دیگری که در تعیین مبنای مشمول مالیات مؤثر است میزان اراضی تحت مالکیت هر بهره بردار می باشد. در این ارتباط جدول (۵-۲۹) ارائه گردید. براساس این جدول ۱۳/۸ درصد بهره برداران مالک کمتر از ۲ هکتار و ۲/۱ درصد بهره برداران مالک بیش از ۵۰ هکتار می باشند.

جدول شماره (۵-۲۸): متوسط هزینه تولید و سود حاصل از یک هکتار چغندر قند

(ارقام به ریال)

سال	کاشت	داشت	برداشت	زمین	هزینه کل	سود
۱۳۷۵	۱۹۷۹۱۰	۸۱۹۵۰۰	۵۶۵۶۱۰	۴۱۳۰۷۰	۱۹۹۶۰۹۰	۷۰۵۲۶۲
۱۳۷۶	۲۹۵۵۲۰	۱۲۸۷۷۱۰	۸۴۵۶۱۰	۴۹۰۶۴۰	۲۹۱۹۴۸۰	۵۵۶۸۵۷
۱۳۷۷	۳۳۹۷۷۰	۱۴۷۲۶۲۰	۹۹۱۳۱۰	۴۸۵۷۵۰	۳۲۸۹۴۵۰	۱۳۹۷۷۱۱
میانگین	۲۷۷۷۳۳	۱۱۹۳۲۷۷	۸۰۰۸۴۳	۴۶۳۱۵۳	۲۷۳۵۰۰۷	۸۸۶۶۱۰

ماخذ: ۱. اداره کل آمار و اطلاعات، هزینه تولید، محصولات کشاورزی، وزارت کشاورزی، (۷۷-۱۳۷۵).

۲. محاسبات تحقیق.

بررسی همزمان ستون ۶ جدول (۵-۲۸) و جدول (۵-۲۹) حاکی از آن است که نزدیک به ۴۰ درصد افرادی که به کشت چغندر قند اشتغال دارند، درآمد آنها کمتر از ۳۰۰۰۰۰۰ ریال در سال می باشد و لذا مشمول مالیات نخواهند بود. به عبارت دیگر نزدیک به ۴۰ درصد افرادی که به کشت چغندر قند اقدام می نمایند توانایی پرداخت مالیات را نخواهند داشت. و درآمد ۶۰ درصد بهره برداران که به کشت مذکور اشتغال دارند از حد نصابهای مقرر بیشتر می باشد که در این صورت توانایی پرداخت مالیات را خواهند داشت.

بطور کلی از مجموع مباحث این فصل می توان نتیجه گرفت:

۱. توانایی پرداخت مالیات با توجه به نوع محصول، نوع کشت (از نظر دیم و آبی) و سطح زیر کشت هر بهره بردار متفاوت می باشد.
۲. بطور متوسط در مجموع ۲۶ درصد بهره برداران شاغل در بخش زراعت توانایی پرداخت مالیات را دارند.
۳. علیرغم اینکه بند ۲ (۲۶ درصد از بهره برداران توانایی پرداخت مالیات را دارند) انگیزه

قوی برای لزوم اعمال مالیات بر درآمد در این زیربخش را فراهم می‌نماید لیکن در عمل برای اعمال مالیات بر کشاورزی ملاحظات دیگری بایستی در نظر گرفته شود.

جدول شماره (۵-۲۹): تعداد بهره برداران محصول چغندر قند بر حسب وسعت اراضی

وسعت اراضی	تعداد بهره بردار	نسبت به کل	درصد تراکمی
کمتر از ۲ هکتار	۱۵۸۹۰	۱۳/۸	۱۳/۸
از ۲ تا ۵ هکتار	۳۲۹۸۰	۲۸/۶	۴۲/۳
از ۵ تا ۱۰ هکتار	۳۳۳۶۰	۲۸/۹	۷۱/۲
از ۱۰ تا ۱۵ هکتار	۱۵۴۸۰	۱۳/۴	۸۴/۷
از ۱۵ تا ۵۰ هکتار	۱۵۲۹۰	۱۳/۲	۹۷/۹
بیش از ۵۰ هکتار	۲۴۲۰	۱/۹	۱۰۰
جمع	۱۱۵۴۲۰		

ماخذ: ۱. سرشماری عمومی کشاورزی نتایج تفصیلی کل کشور، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۲.

۲. محاسبات تحقیق.

۶ بررسی معافیت مالیاتی زیر بخش دامپروری

۱-۶ مقدمه

طرح مسائل و مشکلات مربوط به زیر بخش دامپروری به ما کمک می نماید که بتوانیم با آشنایی کامل نسبت به آن در مورد وضع مالیات یا ادامه معافیت اظهار نظر نماییم به همین دلیل در این فصل ضمن تحلیل گذرا از جایگاه و نظامهای مختلف دامپروری تاکید بر شناسایی قسمتهایی است که از نظر درآمدی در شرایط مساوی و یا حتی بالاتر از سایر مشاغل یا بخشهای دیگر اقتصاد کشور قرار دارند. تا با پیشنهاد وضع مالیات بر آنها میزان درآمد مالیاتی قابل وصول مشخص گردد.

۶-۲ جایگاه دامپروری در بخش کشاورزی

جدول شماره (۱-۶) نشان دهنده ارزش افزوده زیربخش دامپروری است. در سال ۱۳۶۰ ارزش افزوده زیر بخش دامپروری حدود ۵۵۱ میلیارد ریال بوده است که این رقم در سال ۱۳۷۴ به ۱۴۴۳۴ و در سال ۱۳۷۶ به ۲۵۱۳۰/۹ میلیارد ریال رسیده است. این زیربخش طی سالها همواره مقام دوم را در بین چهار زیربخش (بعد از زراعت) از نظر سهم ارزش افزوده در کل کشاورزی داشته است که نشان دهنده اهمیت آن در اقتصاد کشاورزی کشور است.

جدول شماره (۱-۶) ارزش افزوده و سهم دامپروری در بخش کشاورزی (میلیارد ریال)

کشاورزی		دامپروری		مورد	سال
ارزش افزوده		ارزش افزوده			
۱۶۹۳/۱	۵۵۱/۰	۳۲/۵			
۲۰۹۱/۴	۷۲۰/۵	۳۴/۵			
۲۳۳۴/۷	۱۰۱۶/۴	۴۳/۵			
۲۸۲۶/۹	۹۹۲/۴	۳۵/۱			
۳۱۰۹/۸	۱۱۰۵/۲	۳۵/۵			
۳۷۵۲/۹	۱۳۳۴/۵	۳۵/۶			
۴۸۹۱/۳	۱۸۳۷/۳	۳۷/۶			
۵۲۰۸/۷	۲۱۵۹/۲	۴۱/۵			
۶۶۶۹/۹	۲۴۹۲/۲	۳۷/۴			
۸۴۱۹/۱	۲۷۳۷/۸	۳۳/۷			
۱۱۲۲۱/۶	۴۴۵۳	۳۹/۷			
۱۵۳۹۲	۶۲۸۵	۴۰/۸			
۱۹۴۴۶/۱	۷۶۴۵	۳۹/۳			
۲۷۲۷۲	۱۰۵۰۵	۳۸/۵			
۴۰۰۹۱	۱۴۴۳۴	۳۶			
۴۷۸۰۳/۲	۲۰۹۲۷/۴	۴۳/۹			
۵۵۴۵۵/۴	۲۵۱۳۰/۹	۴۵/۲			

ماخذ: آمارهای اقتصادی، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ترازنامه بانک مرکزی برای سالهای ۱۳۷۶.

۳-۶ نظام‌های مختلف دامپروری

طرح مسائل مربوط به دامداری زمانی جامع خواهد بود که با توجه به خصوصیات اقلیمی و طبیعی آن، مطالعه لازم در تمام ابعاد موضوع صورت پذیرد. چون نوع دامداری در نظام‌های مختلف با هم تفاوت دارند، لذا بایستی هر یک از این نظام‌های متداول به دقت مورد بررسی قرار گیرد. به طور کلی دامداری به دو طرق انجام می‌شود:

۱-۳-۶ روش سنتی در شکل‌های روستایی و عشایری.

الف) دامداری روستایی

در این نوع دامداری که در مناطق روستایی و شهرهای کوچک رواج دارد، بخشی از تعلیف و تغذیه دام از مراتع طبیعی و بخشی دیگر از علوفه کاشته شده و بقایای محصولات کشاورزی و پس چرای مزارع تأمین می‌گردد. در این شکل دامداری، بهره‌برداری متنوع بوده و از تعداد کم ۲ و ۳ راس تا گله‌های چند صد راسی وجود دارد.

نظام دامداری روستایی یک نظام خود معیشتی است و اقتصاد روستایی بیشتر بر محور زراعت و باغبانی سازماندهی شده است. ولی با توجه به اینکه قطعات کوچک زراعی اقتصاد ضعیفی را برای مردم روستا به وجود آورده است، روستاییان برای کسب درآمد به فعالیت‌های پرورش دام و طیور، صنایع دستی و روستایی به خصوص قالی بافی می‌پردازند که پرورش دام مهمترین این فعالیتهاست. به طور کلی اگر چه در روستاها هم فعالیت زراعت و هم دامپروری انجام می‌گیرد ولی آنها از فقیرترین اقشار جامعه به حساب می‌آیند و برای تبدیل دامپروری خود معیشتی در روستاها به نیمه صنعتی و بعضاً صنعتی تفکیک اشتغال و زراعت و دامپروری ضروری است.

بر طبق آمار، مهمترین استانهای کشور از لحاظ دارا بودن بیشترین تعداد گوسفند و بره به ترتیب خراسان، آذربایجان غربی و شرقی، مازندران، فارس و زنجان هستند که حدود

۶۰ درصد گوسفند و بره مناطق روستایی کشور در روستاهای این استانها وجود دارد. بیشترین بز و بزغاله کشور در استانهای فارس، خراسان، لرستان و کرمان و بالاترین رقم مربوط به تعداد گاو و گوساله به ترتیب در استانهای مازندران، آذربایجان شرقی، گیلان و خراسان قرار دارد^(۱).

ب) دامداری عشایری

براساس تعریف بکار برده شده در سرشماری اجتماعی - اقتصادی، خانوار عشایر کوچنده به خانوارهایی اطلاق می شود که سه ویژگی عمده؛ وابستگی ایلی، اتکای معاش به دامداری و شیوه زندگی شبانی یا کوچ را دارا بوده اند. در این روش که در برگیرنده حدود نصف جمعیت گوسفند و بز کشور است، دام در طول سال از مراتع ییلاقی، قشلاقی یا میان بند (بهاره چر یا پاییز چر) برای دسترسی به منابع غذایی بهره جسته و ایلات و عشایر سراسر ایران با مهاجرت داخل استانی یا خارج استانی طی طریق می کنند.

با توجه به اینکه سالیانه مقدار قابل توجهی گوشت و دام از خارج کشور وارد می گردد، اثرات مثبت افزایش تولید و پرورش دام بر اقتصاد کشور و جلوگیری از خروج ارز مهم است. در ایران عشایر علاوه بر حضور همیشگی در صحنه های سیاسی، در اقتصاد نیز نقش عمده و تعیین کننده داشته و دارند. هم اکنون عشایر با اختصاص نزدیک به ۴۰ درصد از تولیدات گوشت قرمز کشور به خود، در مقایسه با جمعیت اندک آنان در مقابل جمعیت شهر و روستا آن هم با کمترین امکاناتی که از دولت دریافت می کنند، جایگاه خود را در اقتصاد کشور حفظ کرده اند. اگرچه آنها نقش به سزایی در اقتصاد کشور دارند ولی جزو کم درآمدترین اقشار جامعه به حساب می آیند.

۱. طرح تحقیقاتی «تخصیص بهینه منابع برای خودکفایی در تامین گوشت»، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سال ۱۳۷۴.

دامداری عشایری بر اساس شرایط اقلیمی کشور از گذشته‌های دور سازمان یافته است و در واقع این نظام نوعی اقتصاد مستقل را برای عشایر به وجود آورده و دام به عنوان تنها منشاء درآمد دامدار است. لذا عشایر در عرصه مراتع کشور هر ساله کیلومترها راه را طی می‌کنند تا بتوانند از تنوع اقلیمی مراتع کشور در جهت تعلیف دام خود استفاده کنند. البته با توجه به تحولات اجتماعی، مشکلات زندگی ناشی از کوچ و نهایتاً تعدیل سهم دام برای هر خانوار عشایری تا سقف ۱۲۵ راس، هر روز ضرورت افزایش جمعیت دام را اجتناب‌ناپذیر می‌کند که با مسأله حفظ و احیای مراتع کشور منافات دارد. بنابراین سیاست اسکان تدریجی عشایر و اشتغال اسکان یافته‌گان در امر پروار بندی و صنایع جانبی همچنین مکانیزه کردن کوچ و از همه مهمتر، واگذاری مراتع به دامداران محور تحولات نظام اجرایی دامداری عشایری بوده است^(۱).

۶-۳-۲ دامداری صنعتی در مناطق مستعد دامپروری حاشیه شهرها

دامپروری‌های نوین در ایران بیشتر به پرورش گاو اشتغال دارند. گاو‌داریهای صنعتی کشور با وجود عدم وابستگی سنتی به خارج از بازدهی اقتصادی قابل توجهی برخوردارند. اما گاوهای بومی ایران به دلیل عدم اصلاح نژاد و شیوه‌های بد نگهداری و تغذیه بازدهی مناسبی ندارند.

در پرورش انواع دام به شیوه سنتی با توجه به وسعت و ظرفیت مراتع کشور محدودیتهایی وجود دارد. به علاوه این دامها از نظر تولید شیر بازدهی چندانی ندارند. لذا توسعه فعالیت گاو‌داری صنعتی رونق بیشتری در صحنه اقتصاد کشور گرفته است. در عین حال، این فعالیت نیز مانند هر فعالیت اقتصادی دیگر در روند رشد و توسعه با مشکلات و عوامل بازدارنده از قبیل علوفه مورد نیاز، نوسان قیمت‌ها، بیماریهای دام و...

روبرو می‌باشد. فائق آمدن به این مشکلات نیازمند اعمال سیاستهای صحیح و اجرای برنامه‌های مدون و هماهنگ با سایر بخشهای اقتصادی توسط دولت است.

(بر طبق آمار مهمترین استانهای کشور از لحاظ دارا بودن بیشترین گاوهای نژاد خارجی به ترتیب تهران، اصفهان، خراسان، مازندران، فارس و گلستان می‌باشند و استانهای بوشهر و هرمزگان به دلایل مختلف از جمله شرایط اقلیمی سهم بسیار ناچیزی از گاوهای نژاد خارجی کشور را دارا می‌باشند).

همانطور که قبلاً توضیح داده شد دامنه زیر بخش دامپروری از نظام‌های بهره‌برداری صنعتی مدرنیزه تا نیمه صنعتی و نهایتاً روستایی و عشایری گسترده است و هر نوع از آنها دارای ویژگی‌های خاص خود است و در چند سال اخیر نظام اجرایی حاکم بر دامپروری به شرح ذیل دستخوش تغییر و تحولات زیادی شده است.

پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای تازه استقلال یافته و نیز کشورهای در حال توسعه، به منظور رهایی از قید و بندهای استعماری و نیز استقلال اقتصادی، سیاستهای خود کفایی در امر تولیدات صنعتی و کشاورزی را سرلوحه کار خویش قرار دادند. استراتژی‌های بکار گرفته شده در کشورهای در حال توسعه عمدتاً استراتژی جانشینی واردات است. در کشور ما نیز در برنامه‌های عمرانی سوم، چهارم و حتی پنجم که از سال ۱۳۴۲ شروع و به سال ۱۳۵۷ ختم شده است، از این استراتژی استفاده شده است. کالاهایی که هدف این استراتژی بوده هشت قلم کالای صنعتی است که محصولات کشاورزی را شامل نمی‌شود. با یک دید گذرا به وضعیت محصولات کشاورزی در دهه ۱۳۴۰ شاهد عدم نیاز به واردات و در حقیقت یک نوع خودکفایی در محصولات کشاورزی بودیم و گوشت قرمز نیز از این مقوله خارج نبود، چنانکه تا سال ۱۳۴۲ کشور به گوشت وارداتی احتیاج نداشته است.

جهت‌گیری در سیاست جانشینی واردات کالاهای صنعتی باعث شد که درآمد نفتی به منظور کسب سرمایه لازم در تعدادی از صنایع خاص مصرف شود. از آنجا که بین

بخش صنعت و کشاورزی کشور ارتباطات پسین و پیشین مناسب وجود نداشت، آهنگ شکاف بین این دو بخش رو به فزونی گذاشت. افزایش درآمدهای نفتی در سالهای ۵۳-۱۳۵۲ باعث بالارفتن سطح درآمد کشور و نیز افراد گردید، در نتیجه مصرف فرآورده‌های کشاورزی از جمله مصرف گوشت هم که یک کالای ضروری است، افزایش یافت. از آنجا که اقدامات لازم برای تأمین تقاضای افزایش یافته صورت نگرفته بود، دولت اقدام به واردات گوشت کرد تا فشار تورمی را کاهش دهد. با نگاه به عملکرد برنامه‌ها در زمینه تولید فرآورده‌های گوشتی در این سالها شاهد عدم تحقق سیاست خودکفایی کشاورزی هستیم.

با استدلال مشابهی می‌توان چنین نتیجه گرفت که زیر بخش دامپروری در کشور در برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب در راستای استراتژی توسعه و سیاستهای کلی اقتصاد عمل نکرده است. برای رسیدن به خودکفایی در محصولات کشاورزی که در قانون اساسی کشور روی آن تاکید شده و کشاورزی به عنوان محور توسعه قلمداد شده است، تدوین یک سیاست مناسب در بخش کشاورزی و زیر بخش دامپروری که در اغلب سالها بعد از زیر بخش زراعت بالاترین ارزش افزوده را داشته لازم است، تا سالانه از خروج میلیونها دلار ارز کشور برای تأمین مواد غذایی جلوگیری شود.

در اینجا ابتدا به بررسی برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب و برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب و روند حرکتی دولت برای اجرای سیاستهای متخذه پرداخته می‌شود سپس سیاستهای بنیادی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۶ بررسی وضعیت دام و طیور در برنامه‌های توسعه اقتصادی

آگاهی از روند گذشته دامپروری و نحوه عملکرد فعالیت‌های دامپروری قبل و بعد از انقلاب می‌تواند تجاربی را ارائه کند که در هدف‌های آینده این زیر بخش ثمربخش باشد. روند سیاستهای امور دام قبل از انقلاب تحت تأثیر سیاست‌های اجرایی

رژیم گذشته بوده است و عواقب آن حتی در سال‌های بعد از انقلاب نیز مشهود است. اما روند بعد از انقلاب بیشتر تحت تأثیر جنگ تحمیلی و تغییرات سیاسی و نیز تغییرات قیمت‌های جهانی بوده است.

۶-۴-۱ برنامه عمرانی پنجم (۵۶-۱۳۵۲)

عمده فعالیت‌های این دوره تاکید بر شیوه‌های جدید و پیشرفته کشاورزی، تلفیق زراعت و دامداری، و ایجاد مجتمع‌های صنعتی دامداری و توسعه عملیات زیربنایی یعنی تأمین خدمات دامپزشکی و گسترش فعالیتهای مورد نظر بوده است. نکته بارز در برنامه پنجم این است که به دلیل افزایش درآمدهای نفتی و نیز افزایش سطح درآمد شاغلین، تقاضا برای کالاهای کشاورزی در این دوره افزایش یافته است. نکته قابل توجه دیگر این است که در حالی که اقلام مختلف تولید از رشد بالایی برخوردارند ولی رشد ارزش افزوده زیربخش دامپروری پایین است، دلیل عمده آن را می‌توان در افزایش واردات محصولات دامی و پایین نگه داشتن سطح قیمت آنها دانست. یکی از دلایل برای توجیه عملکرد نامناسب در زیربخش دام را می‌توان در مستقل عمل کردن بخش کشاورزی بعد از افزایش قیمت نفت دانست که باعث تجدید نظر در برنامه پنجم شد.

با شروع انقلاب اسلامی، برنامه عمرانی ششم که مقدمات آن نیز تدارک یافته بود، متوقف شد و برنامه‌ها و فعالیت‌ها در جهت تکمیل فعالیت‌های نیمه تمام گذشته و ادامه برنامه پنجم خلاصه شد. در مورد صنعت طیور به دلیل وابستگی زیاد به خارج برای تأمین نهاده‌های مورد نیاز، توسعه و سرمایه‌گذاری در آن متوقف شد. همچنین ایجاد و توسعه گاوآریهای صنعتی در اطراف شهرهای بزرگ به دلیل تراکم دامداری‌های صنعتی و کمبود منابع تعلیف متوقف شد و در پی آن واردات گوشت نیز ممنوع گردید. بدین صورت بعد از انقلاب سیاست ظرفیت‌سازی و توسعه و سرمایه‌گذاری در امور دام و طیور به شکل وسیع قبل از انقلاب وجود نداشت. هدف عمده در این سال‌ها

استفاده از ظرفیت‌ها و منابع موجود، افزایش و توسعه فعالیت‌های اصلاح نژاد و فعالیت‌های بهداشتی از طریق اولویت دادن به برنامه مبارزه با بیماری‌های دام و طیور بوده است.

۴-۲ برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

اهداف عمده دولت در زیربخش دام و طیور در طول برنامه‌ها افزایش کمی و کیفی تولیدات دامی، افزایش سهم تولید داخل در کل مصرف سرانه فرآورده حیوانی، حفظ و حراست از منابع دام و طیور موجود در کشور، افزایش نسبی درآمد شاغلین زیربخش، توسعه دامداری و ایجاد فرصت شغلی جدید و نیز استفاده بهینه از فرآورده‌های اصلی و فرعی کشاورزی با گسترش صنایع جانبی و تکمیلی دامپروری بوده است.

در برنامه اول پیش بینی شده بود که تولید گوشت قرمز، مرغ، تخم مرغ و شیر به ترتیب معادل ۵، ۱۱/۵، ۱۶/۲ و ۵/۹ درصد رشد داشته باشد در صورتی که عملکرد ارقام ۲/۹، ۱۴/۴، ۹/۸ و ۲ درصد را نشان می‌دهد.

در برنامه دوم توسعه هم پیش بینی شده بود که طی سالهای (۷۷-۱۳۷۳) به طور متوسط تولید گوشت قرمز، گوشت سفید، شیر، تخم مرغ و عسل به ترتیب ۵، ۴/۵، ۵/۹ و ۲/۸ درصد رشد داشته باشد اما عملکرد تولید این محصولات طی این دوره به ترتیب ۲/۱، ۴/۶، ۳/۸، ۷/۵ و ۴/۶ درصد رشد را نشان می‌دهد که در مورد گوشت قرمز، سفید و شیر رشد عملکرد کمتر از برنامه و مابقی بالاتر از برنامه بوده است.

۴-۳ میزان تولید فرآورده‌های پروتئینی کشور طی دو برنامه اول و دوم

جدول شماره (۲-۶) روند تغییرات میزان تولید انواع فرآورده‌های پروتئینی در کشور را

نشان می‌دهد براساس آمار این جدول میزان تولید انواع فرآورده‌های پروتئینی از سال ۶۸ به بعد همواره با رشد مواجه بوده است و درصد تغییرات میانگین میزان تولید گوشت قرمز، گوشت مرغ، تخم مرغ، شیر و عسل طی دو برنامه به ترتیب ۱۵، ۵۲، ۴۱، ۱۷ و ۴۰ درصد بوده است.

۴-۴-۶ میزان واردات فرآورده‌های پروتئینی کشور طی دو برنامه

جدول شماره (۳-۶) میزان واردات هر کدام از فرآورده‌های پروتئینی و روند تغییرات آنها را طی دو برنامه نشان می‌دهد. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود هر چه به سالهای آخر برنامه دوم نزدیک شده‌ایم میزان واردات کاهش یافته است: درصد تغییر میانگین برنامه دوم نسبت به برنامه اول برای گوشت قرمز، گوشت مرغ، تخم مرغ، شیر، پنیر و کره به ترتیب ۴۴، ۷۱، ۰، ۶۷، ۸۶ و ۷۳ درصد کاهش نشان می‌دهد.

جدول شماره (۶-۲): میزان تولید فرآورده‌های پروتئینی کشور طی دو برنامه (هزار تن)

سال	گوشت قرمز	گوشت مرغ	تخم مرغ	شیر	عسل
۱۳۶۸	۵۶۰	۳۳۰	۲۸۰	۳۸۲۷	۱۴/۲
۱۳۶۹	۵۷۰	۳۵۰	۳۱۵	۳۹۲۹	۱۵/۲
۱۳۷۰	۵۹۵	۴۲۰	۳۴۰	۴۰۳۵	۱۶
۱۳۷۱	۶۲۵	۵۲۰	۳۹۰	۳۱۴۵	۱۷/۵
۱۳۷۲	۶۴۳	۵۶۰	۴۵۰	۴۲۸۱	۱۸/۵
جمع برنامه اول	۲۹۹۳	۲۱۸۰	۱۷۷۵	۲۰۲۱۷	۸۱/۴
میانگین	۵۹۸/۶	۴۳۶	۳۵۵	۴۰۴۳/۴	۱۶/۲۸
۱۳۷۳	۶۵۸	۶۱۳	۵۱۶	۴۴۵۰	۲۰/۵
۱۳۷۴	۶۷۰	۶۳۷	۴۶۷	۴۵۴۰	۲۲/۷
۱۳۷۵	۶۸۵	۶۷۶	۴۸۶	۴۷۰۵	۲۳/۶
۱۳۷۶	۷۲۰	۶۶۵	۴۱۵	۴۸۹۵	۲۳/۵
۱۳۷۷	۷۱۵	۷۳۰	۶۲۵	۵۱۰۵	۲۳/۵
جمع برنامه دوم	۳۴۴۸	۳۳۲۱	۲۵۰۹	۲۳۶۹۵	۱۱۳/۷
میانگین	۶۸۹/۶	۶۶۴/۲	۵۰۱/۸	۴۷۳۹	۲۲/۷
درصد تغییر میانگین دو برنامه	۱۵	۵۲	۴۱	۱۷	۴۰

مأخذ: دفتر طرح و برنامه، معاونت امور دام، وزارت جهاد سازندگی.

جدول شماره (۳-۶): میزان واردات اقلام عمده فرآورده‌های پروتئینی کشور طی دو برنامه (هزار تن)

سال	گوشت قرمز	گوشت مرغ	تخم مرغ	شیر	پنیر	کره
۱۳۶۸	۱۱۴	۰	۰	۶۷۰	۶۹	۳۴
۱۳۶۹	۱۲۸	۰	۰	۴۸۰	۵۲	۱۱
۱۳۷۰	۱۴۹	۰	۰	۷۹۱	۹۲	۱۵
۱۳۷۱	۵۸	۲۸	۰	۴۱۰	۴۸	۲۰
۱۳۷۲	۸۶	۴۹	۰	۴۵۸	۵۲	۲۵
جمع برنامه اول	۵۳۵	۷۷	۰	۲۸۰۹	۳۱۳	۱۰۵
میانگین	۱۰۷	۳۸/۵	۰	۵۶۱/۸	۶۲/۶	۲۱
۱۳۷۳	۶۶/۲	۸/۱	۰	۱۸۶	۹	۳۲
۱۳۷۴	۷۳/۴	۰/۶۱۸	۰	۰	۰	۰
۱۳۷۵	۵۴	۰	۰	۰	۰	۶/۸
۱۳۷۶	۴۵	۲۵	۰	۰	۰	۷
جمع برنامه دوم	۲۴۱/۶	۳۳/۷	۰	۱۸۶	۹	۱۶/۸
میانگین	۶۰/۴	۱۱	۰	۱۸۶	۹	۴/۲
درصد تغییر میانگین دو برنامه	-۴۴	-۷۱	۰	-۶۷	-۸۶	-۷۳

مأخذ: دفتر طرح و برنامه، معاونت امور دام، وزارت جهاد سازندگی.

۵-۶ جمعیت دام و طیور کشور

جمعیت دام و طیور کشور به تفکیک نوع آن در جدول شماره (۴-۶) مورد بررسی قرار می‌گیرد. همانطور که از جدول پیداست گوسفند و بره در سال ۱۳۷۱، ۴۹۱۰۰ هزار راس بوده که به ۵۲۱۰۰ هزار راس در سال ۷۶ رسیده است و متوسط رشد آن طی این دوره ۱/۲ درصد بوده است. بز و بزغاله نیز در سال ۱۳۷۱، ۲۵۶۳۰ هزار راس بوده که

در سال ۱۳۷۶ به ۲۵۸۰۰ هزار راس رسیده است. گاو و گوساله (اصیل، دو رگه و بومی و گاو میش) از ۲۲۲۵ هزار راس در سال ۱۳۷۱ به ۹۱۰۰ هزار راس در سال ۷۶ رسیده است. طیور نیز در این دوره رشد داشته و از ۴۴۱۶۶۹ هزار قطعه در سال ۷۰ به ۶۰۵۹۰۰ هزار قطعه در سال ۱۳۷۶ رسیده است.

جدول شماره (۴-۶): جمعیت دام و طیور به تفکیک نوع طی سالهای مختلف

هزار (راس، نفر، قطعه)

شرح	سال	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
گوسفند و بره	۴۹۱۰۰	۴۹۶۸۹	۵۰۲۸۵	۵۰۸۸۹	۵۱۴۹۹	۵۲۱۰۰	
بز و بزغاله	۲۵۶۳۰	۲۵۷۵۷	۲۵۷۵۷	۲۵۷۵۷	۲۵۷۵۷	۲۵۸۰۰	
گاو گوساله اصیل	۵۵۵	۵۷۷	۶۰۰	۶۲۵	۶۵۰		
گاو گوساله دو رگه	۵۷۳	۶۳۶	۸۱۹	۹۳۹	۱۰۵۹	۹۱۰۰	
گاو گوساله بومی	۶۷۸۳	۶۷۵۳	۶۷۸۳	۶۷۸۳	۶۷۸۳		
گاو میش	۴۲۱/۶	۴۳۰	۴۳۸	۴۴۷	۴۵۶		
شتر	۱۴۳	۱۴۳	۱۴۳	۱۴۳	۱۴۳	۱۴۳	
تک سمی ها	۱۷۵۲	۱۵۳۷	۱۵۳۷	۱۵۳۷	۱۵۳۷	۱۵۰۰	
طیور	۴۴۱۶۶۹	۴۸۴۶۸۵	۴۷۰۹۰۱	۵۲۷۹۶۷	۵۸۱۰۰	۶۰۵۹۰۰	

مأخذ: سالنامه آماری جهاد سازندگی.

۶-۶ بررسی ظرفیت بالقوه مالیاتی زیربخش دامپروری

اگر بخواهیم ظرفیت مالیاتی را به طور دقیق برآورد کنیم باید وارد زیر بخش شده و گروه‌بندی‌های داخلی آن را بشناسیم و در آنجا مشخص کنیم که آیا گروهی وجود دارد که بتواند مالیات بدهد یا خیر؟ براساس آنچه در ابتدای این فصل تحت عنوان نظامهای مختلف دامپروری گفته شد ما با دو نوع دامپروری یکی روش سنتی در شکل‌های روستایی و عشایری و دوم روش صنعتی مواجه هستیم که هر کدام خصوصیات خاص مربوط به خود را دارند.

نوع اول دامپروری در کشور عمدتاً به شیوه سنتی و بدون استفاده از تکنیکهای نوین صورت می‌گیرد. این بخش به دلیل اینکه به شیوه سنتی اداره می‌شود ارزش افزوده کمی ایجاد می‌کند و دامنه آن در تمام سطح کشور گسترده است و اگر ما بخواهیم این قسمت را شناسایی کنیم لازم است به بیش از ۶۳ هزار روستا برویم و اکثر قریب به اتفاق کشاورزان روستایی و نیز عشایر را مورد بررسی قرار دهیم که به دلایل زیر این کار غیر عملی است و مقرون به صرفه نخواهد بود:

۱. نیاز به یک نظام اداری عریض و طویل ۲. ارزش افزوده پایین ۳. هزینه وصول بسیار بالای مالیات ۴. نقض عدالت اجتماعی و غیره.

بنابراین منطقی‌ترین راه این است که دامپروری روستایی و عشایری از مالیات معاف باشد. البته این نکته را نباید فراموش کرد که تکلیف یک واحد دامپروری که به روش صنعتی اداره می‌شود و در روستا قرار دارد، چیست؟ به دلیل اینکه طبق سرشماری‌های انجام گرفته آمار دقیقی از بخش صنعتی وجود دارد و آنها دارای مجوز تأسیس هستند، بنابراین مشکلی برای شناسایی آنها وجود ندارد و اینها در دسته اول قرار نخواهند گرفت. اما در مورد بخش دوم یعنی روش صنعتی، ابتدا به بررسی وضعیت آن در کشور می‌پردازیم سپس ظرفیت مالیاتی و چگونگی وصول مالیات را بحث خواهیم کرد.

۷-۶ وضعیت دامپروری صنعتی در کشور

گاوداریهای صنعتی عمده‌ترین و اصلی‌ترین تولیدکنندگان شیر و گوشت در شور به حساب می‌آیند چرا که نگهداری گاو به صورت سنتی که در بسیاری از مناطق روستایی کشور صورت می‌گیرد در بیشتر مواقع تنها نیاز خود خانوارها را برآورد کرده و اغلب میزان تولید شیر و گوشت در این نوع نگهداری گاو بسیار پایین می‌باشد. از این نظر، بررسی این گاوداریها از اهمیت برخوردار است و شناخت وضعیت آنها یک شمای کلی از وضعیت تولید شیر و گوشت در کشور برای ما ترسیم خواهد کرد.

۱-۷-۶ تعداد گاو و گوساله در کشور

در سال ۱۳۷۶، مجموع ۸۶۳۸ هزار راس گاو و گوساله در کشور وجود داشته که ۶۷۶ هزار راس گاو و گوساله شیری در بیش از ۸۰۰۰ واحد گاوداری صنعتی پرورش می‌یابد. در گاوداری‌های صنعتی سالیانه بالغ بر ۱۳۶۲ هزار تن شیر تولید می‌شود. یعنی حدود ۸ درصد جمعیت گاو و گوساله کشور بیش از ۲۷ درصد شیر کشور را تولید می‌کنند. به عبارتی جمعیت گاو و گوساله اصیل در کشور که اکثراً به روش صنعتی و نیمه صنعتی نگهداری می‌گردند بیش از ۲۷ درصد تولید شیر کل کشور را تولید می‌کنند. جمعیت گاو و گوساله دو رگ ۱۱۷۹ هزار راس یا ۱۳/۶ درصد کل گاوهای موجود در کشور است. این تعداد گاو در حدود ۱۷ درصد کل شیر را تولید می‌کنند.

در گاوداریهای صنعتی کشور حدود ۵۵ درصد گاوداریها دارای ظرفیت کمتر از ۵۰ راس می‌باشند. گاوداریهای کوچک به دلیل ضررهای ناشی از مقیاس و مدیریت ضعیف از بازدهی مناسبی برخوردار نیستند. این گاوداریها برای ادامه حیات بسیاری از استانداردها را زیر پا گذاشته و از مدیریت علمی برخوردار نمی‌باشند. جدول شماره (۵-۶) ساختار واحدهای گاوداری صنعتی کشور را براساس ظرفیت این گاوداریها نشان می‌دهد.

جدول شماره (۵-۶): ساختار گاوداریهای صنعتی کشور

ظرفیت	درصد از کل	درصد تنازلی
واحدهای گاوداری صنعتی بالاتر از ۵۰۰ راس	۱/۸	۱۰۰
واحدهای گاوداری صنعتی بین ۴۰۰-۵۰۰ راس	۰/۸	۹۸/۲
واحدهای گاوداری صنعتی بین ۳۰۰-۴۰۰ راس	۰/۸	۹۷/۴
واحدهای گاوداری صنعتی بین ۲۰۰-۳۰۰ راس	۲/۷	۹۶/۶
واحدهای گاوداری صنعتی بین ۱۵۰-۲۰۰ راس	۴/۷	۹۳/۹
واحدهای گاوداری صنعتی بین ۱۰۰-۱۵۰ راس	۶/۶	۸۹/۲
واحدهای گاوداری صنعتی بین ۵۰-۱۰۰ راس	۲۷/۵	۸۲/۶
واحدهای گاوداری صنعتی بین ۲۰-۵۰ راس	۴۳	۵۵/۱
واحدهای گاوداری صنعتی بین ۱۰-۲۰ راس	۱۱/۵	۱۲/۱
واحدهای گاوداری صنعتی زیر ۱۰ راس	۰/۶	۰/۶

مأخذ: اداره کل پرورش و اصلاح نژاد دام، معاونت امور دام، وزارت جهاد سازندگی.

۶-۷-۲ تحولات صنعت گاوداری و پرواربندی

تا قبل از برنامه پنج ساله اول، ظرفیت‌های جدید گاوداری کشور، به استناد مجوزهای صادره، ایجاد می‌شد یا توسعه می‌یافت و واردات گاوهای اصیل به منظور آغاز بهره برداری از این واحدها توسط دولت با پرداخت یارانه انجام می‌گرفت. واحدهای گاوداری با دریافت سهمیه گاو اصیل خود و تا حدودی تحویل گرفتن برخی از اقلام علوفه یارانه‌ای اقدام به تولید شیر و گوشت می‌کردند و با قیمت مصوب دولت تحویل کارخانجات شیر پاستوریزه می‌دادند و گوشت تولیدی را در بازار عرضه می‌کردند و تلیسه تولیدی نیز در خود واحد مربوطه به کار گرفته می‌شد و یا در بازار

عرضه می‌گردید. برخی از نهاده‌های مورد نیاز مانند ماشین آلات زراعی، شیردوش، وسایل دامپزشکی، دارو، واکسن و سموم با اعمال سیاستهای یارانه‌ای نیز از سوی دولت در حد مقدور در اختیار گاوداران قرار می‌گرفت.

با اجرای سیاستهای برنامه اول، تأمین تلیسه از منابع داخلی جایگزین واردات تلیسه خارجی گردید و تقریباً کلیه اقلام علوفه یارانه‌ای حذف شد و صرفاً تأمین برخی از ماشین آلات زراعی و دامی، دارو و واکسن بر مبنای ارز رقابتی از طرف دولت صورت گرفت که در سالهای اخیر کاملاً سیستم آزاد شده است. در حال حاضر به کارخانجات صنایع شیر به منظور تولید و عرضه شیر به قیمت مصوب دولت یارانه‌های حمایتی اختصاص می‌یابد.

در دامپروری کشور، صنعت پروار بندی یکی از کم اتکاترین بخشها به نظام دولتی بوده است. صنعت پروار بندی همواره به دلیل هزینه‌های زیاد در تولید گوشت قرمز، رقابت مستقیم تولید گوشت قرمز در بخش روستایی و عشایری و واردات گوشت قرمز از خارج، به رغم وجود ظرفیت بالا با مشکلات فراوانی روبه‌رو بوده است. با توجه به اینکه یکی از سیاستهای عمده برنامه اول، توسعه پرواربندی به منظور تعدیل فشار دام بر مراتع و منابع طبیعی و نیز بهره‌وری بهتر از خوراک دام و تأمین گوشت قرمز مورد نیاز در کشور بوده است، سیاست توسعه واردات علوفه و پرداخت یارانه در این زمینه مد نظر قرار گرفته که متأسفانه کمتر توفیقی را به دلیل محدودیتهای منابع کشور به دنبال داشته است.

۶-۷-۳ خلاصه نتایج طرح آمارگیری نمونه‌ای سال ۱۳۷۵

به دنبال انجام سرشماری عمومی کشاورزی در سال ۱۳۶۷، توسط مرکز آمار ایران، زمینه لازم برای آمارگیری از واحدهای کشاورزی از جمله سرشماری از گاو‌داریهای صنعتی فراهم شد.

در طرح آمارگیری نمونه‌ای از گاوداریهای صنعتی در سال ۱۳۷۵، در تعریف گاوداری صنعتی تولید شیر چنین آمده است: یک «گاوداری صنعتی» است که در آن گاو به منظور تولید شیر پرورش داده می‌شود و برای دوشیدن گاو قاعداً از دستگاه شیردوش استفاده می‌شود. در این گاوداریها به طور معمول گوساله‌های نر نیز نگهداری و پروار می‌شوند.

در زیر خلاصه نتایج حاصل از آمارگیری نمونه‌ای که از داده‌های آن برای برآورد ظرفیت در این طرح استفاده شده، آمده است.

۶-۷-۳-۱ تعداد و ظرفیت گاوداری‌ها

براساس نتایج حاصل از طرح آمارگیری نمونه‌ای گاوداریهای صنعتی کشور در سال ۱۳۷۵ کل تعداد گاوداریهای صنعتی در کشور ۹۷۳۷ واحد با ظرفیت ۸۷۰۷۸۳ راس بوده است. از این تعداد ۸۴۴۱ واحد گاوداریهای تولیدکننده شیر بوده‌اند. استان خراسان با داشتن ۱۸۳۹ واحد دارای بیشترین واحد گاوداری صنعتی تولید کننده شیر در کشور بوده و پس از آن استانهای تهران و اصفهان به ترتیب با داشتن ۱۶۴۰ و ۱۵۲۱ واحد مهمترین استانهای تولید کننده شیر در کشور هستند.

لازم به ذکر است که از نظر ظرفیت، گاوداریهای تولید کننده شیر استانهای تهران، خراسان و اصفهان به ترتیب با داشتن ظرفیت‌های ۱۴۳۹۸۵ و ۱۱۶۶۰۰ راس دارای بیشترین سهم تولید شیر در کل کشور بوده‌اند.

در جدول شماره (۶-۶) تعداد کل گاوداریهای صنعتی کشور و گاوداریهای صنعتی با فعالیت تولید شیر و گوشت به تفکیک سه استان عمده تولید کننده شیر ارائه شده است. از تعداد کل گاوداریهای صنعتی کشور ۹۰۴۲ واحد در سال ۱۳۷۵ فعال و ۶۹۱ واحد غیر فعال بوده‌اند. همچنین از مجموع گاوداریهای صنعتی تولید کننده شیر، ۸۱۱۸ واحد در سال ۱۳۷۵ فعال و ۳۲۲ واحد غیر فعال بوده‌اند (جدول شماره ۶-۷).

جدول شماره (۶-۶): تعداد و ظرفیت گاو‌داریهای صنعتی کشور (راس)

شرح	کل گاو‌داریهای صنعتی در کشور		گاو‌داریهای تولید کننده شیر		منحصراً پروار بندی	
	تعداد	ظرفیت	تعداد	ظرفیت	تعداد	ظرفیت
کل کشور	۹۷۳۷	۱۰۱۸۱۷۲	۸۴۴۱	۸۷۰۷۸۳	۱۲۹۶	۱۴۷۳۸۹
خراسان	۲۰۴۶	۱۵۹۱۷۵	۱۸۳۹	۱۴۳۹۸۵	۲۰۷	۱۵۱۹۰
اصفهان	۱۵۶۱	۱۱۷۹۳۲	۱۵۲۱	۱۱۶۶۰۰	۴۰	۱۳۳۲
تهران و قم	۱۷۸۸	۳۲۵۹۵۸	۱۶۴۰	۲۹۹۷۴۸	۱۴۸	۲۶۲۱۰
سایر استانها	۴۳۴۲	۴۱۵۱۰۷	۳۴۴۱	۳۱۰۴۵۰	۹۰۱	۱۰۴۶۵۷

مأخذ: نتایج طرح آمارگیری نمونه‌ای گاو‌داریهای صنعتی کشور سال ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران.

جدول شماره (۶-۷): تعداد و ظرفیت گاو‌داریهای صنعتی فعال و غیر فعال (راس)

شرح	فعال در سال ۱۳۷۵		غیر فعال در سال ۱۳۷۵	
	تعداد	ظرفیت	تعداد	ظرفیت
کل گاو‌داریهای صنعتی کشور	۹۰۴۲	۹۶۲۲۲۸	۶۹۱	۵۵۹۴۵
گاو‌داریهای صنعتی تولید کننده شیر	۸۱۱۸	۸۳۷۱۴۲	۳۲۲	۳۳۶۴۱

مأخذ: نتایج طرح آمارگیری نمونه‌ای گاو‌داریهای صنعتی کشور سال ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران.

۶-۷-۳-۲ تعداد گاو و گوساله گاو‌داریهای صنعتی

در سال ۱۳۷۵، تعداد گاو و گوساله گاو‌داریهای صنعتی کشور، ۵۳۹۹۳۷ راس بوده است که از این تعداد ۷۳/۱ درصد گاو و گوساله خالص، ۱۹/۱ درصد گاو و گوساله دو رگ و ۷/۷ درصد گاو و گوساله بومی می‌باشد.

از نظر نژادهای گاوی موجود در کشور، بیشترین گاوهای شیری موجود در گاو‌داری‌های صنعتی از نژاد هلشتیان خالص بوده‌اند براساس این آمار در سال ۱۳۷۵

تعداد راس گاوهای هلشتیان خالص در کشور ۳۸۲۴۳۳ راس بوده است. پس از این نژاد، گاوهای بومی و هلشتیان دورگ عمده‌ترین نژادهای موجود در گاوداریهای صنعتی کل کشور محسوب می‌شوند. (جدول شماره ۶-۸).

جدول شماره (۶-۸): تعداد گاو و گوساله گاوداریهای صنعتی بر حسب نژاد و استان: ۱۳۷۵

(راس)

استان	کل گاوداریهای صنعتی کشور				گاوداریهای صنعتی با فعالیت تولید شیر			
	جمع	اصیل	دورگ	بومی	جمع	اصیل	دورگ	بومی
کل کشور	۵۳۹۹۳۷	۳۹۴۸۶۹	۱۰۳۳۳۲	۴۱۷۳۶	۵۰۰۰۴۷	۳۸۱۳۳۰	۹۰۰۱۴	۲۱۷۰۳
تهران	۱۸۱۹۰۹	۱۵۶۹۷۹	۱۰۷۴۳	۱۴۱۸۷	۱۷۷۹۲۹	۱۵۶۰۴۹	۹۶۰۲	۱۱۶۴۱
اصفهان	۸۰۴۴۷	۵۰۳۷۰	۲۷۹۳۱	۲۱۴۶	۷۹۸۴۳	۵۰۳۷۰	۲۷۳۲۷	۲۱۴۶
خراسان	۷۵۱۱۸	۶۱۶۴۸	۱۳۲۰۹	۲۶۱	۶۹۸۱۴	۵۸۶۹۷	۱۰۹۳۸	۱۷۹
سایر استانها	۲۰۲۴۶۳	۱۲۵۸۷۲	۵۱۴۴۹	۲۵۱۴۲	۱۷۳۰۹۸	۱۲۳۲۱۴	۴۲۱۴۷	۷۷۳۷

منبع: همان.

۶-۷-۳ مقدار و ارزش تولید شیر و کود

ارزش کل شیر و کود تولید شده در گاوداریهای صنعتی در سال ۱۳۷۴، بالغ بر ۵۳۱۳۸۹ میلیون ریال بوده است که شامل ۱۰۰۷ هزار تن به ارزش ۵۱۳۶۳۴ میلیون ریال و ۲/۴ میلیون متر مکعب کود به ارزش ۱۷۷۵۵ میلیون ریال بوده است (جدول ۶-۹).

استان تهران با تولید ۴۰۷ هزار تن شیر به ارزش ۲۱۸۲۶۱ میلیون ریال و ۶۱۶ هزار متر مکعب کود به ارزش ۷۱۱۲ میلیون ریال در مرتبه اول، استان خراسان با تولید ۱۴۰ هزار تن شیر به ارزش ۷۲۲۹۲ میلیون ریال و ۲۹۱ هزار متر مکعب کود به ارزش ۲۴۷۰

میلیون ریال در مرتبه دوم و استان اصفهان با تولید ۱۳۱ هزار تن شیر به ارزش ۶۹۹۲۸ میلیون ریال و ۷۱۵ هزار متر مکعب کود به ارزش ۲۳۱۰ میلیون ریال در مرتبه سوم قرار دارند.

جدول شماره (۶-۹): مقدار و ارزش تولید شیر و کود گاوداریهای صنعتی ۱۳۷۴

شرح	شیر		کود			جمع	
	مقدار (هزار تن)	ارزش (میلیون ریال)	کل گاوداریها		گاوداریهای تولیدکننده شیر	کل	
			مقدار (هزارمتر مکعب)	ارزش (میلیون ریال)	مقدار (هزارمتر مکعب)		ارزش (میلیون ریال)
کل کشور	۱۰۰۷	۵۱۳۶۳۴	۲۴۱۵	۱۷۷۷۵	۲۲۲۹	۱۶۱۷۳	۵۳۱۳۸۹
تهران	۴۰۷	۲۱۸۲۶۱	۶۱۶	۷۱۱۲	۵۸۲	۶۵۶۵	۲۱۸۳۷۳
خراسان	۱۴۰	۷۲۲۹۲	۲۹۱	۲۴۷۰	۲۵۸	۲۲۴۹	۷۴۷۶۲
اصفهان	۱۳۱	۶۹۹۲۸	۷۱۵	۲۳۱۰	۷۰۷	۲۲۹۲	۷۲۲۳۸
سایر استانها	۳۲۹	۱۵۳۱۵۳	۷۹۳	۵۸۶۳	۶۸۱	۵۰۶۷	۱۵۹۰۱۶

مأخذ: نتایج طرح آمارگیری نمونه‌ای گاوداریهای صنعتی کشور سال ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران.

۶-۷-۴ اشتغال در بخش گاوداری صنعتی

براساس طرح آمارگیری نمونه‌ای گاوداری صنعتی کشور در سال ۱۳۷۵، تعداد ۲۹۸۴۴ نفر در ۹۷۳۷ واحد مشغول به کار بوده‌اند، بنابر اعلام معاونت‌های امور دام استانی وزارت جهاد سازندگی تعداد ۱۲۶۴۳ واحد گاوداری صنعتی در کل کشور وجود دارد که تعداد شاغلین آن حدود ۳۸۸۰۰ نفر برآورد می‌شود. با توجه به اینکه در هر گاوداری بطور متوسط دو نفر از اعضای خانواده گاودار نیز به صورت نیمه وقت مشغول به کار می‌باشند، در حدود ۲۵۰۰۰ نفر نیز بطور نیمه وقت در گاوداریهای کشور مشغول

به کار می‌باشند.

در ادامه به بررسی وضعیت قسمتهای دیگر زیربخش دامپروری پرداخته می‌شود.

۸-۶ وضعیت صنعت مرغداری

نظام صنعت مرغداری ایران در برنامه اول از حاکمیت مطلق بخش دولتی در امور تولید به نظام حاکمیت تولید کنندگان چرخش داشته است. تا قبل از برنامه پنج ساله اول به دلیل حمایت‌های یارانه‌ای (خوراک دام، نهاده‌های دامپزشکی، جوجه یک روزه و...) در روند تولید فرآورده‌های طیور که به طور غیر مستقیم یارانه مصرف کننده تلقی می‌شد، اعمال نظارت مستقیم دولت بر کمیت و کیفیت تولید را ضروری می‌نمود. ولی با اجرای سیاستهای تعدیل در پایان برنامه اول صنعت مرغداری ایران به سمت آزاد سازی مطلق پیش رفت، چنانکه در واحدهای تولید مرغ گوشتی و تخمگذار مدیریت دولتی تقریباً به مدیریت بخش خصوصی واگذار شده است و در واحدهای مرغ مادر انحصار دولتی از بین رفته است و واحدهای مرغ گوشتی و تخمگذار نیز از مرحله خرید جوجه یکروزه تا مرحله بازار رسانی به عهده بخش خصوصی گذاشته شده است. در حال حاضر همه امور این بخش در اختیار بخش خصوصی است و تنها نظارت بر نحوه پراکنش واحدهای مرغداری، رابطه‌های بهداشتی میان مزارع مرغداری و نظارت بر کیفیت تولید و عرضه گوشت مرغ و تخم مرغ توسط بخش دولتی انجام می‌گیرد.

با توجه به جدول شماره (۶-۱۰) در سال ۱۳۷۶ در کشور ۱۲۹۵۰ واحد مرغداری فعال با ظرفیتی حدود ۱۵۳۳۳۶ هزار قطعه مرغ وجود داشته که در استانها توزیع شده‌اند و استان تهران با ۱۳۷۹ واحد بیشترین و استان سیستان و بلوچستان با ۴۰ واحد کمترین تعداد مرغداری را در کشور دارند.

طبق جدول شماره (۶-۱۱) مقدار و ارزش انواع تولیدات مرغداریهای پرورش دهنده مرغ گوشتی طی سالهای ۷۵-۱۳۶۹ همواره در حال افزایش بوده و در سال ۱۳۷۵ جمع ارزش ناشی از این تولیدات ۳۱۳۸/۴ میلیارد ریال بوده است.

جدول شماره (۶-۱۰): تعداد و ظرفیت مرغداریهای پرورش دهنده مرغ گوشتی

استان	جمع		فعال		غیر فعال	
	تعداد	ظرفیت هزار قطعه	تعداد	ظرفیت هزار قطعه	تعداد	ظرفیت هزار قطعه
کل کشور ۱۳۷۶	۱۵۲۹۱	۱۶۵۰۳۶	۱۲۹۵۰	۱۵۳۳۳۶	۲۳۴۰	۱۱۶۹۹
آذربایجان شرقی	۹۵۶	۷۰۱۹	۷۱۷	۶۰۸۱	۲۳۹	۹۳۸
آذربایجان غربی	۴۳۷	۵۱۸۹	۳۴۸	۵۰۶۴	۸۹	۱۲۵
اردبیل	۱۱۹	۱۳۹۴	۹۵	۱۲۴۵	۲۴	۱۴۹
اصفهان	۱۵۲۳	۱۸۹۴۲	۱۴۱۴	۱۸۳۳۰	۱۰۹	۶۱۳
ایلام	۱۵۱	۱۶۳۶	۱۲۴	۱۴۶۳	۲۷	۱۷۴
بوشهر	۲۵	۷۸۹	۲۳	۷۴۹	۲	۴۰
تهران	۱۵۲۹	۲۴۳۸۷	۱۳۷۹	۲۳۲۴۵	۱۵۰	۱۱۴۱
چهار محال بختیاری	۶۲	۱۲۰۹	۵۵	۱۱۵۰	۷	۵۹
خراسان	۱۵۴۴	۱۶۲۴۷	۱۳۵۰	۱۴۳۴۰	۱۹۴	۱۹۰۷
خوزستان	۵۰۳	۷۰۲۳	۴۳۰	۶۳۲۰	۷۳	۷۰۲
زنجان	۱۷۲	۳۴۹۵	۱۴۸	۳۳۹۴	۲۴	۱۰۱
سمنان	۳۳۴	۳۵۸۶	۳۱۵	۳۴۸۳	۱۹	۱۰۳
سیستان و بلوچستان	۴۸	۱۲۰۵	۴۰	۹۷۶	۸	۲۲۹
فارس	۹۵۴	۹۵۷۷	۸۶۳	۹۰۹۹	۹۱	۴۷۷
قم	۲۸۳	۳۷۹۰	۲۶۶	۳۷۹۰	۱۷	۰
کردستان	۲۴۶	۲۲۷۰	۱۹۸	۲۱۲۹	۴۷	۱۴۲
کرمان	۸۳۷	۵۷۷۸	۷۲۸	۵۲۷۵	۱۰۹	۵۰۳
کرمانشاه	۱۱۰۹	۴۵۲۶	۸۰۹	۳۸۵۷	۳۰۰	۶۶۹
کهگیلویه	۵۶	۷۵۲	۴۶	۶۳۸	۱۰	۱۱۳
گیلان	۴۰۸	۴۴۵۵	۳۰۸	۳۹۴۵	۱۰۰	۵۱۰
لرستان	۴۷۹	۳۴۶۶	۳۰۲	۲۷۷۱	۱۷۷	۶۹۴
مازندران	۱۴۹۵	۱۸۹۱۰	۱۲۴۹	۱۷۸۰۰	۲۴۶	۱۱۱۰
مرکزی	۶۱۶	۷۰۴۰	۵۰۵	۶۴۰۴	۱۱۱	۶۳۶
هرمزگان	۴۴	۷۱۰	۳۶	۵۹۹	۸	۱۱۱
همدان	۶۱۱	۴۹۴۵	۵۰۹	۴۷۱۲	۱۰۲	۲۳۳
یزد	۷۵۰	۶۶۹۷	۶۹۵	۶۴۷۷	۵۵	۲۱۹

ماخذ: سالنامه آماری، مرکز آمار ایران سال ۱۳۷۶.

جدول شماره (۶-۱۱): مقدار و ارزش انواع تولیدات مرغداریهای پرورش دهنده مرغ گوشتی (تن - میلیون ریال)

سال	مرغ پرورش یافته		مرغ حذفی		کود		جمع
	مقدار	ارزش	مقدار	ارزش	مقدار m ³	ارزش	
۱۳۶۹	۳۶۰۱۰۱	۱۸۸۳۱۰	۷۳۱۵	۴۸۱۸	۳۵۲۷۳۹	۵۱۸۰	۱۹۷۳۰۸
۱۳۷۲	۴۲۰۴۳۲	۶۹۴۲۷۹	۸۱۶۰	۸۶۲۰	۳۷۸۴۲۶	۸۰۲۰	۷۱۰۹۱۹
۱۳۷۳	۶۱۳۰۲۱	۱۲۷۷۶۷۷	۱۰۸۱۹	۱۴۱۹۳	۵۶۶۳۸۸	۱۶۹۱۴	۱۳۰۸۷۸۴
۱۳۷۵	۸۶۳۸۲۱	۳۰۷۲۸۸۰	۹۹۵۷	۲۵۱۷۸	۷۱۰۳۷۲	۴۰۳۷۴	۳۱۳۸۴۳۲

مأخذ: سالنامه آماری کشور، مرکز آمار ایران.

جداول (۶-۱۲) و (۶-۱۳) نشان دهنده تعداد مؤسسات پرورش دهنده مرغ مادر و تخمگذار و نیز ارزش ناشی شده از آنها طی سالهای ۷۵-۱۳۷۰ می باشد. که جدول (۶-۱۲) حاکی از این است که در سال ۱۳۷۵ در کشور ۱۱۹۳ مؤسسه تولیدی مرغ مادر و تخمگذار با ظرفیتی بالغ بر ۶۰۴۳۳ هزار قطعه مرغ مشغول فعالیت بوده است. میزان تولیدات مرغ مادر در سال ۱۳۷۴ برابر ۵۹۲/۷ هزار تن که ارزشی معادل ۲۹۵/۹ میلیارد ریال داشته است.

اگرچه به دلیل عدم وجود آمار برای ارزش انواع تولیدات مرغ مادر در سال ۱۳۷۵ محاسبه ارزش کل تولیدات مرغ گوشتی، مادر و تخم گذار به طور دقیق میسر نیست ولی می توان گفت بیش از ۴/۳۴۳۴ میلیارد ریال ارزش کل تولیدات این صنعت است که در سالهای ۷۶ و ۷۷ نیز از رشد برخوردار بوده است و می تواند به عنوان پایه مالیاتی مشمول مالیات قرار گیرد.

جدول شماره (۶-۱۲): تعداد و ظرفیت مرغداریهای پرورش دهنده مرغ مادر و تخم‌گذار

(مرغداری - هزار قطعه)

مورد سال	مرغ مادر		مرغ تخم‌گذار		جمع	
	ظرفیت	تعداد	ظرفیت	تعداد	ظرفیت	تعداد
۱۳۷۰	۷۰	۷۰۲۰	۸۸۱	۴۰۴۹۱	۹۵۱	۴۷۵۱۱
۱۳۷۳	۱۳۴	۹۱۵۹	۱۸۸۹	۴۰۸۵	۱۰۲۳	۵۰۰۱۱
۱۳۷۵	۱۷۰	۹۹۳۸	۱۰۲۳	۵۰۴۹۵	۱۱۹۳	۶۰۴۳۳

مأخذ: سالنامه آماری، مرکز آمار ایران، سالهای ۱۳۷۰-۱۳۷۶.

جدول شماره (۶-۱۳): مقدار و ارزش انواع تولیدات مؤسسات پرورش دهنده مرغ مادر

(تن - میلیون ریال)

مورد سال	تخم مرغ خوراکی		نژاد گوشتی		نژاد تخم‌گذار		جمع	
	مقدار	ارزش	مقدار	ارزش	مقدار	ارزش	مقدار	ارزش
۱۳۷۰	۸۲۱۲۳	۲۳۸۳۹	۳۰۶۷۵۴	۵۵۵۰۱	۵۶۳۱۳	۶۷۳۹	۴۴۵۱۹۰	۸۶۰۷۹
۱۳۷۲	۱۴۲۵۷	۱۲۸۰۸	۴۸۲۷۲۷	۱۱۵۲۶۷	۳۵۷۶۱	۵۶۶۲	۵۳۲۷۴۵	۱۳۳۷۳۷
۱۳۷۴	۶۴۷۶	۱۰۰۵۳	۵۲۵۴۹۲	۲۶۰۱۲۶	۶۰۷۶۰	۲۵۷۸۴	۵۹۲۷۲۸	۲۹۵۹۶۳

مأخذ: سالنامه آماری، مرکز آمار ایران، سنوات مختلف.

۹-۶ وضعیت زنبورداری

براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۲، تعداد ۱۰۵۲ هزار کندوی نوع جدید و ۲۹۲ هزار کندوی نوع قدیم در کشور وجود دارد. کندوهای نوع جدید به ۴۵۳۳۶ بهره بردار و کندوهای نوع قدیم به ۲۵۱۴۱ بهره‌بردار تعلق دارند. متوسط تولید عسل هر کندوی نوع جدید ۸ و نوع قدیم ۴ کیلوگرم است. در جدول (۶-۱۴) تعداد بهره‌برداری، تعداد کندو و میزان تولید ارائه شده است.

جدول شماره (۶-۱۴): تعداد بهره برداری و کندو و میزان تولید عسل (بهره برداری - تن)

مورد سال	کل			کندوی نوع جدید	
	تعداد بهره برداری	تعداد کندو (هزار کندو)	مقدار تولید	تعداد بهره برداری	تعداد کندو (هزار کندو)
۱۳۶۷	۵۹۷۰۰	۱۰۹۱	۷۶۴۰	۳۱۰۰۰	۸۱۹
۱۳۷۲	۷۰۴۷۷	۱۳۴۴	۹۲۷۹	۴۵۳۳۶	۱۰۵۲
					۶۷۱۵
					۸۲۱۰

مأخذ: سرشماری عمومی کشاورزی سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۷۲ - مرکز آمار ایران.

۱۰-۶ وضعیت پرورش پيله ابريشم

براساس سرشماری عمومی کشاورزی تعداد ۷۳۹۱۵ بهره بردار پرورش دهنده کرم ابریشم در کشور وجود دارد که با پرورش ۱۴۲۹۴۰ جعبه تخم نوغان مقدار ۳۵۸۵۵۳۷ کیلوگرم پيله توليد کرده‌اند. اطلاعات مربوط به این فعالیت برحسب تعداد بهره برداری، تعداد جعبه تخم نوغان در جدول شماره (۶-۱۵) ارائه شده است.

جدول شماره (۶-۱۵): تعداد بهره برداری و جعبه نوغان و میزان تولید پيله ابريشم

سال	تعداد بهره برداری (بهره بردار)	تعداد جعبه (هزار)	مقدار تولید پيله (تن)
۱۳۶۷	۵۶۰۰۰	۱۰۷	۲۵۳۷
۱۳۷۲	۷۳۹۱۵	۱۴۳	۳۵۸۵

مأخذ: پیشین.

۱۱-۶ بررسی وضعیت قیمت فرآورده‌های پروتئینی

الف) گوشت قرمز

براساس جدول شماره (۶-۱۶) میانگین قیمت گوشت قرمز طی سالهای (۷۶-۱۳۷۱)

همواره روند صعودی داشته و از ۳۹۹۶/۶ ریال در سال ۱۳۷۱ به ۱۱۳۲۵/۸ ریال در سال ۱۳۷۶ رسیده است.

ب) گوشت مرغ

برای مرغ دو قیمت وجود دارد یکی قیمت مرغ زنده و دیگری قیمت مرغ آماده طبخ. طی سالهای ۷۶-۱۳۷۱ قیمت هر دو نوع آن از روند صعودی برخوردار بوده و قیمت مرغ زنده و آماده طبخ به ترتیب از ۱۵۵۶ و ۱۹۸۱/۶ ریال در سال ۱۳۷۱ به ۳۹۱۲ و ۵۸۰۷ ریال در سال ۱۳۷۶ رسیده است (جدول شماره ۶-۱۶).

ج) قیمت شیر

شیر یکی دیگر از فرآورده‌های پروتئینی است که قیمت آن همواره در حال افزایش بوده است و از ۳۰۷ ریال در سال ۱۳۷۱ به ۹۵۰ ریال در سال ۱۳۷۶ افزایش یافته است (جدول شماره ۶-۱۶).

جدول شماره ۶ (۱۶-۶): قیمت انواع فرآورده‌های پروتئینی (ریال)

مورد	سال	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
گوشت قرمز (میانگین)	۳۹۹۶/۶	۴۷۶۴/۲	۵۵۸۱/۵	۸۶۵۷/۸	۱۱۲۹۲/۷	۱۱۳۲۵/۸	
گوشت مرغ زنده	۱۵۵۶	۱۷۲۶/۶	۲۰۴۹/۴	۲۹۸۴	۳۵۶۹/۵	۳۹۱۲	
شیر	۳۰۷	۳۹۱	۴۸۱	۶۳۸	۸۷۸	۹۵۰	
عسل	---	---	---	---	---	---	۱۲۰۰۰

مأخذ: معاونت طرح و برنامه، وزارت جهاد سازندگی.

۱۲-۶ وضعیت شرکتهای بزرگ دولتی در بخش کشاورزی

یکی دیگر از معیارها برای مشمول مالیات نمودن قسمتهای پر درآمد زیر بخش زراعت و دامپروری، سودآوری بالای شرکتهای دولتی و کشت و صنعت هاست. همانطور که جدول نشان می‌دهد این شرکتها براساس آنچه در عملکرد سال ۱۳۷۶ (با

توجه به وضعیت خشکسالی) آمده است دارای سود آوری بوده و این سود می تواند به عنوان معیار فعالیت آنان مدنظر قرار گرفته و مشمول مالیات شود.

جدول شماره (۶-۱۷): عملکرد بودجه شرکتهای دولتی مربوط به بخش کشاورزی (میلیون ریال)

ردیف	نام شرکت	سال	درآمد	هزینه	سود
۱	کشاورزی و دامپروری سفیدرود	۷۵	۳۸۳۴۳	۳۷۰۶۹	۱۲۷۴
		۷۶	۳۷۰۹۰	۳۶۷۱۳/۶	۳۷۶/۴
۲	کشت و صنعت و دامپروری دامغان	۷۵	۱۶۵۷۵۸	۱۵۶۸۰۵	۸۹۵۳
		۷۶	۱۳۴۴۲۸	۱۲۸۷۳۹	۵۶۸۸
۳	کشت و صنعت و دامپروری بهشتی	۷۵	۲۱۰۴۹	۱۸۸۳۱	۲۲۱۸
		۷۶	۱۶۰۷۱	۱۰۹۳۰	۵۱۴۱
۴	کشت و صنعت نیشکر هفت تپه	۷۵	۷۶۷۷۹	۷۰۹۱۶	۵۸۶۳
		۷۶	۱۱۰۴۹۹	۱۴۰۶۴۱	۳۰۱۴۲

مأخذ: گزارش اقتصادی سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶، سازمان برنامه و بودجه.

۱۳-۶ محاسبه ظرفیت بالقوه زیربخش دامپروری و نحوه وصول مالیات

با توجه به اینکه در چند سال اخیر گاوداریهای صنعتی و مرغداریها دچار تحول شده و کاملاً به صورت یک بنگاه اقتصادی عمل می کنند و قیمت آنها در بازار تعیین

می‌شود و هیچگونه محدودیت قیمتی برای آنها وجود ندارد و آنها با در نظر گرفتن یک سود معقول اقدام به فروش محصولات خود می‌نمایند (افزایش قیمت گوشت قرمز، مرغ و شیر دلیل این واقعیت است) و نیز در مقایسه با دیگر مشاغل پرداخت کننده مالیات از سطح درآمد بالایی برخوردار هستند و آنها از خدمات دولتی هم استفاده می‌کنند. بنابراین معقول آن است که از آنها مالیات دریافت شده و معافیت آنها حذف گردد.

همانطور که قبلاً ذکر شد شرط لازم برای اخذ مالیات این است که بایستی منابع بالقوه وجود داشته باشد که در اینجا وجود دارد و شرط کافی این که اخذ مالیات مقرون به صرفه بوده و با سیاستهای دولت همخوانی داشته باشد. شرط کافی هم عملاً وجود دارد چون واحدها به راحتی قابل شناسایی هستند و به راحتی می‌توانیم آنها را در تور مالیاتی وارد کنیم و از نظر همخوانی با سیاستهای دولت چون سیاست در زمینه خودکفایی این محصولات بوده و امروز این امر محقق شده، بنابراین هدف درآمدی و تخصیص بهینه منابع برای دولت اهمیت بیشتری پیدا کرده و مالیات به عنوان یکی از ابزارهای قوی در این مورد عمل می‌کند.

اما باید چگونه از آنها مالیات گرفته شود چون این واحدها ملزم به نگهداری دفاتر حسابداری برای ثبت عملکرد خود نیستند منطقی‌ترین راه در قدم اول مالیات بر ارزش یا مقطوع می‌باشد که اولاً به راحتی قابل وصول است و ظرفیت آن می‌تواند مورد محاسبه قرار گیرد و ثانیاً بعد از شناسایی حدود عملکرد آنها در یکی دو سال اول از آنها می‌توان مالیات بر درآمد اخذ نمود. چگونگی دقیق اخذ مالیات و میزان آن با توجه به شرایط جغرافیایی کشور نیاز به تحقیق جامع دیگر دارد و از چارچوب این طرح خارج است.

آنچه قابل تصور است اینکه بهترین راه وضع مالیات بر کشاورزی، مالیات بر فروش می‌باشد. ابتدا باید تصور گرفتن مالیات را برای افرادی که در این بخش مشغول فعالیت

هستند و از درآمد بالایی برخوردارند ایجاد نمود و آن را به صورت تدریجی بکار گرفت (حذف اثرات روانی) و بعد مالیات به صورت درصدی از قیمت فروش بر روی محصولات انتخابی آن وضع نمود.

در زیربخش دامپروری این قسمتها می توانند مشمول مالیات بشوند،

۱. **گاوداریهای صنعتی:** در سال ۱۳۷۵ تعداد کل گاوداریهای صنعتی فعال ۹۰۴۲ و ظرفیت کل آنها ۹۶۲۲۲۸ راس می باشد که ۵۳۹۹۳۷ راس گاو و گوساله در این گاوداریها وجود داشته است. اگرچه مجموع ارزش ایجاد شده در این گاوداریها در دسترس نیست ولی ارزش ایجاد شده در گاوداریهای صنعتی تولید کننده شیر که حدود ۸۰ درصد کل می باشد ۵۳۱/۴ میلیارد ریال بوده که می تواند به عنوان مبنای مالیاتی مد نظر قرار گیرد.

۲. **مرغداریهای صنعتی:** در سال ۱۳۷۶ تعداد ۱۲۹۵۰ مرغداری فعال پرورش دهنده مرغ گوشتی با ظرفیت ۱۵۳۳۳۶ هزار قطعه همچنین در سال ۱۳۷۵ تعداد ۱۱۹۳ مرغداری پرورش دهنده مرغ مادر و تخم گذار با ظرفیت ۶۰۴۳۳ هزار قطعه مشغول فعالیت بوده اند. طبق آخرین آمار موجود سال ۱۳۷۵ ارزش ایجاد شده مرغداریهای گوشتی ۳۱۳۸/۴ میلیارد ریال و ارزش تولیدات مؤسسات پرورش دهنده مرغ مادر در سال ۱۳۷۵ بالغ بر ۲۹۵/۹ میلیارد ریال بوده است. به طور کلی جمع ارزش ایجاد شده در مرغداریهای صنعتی ۳۴۳۴/۳ میلیارد ریال بوده که می تواند به عنوان مبنای مالیاتی مد نظر قرار گیرد.

۳. **زنبررداری نوع جدید:** طبق آخرین سرشماری عمومی کشاورزی در سال ۱۳۷۲ تعداد ۱۰۵۲ هزار کندو نوع جدید در کشور وجود داشته که از آنها ۸۲۱۰ تن عسل بدست آمده است که ارزشی معادل ۸/۲ میلیارد ریال داشته است و با توجه به رشدی که در سالهای اخیر وجود داشته مبنای مالیاتی نسبتاً خوبی در این قسمت وجود دارد که می تواند مشمول مالیات قرار گیرد (کندوهای سنتی به دلیل بازدهی پایین و عدم دسترسی به آمار آن همچنان معاف می باشد).

۴. پرورش پيله ابريشم: طبق آخرين سرشماری ۳۵۸۵ تن پيله ابريشم در سال ۱۳۷۲ توليد شده است ولی به دليل عدم دسترسي به قيمت آن ارزش را نمی توان مشخص نمود. ولی به عنوان یک مبنای بالقوه مطرح است.

با توجه به تجارب کشورها مبنی بر اینکه می توان از بخش کشاورزی مالیات بر فروش وصول نمود. براین اساس میزان ارزش ایجاد شده پیشنهادی ۳۹۷۳/۹ میلیارد ریال است که اگر با نرخ ۱۰ درصد مشمول مالیات شود، درآمدی مالیاتی حدود ۳۹۷/۴ میلیارد ریال بدست خواهد آمد.

۷ بررسی معافیت زیر بخشهای شیلات و جنگلداری

الف (شیلات:

۷-۱ مقدمه

شیلات یکی از زیر بخشهای گروه کشاورزی است که طبق قانون مالیاتهای مستقیم، عملکرد و فعالیتهای آن از شمول مالیات مستقیم معاف است. در این قسمت سعی می شود ضمن شناسایی ساختار و وضعیت موجود شیلات در کشور، تا حد امکان لزوم یا عدم لزوم وجود معافیههای مالیاتی در مورد این بخش از کشاورزی بررسی شود. ماهی و آبزیان در بیشتر کشورهای جهان، به ویژه کشورهای که به آبهای آزاد دسترسی دارند در تأمین مواد پروتئینی جهت تغذیه مردم سهم بسزایی دارند و بهره

بررداری از منابع دریایی با استقبال مردم از مصرف این ماده غذایی و پیشرفت تکنولوژی گسترش قابل ملاحظه‌ای نموده است. اما در ایران با وجود منابع بسیار غنی آبزیان در آبهای جنوب و شمال کشور، بهره برداری از این منابع به نحو مطلوبی صورت نمی‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از ۱۸۰۰ کیلومتر مرز آبی در سواحل دریای عمان و خلیج فارس و ۹۰۰ کیلومتر مرز با دریای خزر و امکانات مناسب آبی و خاکی در داخل کشور، ظرفیت قابل توجهی برای تولید و صید آبزیان در اختیار دارد که متأسفانه این منابع مورد بهره برداری کامل قرار نمی‌گیرد. همچنین الگوی مصرف گوشت در جامعه به گونه‌ای است که تمایل مردم بیشتر به مصرف گوشت قرمز و گوشت مرغ است و میزان مصرف گوشت ماهی در سطح پایینی قرار دارد. از سوی دیگر قیمت نسبتاً بالای محصولات دریایی نیز موجب شده است که میزان مصرف این محصولات در سطح کشور از متوسط مصرف بین المللی کمتر باشد.

در چند دهه اخیر با تشکیل شرکت سهامی ایران، کلیه فعالیتهای شیلات در قالب دو بخش عمده انجام شده است. یک بخش شامل فعالیتهای دولت در قالب شرکت سهامی شیلات ایران می‌باشد و بخش دیگر فعالیتهای بخش خصوصی که مجموعه‌ای از صیادان، سرمایه‌گذاران، صاحبان مزارع تکثیر و پرورش ماهی است، در بر می‌گیرد. در حال حاضر شرکت سهامی شیلات ایران در واقع نقش متولی بخش شیلات کشور را ایفا می‌نماید و در کنار وظیفه صید، استحصال و صادرات خاویار، عهده دار برنامه ریزی، سیاستگذاری و توسعه زیر بخش شیلات نیز می‌باشد و هر ساله آمار و اطلاعات مربوط به نحوه عملکرد و میزان صید، سرمایه‌گذاری و اشتغال در بخش شیلات از سوی این شرکت منتشر می‌شود. بررسی آن قسمت از بخش شیلات که زیر نظر شرکت سهامی شیلات و یا توسط تعاونیهای صیادی زیر نظر وزارت تعاون انجام می‌گیرد، امکان‌پذیر است. اما متأسفانه در مورد آن قسمت از فعالیتهای شیلات که توسط بخش خصوصی خرده پا به ویژه صیادان محلی در نقاط شمالی و جنوبی کشور صورت می‌گیرد آمار و

اطلاعات دقیق و قابل استنادی وجود ندارد. از همین رو در این قسمت بررسی فعالیتهای زیر بخش شیلات با توجه به نحوه فعالیت شرکت سهامی شیلات و تغییرات انجام شده در ساختار این شرکت، صورت می گیرد. ابتدا مروری بر جایگاه شیلات در بخش کشاورزی انجام می شود و در ادامه نحوه فعالیت، سیاستها و عملکرد آن مورد تحلیل قرار می گیرد. سپس با توجه به وضعیت کلی بخش شیلات، زمینه وصول مالیات بر فعالیتهای این بخش و یا ادامه معافیت مالیاتی آن بررسی می شود. در قسمت بعد وضعیت جنگلداری و نحوه برخورد با آن مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

۷-۲ جایگاه شیلات در بخش کشاورزی

فعالتهای بخش کشاورزی در اقتصاد کشور شامل زیر بخشهای زراعت، دامپروری و شکار، جنگلداری و شیلات (صید و ماهیگیری) می باشد. درصد بالای از میزان تولید و ارزش افزوده بخش کشاورزی در کشور مربوط به فعالتهای زراعت و دامپروری می شود و این گونه فعالیتهای قسمت اصلی بدنه کشاورزی را تشکیل می دهند و میزان تولید و ارزش افزوده ایجاد شده در بخش شیلات در مقایسه با زراعت و دامپروری اندک است. فعالتهای صید و ماهیگیری بیشتر در نواحی شمال و جنوبی کشور متمرکز می باشد و از دیر باز به صورت سنتی انجام می شود. صید صنعتی به طور گسترده در کشور سابقه چندانی ندارد از همین رو میزان تولید و ارزش افزوده شیلات در مقایسه با سایر بخشهای کشاورزی بسیار کم می باشد. جدول شماره (۷-۱) آمار تولید، هزینه واسطه و ارزش افزوده انواع فعالتهای کشاورزی را طی سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۴ نشان می دهد.^(۱)

همانگونه که در جدول شماره (۷-۱) مشاهده می شود ارزش تولید و ارزش افزوده

۱. آمار موجود در این زمینه تنها تا سال ۱۳۷۴ است.

شیلات از روند افزایشی طی سالهای ۷۴-۱۳۶۷ برخوردار بوده است و این روند افزایشی از سال ۱۳۷۱ شدت بیشتری یافته است.

با وجود روند افزایشی ارزش تولید شیلات، این بخش همواره دارای سهم اندکی در کل تولیدات کشاورزی بوده است. به طوری که در بهترین سالها که تولید شیلات افزایش یافته است، سهم شیلات از کل تولیدات کشاورزی حتی به ۰/۵ درصد نیز نمی‌رسد و سهم آن همواره کمتر از ۰/۴ درصد تولیدات کشاورزی بوده است (جدول شماره (۱-۷)). این امر حاکی از این واقعیت است که با وجود منابع بالقوه آبیان در نواحی شمال و جنوب کشور، همواره بخش شیلات در اقتصاد کشور از اهمیت نسبی بسیار پایین برخوردار بوده است. در حالی که بهره برداری مناسب از منابع بالقوه در این بخش می‌تواند موجب رشد چشمگیر بخش شیلات و کشاورزی کشور گردد. همچنین لازم به توضیح است که افزایش شدید ارزش تولیدات و ارزش افزوده بخش شیلات از سال ۱۳۷۲ تنها ناشی از افزایش میزان و حجم تولیدات نمی‌باشد. بلکه بخشی از افزایش ارزش تولیدات مربوط به تورم و افزایش قیمت محصولات دریایی می‌باشد.

نکته حائز اهمیت دیگر در مورد بخش شیلات بالا بودن سطح هزینه‌های واسطه‌ای در این زیر بخش نسبت به سایر فعالیتهای بخش کشاورزی می‌باشد. همانگونه که در جدول شماره (۱-۷) مشاهده می‌شود، درصد سهم هزینه‌های واسطه بخش شیلات از کل هزینه‌های واسطه‌ای بخش کشاورزی در مقایسه با درصد سهم تولید آن بیشتر است و این سهم در سال ۱۳۷۴ نزدیک به ۰/۸ درصد می‌باشد.

در سال ۱۳۷۴ در بخش زراعت برای ایجاد تولیدات به ارزش ۳۰۵۵۳/۵ میلیارد ریال حدود ۵۷۰۶/۸ میلیارد ریال هزینه واسطه صرف شده است در حالی که در همین سال در بخش شیلات برای ایجاد تولیدات به ارزش ۲۰۲/۲ میلیارد ریال نزدیک به ۸۲ میلیارد ریال هزینه واسطه‌ای صرف شده است. به عبارت دیگر تولید محصولات به ارزش یک میلیارد ریال در بخش زراعت مستلزم صرف ۱۸۶/۸ میلیون ریال هزینه

واسطه‌ای است و در بخش شیلات برای تولید محصول به ارزش یک میلیارد ریال باید ۴۰۵ میلیون ریال هزینه گردد و همین امر موجب گردیده که ارزش افزوده بخش شیلات، با وجود افزایش نسبی تولید، در سطح پایینی نسبت به سایر فعالیت‌های کشاورزی قرار بگیرد. در واقع در فعالیت‌های صید و ماهیگیری درصد بالایی از ارزش تولید مربوط به هزینه واسطه می‌باشد. به طوری که در سال ۱۳۷۴ از ۲۰۲/۲ میلیارد ریال ارزش تولیدات این بخش، ۸۱/۹ میلیارد ریال (۴۱ درصد) مربوط به هزینه‌های واسطه و فقط ۱۲۰/۳ میلیارد ریال (۵۹ درصد) مربوط به ارزش افزوده می‌باشد. در حالی که در همین سال سهم ارزش افزوده از کل ارزش تولید در بخش‌های زراعت، دامپروری و جنگلداری به ترتیب برابر با ۸۱، ۷۶ و ۹۳ درصد می‌باشد.

جدول شماره (۷-۱): ارزش تولید، هزینه واسطه و ارزش افزوده شیلات و سهم آن از کل بخش کشاورزی (میلیارد ریال)

شرح	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴
ارزش تولید کشاورزی:	۷۰۹۲/۹	۹۰۱۰/۰	۱۱۱۷۹/۴	۱۵۱۲۱/۳	۱۹۴۶۷/۴	۲۳۵۵۷/۴	۳۴۳۸۵/۰	۵۰۵۴۶/۰
شیلات	۲۵/۲	۲۶/۷	۳۴/۴	۴۰/۰	۶۱/۳	۸۰/۴	۱۱۳/۶	۲۰۲/۲
درصد سهم تولید ماهیگیری از کل تولید	۰/۳۶	۰/۳	۰/۳۱	۰/۲۶	۰/۳۱	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۴۰
هزینه واسطه فعالیتهای کشاورزی:	۱۸۸۴/۲	۲۳۴۰/۱	۲۷۶۰/۳	۳۸۹۹/۷	۴۰۷۵/۴	۵۱۱۲/۲	۷۱۱۲/۲	۱۰۴۵۵/۰
ماهیگیری	۱۱/۱	۱۲/۰	۱۵/۳	۱۷/۸	۲۷/۳	۳۵/۸	۵۰/۶	۸۱/۹
درصد سهم هزینه ماهیگیری از کل هزینه	۰/۵۹	۰/۵۱	۰/۵۵	۰/۴۶	۰/۶۷	۰/۷۰	۰/۷۱	۰/۷۸
ارزش افزوده کشاورزی:	۵۳۰۸/۷	۶۶۶۹/۹	۸۴۱۹/۱	۱۱۲۲۱/۶	۱۵۳۹۲/۰	۱۹۴۴۶/۱	۲۷۷۷۲/۸	۴۰۰۹۱/۰
ماهیگیری	۱۴/۱	۱۴/۷	۱۹/۱	۲۲/۲	۳۴/۰	۴۴/۶	۶۳/۰	۱۲۰/۳
درصد سهم ارزش افزوده ماهیگیری از کل ارزش افزوده	۰/۲۷	۰/۲۲	۰/۲۳	۰/۲۰	۰/۲۲	۰/۲۳	۰/۲۳	۰/۳۰

منابع: سالنامه آماری کشور، سالهای ۱۳۷۲، ۱۳۷۳ و ۱۳۷۵.

۳-۷ میزان صید و تولید آبزیان در کشور

قسمت عمده صید و تولید آبزیان در مرزهای آبی جنوبی و شمالی کشور صورت می‌گیرد و مابقی میزان تولیدات مربوط به آبهای داخلی کشور است که با توسعه و گسترش مزارع و حوضچه‌های پرورش ماهی به ویژه در سالهای اخیر، میزان تولید آبزیان در آبهای داخلی افزایش یافته است.

جدول شماره (۷-۲) میزان صید و تولید آبزیان را به تفکیک آبهای شمالی، جنوبی و داخلی کشور طی دوره ۷۶-۱۳۶۸ نشان می‌دهد. همانگونه که در این جدول مشاهده می‌شود درصد بالایی از کل میزان صید آبزیان کشور مربوط به آبهای جنوبی کشور می‌باشد. کل تولید و صید آبزیان در کشور از ۳۰۰۶۸۳ تن در سال ۱۳۶۸ به ۳۸۵۲۰۰ تن در سال ۱۳۷۶ رسیده که نزدیک به ۲۸ درصد رشد نموده است.

افزایش صید و تولید بیشتر مربوط به آبهای شمالی و داخلی کشور است. به طوری که میزان صید و تولید آبهای شمال کشور در سال ۱۳۷۶ به ۷۶۲۰۰ تن رسیده است که بیش از ۲/۵ برابر صید در سال ۱۳۶۸ می‌باشد. میزان تولید در آبهای داخلی کشور نیز از ۴۰۴۹۰ تن در سال ۱۳۶۸ به ۶۵۰۰۰ رسیده که نزدیک به ۶۰ درصد رشد نموده است. اما میزان بهره برداری از منابع غنی جنوب کشور از رشد کم و یکنواختی برخوردار بوده است که نشان می‌دهد هنوز از وجود منابع بسیار غنی آبهای جنوبی کشور با وسعت ۱۸۰۰ کیلومتر مرز آبی، استفاده بهینه برای صید آبزیان صورت نمی‌گیرد.

(ت)

جدول شماره (۷-۲): میزان صید و تولید آبریان به تفکیک آبهای جنوب، شمال و داخلی کشور (۷۵-۱۳۶۸)

سال	جمع کل صید و تولید	آبهای جنوب		آبهای شمال		آبهای داخلی	
		میزان صید و تولید	درصد سهم از کل	میزان صید و تولید	درصد سهم از کل	میزان صید و تولید	درصد سهم از کل
۱۳۶۸	۳۰۰۶۸۳	۲۳۹۰۰۰	۷۹	۲۱۱۹۳	۷	۴۰۴۹۰	۱۴
۱۳۶۹	۳۱۵۰۱۸	۲۴۷۰۰۰	۷۸	۲۵۹۷۸	۸	۴۲۰۴۰	۱۴
۱۳۷۰	۳۲۷۷۲	۲۴۸۰۰۰	۷۶	۳۴۵۹۶	۱۰	۴۵۱۳۱	۱۴
۱۳۷۱	۳۵۴۰۱۹	۲۷۱۰۰۰	۷۷	۴۰۵۹۸	۱۱	۴۲۴۲۱	۱۲
۱۳۷۲	۳۶۸۸۸۸	۲۷۲۰۰۰	۷۴	۵۲۷۶۸	۱۴	۴۴۱۲۰	۱۲
۱۳۷۳	۳۵۰۰۰۰	۲۳۵۰۰۰	۶۷	۶۹۷۰۰	۲۰	۴۵۳۰۰	۱۳
۱۳۷۴	۳۸۲۳۰۰	۲۶۵۰۰۰	۶۹	۵۸۳۰۰	۱۵	۵۹۰۰۰	۱۶
۱۳۷۵	۴۰۰۰۲۰	۲۶۰۹۲۰	۶۵	۷۴۱۰۰	۱۹	۶۵۰۰۰	۱۶
۱۳۷۶	۳۸۵۲۰۰	۲۴۴۰۰۰	۶۳	۷۶۲۰۰	۲۰	۶۵۰۰۰	۱۷

منابع: سالنامه آماری کشور، مرکز آمار ایران، سالهای ۱۳۷۵، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۶.

صید ماهی در آبهای جنوب شامل صید ماهیان کفزی، سطحزی درشت و ریز، ماهیان غیر معمول خوراکی و صید ماهیان از آبهای بین المللی می باشد. بیشترین صید مربوط به ماهیان کفزی و سطحزی است که بیش از ۷۰ درصد کل صید آبزیان در آبهای جنوب را تشکیل می دهد. از جمله محصولات مهم آبهای جنوب کشور میگو می باشد که قسمت عمده آن صادر می شود و کمتر وارد بازارهای داخلی می شود.

صید ماهی در آبهای شمال شامل ماهیان استخوانی (ماهی سفید، کفال، کپور و آزاد)، ماهی کیلکا و ماهیان خاویاری می باشد. با ارزش ترین محصول آبهای شمال کشور خاویار است که از اقلام مهم صادرات غیر نفتی کشور محسوب می شود.

بهره برداری از آبهای داخلی کشور نیز شامل تکثیر و پرورش مصنوعی انواع ماهی در مزارع پرورش ماهی در استانهای مختلف کشور و تولید در آبهای طبیعی و نیمه طبیعی می باشد. مهمترین گونه های که تاکنون در این بخش پرورش یافته اند عبارتند از: کپور ماهی، آمور و قزل آلا. میزان بهره برداری از منابع طبیعی و غیر طبیعی در چند سال اخیر افزایش یافته است.

۷-۴ صادرات فرآورده های آبی

صادرات فرآورده های آبی از جمله صادرات غیر نفتی کشور است که قلم عمده آن را صادرات خاویار تشکیل می دهد. خاویار استحصال شده از ماهیان خاویاری دریای خزر بهترین خاویار دنیا می باشد و به مروراید سیاه شهرت دارد.

جدول شماره ۷-۳ ارزش صادرات فرآورده های آبی را به تفکیک صادرات از آبهای شمال و جنوب کشور طی سالهای ۷۴-۱۳۶۸ نشان می دهد. همانگونه که در این جدول مشاهده می شود طی سالهای مورد بررسی درصد بالایی از صادرات آبزیان مربوط به محصولات دریای خزر و آبهای شمال کشور می باشد. به طوری که در سال ۱۳۷۴ نزدیک به ۹۰ درصد صادرات از آبهای شمالی صورت گرفته است

که بیشتر مربوط به ارزش خاویار صادراتی می باشد.
پس از خاویار، میگو از مهمترین اقلام آبیان صادراتی ایران است که درصد بالایی از مالیات آبهای جنوب کشور را تشکیل می دهد.

جدول شماره (۷-۳): ارزش صادرات فرآورده های آبی ۷۴-۱۳۶۸ میلیون دلار

شرح	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴
جنوب	۶/۰۷۵	۷/۰۷۲	۶/۲۱	۱۰/۵۷۵	۱۲/۳۷۲	۱۹/۲۴	۴/۶۳
شمال	۴۲/۹۰۸	۵۶/۵۴۶	۵۵/۱۴۸	۴۴/۸۱	۳۲/۴۲۴	۳۲/۶۹۵	۴۰/۲۲
جمع	۴۸/۹۸۳	۶۳/۶۱۸	۶۱/۳۸۵	۵۵/۳۸۶	۴۴/۷۹۶	۵۱/۹۳۵	۴۴/۸۵

منبع: آمارنامه شیلات ایران طی سالهای برنامه اول توسعه و سالهای ۷۳ و ۱۳۷۶، شرکت سهامی شیلات ایران.

۷-۵ سرمایه گذاری در بخش شیلات

سرمایه گذاری در زیر بخش شیلات از منابع مختلفی تأمین می شود. اما از آنجا که شرکت سهامی شیلات ایران یک شرکت دولتی می باشد و قسمت اعظم فعالیتهای ماهیگیری صنعتی از طریق این شرکت انجام شده است، این شرکت در واقع متولی بخش شیلات است. از همین رو قسمت عمده سرمایه گذاری انجام شده در بخش شیلات از منابع دولتی و از بودجه دولت تأمین می شود.

جدول شماره (۷-۴) میزان سرمایه گذاری را در زیر بخش ماهیگیری به تفکیک منابع عمده تأمین اعتبار طی سالهای ۷۶-۱۳۶۸ نشان می دهد. سرمایه گذاری در شیلات عمدتاً از محل اعتبارات بانکی، از محل منابع داخلی، از محل پس انداز خصوصی و از محل کل اعتبارات انجام می شود. همانگونه که در جدول شماره (۷-۴) نیز مشاهده می شود بیشترین میزان سرمایه گذاری از شیلات از محل کل اعتبارات انجام شده است. به طوری که در اغلب سالهای مورد بررسی حدوداً ۵۰ درصد از سرمایه

گذاریها از محل کل اعتبارات صورت گرفته است. همچنین بخش دیگری از سرمایه گذاری در بخش ماهیگیری و شیلات از محل بودجه عمومی دولت صورت گرفته است. طی سه سال برنامه دوم (۷۶-۱۳۷۴) بیش از ۳۳۷ میلیارد ریال از محل بودجه عمومی دولت در شیلات سرمایه گذاری شده است که حدود ۳۰ درصد از کل سرمایه گذاری در بخش شیلات را تشکیل می دهد.

بخش دیگر سرمایه گذاری در شیلات از محل اعتبارات بانکی و به موجب تسهیلات تکلیفی انجام می شود. طی سالهای برنامه اول ۶/۲۲۵ میلیارد ریال از محل اعتبارات بانکی در شیلات سرمایه گذاری شده است. طی سه سال اول برنامه دوم (۷۶-۱۳۷۴) نیز معادل ۳/۲۵۹ میلیارد ریال از اعتبارات بانکی به سرمایه گذاری در زیر بخش شیلات اختصاص یافته است.

همانگونه که اشاره شد طی سالهای مورد بررسی قسمت اعظم سرمایه گذاری در شیلات از محل کل اعتبارات، اعتبارات بانکی و بودجه عمومی دولت تأمین شده است و سهم سرمایه گذاری از محل پس انداز خصوصی و منابع داخلی شرکت سهامی شیلات در کل سرمایه گذاری بسیار اندک است. البته در ابتدای برنامه اول توسعه (سال ۱۳۶۸) سرمایه گذاری از محل منابع داخلی نسبتاً در سطح بالاتری بوده است و بیش از ۲۲ درصد کل سرمایه گذاری شیلات در آن سال از طریق منابع داخلی تأمین شده است. بعد از سال ۱۳۶۸ نقش منابع داخلی در تأمین منابع لازم برای سرمایه گذاری کاهش یافته و مبالغ کمی از منابع داخلی به امر سرمایه گذاری اختصاص یافته است. به طوری که در سال ۱۳۷۶ فقط ۵۶۰۶ میلیون ریال از این محل سرمایه گذاری شده که کمتر از ۲ درصد کل سرمایه گذاری در شیلات را تشکیل می دهد.

همچنین پس انداز خصوصی نیز در ابتدای برنامه اول توسعه نقش مهمتری در تأمین منابع سرمایه گذاری در شیلات داشته است. در سال ۱۳۶۸ در شروع برنامه معادل ۲۳۸۵۹ میلیون ریال از محل پس انداز خصوصی در شیلات سرمایه گذاری شده که

بیش از ۱۸ درصد کل سرمایه گذاری در شیلات بوده است. سرمایه گذاری از محل پس انداز خصوصی تا سال ۱۳۷۰ روند صعودی داشته است اما پس از آن، میزان سرمایه گذاری از این محل و سهم آن در کل سرمایه گذاری شیلات کاهش یافته است. در سال ۱۳۷۶ با آنکه ۲۴۲۷۶/۸ میلیون ریال از محل پس انداز خصوصی سرمایه گذاری شده اما این رقم فقط ۵ درصد کل سرمایه گذاری را تشکیل می دهد و قسمت عمده سرمایه گذاری از طریق اعتبارات دولتی انجام شده است.

۶-۷ خصوصی سازی شیلات

از ابتدای سیاست خصوصی سازی تا کنون طبق ضوابط و مقررات موجود نسبت به واگذاری مجتمع های برودتی، کارگاههای تکثیر و پرورش و لنج سازی، ماشین آلات فنی و تأسیسات برودتی و شناورهای صیادی (بدون مجوز صید) اقدام شده است که در ادامه روند موجود در طول برنامه سوم نیز قرار است که ضمن واگذاری واحدهای باقی مانده، امور تصدی گری در بنادر صیادی قدیم و جدید الاحداث، کلیه امور خدماتی و پشتیبانی در مرکز و واحدهای تابعه از قبیل امور رفاهی کارکنان، امور مربوط به دبیرخانه، نامه رسانی، حمل و نقل،... نیز در قالب مدیریت های پیمانی، اجاره های طویل المدت و برحسب مورد اجاره به شرط تملیک به بخش های غیر دولتی به ویژه شرکت ها و تعاونیهای متشکل از نیروهای شاغل در شیلات واگذار شود.

تاکنون ۷۹ واحد مختلف در قالب مجتمع های پرورش ماهی و کارخانه های کنسرو سازی، کارگاهها، ماشین آلات، شناورها و ساختمانهای مختلف شرکت سهامی شیلات به بخش غیر دولتی واگذار شده است. جدول شماره (۷-۵) تعداد کل واحدهای واگذار شده شیلات را به تفکیک نوع واحد واگذار شده طی سالهای ۷۷-۱۳۷۱ نشان می دهد.

(میلیون ریال)

جدول شماره (۷-۴): میزان سرمایه گذاری در زیر بخش شیلات به تفکیک منابع تأمین اعتبار (۷۶-۱۳۶۸)

شرح	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
سرمایه گذاری از محل اعتبارات بانکی	۱۱۰۰۷	۱۲۱۱۱۳	۲۴۸۹۷	۲۶۴۸۸	۴۱۷۷۲	۳۰۴۴۰	۴۳۷۱۵	۱۱۱۵۲۱	۱۰۴۰۹۹/۹
سرمایه گذاری از محل منابع داخلی	۲۸۶۹/۶	۱۹۵۷۰	۲۵۵۹۲	۱۲۰۱۳	۷۴۵۵	۴۱۶۵	۹۹۱۱	۲۰۰	۵۶۰۶
سرمایه گذاری از محل بودجه عمومی	۷۸۰	۱۱۷۵۴۹	۱۹۳۰۱	۲۱۷۸۶	۳۴۲۵۰	۸۴۷۴۱	۱۲۱۳۶۸	۱۰۸۴۸۹/۵	۱۰۷۳۴۴
سرمایه گذاری از محل پس انداز خصوصی	۲۳۸۵۹	۲۵۴۵۴	۳۹۳۳۲	۱۳۴۱۳	۲۶۴۲۹	۱۵۵۲۴	۲۱۴۱۶	--	۲۴۲۷۶/۸
سرمایه گذاری از محل کل اعتبارات	۶۳۸۴۲	۷۴۶۸۶	۱۰۹۱۲۲	۷۳۷۰۰	۱۰۹۹۰۶	۱۳۳۸۷۰	۱۹۶۴۱۰	--	۲۴۱۳۲۶/۸
جمع کل	۱۲۷۶۸۴	۲۵۸۳۷۲	۲۱۸۲۴۴	۱۴۷۴۰۰	۲۱۹۸۱۲	۲۶۹۷۴۰	۳۹۲۸۲۰	۲۲۰۲۱۰/۵	۴۸۱۶۵۳/۵

منبع: سالهای ۷۵-۱۳۶۸: از «جهاد سازندگی در آینده آمار ۱۳۷۵» وزارت جهاد سازندگی.

سال ۱۳۷۶: دفتر طرح و توسعه، شرکت سهامی شیلات ایران.

۷-۸ تعاونیهای صیادی

بخشی از فعالیت‌های صیادی و ماهیگیری در شمال و جنوب کشور در قالب تعاونیهای صیادی انجام می‌شود. این تعاونیها ابتدا زیر نظر وزارت جهاد سازندگی کار می‌کردند که پس از تشکیل وزارت تعاون به عنوان بخشی از شرکتهای تعاونی به وزارت تعاون منتقل شدند.

نحوه فعالیت و تعداد این تعاونیها در شمال کشور در استانهای گیلان و مازندران بسیار گسترده است و تقریباً تمامی صیادان این استانها به نحوی زیر نظر تعاونیهای صیادی فعالیت می‌نمایند.

جدول شماره (۷-۵): واحدهای واگذاری شده شیلات به تفکیک سال واگذاری

جمع	واحدهای واگذار شده					سال واگذاری
	ساختمان	شناور	ماشین آلات	کارگاه	مجموع	
۸	--	--		--	۳	۱۳۷۱
۱۱	--	۲	۵	۱	۳	۱۳۷۲
۹	--	۵	۱	--	۳	۱۳۷۳
۱۰	--	۱۰	--	--	--	۱۳۷۴
۱۴	--	۳	۸	۱	۲	۱۳۷۵
۱۱	۱	۴	۶	--	--	۱۳۷۶
۱۶	۲	۴	۵	--	۵	۱۳۷۷
۷۹	۳	۲۸	۳۰	۲	۱۶	جمع

ماخذ: اداره کل سرمایه گذاری و جلب مشارکتهای مردمی، معاونت طرح و برنامه، شرکت سهامی شیلات ایران.

جدول شماره (۶-۷) اطلاعات و آمار تعداد تعاونی‌ها، جامعه صیادی و تعداد صیادان عضو تعاونی را در استانهای مختلف کشور در سال ۱۳۷۷ نشان می‌دهد. طبق آمار مندرج در این جدول نیز می‌توان مشاهده نمود که تقریباً تمامی صیادان استانهای شمالی (مازندران، گلستان و گیلان) عضو تعاونیهای کشور می‌باشند. اما این موضوع در استانهای جنوبی صادق نیست. در استان خوزستان در سال ۱۳۷۷ تنها ۲۴ درصد از جامعه صیادی زیر نظر تعاونیهای صیادی بوده است و تعداد صیادان عضو تعاونی در استانهای بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان به ترتیب برابر با ۲۴، ۲۸ و ۳۲ درصد جامعه صیادی بوده است. به طور کلی تقریباً ۳۴ درصد از کل جامعه صیادی زیر نظر تعاونیهای صیادی کشور فعالیت می‌کنند.

جدول شماره (۶-۷): تعداد تعاونی‌ها، صیادان عضو تعاونی و جامعه صیادی استانهای جنوب و شمال در

سال ۱۳۷۷

نام استان	تعداد تعاونی (شرکت)	صیادان عضو تعاونی	جامعه صیادی (نفر)	نسبت صیادان عضو تعاونی به جامعه صیادی (درصد)
مازندران	۱۰۹	۴۵۳۳	۴۵۳۳	۱۰۰
گلستان	۱۳	۹۹۴	۹۹۴	۱۰۰
گیلان	۱۴۲	۵۷۲۴	۵۷۲۴	۱۰۰
خوزستان	۱۱	۶۳۷۹	۲۴۴۷۸	۲۴
بوشهر	۳۲	۸۲۹۸	۳۴۶۱۱	۲۴
هرمزگان	۳۲	۶۲۱۸	۲۱۹۵۵	۲۸
سیستان و بلوچستان	۱۶	۳۱۰۶	۹۷۵۰	۳۲
جمع کل	۳۵۵	۳۵۲۵۲	۱۰۴۲۴۵	۳۴

منبع: دفتر برنامه ریزی و مطالعات، معاونت صید و امور صیادی، شرکت سهامی شیلات ایران.

۸-۷ شیلات در برنامه اول توسعه

در برنامه اول اهداف کمی برای زیربخش شیلات در نظر گرفته شده بود. جدول شماره (۷-۷) میزان تولید و بهره برداری از آبهای شمال، جنوب و داخل کشور را طبق هدف برنامه و میزان عملکرد آن نشان می دهد. مقایسه میزان تولید و صید در آبهای جنوب، شمال و داخل کشور با میزان هدف مورد نظر برنامه اول نشان می دهد که در سه سال اولیه برنامه درصدی بالایی از اهداف برنامه تحقق یافته است. در آبهای داخلی و جنوبی کشور در سال اول برنامه (۱۳۶۸) بیش از صد درصد هدف برنامه تحقق یافته و میزان تولید و صید در این مناطق از میزان مورد نظر برنامه بیشتر بوده است. در آبهای شمال نیز در سال اول برنامه بیش از ۹۰ درصد هدف برنامه تحقق یافته است. اما در سالهای پایانی برنامه میزان تولید و صید انجام شده از هدف برنامه، کمتر بوده است. به طوری که میزان تولید در آبهای داخلی قرار بود از ۳۳/۷ هزار تن در سال ۱۳۶۷ (قبل از برنامه) به ۱۲۲ هزار تن افزایش یابد اما ارقام موجود در جدول شماره (۷-۷) حاکی از آن است که تولید در آبهای داخلی در سال ۱۳۷۲ به ۴۴/۱ هزار تن محدود گردید و فقط ۳۶/۱ درصد هدف برنامه در این سال تحقق یافته است.

در آبهای جنوبی نیز، میزان صید ماهی در سالهای ۷۲-۱۳۷۱ کمتر از هدف مورد نظر برنامه بوده است. طبق هدف برنامه، میزان صید ماهی در آبهای جنوبی در سال ۱۳۷۲ باید به ۵۶۵ هزار تن می رسد اما فقط ۲۷۲ هزار تن ماهی صید شد و ۴۸/۱ درصد از هدف برنامه تحقق یافت. صید و بهره برداری از آبهای شمال نسبتاً به اهداف برنامه نزدیک بوده و در سالهای پایانی برنامه با افزایش بهره برداری از آبهای شمالی نزدیک به صد درصد هدف برنامه تحقق یافت.

(هزار تن)

جدول شماره (۷-۷): ارزیابی اهداف و عملکرد میزان تولید و صید در زیر بخش شیلات طی سالهای برنامه اول (۷۲-۱۳۶۸)

شرح	میزان مصوب طی سالهای برنامه				عملکرد تولید و صید طی سالهای برنامه				درصد تحقق			
	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲
تولید در آبهای داخلی	۳۹	۴۶/۹	۵۷/۸	۸۰/۳	۱۲۲	۴۰/۵	۴۲	۴۵/۱	۴۲/۴	۸۹/۶	۷۸/۰	۵۲/۸
صید ماهی در آبهای	۲۰۱	۲۲۹	۲۹۶	۳۹۹	۵۶۵	۲۳۹	۲۴۷	۲۴۸	۲۷۱	۱۰۷/۹	۸۳/۸	۶۷/۹
جنوب												
صید و بهره برداری از	۲۳/۴	۲۹/۹	۳۹	۴۹/۲	۵۳	۲۱/۲	۲۶	۳۴/۶	۴۰/۶	۸۷/۰	۸۸/۷	۸۲/۵
آبهای شمال												
۹۹/۶												

منبع: مستندات برنامه دوم توسعه ۷۷-۱۳۷۳، عملکرد برنامه اول توسعه اقتصادی، جلد یازدهم، سازمان برنامه و بودجه.

۷-۹ شیلات در برنامه دوم توسعه

در چارچوب برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۸-۱۳۷۴)، توسعه پایدار ماهیگیری و شیلات و بهره برداری بهینه از منابع و امکانات کشور جهت تأمین بخشی از نیاز پروتئین مردم در قالب ۴ هدف و سیاستهای مربوط به این اهداف مطرح شده است. این چهار هدف عمده عبارتند از^(۱):

۱. افزایش صید و پرورش آبزیان و تأمین بخشی از نیاز پروتئین کشور
 ۲. بالا بردن ارزش افزوده زیر بخش شیلات
 ۳. حفظ، بازسازی و افزایش ذخایر آبزیان
 ۴. کمک به توسعه و عمران مناطق ساحلی کشور و بهبود سطح زندگی در آن مناطق
- از طریق توسعه امکانات در ارتباط با صید و پرورش
- جدول شماره (۷-۸) پیش بینی میزان صید در آبهای شمال و جنوب و داخل کشور را به تفکیک گونه‌های عمده صید طی سالهای برنامه دوم توسعه نشان می‌دهد. طبق پیش بینی برنامه دوم قرار بود که میزان تولید و صید آبزیان از ۳۵۰ هزار تن در سال ۱۳۷۳ (قبل از شروع برنامه) به ۶۸۰ هزار تن در پایان برنامه، افزایش یابد و تقریباً از رشدی معادل ۹۴ درصد برخوردار باشد. اما عملکرد میزان صید و تولید طی سالهای اولیه برنامه (۷۶-۱۳۷۴) نشان می‌دهد که اهداف پیش‌بینی شده برنامه در مناطق جنوب و شمال کشور کاملاً تحقق نیافته است. میزان پیش بینی عملکرد صید و تولید آبزیان و درصد تحقق اهداف برنامه به تفکیک آبهای جنوب، شمال و داخل کشور در سه سال اول برنامه دوم (۷۶-۱۳۷۴) در جدول شماره (۷-۹) ارائه شده است. همانگونه که در این جدول مشاهده می‌شود درصد تحقق اهداف صید و تولید در آبهای شمال کشور طی

۱. آمارنامه شیلات ایران طی برنامه اول توسعه و سالهای ۷۴ و ۱۳۷۳، شرکت سهامی شیلات ایران، ۱۳۷۵.

سه سال ۷۶-۱۳۷۴ به طور متوسط معادل ۸۱ درصد بوده است.

عملکرد شیلات در آبهای داخلی به دلیل توسعه مزارع پرورش ماهی و افزایش بهره‌برداری منابع طبیعی و غیر طبیعی داخل کشور بهتر بوده است، به طوری که در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ بیش از صد درصد اهداف برنامه دوم تحقق یافته است. اما در سال ۱۳۷۶ با کاهش شدید میزان بهره‌برداری از آبهای داخلی میزان تحقق هدف برنامه به ۵۰ درصد نمی‌رسد. در آبهای جنوب کشور نیز در سالهای ۷۶-۱۳۷۴ تقریباً به طور متوسط ۸۰ درصد از پیش‌بینی‌های برنامه دوم تحقق یافته است. به طور کلی طی سه سال اول برنامه (۷۶-۱۳۷۴) میزان تحقق اهداف برنامه دوم در کل آبهای شمال، جنوب و داخل کشور به ترتیب ۹۳/۳، ۸۷/۵ و ۷۲/۴ درصد بوده است که نشان می‌دهد هر سال میزان عملکرد از پیش‌بینی برنامه دورتر شده است.

جدول شماره (۷-۸): پیش‌بینی میزان تولید و صید در آبهای شمال، جنوب و داخل کشور طی برنامه دوم (هزار کیلوگرم)

شرح	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
آبهای شمال	۷۵۰۰۰	۸۵۰۰۰	۹۵۰۰۰	۱۱۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰
آبهای جنوب	۲۸۷۰۰۰	۳۲۰۰۰۰	۳۷۶۰۰۰	۴۱۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰
آبهای داخل	۴۵۰۰۰	۵۲۰۰۰	۶۲۰۰۰	۸۰۰۰۰	۱۱۰۰۰۰
جمع کل تولید و صید	۴۰۷۰۰۰	۴۵۷۰۰۰	۵۳۲۰۰۰	۶۰۰۰۰۰	۶۸۰۰۰۰

منبع: آمار نامه شیلات ایران طی سالهای برنامه اول توسعه و سالهای ۷۴-۱۳۷۳، شرکت سهامی شیلات ایران، ۱۳۷۵.

جدول شماره (۷-۹): درصد تحقق پیش بینی میزان تولید و صید آبیان طی سه سال اول برنامه دوم توسعه (۷۶-۱۳۷۴) (واحد: هزار تن)

شرح	آبهای شمال			آبهای جنوب			آبهای داخل			جمع کل تولید و صید	
	پیش بینی	عملکرد	درصد تحقق	پیش بینی	عملکرد	درصد تحقق	پیش بینی	عملکرد	درصد تحقق	عملکرد	درصد تحقق
۱۳۷۴	۷۵	۵۸/۳	۷۸	۲۸۷	۲۶۵	۹۲/۳	۴۵	۵۹	۱۳۱/۱	۳۸۲/۳	۹۳/۹
۱۳۷۵	۸۵	۷۴/۱	۸۷/۲	۳۲۰	۲۶۰/۹	۸۱/۵	۵۲	۶۵	۱۲۵	۴۰۰	۸۷/۵
۱۳۷۶	۹۵	۷۶/۲	۸۰/۲	۳۷۶	۲۴۴	۶۴/۹	۶۲	۳۰/۲	۴۸/۷	۳۸۵/۲	۷۲/۴

منبع: آمار نامه شیلات ایران طی سالهای برنامه اول توسعه و سالهای ۷۴-۱۳۷۳، شرکت سهامی شیلات ایران، ۱۳۷۵.

۷-۱۰ مالیات و عوارض در بخش شیلات

طبق ماده ۸۱ قانون مالیاتهای مستقیم، کلیه فعالیت‌های ماهیگیری و شیلات به عنوان یکی از زیربخشهای کشاورزی، از پرداخت مالیات بر درآمد معاف می‌باشد. تنها مالیات و عوارضی که از بخش شیلات گرفته می‌شود مالیات بر فروش خاویار و عوارض توقف، ورود و خروج شناورهاست.

طبق ماده ۶۶ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین (مصوب ۱۳۷۳) شرکت سهامی شیلات ایران مجاز است بابت حق توقف، ورود و خروج شناورهای صیادی در بنادر صیادی که با سرمایه‌گذاری شرکت شیلات (اعم از منابع داخلی، ملی و غیره) احداث شده‌اند یا به صورت اجاره در اختیار آن شرکت می‌باشند، همچنین بابت صدور پروانه صید مبالغی را براساس تعرفه‌هایی که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور واریز نماید.

در زمینه مالیاتهای غیر مستقیم نیز فقط یک مورد از بخش شیلات مالیات اخذ می‌شود و آن نیز مربوط به فروش خاویار است. از سال ۱۳۶۳ به موجب تبصره ۶۲ قانون بودجه همان سال، بر فروش خاویار مالیات وضع شد و در درآمدهای دولت منظور گردید. میزان مالیات بر فروش خاویار ابتدا معادل ۱۵ درصد قیمت فروش انواع خاویار بود که در تبصره ۵۶ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ به ۲۰ درصد افزایش یافت.

در حال حاضر درصد بسیار اندکی از کل مالیات بر مصرف و فروش را مالیات بر فروش خاویار تشکیل می‌دهد. جدول شماره (۷-۱۰) میزان وصولی مالیات بر فروش خاویار را طی سالهای ۷۶-۱۳۶۸ نشان می‌دهد.

از آنجا که این مالیات براساس ارزش فروش اخذ می‌شود با افزایش قیمت خاویار، میزان وصول مالیات نیز افزایش می‌یابد. از سال ۱۳۶۸ روند صعودی مالیات بر خاویار با افزایش میزان استحصال و صادرات خاویار و افزایش قیمت آن، افزایش یافته است به

گونه‌ای که میزان وصول آن در سال ۱۳۷۵ به بیش از ۲۹ میلیارد ریال رسیده است که حدود ۲/۴ برابر مالیات سال ۱۳۷۴ می‌باشد و سهم آن در کل مالیات بر مصرف در سال ۱۳۷۵ به ۴/۴ درصد افزایش یافته است.

پرسش بسیار مهم که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا معافیت‌های بخش شیلات، از مالیات‌های مستقیم باید ادامه یابد؟ یا باید بر درآمد حاصل از فعالیت‌های بخش شیلات و ماهیگیری مالیات مستقیم وضع نمود؟ آیا می‌توان در قسمت مالیات‌های غیر مستقیم، فرآورده‌های دریایی بیشتری را مشمول مالیات بر مصرف و فروش نمود؟ به منظور پاسخ به پرسش‌های مطرح شده، ابتدا باید بررسی نمود که اهداف قانون گذار از اعطای معافیت به فعالیت‌های ماهیگیری و شیلات چه بوده و آیا این اهداف طی سالهای گذشته تأمین شده است؟

(میلیون ریال)

جدول شماره (۷-۱۰): مالیات بر فروش خاویار و سهم آن از کل مالیات بر مصرف و فروش (۷۶-۱۳۷۳)

شرح	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
مالیات بر فروش خاویار	۱۰۰۳	۹۰۱	۱۳۸۵	۲۶۰۰	۹۶۳	۶۳۵۲	۱۲۲۹۷	۳۹۰۷۳	۲۵۵۰۰
کل مالیات بر مصرف و فروش	۱۷۸۴۲۰	۲۶۹۰۴۹	۴۱۷۲۹۰	۵۳۸۸۷۳	۳۲۲۲۷۸	۲۵۲۴۱۴	۴۱۴۳۴۹	۶۵۵۲۸۱	۲۰۰۱۳۹۰
درصد سهم مالیات بر فروش خاویار از کل مالیات مصرف و فروش	۰/۶	۰/۳	۰/۳	۰/۵	۰/۳	۱/۸	۳	۴/۴	۱/۳

منبع: سالهای ۷۴-۱۳۶۳: مجموعه آماری، سری زمانی آمارهای اقتصادی و اجتماعی تا سال ۱۳۷۵، سازمان برنامه و بودجه.

سالهای ۷۶-۱۳۷۵: قانون بودجه سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۷.

از جمله اهداف مهم و اصلی قانون گذار در اعطای معافیت فعالیت‌های شیلات و ماهیگیری و تمامی بخش کشاورزی، توسعه این بخش و تشویق سرمایه گذاری در این گونه فعالیت‌ها بوده است. در واقع سعی شده با معافیت بخش کشاورزی از مالیات انگیزه‌ای برای رشد و توسعه بیشتر بخش کشاورزی ایجاد شود. اما متأسفانه روند سرمایه گذاری در شیلات (نگاه کنید به جدول شماره (۷-۴)) نشان می‌دهد که عمده سرمایه گذاری انجام شده در شیلات از محل منابع بودجه عمومی، اعتبارات کل و اعتبارات بانکی به صورت تکلیفی تامین شده است و سهم پس‌انداز خصوصی در کل سرمایه گذاری شیلات بسیار اندک است. در واقع در این بخش نیز مانند اغلب زمینه‌های سرمایه گذاری در ایران، معافیت و مشمولیت مالیاتی عامل مهمی در تصمیم‌گیری سرمایه گذاری به شمار نمی‌رود. از همین رو مهمترین هدف قانونگذار از اعطای معافیت بر بخش شیلات تأمین نشده و فقط قسمتی از درآمدهای بالقوه مالیاتی دولت از دست رفته است. اما باید توجه نمود که حذف معافیت‌های مالیاتی می‌تواند همین میزان کم سرمایه گذاری خصوصی در زمینه شیلات را کاهش دهد. در واقع اگر چه حساسیت سرمایه گذاری خصوصی به معافیت کم بوده است اما احتمال دارد که اخذ مالیات از این بخش حساسیت سرمایه گذار خصوصی را در جهت کاهش میزان سرمایه گذاری افزایش دهد.

البته باید از یک بعد دیگر به موضوع اخذ یا عدم اخذ مالیات بر شیلات و کل فعالیت‌های کشاورزی توجه نمود و آن مسأله بار مالیاتی است که بر دوش مصرف کننده نهایی خواهد بود. اگرچه در حال حاضر اعطای معافیت مالیاتی شیلات موجب تشویق سرمایه گذاری در این بخش نشده است اما به احتمال زیاد حذف معافیت مالیاتی و وضع مالیات بر فعالیت‌های ماهیگیری و شیلات موجب افزایش قیمت نهایی فرآورده‌های دریایی خواهد شد که این افزایش قیمت به میزان کشتش عرضه و تقاضای این فرآورده‌ها بستگی دارد. از سوی دیگر با توجه به پایین بودن سهم هزینه گوشت آبزیان در بودجه

خانوار شهری و روستایی نسبت به گوشت قرمز و مرغ، افزایش قیمت فرآورده‌های دریایی باعث خواهد شد که همین مقدار مصرف گوشت آبزیان نیز از سوی خانواده‌ها کاهش یابد.

جدول شماره (۷-۱۱) متوسط هزینه خالص انواع گوشت را در یک خانوار شهری و روستایی طی سالهای ۷۴-۱۳۶۸ نشان می‌دهد. بیشترین هزینه مربوط به گوشت قرمز می‌باشد به طوری که در سال ۱۳۷۴ هزینه گوشت قرمز حدوداً $\frac{2}{3}$ برابر گوشت مرغ و $\frac{9}{6}$ برابر هزینه گوشت آبزیان در بودجه خانوار بوده است. هزینه گوشت آبزیان در سالهای اخیر در بودجه خانوار افزایش یافته است که نشان دهنده مصرف بیشتر خانوارها از فرآورده‌های دریایی است اما وضع مالیات بر فعالیتها ماهیگیری و شیلات اگر موجب افزایش قیمت فرآورده‌های دریایی شود همین میزان مصرف فعلی نیز کاهش می‌یابد.

همچنین با توجه به افزایش دائمی قیمت گوشت دام و طیور، فرآورده‌های دریایی می‌تواند منبع خوبی برای تأمین پروتئین مورد نیاز خانوارها باشد. اما اگر حذف معافیت‌ها شیلات و ماهیگیری و اخذ مالیات بر این گونه فعالیتها موجب افزایش قیمت نهایی فرآورده‌های دریایی و افزایش بار مالیاتی بر مصرف کننده نهایی گردد، خانواده قادر به جایگزینی گوشت آبزیان با گوشت قرمز و مرغ نیز نخواهند بود و همین امر هزینه گوشت فرآورده‌های دریایی را در بودجه خانوار کاهش می‌دهد.

جدول شماره (۷-۱۱): متوسط هزینه خالص انواع گوشت یک خانوار (۷۴-۱۳۶۸) (ریال)

سال	گوشت دام		گوشت طیور		گوشت آبزیان	
	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی
۱۳۶۸	۲۲۵۹۰	۱۲۷۷۹۱	۴۰۳۹۵	۲۱۰۶۷	۲۲۹۱۳	۱۰۰۹۴
۱۳۶۹	۱۲۸۵۰۲	۱۱۳۹۶۰	۳۱۷۸۱	۳۱۴۲۳	۱۱۹۰۸	۸۵۶۵
۱۳۷۰	۱۷۰۴۹۹	۱۴۰۵۱۸	۵۴۷۰۷	۴۵۳۱۸	۲۱۰۹۴	۱۲۲۳۵
۱۳۷۱	۲۱۰۸۶۵	۱۷۳۴۶	۷۹۰۹۱	۶۰۲۶۲	۲۵۱۱۸	۱۵۵۶۸
۱۳۷۲	۲۵۴۹۹۹	۲۰۱۱۱۰	۱۰۱۹۰۰	۷۴۸۹۸	۲۷۰۷۷	۱۴۹۸۰
۱۳۷۳	۳۱۲۸۹۳	۲۶۱۵۲۵	۱۳۴۸۲۱	۱۰۳۸۶۳	۳۲۳۶۷	۲۱۳۳۲
۱۳۷۴	۴۵۹۰۱۸	۳۸۶۰۹۷	۱۹۸۸۹۱	۱۷۴۱۳۸	۴۷۸۷۳	۳۰۲۹۴

منبع: سالنامه آماری کشور، سالهای مختلف، مرکز آمار ایران.

برای تحلیل و بررسی زمینه اخذ مالیات بر شیلات می توان از درآمد خالص یا ناخالص به عنوان یک معیار و شاخص که نشان دهنده وضعیت درآمدی صیادان برای اخذ مالیات است، استفاده نمود. اما با توجه به آمارها و اطلاعات موجود در بخش شیلات محاسبه درآمد ناخالص و هزینه های دقیق صیادان میسر نیست. از این رو می توان از متوسط ارزش افزوده سرانه هر صیاد در بخش شیلات به عنوان یک شاخص در این زمینه استفاده نمود. به همین منظور ارزش افزوده شیلات را به تعداد صیادان شاغل در جامعه صیادی تقسیم نموده تا متوسط سهم هر صیاد در ایجاد ارزش افزوده بخش شیلات بدست آید.

جدول شماره (۷-۱۲) متوسط سهم هر صیاد را از کل ارزش افزوده بخش شیلات طی سالهای ۷۴-۱۳۶۸ نشان می دهد. آمار و ارقام این جدول نشان می دهد که سهم هر

صیاد از کل ارزش افزوده شیلات در سطح پایینی قرار دارد. اگرچه این سهم در طی سالهای ۷۴-۱۳۶۸ افزایش یافته است، ولی همچنان بسیار کم است. در سال ۱۳۷۴ میزان ارزش افزوده این بخش حدود ۱۲۰/۳ میلیارد ریال بوده است و با توجه به تعداد صیادان در آن سال (۹۱۴۵۹ نفر) سهم هر صیاد از کل ارزش افزوده ۱۳۱۵/۳ هزار ریال تعیین می شود که اگر به عنوان شاخصی برای درآمد صیاد تلقی شود نشان می دهد که درآمد سالانه صیاد در سال ۱۳۷۴ بسیار پایین است. این سهم برای یک ماه حدود ۱۲ هزار ریال می باشد که درآمد بسیار کمی است. لازم به توضیح است که ارزش افزوده شیلات در جدول شماره (۷-۱۲) به قیمت جاری است و اگر سهم هر صیاد براساس ارزش افزوده به قیمت ثابت محاسبه شود، نشان می دهد که وضعیت تولیدی و درآمدی جامعه صیادی طی سالهای ۷۴-۱۳۶۸ بدتر شده است. بنابراین با توجه به سطح ارزش افزوده هر صیاد که شاخصی از میزان درآمد صیاد است، اخذ مالیات بر صیادان به ویژه صیادان محلی و بومی که از درآمد کمی برخوردارند با توجه به سطح معافیت فعلی درآمد در قانون مالیاتهای مستقیم، موضوعیت ندارد.

جدول شماره (۷-۱۲): سهم هر صیاد از کل ارزش افزوده بخش شیلات ۷۴-۱۳۶۸

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴
ارزش افزوده بخش شیلات (میلیارد ریال)	۱۴/۷	۱۹/۱	۲۲/۲	۳۴/۰	۴۴/۶	۶۳/۰	۱۲۰/۳
تعداد صیادان (نفر)	۵۱۱۹۲	۵۴۱۸۵	۶۰۲۸۸	۷۲۲۰۶	۸۲۶۸۱	۸۶۴۶۰	۹۱۴۵۹
سهم هر صیاد از کل ارزش افزوده (هزارریال)	۲۸۷/۲	۳۵۲/۵	۳۶۸/۲	۴۷۰/۹	۵۳۹/۴	۷۲۸/۷	۱۳۱۵/۳

ماخذ: ۱. سالنامه آماری، مرکز آمار ایران، سالهای مختلف.

۲. دفتر برنامه ریزی و مطالعات، معاونت صید و امور صیادی، شرکت سهامی شیلات ایران.

به طور کلی در حذف معافیت‌های بخش شیلات و سایر فعالیتهای کشاورزی و وضع مالیات بر این گونه فعالیتها باید به تبعات اقتصادی و اجتماعی آن توجه نمود. زیرا فقط مطرح شدن بحث اخذ مالیات بر کشاورزی به صورت یک لایحه نیز اثر روانی بر سطح قیمت‌ها به ویژه مواد غذایی به همراه خواهد داشت. بنابراین در بررسی این مسأله صرفاً نباید به زمینه‌ها و عوامل اقتصادی توجه نمود باید تمامی جوانب کار را سنجید. موضوع مهم دیگری که باید در حذف معافیت‌های مالیاتی و اخذ مالیات بر شیلات به آن توجه نمود، مشکلات اجرایی اخذ مالیات بر درآمد فعالیت‌های ماهیگیری و شیلات است.

در حال حاضر سیستم مالیاتی کشور در اجرای مفاد قانون فعلی نیز با مشکل مواجه است و با کمبود نیروی متخصص و کارشناس روبرو است و از کارایی لازم برخوردار نمی‌باشد. مالیات بر درآمد سایر بخشهای اقتصادی که مشمول مالیات می‌باشند، به صورت سنتی اخذ می‌شود. بنابراین وضع مالیات بر بخش شیلات و سایر بخشهای کشاورزی باید با توجه به امکانات و توانایی‌ها و محدودیت‌های سیستم مالیاتی کشور

صورت گیرد و زمینه‌های لازم برای اخذ این مالیات بررسی و مهیا گردد. اخذ مالیات بر شیلات و سایر بخشهای کشاورزی با توجه به گستردگی این بخش و تعداد زیاد افرادی که مشمول مالیات خواهند شد، باید بسیار سنجیده صورت گیرد. همانطور که اشاره شد از جمله مشکلات اجرایی در زمینه وصول مالیات بر کشاورزی، عدم وجود نیروی متخصص کافی در سیستم مالیاتی کشور برای وصول مالیات از این بخش است. هم اکنون اکثریت نیروی انسانی شاغل در وزارت امور اقتصادی و دارایی را کارمندان دیپلم و فوق دیپلم تشکیل می‌دهند و درصد کمی از کارکنان دارای مدارک بالاتر می‌باشند و اغلب دارندگان مدارک فوق لیسانس و دکترا به عنوان کارشناس ارشد در ادارات مرکزی اشتغال دارند^(۱)، در حالی که اخذ مالیات بر بخش شیلات بیشتر مربوط به استانهای شمالی و جنوبی کشور مربوط می‌شود. بررسی انجام شده^(۲) در مورد نیروی انسانی شاغل در سیستم مالیاتی کشور نشان می‌دهد که استانها در مقایسه با واحدهای مرکزی از نیروی انسانی کم تجربه‌تری برخوردارند. در این بررسی نسبت شاغلین به پرونده‌های مالیاتی ارائه شده است که نشان می‌دهد که هر فرد شاغل در سیستم مالیاتی به طور متوسط مسؤول رسیدگی به تعداد زیادی پرونده مالیاتی می‌باشد. نسبت شاغلین به تعداد پرونده‌ها در استانهای شمالی کشور نشان می‌دهد که به ازای هر نفر شاغل در استان مازندران و گیلان به ترتیب ۹۷۳ و ۹۰۸ پرونده وجود دارد و در استانهای جنوبی کشور به ازای هر نفر شاغل تعداد پرونده‌های بیشتری وجود دارد به گونه‌ای که در استانهای خوزستان، سیستان و بلوچستان، هرمزگان و بوشهر به ترتیب ۱۲۲۲، ۱۶۵۴، ۶۵۰ و ۸۳۶ پرونده وجود دارد^(۳). با توجه به اینکه اخذ مالیات بر فعالیت‌های صید و ماهیگیری بیشتر مربوط به استانهای فوق خواهد بود، با توجه به وضعیت فعلی کادر مالیاتی در این

۱. طرح تحقیقاتی «تحلیل هزینه - فایده افزایش سرمایه‌های انسانی در سیستم مالیاتی»، دفتر تحقیقات و سیاستهای مالی، معاونت امور اقتصادی و وزارت امور اقتصادی و دارایی.

۲ و ۳- همان ماخذ.

استانها و عدم وجود نیروی متخصص کافی، وضع مالیات بر فعالیت‌های صیادی و ماهیگیری در حد قانون باقی خواهد ماند و هیچگونه قابلیت اجرایی نخواهد داشت.

از سوی دیگر عدم کارایی سیستم مالیاتی کشور موجب شده که هزینه وصول مالیات در کشور در سطح بالای قرار گیرد. اخذ مالیات بر درآمد بخش شیلات نیز به دلیل عدم تمرکز فعالیت‌های این بخش به ویژه فعالیت صیادان محلی در استانهای جنوبی کشور، هزینه وصول مالیات را افزایش می‌دهد. بنابراین در صورت ایجاد شرایط اولیه برای وضع مالیات بر شیلات لازم است که ابتدا معافیت‌هایی برای صیادان و ماهیگیران محلی که میزان صید آنها کم می‌باشد، در نظر گرفته شود تا هم از لحاظ عدالت اجتماعی، این گروه صیادان که درآمد کمتری دارند مشمول بار مالیاتی نشوند و هم هزینه وصول مالیات افزایش نیابد.

با توجه به بررسی امکانات بخش شیلات در قسمت‌های قبلی و مشکلات اجرایی که گوشه‌ای از آن ذکر شد، وضع مالیات بر درآمد بخش شیلات به طور گسترده و در سطح وسیع چندان عملی به نظر نمی‌رسد.

به طور کلی می‌توان گفت با توجه به میزان سرمایه‌گذاری بخش دولتی در شیلات و وابستگی آن به حمایت‌های دولتی هنوز این بخش آماده اخذ مالیات نمی‌باشد و اخذ مالیات می‌تواند بر انگیزه تولید و فعالیت‌های شیلات و ماهیگیری اثر منفی داشته باشد. در واقع این طرح تحقیقاتی در مورد اثر اخذ مالیات بر فعالیت کشاورزی در این بخش تائید می‌شود. از سوی دیگر به دلیل مشکلات اجرایی سیستم مالیاتی و عدم وجود نیروی متخصص و پراکندگی صیادان محلی که فعالیت‌های آنها ثبت نمی‌شود، اخذ مالیات حتی با تصویب قانون نیز در عمل با مشکلات بسیاری همراه است و درآمد حاصل از آن، هزینه وصول آن را جبران نخواهد نمود. بنابراین فرضیه این مطالعه در مورد اثر اخذ مالیات کشاورزی بر درآمدهای دولت در این بخش لزوماً مثبت نیست. اما لازم به ذکر است که این نتایج مربوط به شرایط فعلی بخش شیلات کشور است و اگر در

آینده وابستگی این بخش به حمایت‌های دولتی کمتر شود و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در آن افزایش یابد و مشکلات سیستم اجرای در زمینه وصول مالیات از صیادان مرتفع شود، اخذ مالیات از بخش شیلات اثر منفی بر انگیزه تولید ندارد و موجب افزایش درآمدهای مالیاتی دولت خواهد شد. از این رو می‌توان به الترناتیو دیگری در قالب مالیات‌های غیرمستقیم پرداخت.

اخذ مالیات‌های غیرمستقیم می‌تواند در قالب مالیات بر فروش و به صورت درصدی از قیمت فروش اخذ شود. این مالیات را می‌توان بیشتر از عمده فروشی و مراکز تهیه و توزیع عمده ماهی و تعاونی‌های صید و مزارع پرورش ماهی اخذ نمود. مالیات بر فروش را می‌توان به صورت کلی و یا موردی وضع نمود. در صورت وضع مالیات کلی بر فروش، تمامی محصولات دریایی که خانوارهای مختلف از آن مصرف می‌کنند، مشمول مالیات می‌شوند. اما اگر مالیات بر فروش به صورت موردی بر برخی از محصولات دریایی که میزان آنها در سبد مصرفی خانوارهای کم درآمد جامعه کمتر است، وضع شود عدالت اجتماعی در وضع مالیات رعایت خواهد شد.

از بین محصولات دریایی خاویار و میگو از جمله محصولات می‌باشند که خانوارهای کم‌درآمد کمتر از آنها استفاده می‌کنند و می‌توان بر آنها مالیات وضع نمود. همانطور که قبلاً اشاره شد در حال حاضر بر فروش خاویار مالیات اخذ می‌شود. بنابراین می‌توان بر فروش داخلی و صادرات میگو مالیات بر فروش وضع نمود. این مالیات می‌تواند به صورت درصدی از قیمت فروش از مراکز عمده فروشی اخذ شود. از نظر اجرایی نیز از آنجا که در حال حاضر میگو فقط در جنوب کشور آن هم به صورت محدود و بیشتر توسط شرکت سهامی شیلات ایران و تعاونی‌های صیادی، صید و توزیع می‌شود، اخذ این مالیات آسان می‌باشد.

۷-۱۱ جنگلداری

جنگلها و مراتع یکی دیگر از زیربخشهای کشاورزی است که درصد کمی از ارزش افزوده بخش کشاورزی را تشکیل می‌دهند. در حال حاضر سازمان جنگلها و مراتع مسئول امور جنگلها و مراتع کشور است که زیر نظر جهاد سازندگی فعالیت می‌نماید. جنگلها و مراتع از منابع طبیعی تجدید شونده و از مهم‌ترین و با ارزش‌ترین منابع ملی به شمار می‌روند. این منابع علاوه بر اینکه بخش عمده نیاز چوب کشور و علوفه واحدهای دامی را تامین می‌کند، از نظر زیست محیطی، تلطیف هوا، جلوگیری از گسترش کویر، افزایش آب‌های زیرزمینی و علاوه بر آن محصولات دارویی نیز حائز اهمیت فراوان می‌باشند. همچنین این منابع به لحاظ تولید مواد غذایی، ایجاد اشتغال و ارزآوری این منابع از طریق صادرات محصولات این بخش، از اهمیت بالایی برخوردار است. اما متأسفانه در کشور ما جنگلها و مراتع در طی سالیان طولانی تنها به عنوان منبع تولید علوفه و چوب و تامین اراضی مورد نیاز برای توسعه امور کشاورزی، صنعتی و شهرسازی تلقی شده و موجب از بین رفتن قسمت عمده از این منابع گردیده است.

۷-۱۲ مساحت جنگل‌ها و مراتع^(۱)

۱۶۴ میلیون هکتار عرضه کشور را می‌توان به صورت زیر طبقه بندی نمود:

الف) منابع طبیعی تجدید شونده ۸۸/۶ درصد از کل خاک شامل:

۱. جنگل‌ها با مساحت حدود ۱۲/۴ میلیون هکتار (۷/۴ درصد مساحت کشور)
 ۲. مراتع با مساحتی حدود ۹۰ میلیون هکتار (۵۵ درصد مساحت کشور)
 ۳. اراضی بیابانی با مساحتی حدود ۴۳ میلیون هکتار (۲۶/۲ درصد مساحت کشور)
- ب) باقیمانده عرصه شامل اراضی تحت کشت (زراعت دیم، زراعت آبی، باغات

۱. جهاد سازندگی در آینه آمار ۱۳۷۵، معاونت طرح و برنامه ریزی، وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۶.

و...) و اراضی تخصیص یافته به مناطق مسکونی (شهری و روستایی) راهها، دریاچه‌ها، مرداب و هامون‌ها می‌باشد که با سطح ۱۸/۶ میلیون هکتار ۱۱/۴ درصد مساحت کشور است.

جنگل‌ها: سطح کل جنگل‌های ایران ۱۲/۴ میلیون هکتار است که حدود ۷/۴ درصد سطح کل کشور را می‌پوشاند و با توجه به جمعیت کشور سهم هر ایرانی حدود ۰/۲ هکتار می‌باشد. این رقم با توجه به سرانه جهانی جنگل که ۰/۸ هکتار می‌باشد، حاکی از فقر و کمبود شدید کشور در این زمینه است. ایران در بین ۵۶ کشور دارای جنگل در مقام چهل و پنجم قرار دارد. جنگل‌های ایران شامل ۵ ناحیه رویشی به شرح زیر است:

۱. ناحیه هیرکانی (خزری) که نوار سبز شمال کشور را تشکیل می‌دهد.

۲. ناحیه ایران و تورانی که به طور عمده در مرکز ایران پراکنده است.

۳. ناحیه زاگرس که عمدتاً جنگل‌های بلوط غرب کشور را تشکیل می‌دهد.

۴. ناحیه خلیج فارس که در نوار ساحلی جنوب پراکنده است.

۵. ناحیه ارسبانی که متشکل از گونه‌های نادر و منحصر به فرد می‌باشد.

مراعات: از سطح ۱۶۴ میلیون هکتار وسعت کشور ۹۰ میلیون هکتار (۵۵ درصد مساحت کشور) را مراعات تشکیل می‌دهند. مراعات به سه گروه عمده به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

۱. مراعات علفی یبلاقی، ۱۴ میلیون هکتار با وضعیت خوب و تولید متوسط ۲۹۰ کیلوگرم علوفه قابل برداشت در هکتار که ظرفیت آن یک گوسفند در هکتار است (۱۵/۵ درصد کل مراعات).

۲. مراعات بوته زار، ۶۰ میلیون هکتار با وضعیت ضعیف و متوسط و تولید ۹۲ کیلوگرم علوفه قابل برداشت در هکتار که ظرفیت آن یک گوسفند در ۲ هکتار است (۶۶/۶ درصد کل مراعات).

۳. مراتع حاشیه کویر، ۱۶ میلیون هکتار با وضعیت ضعیف و خیلی ضعیف و متوسط تولید ۲۵ کیلوگرم علوفه قابل برداشت در هکتار که ظرفیت آن یک گوسفند در ۱۵ هکتار است (۱۷/۷ درصد کل مراتع).

متأسفانه هر سال به دلایل مختلف بخشی از مراتع کشور تخریب می‌شوند. خشکسالی یکی از عواملی است که موجب خسارات فراوان به مراتع کشور می‌شود به خصوص آنکه کشاورزان براساس سنت همیشگی خود، در مراتع و توسعه آن سرمایه گذاری نمی‌کنند. عامل دیگر تردد ایلات و عشایر و کوچ دام و چرای بی رویه آنها می‌باشد. دامداران برای تامین غذای دام خود ییلاق و قشلاق می‌کنند که این امر منجر به نابودی تدریجی مراتع می‌شود. از همین رو دولت سعی دارد که از تعداد دامداران متحرک بکاهد تا ضمن جلوگیری از فشردگی خاک مراتع و اضمحلال آن از کاهش وزن دام‌های عشایر نیز جلوگیری نماید. عامل مهم دیگر در تخریب و کاهش مراتع کشور، تبدیل این اراضی به زمین‌های کشاورزی و مراکز صنعتی و مناطق مسکونی می‌باشند.

تمامی عوامل فوق موجب شده است عملکرد مراتع ایران بسیار ضعیف باشد که این امر نتیجه اجتناب‌ناپذیر عدم بهره‌برداری صحیح و اصولی از مراتع است. به طوری که مراتع کشور از ۱۰۰ میلیون هکتار در سال ۱۳۵۲ به ۹۰ میلیون هکتار رسیده است یعنی هر ساله ۸۰۰ هزار هکتار از مراتع کشور تخریب شده است که این روند همچنان ادامه دارد و عدم اصلاح مراتع نیز موجب تخریب سریع‌تر مراتع شده است.

جنگلها و مراتع به عنوان زیر بخش کشاورزی درصدی کمی از کل تولید و ارزش افزوده فعالیت‌های کشاورزی را تشکیل می‌دهد. در جدول (۷-۱۳) ارزش افزوده جنگلها و مراتع و سهم آن از کل بخش کشاورزی ارائه شده است. طی سالهای ۷۴-۱۳۶۷ سهم ارزش افزوده این زیر بخش در کل بخش کشاورزی به طور متوسط به ۲ درصد نیز نمی‌رسد و در سال ۱۳۷۴ تنها ۱/۷ درصد ارزش افزوده کشاورزی مربوط به جنگلها و مراتع می‌باشد.

در واقع تولیدات این زیر بخش و زیر بخش شیلات در کل فعالیت‌های کشاورزی کشور از سهم کمتری نسبت به زراعت و دامپروری برخوردار است.

جدول شماره (۷-۱۳): ارزش افزوده جنگلها و مراتع و سهم آن از کل ارزش افزوده بخش کشاورزی (میلیارد ریال)

سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴
ارزش افزوده کشاورزی	۵۲۰۸/۷	۶۶۶۹/۹	۸۴۱۹/۱	۱۱۲۲۱/۶	۱۵۳۹۲/۰	۱۹۴۴۶/۱	۲۷۲۷۲/۸	۴۰۰۹۱/۰
ارزش افزوده جنگلداری	۶۸/۵	۸۲/۹	۱۵۶/۸	۲۰۸/۵	۲۲۶/۵	۳۱۱/۸	۶۵۲/۳	۷۰۰/۵
سهم جنگلداری از کل کشاورزی (درصد)	۱/۳	۱/۲	۱/۹	۱/۹	۱/۵	۱/۶	۲/۴	۱/۷

منبع: سالنامه آماری کشور سال ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶.

۷-۱۳ وضعیت جنگل و تولید فرآورده‌های چوبی

چوب گاهی به عنوان محصول نهایی از جنگل بهره برداری شده و مستقیماً به مصرف سوخت، تامین انرژی و یا مصالح ساختمانی می‌رسد و یا به صورت مواد اولیه صنایع چوبی مورد استفاده قرار گرفته تا با مدد گرفتن از تکنولوژی و نیروی انسانی به صورت محصولات چوبی مورد نیاز درآید. تولید چوب امری مربوط به کار آب و خاک و نور آفتاب، دانه و نهال و گاهی دخالت انسان است. اگر انسان در تولید درخت دخالت کند، مطمئناً منفعی از تولید برای او منظور است. جنگلها عموماً به دو دسته (طبیعی و

دست کاشت) تقسیم می‌شوند و از آنجا که کالای چوب به طور روز افزون دارای اهمیت می‌شود و بسیاری از کالاهای مورد مصرف جوامع امروزی حاصل از مشتقات چوب است، بسیاری از کشورهای جهان نسبت به توسعه جنگلها به منظور تولید چوب اقدام نموده‌اند.

در ایران به غیر از نوار سبز دامنه‌های شمالی کوههای البرز منطقه عمده تولید چوب وجود ندارد. در استان مازندران ۱/۳۱۶ هزار هکتار جنگل وجود دارد که ۶۹۸ هزار هکتار آن مولد می‌باشد استان گیلان با وجود ۴۱۰ هزار هکتار جنگل تجاری، پس از استان مازندران در رده دوم از نظر تولید چوب جنگلی قرار دارد. البته در هر یک از استانهای فارس و هرمزگان بیش از یک میلیون هکتار جنگل وجود دارد که بیشتر درختان جنگلهای این دو استان از نوع درختچه‌های گز، بنه، بادام و غیره می‌باشد. جنگل‌های سایر استانها از جنگلهای درجه ۲ و ۳ هستند و یا اینکه درختان آنها نامرغوب و مخروبه می‌باشند. آنچه مسلم است، آمار جنگلهای قابل بهره برداری و تجاری بیش از ۱/۳ میلیون هکتار نمی‌باشد (حدود ۱۰ درصد کل جنگل‌ها).

هر ساله از جنگل‌های شمال کشور فرآورده‌های چوبی بهره برداری می‌شود. جدول شماره (۷-۱۴) میزان تولید فرآورده‌های چوبی را طی دوره ۷۶-۱۳۶۰ نشان می‌دهد. میزان بهره‌برداری تا سال ۱۳۷۲ در حال رشد بوده و بعد از آن کاهش یافته است. تولید فرآورده‌ها از ۱۱۷۵ هزار متر مکعب در سال ۱۳۶۰ به ۱۷۶۰ هزار متر مکعب در سال ۱۳۷۳ و ۱۶۴۰ هزار متر مکعب در سال ۱۳۷۶ رسیده است.

جدول شماره (۷-۱۴): میزان تولید فرآورده های چوبی در مناطق شمال کشور (هزار مترمکعب)

مورد سال	گرده بینه	الوار و تراورس	نیری و تونلی و کاتین	هیزم و زغال	جمع
۱۳۶۰	۶۶/۲	۲۷۴/۵	۱۰۹/۶	۷۲۵/۱	۱۱۷۵
۱۳۶۵	۱۶۷	۱۹۴/۹	۹۴/۵	۸۰۲/۱	۱۲۵۸
۱۳۷۰	۳۲۰	۱۷۲/۷	۲۳۷/۲	۹۳۸/۵	۱۶۶۸
۱۳۷۲	۴۱۲	۱۷۰/۲	۲۶۰/۳	۸۸۰/۴	۱۷۲۳
۱۳۷۳	۳۹۵/۸	۱۷۷/۷	۲۵۱/۹	۹۳۴/۸	۱۷۶۰
۱۳۷۴	۳۸۶/۴	۱۵۹/۱	۲۵۴/۸	۸۱۵/۸	۱۶۱۶
۱۳۷۵	۳۷۱/۱	۱۴۴/۲	۲۴۴/۲	۸۱۲	۱۵۷۱
۱۳۷۶	۴۰۹/۱	۱۴۱	۲۶۸/۲	۸۲۱/۹	۱۶۴۰

ماخذ: سالنامه آماری (سازمان جنگل ها و مراتع، دفتر طرح و برنامه و آمار) ۱۳۷۶.

۷-۱۴ ارزش اقتصادی جنگل

ارزش اقتصادی جنگلها تنها با مقدار چوبی که تولید می نمایند اندازه گیری نمی شود و نباید تولید جنگلها را با میزان تولید چوب اشتباه نمود. اگر ارزش جنگلهای ایران را با مقدار چوبی که تولید می نمایند و یا حتی با ارزش محصولات چوبی، از قبیل چوبهای الواری، روکش و تخته لایه و... بسنجیم باز هم ارزش واقعی جنگلها را به حساب نیاورده ایم و اصولاً شناخت اهمیت جنگل در چارچوب اقتصاد ملی از نظر مقدار تولید، عامل تنظیم کننده محیط و نیروی انسانی عظیمی که به کار می گیرد کاری مشکل و در بیشتر مواقع غیر ممکن است. جنگل علاوه بر محصول اصلی آن (چوب) و بعضی محصولات فرعی (میوه های جنگلی و علوفه) که در بازار به فروش می رسند، محصولاتی را تولید می نماید که در بازار خرید ندارد ولی ارزش آنها در بیشتر مواقع

مهمتر از محصولات اصلی جنگل است.

۷-۱۵ هزینه‌های بهره برداری

مجربان حقیقی و یا حقوقی بهره برداری - که سازمان جنگلها به آنها مجوز بهره برداری می‌دهد - به غیر از هزینه‌های کارگری، تهیه ابزار و وسایل و... به ازاء کسب مجوز بهره برداری براساس قانون باید به دولت پرداختهایی به شرح زیر داشته باشند^(۱):

الف) بهره مالکانه: برابر بند ۲۰ از ماده یک تعاریف قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب سال ۱۳۴۸، ضریب بهره مالکانه درصدی از بهای عمده فروشی سالیانه یک متر مکعب چوب الواری به ابعاد مختلف در بازار تهران می‌باشد.

ب) عوارض قطع درختان: به موجب ماده ۱۵ اصلاح قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب سال ۱۳۴۸، از متقاضیان بهره برداری از درختان جنگلی بابت هر متر مکعب درخت بر مبنای رده بندی درختان جنگلی از ۲۵ تا ۳۰۰ ریال عوارض وصول می‌شود.

آنچه امروز سازمان جنگلها و مراتع به نام بهره مالکانه و عوارض از چوبهای متحصله در جنگلهای ایران دریافت می‌کند یک نوع مالیات بر محصول است ولی جزء درآمدهای مالیاتی منظور نمی‌گردد.

۷-۱۶ مشکلات مراتع و جنگلداری

به طور کلی مراتع ایران با سه مشکل عمده مواجه است. این مشکلات عبارتند از: مالکیت، قوانین و نظام اجرایی و عدم آگاهی بهره برداران.

علت اصلی بروز مشکلات مراتع ایران، نوع مالکیت آن است. در ایران مالکیت

۱. البته این عوارض بسیار ناچیز است و سازمان جنگل‌ها در جهت حمایت از جنگل‌ها درصدد تغییر ضریب بهره مالکانه و مقدار عوارض بوده است.

مراتع بیشتر جنبه عرفی دارد و متعلق به عامه است. قبل از انقلاب اسلامی مالکیت مراتع براساس عرف و سنت‌های قبیله‌ای نظام خاصی داشته است، اما بعد از انقلاب با ملی شدن مراتع و منابع طبیعی، نظام بهره برداری سابق ملغی اعلام شد، لیکن نظام جدیدی جایگزین آن نگردیده است. به همین دلیل در بهره برداری از مراتع هرج و مرج‌هایی پدیدار گردید که نتیجه آن شدت تخریب مراتع بوده است.

در حال حاضر مراتع ظاهراً در تملک دامداران است و به صورت مشترک مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. در این نوع مالکیت صاحبان اصلی مشخص نیستند و بهره برداری بیشتر جنبه رقابتی منفی پیدا می‌کند.

مشکل دیگر در زمینه مراتع و جنگلها، قوانین و نظام اجرایی مربوط به آن است. در ایران تعریف جامعی از زمین‌های مرتعی و مالکیت آن وجود ندارد. به علاوه تعدد سازمانهای مسئول، تداخل‌هایی در نظام اجرایی ایجاد نموده و آن را پیچیده‌تر می‌نماید.

مشکل دیگر عدم آگاهی بهره‌برداران در مورد نحوه صحیح استفاده از مراتع و جنگلهاست. بهره‌برداران مراتع عمدتاً عشایر کشور می‌باشند که در ۲۰ استان کشور فعالیت می‌کنند. نحوه زندگی و کوچ عشایر موجب کاهش بازدهی متوسط دام‌های عشایری و تخریب مراتع مورد استفاده آنها می‌شود.

۷-۱۷ مالیات در بخش جنگلها و مراتع

در حال حاضر جنگلها و مراتع کشور به عنوان بخشی از کشاورزی و افراد شاغل در این بخش به موجب قانون مالیاتهای مستقیم از پرداخت مالیات بر درآمد معاف می‌باشند.

با توجه به پایین بودن میزان تولید و ارزش افزوده جنگلها و مراتع در کل تولیدات کشور و وضعیت نامناسب مراتع و جنگلهای کشور به نظر می‌رسد این بخش باید مورد حمایت بیشتر دولت قرار گیرد و در واقع سرمایه‌گذار اصلی در این بخش به دلیل ملی

بودن این منابع دولت می‌باشد. بنابراین اخذ مالیات از این بخش اگر قرار باشد برحسب مالکیت آن صورت گیرد باید از سازمان جنگلها و مراتع وصول شود که تحت این شرایط فقط یک جای بجای درآمد از یک سازمان دولتی به خزانه کشور صورت می‌گیرد.

اگر مبنای اخذ مالیات نیز بهره برداران مستقیم مرتع تلقی شود، دامداران و عشایر مشمول مالیات می‌شوند. عشایر نیز به دلیل نوع زندگی و کوچ نمودن به مناطق مختلف و قشلاق و ییلاق نمودن جا و مکان ثابتی ندارند و میزان بهره برداری آنها از مراتع مختلف کشور به طور دقیق مشخص نیست که بتوان بر پایه آن مالیات وضع نمود.

تنها در صورت واگذاری حق بهره برداری از اعیان مراتع به صورت دراز مدت و کوتاه مدت طبق قراردادهای مشخص شاید بتوان از بهره برداران واقعی این منابع مالیات اخذ نمود. در غیر این صورت با وضعیت کنونی مالکیت و نحوه بهره برداری از جنگلها و مراتع اشخاص حقیقی یا حقوقی مشخصی را نمی‌توان به واسطه فعالیت در این بخش مشمول مالیات نمود.

در حال حاضر طبق آراء شورای عالی مالیاتی بهره برداری از درختان جنگلی و قطع و حمل آنها از مالیات معاف است و تنها بابت فعالیت صنعتی منحصر به تولید مصنوعات چوبی نظیر میز، مبل، صندلی، کمد و غیره مالیات پرداخت می‌گردد. به عبارتی کارخانه‌ای که در داخل جنگل به منظور برش و تبدیل به گرد بینه، الوار، تراورس، کاتین و هیزم ایجاد شده جدای از کار کشاورزی تلقی نشده و از مالیات معاف است^(۱).

همانطور که در فصل دوم تجربه سایر کشورها ذکر شد، نمی‌توان مالیاتهای متعددی بر بخش کشاورزی وضع نمود و در مورد زیر بخش جنگلداری (جنگلهای تجاری و صنعتی) به صورت خاص ابتدا بایستی تکلیف عوارض و بهره مالکانه دریافتی توسط سازمان جنگلها و مراتع در هنگام صدور مجوز روشن شود و بعد در مورد وضع مالیات

۱. رای هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی شماره ۳۰/۴/۳۳۴۶ مورخه ۷۳/۵/۱۱.

تصمیم‌گیری نمود زیرا این عوارض خود نوعی مالیات می‌باشند. راه حل پیشنهادی در این زمینه افزایش نرخ بهره مالکانه و عوارض و واریز آن به خزانه‌داری کل کشور می‌باشد. توضیح این نکته ضروری است که در حال حاضر مجوز قطع درختان جنگل به صورت مشروط صادر شده و بهره بردار موظف به احیاء محل بهره‌برداری می‌باشد که این کار با هزینه همراه است.

به نظر می‌رسد بهترین شیوه برای گرفتن مالیات شناسایی شرکتهایی است که در زمینه بهره‌برداری در داخل جنگل و در کنار جنگل به صورت صنایع جنبی شکل گرفته‌اند و از سودآوری لازم برخوردارند. این شیوه کمک می‌کند که با هزینه کم از اشخاص حقیقی و حقوقی که درآمد بالایی کسب می‌نمایند مالیات وصول نمود. برای اثبات این نکته سه شرکت دولتی که آمار درآمد، هزینه و سود سالیانه آنها موجود است، به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. طبق آمار مندرج در جدول شماره (۷-۱۵) این شرکتها از سودآوری برخوردارند و ما می‌توانیم وضعیت تمامی شرکتهای دولتی و خصوصی را که در زمینه چوب و مصنوعات چوبی فعالیت می‌کنند وارد تور مالیاتی نمائیم و آنهایی را که سودآوری بالایی دارند مشمول مالیات نمائیم. مشخص شدن دقیق بهره برداران نیاز به مطالعه دقیق و جداگانه دارد و از چارچوب این طرح خارج است.

جدول شماره (۷-۱۵): عملکرد بودجه شرکتهای دولتی زیر بخش جنگلداری (میلیون ریال)

نام شرکت	سال	درآمد	هزینه	سود
بهره برداری و صنایع چوب فریم	۷۵*	۱۷۱۳۳	۱۳۶۳۳	۳۵۰۰
	۷۶	۱۹۰۴۸	۱۸۹۵۴	۹۴
نکاچوب	۷۵	۴۲۷۷۷	۴۰۶۰۹	۲۱۶۸
	۷۶	۵۸۶۴۰	۵۶۱۴۰	۲۵۰۰
جنگل شفارود	۷۵	۴۲۰۶۰	۳۸۸۷۲	۳۱۸۸
	۷۶	۶۳۶۰۱	۶۱۵۶۲	۲۰۳۹

* سال ۱۳۷۵ مصوب می باشد.

ماخذ: گزارش اقتصادی سالهای ۷۵ و ۷۶ سازمان برنامه و بودجه.

۸ خلاصه، نتایج و پیشنهادات

خلاصه و نتیجه گیری

مالیاتها علاوه بر اینکه از منابع مهم درآمدی دولت به شمار می‌روند همواره به عنوان یکی از ابزارهای مناسب جهت نیل به اهداف اقتصادی دولت مطرح بوده است. معافتهای مالیاتی به عنوان یکی از ابزارهای سیاست مالی به منظور تأمین دو هدف تخصیص مجدد منابع و عدالت اجتماعی در قوانین مالیاتی اعمال می‌گردند. اولین پیامد وضع معافتهای مالیاتی، کاهش پایه مالیاتی می‌باشد. به عبارت دیگر هر چه میزان این معافتها بیشتر باشد، پایه محدودتر و به تبع آن درآمدهای مالیاتی دولت

کمتر خواهد بود. بر همین اساس یکی از دلایل اصلی در پایین بودن میزان مالیاتهای مستقیم در ایران گستردگی این نوع معافیتها عنوان می‌گردد. یکی از موضوعات مهم در رابطه با معافیتها، مدت و میزان استفاده از آن است. معمولاً این معافیتها باید برای یک دوره از پیش تعیین شده تدوین شود و سال به سال درصد معافیت کاهش یافته و در نهایت به صفر برسد. اگر معافیت مالیاتی برای دوره‌ای طولانی - مانند اکثر معافیتهای مالیاتی در ایران - اعطاء شود نه تنها اثر مثبت ندارد بلکه موجب کند شدن فعالیت خواهد شد.

وضع معافیت مالیاتی موضوعی در هر کشور با اهداف مختلف انجام می‌گیرد، اما گستردگی این معافیتها و مقطع زمانی اجرای آن ارتباط نزدیک با ویژگی‌های آن نظیر محرک بودن، کم هزینه بودن، قابل جبران بودن دارد. چنانچه معافیتهای موضوعی اعطا شده ویژگی‌های فوق‌الذکر را دارا باشند، این امکان برای دولت فراهم خواهد گردید تا با کمترین هزینه فرصت، کمبود درآمد مالیاتی را حتی الامکان از منابع دیگر جبران نماید و با ایجاد انگیزه در نیروی کار و سرمایه و جلب منابع اقتصادی به هماهنگ سازی کلیه فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی در قالب برنامه‌های تدوین شده پرداخته و دستیابی به اهداف خویش را هر چه بیشتر ممکن سازد.

در سال ۱۳۰۴ برای اولین بار طبق قانون، اجازه وصول مالیات بر درآمد املاک زراعی داده شد. پایه و مأخذ این مالیات درآمد حاصل از کشت و زرع در اراضی زراعتی، مراتع و جنگلها، دامداری، فروش آب برای مصارف کشاورزی و درآمدهای مشابه آن است. به موجب قانون مالیات بر درآمد مصوب ۱۳۳۵، مالیات املاک مزروعی به مأخذ ده درصد از درآمد خالص مالکانه دریافت می‌شد. سپس این قانون در سال ۱۳۴۵ تغییر یافته و ۱۰ تا ۴۵ درصد قیمت کل محصول سالانه به عنوان درآمد مشمول مالیات در نظر گرفته شده و با نرخ‌های مقرر در مبحث بازرگانان، مالیات آن وصول می‌گردیده است. اگر چه گرفتن مالیات از بخش کشاورزی در قانون ۱۳۴۵ مورد تاکید

قرار گرفته ولی مشکلاتی که دستگاه مالیاتی در تشخیص و وصول مالیات از اراضی کشاورزی با آن مواجه بود موجب شد مبالغ قابل توجهی مالیات وصول نگردد. و از سال ۱۳۵۳ به دلیل حمایت از این بخش و تا حدودی هم به دلیل مشکلات وصول مالیات، کلیه فعالیتهای کشاورزی از مالیات معاف شده است.

آنچه از مطالعات انجام شده می توان نتیجه گرفت این است که معافیهای بخشی را باید تحت شرایط خاصی اعطاء نمود به طوری که اینگونه معافیتها توانایی ایجاد انعطاف لازم را همزمان با تغییرات ایجاد شده در بخشهای معاف داشته باشند. معافیت اعطا شده به بخش کشاورزی بیشتر در جهت تشویق تولیدات این بخش صورت گرفته است ولی در حال حاضر که از رشد قابل توجهی نسبت به سایر بخشها برخوردار می باشد، به نظر می رسد بایستی در زمینه تداوم اعطا معافیت به آن تجدید نظر نمود.

در فصل دوم تجربه سایر کشورها مورد بحث قرار گرفت. بررسی سیستم وصول مالیات در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می دهد، هر کشوری سیستم مالیاتی متناسب با ساختار اقتصادی و اجتماعی خود اتخاذ نموده است و براساس آن از بخش کشاورزی مالیات اخذ می نماید و یا این بخش از اقتصاد را با توجه به مقتضیات کشور از مالیات معاف نموده است. به عبارتی سیستم مالیاتی با بخش کشاورزی همانند سایر بخش های اقتصادی برخورد می نماید و از این بخش نیز مانند کسب و کار و فعالیت های دیگر بخش های اقتصاد مالیات اخذ می شود. اما در برخی از کشورها معافیت ها و تخفیفات ویژه ای برای بخش کشاورزی در نظر گرفته شده است.

همچنین در برخی از کشورها صرفاً جنبه درآمد زایی مالیات بر کشاورزی مد نظر بوده است و کمتر به اثرات اقتصادی آن توجه می شود. بنابراین اگرچه بررسی تجربیات سایر کشورها در زمینه مالیات بر کشاورزی برای مورد ایران مفید است اما نهایتاً تصمیم در مورد اخذ مالیات بر کشاورزی یا ادامه معافیت کلی این بخش در ایران بستگی به شرایط و مقتضیات اقتصادی و اجتماعی کشور دارد و در صورت لزوم اخذ مالیات بر

کشاورزی می‌توان از روش‌ها و تجربیات سایر کشورها، به ویژه کشورهایی که شرایط نزدیک‌تر به ایران دارند، استفاده نمود. به طور کلی نتایج بررسی تجربه کشورها به شرح ذیل می‌باشد:

- تصمیم‌گیری در مورد وضع مالیات از بخش کشاورزی کشور باید با بررسی دقیق و با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور صورت گیرد.
- اخذ مالیات از بخش کشاورزی باید به صورت متمرکز باشد و از اخذ مالیاتهای متعدد که موجب انتقال منابع به سایر بخشها می‌شود، اجتناب نمود.
- برای اخذ مالیات از بخش کشاورزی با توجه به تجربه سایر کشورها در این زمینه‌ها باید سیستم مالیاتی تقویت شود و نیاز سیستم مالیاتی از لحاظ نیروی انسانی مجرب و کارشناس و تجهیزات و امکانات لازم تأمین شود. در غیر این صورت وضع مالیات صرفاً در حد یک قانون باقی می‌ماند و قابلیت اجرایی نخواهد داشت.
- در وضع مالیات بر بخش کشاورزی باید عدالت اجتماعی رعایت شود و از اهداف مهم قانونگذار در این زمینه باید رعایت عدالت اجتماعی در بین کشاورزان از یک سو و رعایت عدالت بین کشاورزان و شاغلین سایر بخشها از سوی دیگر باشد.
- برای کارایی بیشتر سیستم وصول مالیات بر کشاورزی می‌توان تا سقف معینی از درآمد کشاورزان را از پرداخت مالیات معاف نمود. بدین ترتیب از یک سو فشار کمتری بر کشاورزان کم درآمد تحمیل شده و از سوی دیگر هزینه وصول مالیات کمتر می‌شود.
- مالیات تا حد امکان باید بر درآمد واقعی کشاورزی وضع شود و در صورتی که محاسبه درآمد واقعی امکان‌پذیر نباشد می‌توان درآمد فرضی را ملاک محاسبه قرار داد و در این زمینه از تجربیات سایر کشورها استفاده نمود.
- در مواردی که امکان نگهداری و حفظ دفاتر حسابداری برای کشاورزان وجود ندارد می‌توان مالیات را به صورت درصد مشخصی از درآمد ناخالص با توجه به شرایط منطقه‌ای، زمین و سایر عوامل معین نمود.

- می‌توان از برخی از کالاهای کشاورزی که جنبه غیر ضروری دارد و کمتر مورد استفاده افراد کم درآمد جامعه است، مالیات غیر مستقیم به صورت مالیات بر فروش کالاهای تولید داخل و عوارض گمرکی از کالاهای مشابه خارجی اخذ نمود. این تجربه در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه انجام شده است.

در قسمت اول فصل سوم حمایت‌های پنهان و آشکار دولت از بخش کشاورزی مورد بررسی قرار گرفته است. حمایت‌های مختلفی از بخش کشاورزی ایران صورت می‌گیرد که درباره آنها نظرات متفاوتی وجود دارد. اعلام قیمت تضمینی برای محصولات کشاورزی از مهمترین این گونه حمایت‌ها محسوب می‌شود. همچنین ارائه نهاده‌ها به قیمتی پایین‌تر از قیمت بازار به کشاورزان، مصداق دیگری از حمایت داخلی از بخش کشاورزی به شمار می‌رود. علاوه بر آن از جمله حمایت‌های رایج در بخش کشاورزی ایران می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

سرمایه‌گذاری مستقیم دولت در مهار و هدایت آب‌های سطحی، پروژه‌های راهسازی در مناطق روستایی، مراتع، آموزش‌های عمومی و کمک به راه اندازی دوره‌های آموزشی خاص، ایجاد تسهیلات اعتباری در خرید ماشین آلات، ارائه خدمات ترویجی، کمک به تعاونی‌های روستایی، برنامه‌های حفاظت از منابع کشاورزی و خدمات امور تحقیقاتی از قبیل: اصلاح نژاد دام و اصلاح بذر.

نگرشی که در زمینه حمایت وجود داشته نگاهی کوتاه مدت و مبنی بر هدف استفاده مردم از مواد غذایی ارزان قیمت بوده است. اما چون دولت نمی‌توانسته به طور کامل به محصولات کشاورزی، به خصوص گندم یارانه بپردازد تأمین بخشی از آن را به کشاورزان تحمیل نموده است (مثل اعلام قیمت تضمینی پایین برای گندم) که بر روی تولید اثر منفی داشته است.

در ایران جدا از پرداخت یارانه به بخش کشاورزی، حمایت‌های دیگری چون حمایت‌های تجاری مانند تعرفه‌ها و موانع غیر تعرفه‌ای و... وجود دارد، اما نکته‌ای که باید

به آن اشاره شود این است که تخصیص ارز در ایران یکی از ارکان مهم حمایت محسوب می‌شود و بخش کشاورزی به دلیل نیازمندی ناچیزی که مستقیماً به ارز دارد، به طور طبیعی از این منبع یارانه نمی‌تواند بهره‌مند شود (در حدود ۴ درصد از کل ارزی که دولت به اقتصاد تزریق می‌کند، به بخش کشاورزی تعلق می‌گیرد).

اعتبارات بانکی دولتی با نرخ پایین نیز یکی دیگر از اشکال اعطای یارانه به بخش کشاورزی محسوب می‌شود. البته اعتباراتی که به بخش کشاورزی تعلق می‌گیرد، به سهولت و با طی مسیر همواری در اختیار کشاورزان قرار نمی‌گیرد. زیرا سیستم بانکی بنا به دلایلی از جمله نرخ سود کمتر بخش کشاورزی، بیشتر تمایل به همکاری با بخشهای صنعت و خدمات دارد.

سیاست‌های حمایتی در زمینه نهاده‌ها در کل به حال بخش مفید بوده است و می‌تواند کم و بیش ادامه پیدا کند، اما حمایت‌های قیمتی به ویژه در زمینه گندم باید حتماً تجدید نظر شود. باید سعی شود انحصارات دولتی در زمینه گندم حتی المقدور کاهش یافته و شیوه پرداخت یارانه به مصرف کنندگان به شکلی باشد که لطمه‌ای به تولید نزنند. تاکنون این دو حوزه از هم تفکیک نشده و هر وقت حمایتی از مصرف کننده شده است، کم توجهی نسبت به تولیدکننده صورت گرفته و این موضوع به تولید لطمه وارد کرده است.

بطور کلی از دیدگاه بین بخشی، یارانه‌ای که به بخش کشاورزی تعلق می‌گیرد در توازن لازم با بخش‌های دیگر نیست و اگر هم در عمل یارانه‌ای به بخش کشاورزی پرداخت شود، نسبت به یارانه‌ای که به کل اقتصاد و یا دیگر بخشهای اقتصادی کشور تعلق می‌گیرد، بسیار ناچیز است.

در قسمت دوم فصل سوم سعی شد تا با بررسی چند متغیر کلان همچون ارزش افزوده بخش کشاورزی، سهم این بخش از کل تولید ناخالص ملی، نرخ رشد ارزش افزوده در سالهای مختلف و تحلیل علل کاهش یا افزایش آن، سهم اشتغال زایی در کل

اقتصاد و میزان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در این بخش و مقایسه آن با سایر بخشها و کل اقتصاد، جایگاه و نقش آن در اقتصاد ایران مشخص شود. اما آنچه از تحلیل پدیده‌های فوق آشکار گردید این بود که بخش کشاورزی ایران در مقایسه با بخشهای دیگر اقتصاد نسبت به تحولات سیاسی و به خصوص تغییرات قیمت نفت و درآمدهای ارزی تأثیر پذیری کمتری داشته و لذا تولید در این بخش دارای روند متعادل‌تر و با ثبات‌تری بوده است.

در نهایت نتیجه مهمی که از بررسی حمایت‌های دولت از کشاورزی به دست آمده این است که در مقایسه با توانایی‌ها و امکانات بالقوه نسبتاً مناسب بخش، میزان تولید آن پایین است. نکته جالب دیگری که در تحلیل وضعیت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص می‌توان بدان اشاره کرد، این است، که علیرغم اینکه بخش کشاورزی در برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور به عنوان محور توسعه مطرح بوده است، لیکن سهم بخش کشاورزی از کل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در طی سالهای اجرای برنامه کاهش یافته به طوری که سهم آن از ۱۰/۷ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۴/۹ درصد در سال ۱۳۷۲ رسیده است. شایان توجه است در سال ۱۳۵۳ بخش صنعت به عنوان محور توسعه مطرح بوده است.

شاخص بهره‌وری سرمایه گذاری در بخش کشاورزی طی دوره ۷۶-۱۳۶۰ به طور متوسط ۲۶/۸ درصد بوده است که نشان می‌دهد هر یک میلیارد ریال سرمایه گذاری انجام شده در این بخش ۲۶/۸ میلیارد ریال ارزش افزوده ایجاد نموده است. همچنین روند نرخ مبادله بخش کشاورزی با غیر کشاورزی از سال ۶۱ روند نزولی داشته است و نشان می‌دهد علی‌رغم اینکه دولت در برنامه اول (از سال ۱۳۶۸) برای حمایت از این بخش تلاش نموده ولی عملاً سیاستهای اجرا شده نتیجه قابل قبولی در بر نداشته است.

دلیل اینکه حمایت‌هایی که تا به حال از بخش کشاورزی به عمل آمده، مورد بررسی قرار گرفته این است که به جای وضع مالیات در برخی موارد بهتر است ابتدا یارانه‌ها

حذف شوند چون این موضوع مشابه مالیات عمل می‌کند و ما به هدفهایی که از وضع مالیات داریم از جمله تخصیص بهینه منابع، درآمد و... خواهیم رسید. همچنین مقایسه بین بخشی حاکی از عدم حمایت واقعی دولت از بخش کشاورزی در مقایسه با دیگر بخشها می‌باشد. و در این حالت اگر حمایتها از بخش کشاورزی قطع گردند یا مالیات وضع نمائیم بر انگیزه تولید اثر منفی خواهد گذاشت.

هدف از فصل چهارم بررسی هزینه فرصت مالیات از دست رفته به علت معافیت بخش کشاورزی طی سالهای ۷۶-۱۳۷۰ می‌باشد. در این فصل ابتدا مالیات از دست رفته ناشی از معافیت بخش کشاورزی به تفکیک زیر بخشها محاسبه گردید، سپس با مقایسه مقدار برآوردی با متغیرهای اقتصادی نظیر میزان مالیات وصول شده و میزان کسری بودجه طی دوره مورد بررسی به تحلیل هزینه فرصتی مالیات از دست رفته پرداخته شد. در این مبحث مجموع مالیات از دست رفته به علت معافیت بخش کشاورزی در حدود ۱۴ هزار میلیارد ریال برآورد گردید که این میزان تقریباً معادل ۳۹ درصد مالیاتهای مستقیم می‌باشد. با توجه به سهم قابل ملاحظه مالیات از دست رفته ناشی از معافیت مالیاتی در این بخش و اثرات اقتصادی ناشی از آن نتیجه این شد که با حذف معافیتهای بخش و بکارگیری درآمد ناشی از آن، رشد و گسترش فعالیت همان بخش از طریق افزایش اعتبارات عمرانی تضمین می‌شود.

فصل پنجم به بررسی توانایی پرداخت مالیات توسط بهره برداران در زیر بخش زراعت می‌پردازد. در این راستا ابتدا جایگاه زیر بخش زراعت در بخش کشاورزی تحلیل گردید و مشخص شد علیرغم اینکه سهم زیر بخش زراعت از ۶۵ درصد ارزش افزوده کل بخش کشاورزی در سال ۱۳۶۰ به ۵۳ درصد در سال ۱۳۷۶ کاهش یافته، لیکن این زیر بخش همچنان مهمترین زیر بخش در بخش کشاورزی می‌باشد. علاوه بر این مشخص گردید محصولات نظیر گندم، جو، برنج، پنبه و چغندر قند با اختصاص بیش از ۷۰ درصد اراضی زیر کشت زراعت به خود، عمده‌ترین (مهمترین) محصولات زیر

بخش زراعت می‌باشند. در بحث بعدی به بررسی اهداف و عملکرد برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی اجتماعی پرداخته شد. در اینجا نیز مشخص گردید طی سالهای اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور زیر بخش زراعت با توجه به امکانات موجود در مسیر هدفها و سیاستهای پیش بینی شده در برنامه حرکت کرده لیکن در اجرای برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و علیرغم پیش بینی اکثر برنامه ریزان مبنی بر تحقق اهداف برنامه در زیر بخش زراعت، به دلیل عدم اتخاذ سیاستهای اصولی مناسب، در اکثر موارد اهداف برنامه تحقق نیافته است.

بررسی تحولات حاصل در تعداد و اندازه واحدهای بهره برداری از مباحث دیگر در این فصل می‌باشد. در این قسمت مشخص گردید، علیرغم تحولات عظیم در شرایط اقتصادی و اجتماعی در چهار دهه اخیر از جمله: اصلاحات ارضی، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در طبقات بهره برداری، تعداد بهره برداران در هر طبقه و متوسط وسعت اراضی تحت مالکیت هر بهره بردار در طبقات مختلف ایجاد نگردیده است.

آخرین بحثی که در این فصل مطرح گردید محاسبه توانایی پرداخت مالیات توسط شاغلین زیر بخش زراعت می‌باشد. در این قسمت با توجه به مباحث گذشته و پیش فرض‌های ذکر شده تعداد افرادی که توانایی پرداخت مالیات در فعالیتهای عمده این زیر بخش را دارند مشخص گردید، که نتایج حاصله به شرح ذیل می‌باشد:

- با توجه به آمارهای مورد استفاده میانگین سود حاصله در یک هکتار کشت گندم طی سالهای ۷۷-۱۳۷۵ برای کشت آبی حدود ۶۸۲ هزار ریال و برای کشت دیم حدود ۱۳۳ هزار ریال برآورد گردید. که در این صورت با فرض ۳ میلیون ریال سود سالیانه معاف از مالیات برای هر بهره بردار به ترتیب حدود ۴۵ و ۲ درصد بهره بردارانی که به کشت گندم آبی و دیم اشتغال دارند توانایی پرداخت مالیات را خواهند داشت.

- میانگین سود حاصل از یک هکتار کشت جو طی سالهای مورد بررسی برای کشت

آبی حدود ۲۸۳ هزار ریال و برای کشت دیم حدود ۶۷ هزار ریال برآورد گردید که در این صورت ۲۵ درصد بهره‌برداران که به کشت جو آبی و ۲ درصد بهره‌برداران که به کشت جو دیم اشتغال دارند توانایی پرداخت مالیات را خواهند داشت.

- در ارتباط با برنج مشخص گردید میانگین سود حاصله از یک هکتار طی سالهای ۷۷-۱۳۷۵ معادل ۱۵۹۹ هزار ریال بوده و ۲۹ درصد بهره‌بردارانی که به این فعالیت اشتغال دارند توانایی پرداخت مالیات را دارند.

- میانگین سود حاصله طی سالهای ۷۷-۱۳۷۵ در یک هکتار پنبه آبی ۱۰۵۹ هزار ریال و پنبه دیم ۳۱۶ هزار ریال برآورد گردید که در این صورت ۶۰ درصد بهره‌بردارانی که به کشت پنبه آبی و ۸ درصد بهره‌بردارانی که به کشت پنبه دیم اشتغال دارند توانایی پرداخت مالیات را دارند.

- بررسی‌های به عمل آمده در ارتباط با چغندر قند نشان می‌دهد میانگین سود طی سه سال ۷۷-۱۳۷۵ معادل ۸۸۶ هزار ریال بوده و درآمد ۶۰ درصد بهره‌برداران که به کشت مزبور اشتغال دارند از حد نصابهای مقرر بیشتر می‌باشد.

با توجه به پیش فرض مطرح شده در ابتدای فصل در مورد آمارهای مورد استفاده، بطور کلی می‌توان نتیجه گرفت بطور متوسط ۲۶ درصد بهره‌برداران شاغل در زیر بخش زراعت توانایی پرداخت مالیات را دارند. علیرغم اینکه این امر (۲۶ درصد از بهره‌برداران توانایی پرداخت مالیات را دارند) انگیزه قوی برای لزوم اعمال مالیات بر درآمد زیر بخش زراعت را فراهم می‌نماید، لیکن در عمل برای اعمال مالیات بر کشاورزی ملاحظات دیگری در نظر گرفته می‌شود که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. از آنجایی که بیشتر شاغلین در بخش کشاورزی از گروههای فقیر و کم درآمد جامعه می‌باشند^(۱) از نظر برابری و عدالت در سیستم مالیاتی، اعمال مالیات بر تمام این

۱. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی، سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷.

زیر بخش توصیه نمی‌گردد.

۲. در اغلب کشورها، کشاورزان را به آسانی نمی‌توان یک مؤدی مالیاتی محسوب نمود. زیرا اساساً آنان تمایلی به نگهداری دفاتر حسابداری ندارند. از طرف دیگر در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران روشهای کشاورزی سنتی بوده و به درستی سازماندهی نشده‌اند و اغلب در محلهایی اسکان یافته‌اند که سازمان مالیاتی نمی‌تواند به آسانی به آنها دسترسی داشته باشد.

۳. از آنجایی که تعداد کشاورزان بسیار زیاد است، اعمال مالیات بر آنها مستلزم صرف هزینه‌های اجرایی بالایی است. به همین دلیل بهتر است ابتدا برآوردی از هزینه‌های شناسایی آنها و میزان افزایش عواید مالیاتی از ناحیه اعمال مالیات بر این گروه انجام گیرد سپس در مورد معافیت آنها تصمیم‌گیری شود.

۴. مشکلاتی که بخش کشاورزی با آن روبرو است، شبیه مشکلات مشاغل کوچک^(۱) است. با این تفاوت که در کشاورزی نه تنها فروشهای نقدی بسیار وجود دارد، صورتحسابهای فروش هم نگهداری نمی‌شود و اگر هم نگهداری شود، آنقدر ناقص است که امکان محاسبه مالیات وجود ندارد. علاوه بر این کشاورزان فرآورده‌های مختلفی را تولید کرده که قسمتی از تولیدات آنها به مصرف خود کشاورز می‌رسد و تفکیک آن با قسمت فروش رفته به سختی ممکن است.

۵. یکی از مشخصه‌های کشاورزی سنتی، کوچک بودن قطعات زمین می‌باشد. اعمال مالیات بر درآمد حاصل از زیر بخش زراعت انگیزه تقسیم اراضی به قطعات کوچکتر را فراهم می‌نماید. این امر به نوبه خود موجب عدم امکان استفاده از ماشین آلات و افزایش هزینه تولید می‌گردد و شرایط بسیار نامطلوبی را در امر استفاده بهینه از منابع (آب و خاک و...) به وجود می‌آورد، و در نتیجه کل جامعه از این شرایط متضرر

۱. بررسی‌های به عمل آمده در زمینه مالیات بر مشاغل کوچک نشان می‌دهد، مشکلات موجود در این بخش موجب گردید که وصول مالیات (توان بالفعل) در این بخش کمتر از ۵۰ درصد توانایی پرداخت این بخش باشد.

می‌گردد.

بنا به ملاحظات فوق و با عنایت به اینکه، اولاً درصد افرادی که توانایی پرداخت مالیات را دارند (۲۶ درصد) محدود است، ثانیاً سود شاغلین در این زیر بخش بسیار کم می‌باشد و با نرخهای مالیاتی پایین مورد اصابت قرار می‌گیرند. بنابراین حذف معافیت از این زیر بخش در این مرحله توصیه نمی‌گردد و نیازمند تحول بیشتر و مکانیزه شدن و نیز افزایش درآمد کشاورزان در این زیربخش می‌باشد.

در فصل ششم ضمن مروری بر جایگاه دامپروری و نظام‌های داخل آن تلاش شد منابع بالقوه درآمدی شناسایی گردد. برای حصول به این مورد ما وضعیت صنعت گاوداریهای صنعتی، مرغداریهای صنعتی، زنبور داری و پرورش کرم ابریشم را مورد بررسی قرار داده همچنین روند زیر بخش در چند سال اخیر و طی برنامه‌های توسعه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. هدف این است تا با کمک گرفتن از تغییر و تحولاتی که رخ داده، بتوانیم به صورت دقیق مشخص نماییم چه قسمتهای ارزش افزوده بالاتری را ایجاد نموده است.

بطور کلی دامپروری در کشور به دو شیوه سنتی (بدون استفاده از تکنیک‌های نوین) و صنعتی صورت می‌گیرد. شیوه سنتی ارزش افزوده کمی ایجاد می‌کند و دامنه آن در تمام سطح کشور گسترده است و گرفتن مالیات از این قسمت، اولاً نقض عدالت اجتماعی است چون توان بالقوه پرداخت مالیات برای افرادی که در این قسمت فعالیت می‌کنند بسیار پایین است ثانیاً انجام این کار غیر عملی است و پیچیدگیها و مشکلات نظام مالیاتی را افزایش داده و از نظر درآمدی هم مقرون به صرفه نخواهد بود. اما در شیوه صنعتی به دلیل استفاده از تکنیک‌های نوین بازدهی بالا بوده و ارزش افزوده ایجاد شده قابل مقایسه با دیگر بخشهای اقتصادی است و منطقاً بایستی معافیت آنها حذف گردد. اگرچه گرفتن مالیات از این قسمت هم پیچیده و مشکلاتی به همراه دارد ولی بالاخره بایستی در این زمینه اقدام نمود. با بررسی وضعیت گاوداریهای صنعتی و...

مشخص شد که ارزش ایجاد شده چه میزان است ولی به دلیل عدم دسترسی به آمار ریز و جامع، محاسبه ظرفیت بالقوه و میزان مالیات کاملاً برآوردی بوده و فقط به عنوان یک راهنما باید به آن نگریسته شود به طوری که بتوانیم آنها را وارد تور مالیاتی کنیم و اظهار نظر دقیق منوط به مطالعه کاملتر در این زمینه است.

حال با توجه به ارزش ایجاد شده باید چگونگی وضع مالیات مشخص کنیم. چون این واحدها ملزم به نگهداری دفاتر حسابداری برای ثبت عملکرد خود نیستند همانطور که از تجربه کشورها مشخص شد منطقی‌ترین راه در قدم اول اعمال مالیات بر ارزش یا مقطوع می‌باشد چرا که به راحتی قابل محاسبه و وصول است و بعد از دو سال یا بیشتر که از آن گذشت با تسلط بیشتر و شناسایی نقاط قوت و ضعف سیستم می‌توانیم مالیات بر درآمد اخذ نمائیم.

آنچه مهم است اینکه ابتدا تصور گرفتن مالیات را برای افرادی که در این زیر بخش مشغول فعالیت هستند و از درآمد بالایی برخوردارند ایجاد کنیم و آن را به صورت تدریجی به کار بندیم. سپس با وضع مالیات به صورت درصدی از قیمت فروش بر روی محصولات انتخابی، تضمینی برای گرفتن مالیات در آینده ایجاد کنیم و از تجربیات گذشته در مورد عدم موفقیت وضع مالیات بر کشاورزی درس بگیریم و واحدهایی را مشمول کنیم که اولاً قابل شناسایی باشند ثانیاً هزینه وصول مالیات آنها پایین باشد ثالثاً اثر منفی بر انگیزه تولید کنندگان نداشته باشد.

با توجه به مطالب فوق در زیر بخش دامپروری قسمتهایی که می‌توانند مشمول مالیات گردند عبارتند از: ۱. گاوداریهای صنعتی ۲. مرغداریهای صنعتی ۳. زنبورداری نوع جدید ۴. پرورش پیله ابریشم. میزان ارزش افزوده ایجاد شده در این قسمتها برای سال ۱۳۷۵ حدود ۳۹۷۳/۹ میلیارد ریال است و اگر با نرخ ۱۰٪ آن را مشمول مالیات نماییم، تقریباً مالیاتی برابر ۳۹۷/۴ میلیارد ریال قابل وصول است که در سال ۱۳۷۸ قطعاً این میزان بسیار بالاتر خواهد بود.

فصل هفتم به بررسی زیر بخشهای شیلات و جنگلداری اختصاص دارد. بررسی میزان تولید و ارزش افزوده بخش شیلات نشان می‌دهد که این بخش سهم اندکی از ارزش افزوده در بخش کشاورزی دارد. بیشتر فعالیت‌های این بخش با حمایت دولت و سرمایه‌گذاری از محل بودجه عمومی کشور و اعتبارات بانکی انجام می‌شود و سهم سرمایه‌گذاری خصوصی در این بخش بسیار کم است. اگرچه در پی اجرای سیاست‌های خصوصی سازی دولت در چند سال اخیر برخی از واحدهای شیلات به بخش خصوصی واگذار شده است، اما همچنان سرمایه‌گذاری عمده در این زیربخش توسط دولت انجام می‌شود. بنابراین زیربخش شیلات تحت شرایط فعلی همچنان به حمایت دولت نیازمند است و اخذ مالیات بر فعالیت‌های این بخش موجب می‌گردد که همین میزان اندک سرمایه‌گذاری خصوصی نیز تحت تأثیر قرار گرفته و کاهش یابد. همچنین با توجه به اینکه در حال حاضر مصرف محصولات دریایی در کشور در سطح پایینی نسبت به گوشت قرمز و گوشت مرغ قرار دارد اخذ مالیات موجب افزایش قیمت این محصولات و کاهش مصرف آن خواهد شد. از سوی دیگر محاسبه سهم هر صیاد از کل ارزش افزوده بخش شیلات نیز نشان داد که به طور نسبی میزان درآمد و سهم ارزش افزوده هر صیاد در سطح پایینی قرار دارد و اخذ مالیات از صیادان کم درآمد به ویژه صیادان محلی، از نظر عدالت اجتماعی مناسب نیست. به علاوه به دلیل عدم کارایی سیستم مالیاتی فعلی کشور، عدم وجود کارشناس به تعداد کافی در سیستم مالیاتی، عدم نگهداری دفاتر حسابداری در بین صیادان به ویژه صیادانی که زیر نظر شرکت شیلات و تعاونیهای صید فعالیت نمی‌کنند، در صورت وضع قانون مبنی بر اعمال مالیات، اخذ مالیات از این زیر بخش مستلزم صرف هزینه بسیار خواهد بود و امکان اجرای آن در سیستم فعلی ضعیف است. به طور کلی می‌توان گفت با توجه به میزان سرمایه‌گذاری بخش دولتی در شیلات و وابستگی آن به حمایت‌های دولتی هنوز این بخش آماده اخذ مالیات نمی‌باشد و اخذ مالیات می‌تواند بر انگیزه تولید و فعالیت‌های شیلات و

ماهگیری اثر منفی داشته باشد. اما لازم به ذکر است که این نتایج مربوط به شرایط فعلی بخش شیلات کشور است و اگر در آینده وابستگی این بخش به حمایت‌های دولتی کمتر شود و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در آن افزایش یابد و مشکلات سیستم اجرای در زمینه وصول مالیات از صیادان مرتفع شود، اخذ مالیات از بخش شیلات اثر منفی بر انگیزه تولید ندارد و موجب افزایش درآمدهای مالیاتی دولت خواهد شد. از این رو می‌توان به الترناتیو دیگری در قالب مالیاتهای غیر مستقیم پرداخت.

در ارتباط با جنگلداری، در حال حاضر طبق آراء شورای عالی مالیاتی، «بهره برداری از درختان جنگلی و قطع و حمل آنها از مالیات معاف است و تنها بابت فعالیت صنعتی منحصر به تولید مصنوعات چوبی نظیر میز، مبل، صندلی، کمد و غیره مالیات پرداخت می‌گردد. به عبارتی کارخانجاتی که در داخل جنگل به منظور برش و تبدیل چوب درختان به گرد بیده، الوار، تراورس، کاتین، هیزم ایجاد شده جدای از کار کشاورزی تلقی نشده و از مالیات معاف است»^(۱).

همانطور که در بررسی تجربه سایر کشورها آمد ما نمی‌توانیم مالیاتهای متعددی بر بخش کشاورزی وضع نماییم و در مورد زیر بخش جنگلداری (جنگلهای تجاری و صنعتی) به صورت خاص ابتدا بایستی تکلیف عوارض و بهره مالکانه دریافتی توسط سازمان جنگلها و مراتع در هنگام صدور مجوز، را روشن نموده و بعد در مورد وضع مالیات تصمیم‌گیری نمائیم چون این عوارض خود نوعی مالیات می‌باشد. راه حل پیشنهادی در این زمینه افزایش نرخ بهره مالکانه و عوارض و واریز آن به خزانه کل کشور می‌باشد. توضیح این نکته ضروری است که در حال حاضر مجوز قطع درختان جنگل به صورت مشروط صادر شده و بهره بردار موظف به احیاء محل بهره‌برداری می‌باشد که این با هزینه همراه است.

۱. رای هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی شماره ۳۰/۴/۴۳۴۶ مورخه ۷۳/۵/۱۱.

به نظر می‌رسد بهترین شیوه برای گرفتن مالیات شناسایی شرکت‌هایی است که در زمینه بهره‌برداری در داخل جنگل و در کنار جنگل به صورت صنایع جنبی شکل گرفته‌اند و از سودآوری لازم برخوردارند. این شیوه به ما کمک می‌کند با هزینه کم از اشخاص حقیقی و حقوقی که درآمد بالایی کسب می‌نمایند، مالیات وصول نماییم.

پیشنهادهای

در حال حاضر زنجیره‌های بعد از تولید کننده به نحوی از دادن مالیات واقعی خود طفره می‌روند و اگر واقعاً هدف حمایت از تولید است با توجه به اینکه بخش کشاورزی به طور واقعی از حمایت دولتی کمتری نسبت به سایر بخشها برخوردار است، پس تحت فشار قرارداد دادن تولیدکنندگان این بخش سیاست منطقی نمی‌باشد. ضمن اینکه اصل عدالت مالیاتی نقض خواهد شد. بنابراین بایستی به دنبال شناسایی افرادی بود که در آمد بالایی دارند و در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند، بطوری که وضع مالیات اثر منفی بر انگیزه تولید این افراد نداشته باشد.

با بررسی فعالیت‌های کشاورزی می‌توان اظهار داشت که شرط لازم و کافی برای اخذ مالیات در مورد فعالیتهای دامپروری عشایری، دامپروری روستایی، صیادی، زراعت سنتی، باغداری سنتی و صنایع روستایی برقرار نمی‌باشد، لذا پیشنهاد می‌شود این فعالیت‌ها همچنان از مالیات معاف باشند. در مورد فعالیت دامداری‌های صنعتی با توجه به اینکه این دامداریها در تعاونی‌هایی متشکل هستند و تا حدی از امکانات دولتی استفاده می‌کنند، اطلاعات نسبتاً موثقی از فعالیت آنها در دسترس بوده و با توجه به درآمد نسبتاً بالای آنها می‌توان با در نظر گرفتن جنبه‌های حمایتی از تولید که در قانون مالیاتهای مستقیم در مورد صنایع (ماده ۱۳۸) اعمال شده، نسبت به وضع مالیات بر این فعالیت اقدام نمود. ملاک تعیین درآمد مؤدی می‌تواند تعداد دام در زمینه‌های مختلف

باشد.

در مورد فعالیت زنبور داری و پرورش کرم ابریشم می‌توان با استفاده از ملاک تعداد کندوی فعال و جعبه نوغان و قیمت محصولات با در نظر گرفتن معافیتی در حد مناسب، مازاد درآمد را مشمول مالیات نمود. همچنین در مورد درآمدهای ناشی از فعالیت‌های زراعی و باغداری متشکل در کشت و صنعت‌ها و مجتمع‌های بالای ۱۰ هکتار می‌توان با تعیین یک سطح معافیت مابقی درآمد را براساس نرخهای طبقه اول و دوم قانون مالیاتهای مستقیم مشمول مالیات نمود. ملاک‌های محاسبه درآمد مؤدیان در این زمینه می‌تواند سطح زیر کشت محصول خاص، سود، نوع کشت آبی و دیم و میزان فروش محصول باشد. در نهایت به نظر می‌رسد وضع مالیات با نرخ پایین بر روی برخی قسمتهای کشاورزی که در بالا پیشنهاد شد و نیز محصولات انتخابی اثری بر انگیزه تولید کنندگان نداشته باشد.

با توجه به مطالب ارائه شده در فصول چهارم به بعد می‌توان نتیجه گرفت که محدوده هایی که جهت وضع مالیات ارائه شده فرضیه ما را تائید می‌کند. یعنی در قسمتهایی از بخش کشاورزی آنقدر درآمد وجود دارد که اگر درصد کمی را به عنوان مالیات اخذ نمائیم اثر منفی بر انگیزه تولید کنندگان نخواهد داشت و در این قسمت‌ها فرضیه اول و دوم تحقیق تائید می‌شوند. همچنین قسمتهایی که پیشنهاد شده معافیت آنها ادامه پیدا کند به دلیل این است که با توجه به حمایت ناچیز دولت و کم بودن درآمد، چنانچه مالیاتی وضع شود بر انگیزه تولید کنندگان آن قسمت اثر منفی می‌گذارد و فرضیات تحقیق رد می‌شوند.

نکته‌ای که در مورد مالیات بر درآمد ناشی از فعالیت‌های کشاورزی باید بدان اشاره کرد این است که با توجه به تأثیر شدید متغیرهای محیطی از جمله شرایط جوی (بارندگی، درجه حرارت و...) و آفات و از سوی دیگر با توجه به وضعیت خاص بازار محصولات کشاورزی و نوسانات دوره‌ای قیمت در این بازار، در آمد مؤدی دارای

نوسانات نسبتاً زیادی خواهد بود. همچنین به دلیل عدم همخوانی با سیاستهای دولت مبنی بر محوریت بخش کشاورزی در نتیجه نمی توان بر روی مالیات حاصل از این بخش به عنوان یک بخش مطمئن از درآمدهای مالیاتی تکیه نمود. و ارائه هر گونه پیشنهاد صریح و دقیق مستلزم انجام مطالعات جامع در این زمینه می باشد.

مأخذ

الف (فارسی)

۱. پژویان، جمشید، اقتصاد بخش عمومی (مالیاتها)، مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۳.
۲. تفضلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی، نشر نی، ۱۳۷۲.
۳. عبدالحسین زاده، اکبر، «بررسی مسایل اقتصاد کشاورزی ایران»، انتشارات کتابیران، ۱۳۶۵.
۴. ماسگریو ریچارد و پگی ماسگریو، مالیه عمومی در تئوری و عمل، ترجمه مسعود محمدی و یدا... ابراهیمی، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۲.
۵. موسی نژاد، محمد قلی و مصطفی ضرغامی، «ارزیابی سیاستهای حمایت دولت در بخش کشاورزی»، مجله اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۶.
۶. نجفی، بهاء الدین و ابراهیم زارع، «بررسی سیاستهای حمایتی از بخش کشاورزی»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۲۳، ۱۳۷۶.
۷. ایرانپور، محسن، بررسی نقش و تأثیر حمایتهای دولت بر توسعه زیر بخش شیلات، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۸. یاسبان، فاطمه، بررسی سیاستهای حمایتی در ایران و برآورد نرخ تعرفه مؤثر در بخش کشاورزی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵.
۹. حسینی، میرعبدا...، تأثیر سیاستهای ارزی و تجاری بر انگیزش نسبی تولیدات کشاورزی ایران در دو دهه گذشته، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۱۰. دشتی مقدم، محسن، برآورد بهره وری موجودی سرمایه در بخش کشاورزی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

۱۱. همایونی فر، مسعود، سیاست اقتصادی در امور دام و طیور از دیدگاه توسعه اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳.
۱۲. دالوند حجت‌ا... تجربه و تحلیل بهره‌وری عوامل تولید گاوداری‌های صنعتی کشور در تولید شیر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
۱۳. مانوکیان سلماسی، آرمینه، بررسی اقتصادی معافیت‌های مالیاتی در قانون مالیات‌های مستقیم (بررسی موردی برنج و پسته) پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۶.
۱۴. محضرنیا، محمود، برآورد کشت‌های مالیاتی و پیش‌بینی درآمد‌های مالیاتی در اقتصاد ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.
۱۵. اداره آمار اقتصادی، «شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور» بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش ماه‌های مختلف.
۱۶. اداره بررسی‌های اقتصادی، «گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران»، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال‌های مختلف.
۱۷. اداره حسابداری اقتصادی، «حساب‌های ملی ایران»، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال‌های مختلف.
۱۸. سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸.
۱۹. سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۳.
۲۰. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، سازمان برنامه و بودجه، سال‌های مختلف.
۲۱. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی کشاورزی نتایج تفصیلی کل کشور، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷.
۲۲. سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران، «طرح آمارگیری نمونه‌ای گاوداری‌های

صنعتی کشور»، ۱۳۷۶

۲۳. سازمان برنامه و بودجه، دفتر اقتصاد کلان، «گزارش اقتصادی»، سالهای مختلف.
۲۴. سازمان برنامه و بودجه، «مستندات برنامه دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۲۵. وزارت کشاورزی، اداره کل آمار و اطلاعات، «هزینه تولید محصولات کشاورزی»، سالهای مختلف.
۲۶. وزارت کشاورزی، اداره کل آمار و اطلاعات، «آمارنامه کشاورزی سال زراعتی»، سالهای مختلف.
۲۷. وزارت کشاورزی، اداره کل آمار و اطلاعات، «بانک اطلاعات کشاورزی ایران»، ۱۳۷۶.
۲۸. وزارت کشاورزی، اداره کل آمار و اطلاعات، «غلات در آینه آمار»، ۱۳۷۶.
۲۹. وزارت کشاورزی، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، «گزارش اقتصاد کشاورزی در سال ۱۳۷۲».
۳۰. وزارت کشاورزی، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، «مقالات برگزیده سمینار کشاورزی ایران و بازارهای جهانی»، ۱۳۷۵.
۳۱. وزارت کشاورزی، مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، «اقتصاد کشاورزی و توسعه»، فصلنامه علمی و پژوهش، شمارهای مختلف.
۳۲. وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، «آمارهای اقتصادی»، ۱۳۷۶.
۳۳. وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، «تخصیص بهینه منابع برای خودکفایی در محصولات کشاورزی»، ۱۳۷۳.
۳۴. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، چوب و کاغذ، از سری انتشارات بررسی‌های کالایی وزارت بازرگانی، ۱۳۶۹.

۳۵. وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، دفتر تحقیقات و سیاستهای

مالی، مجموعه گزارشهای:

اندازه گیری تأثیر معافیتهای بخش کشاورزی و نفت بر نسبت $\frac{T}{GDP}$

معافیت مالیاتی در ۴۰ کشور جهان.

سیستم مالیاتی الجزایر، ۱۳۶۷.

مالیات بر کشاورزی در پاکستان، ۱۳۷۷.

شرح مختصری از مالیاتها و سیستم مالیاتی در آلمان.

بررسی هزینه فرصت معافیتهای موضوعی در مالیاتهای مستقیم طی برنامه

پنجساله اول، ۱۳۷۳.

۳۶. آقای، الله محمد، مالیات بر ارزش افزوده، تجربه عملی آن در دیگر کشورها و

برآورد میزان آن در ایران، مجله اقتصاد و مدیریت شماره ۴۱، ۱۳۷۸.

۳۷. آقای، الله محمد، تحلیل هزینه. فایده افزایش سرمایه های انسانی در سیستم مالیاتی،

مجله پژوهش ها و سیاستهای اقتصادی شماره ۸ پیاپی ۱۳۷۸.

۳۸. وزارت امور اقتصادی و دارایی، گمرک جمهوری اسلامی ایران، سالنامه آماری،

سالهای مختلف.

۳۹. وزارت امور اقتصادی و دارایی، قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه

بعدی آن.

۴۰. مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش های مجلس، نشریه مجلس و پژوهش،

شماره های مختلف.

۴۱. مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش های مجلس، «بازشناسی معافیت های مالیاتی

در ایران».

۴۲. وزارت جهاد سازندگی، معاونت امور دام، بررسی وضعیت تولید اقلام پروتئین

دامی در کشور، ۱۳۷۷.

۴۳. وزارت جهاد سازندگی، شرکت سهامی شیلات، آمارنامه شیلات ایران طی سالهای برنامه اول توسعه سالهای ۷۴-۱۳۷۳.
۴۴. معاونت امور اقتصادی، طرح تحقیقاتی تخصیص بهینه منابع برای خودکفایی در تامین گوشت، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۴.

ب) انگلیسی

46. Haque. M.A, Income - tax law and practice, Bangladesh juthi printing press, 1987.
47. Karachi law publishers, Income tax manual, Federal law house 1997.
48. Ahmad and Stern, Theory and practice of tax reform in developing countries, IMF, 1992.
49. Carlos. A. Griffish, "Special Tax Incentives", IMF Occasional paper No,8, PP, 33-36.
50. Tanzi, Vito "Is The request for Public Sector efficiency in developing countries", Paper presented at the Thirty - Eight congress International inqueste of public Finance, 1982
51. Sanchez, U. Fernando, " Rationality of Income tax Incentives in developing countries ", Supply Side Tax policy, IMF, 1987.
52. Ricard M. Bird "Taxing agricultural land in developing countries, cambridge, mass: harward law school international tax program, 1973.

A Survey On Tax exemption of Agricultural Sector In Iran

Allah Mohammad Aghai

Head of The Group for Government Revenue Research and tax Policies

Granting tax exemption to some activities in special zones will follow distributional objective in addition to resource allocation. Thus, governments tend to imply tax or give exemption on the basis of existing circumstances so that while accessing income objectives and social equity, give direction to economic activities. In Iran's economic system, government tend to imply exemption to some sectors such as agricultural sector in general, and some specific activities like industrial and mineral activities, and local exemptions are given on the basis of special objectives. By surveying agricultural activities, we can say that rural and tribal animal husbandry activities, hunting, traditional farming, traditional garden keeping and rural industries should be exempted continuously, but industrial animal husbandry and industrial and farming assemblies could be taxed under special conditions.

The results indicate that these limits that has been suggested to be taxed are those agricultural areas which have relatively high income and if they are taxed on a low percentage, it will not have a negative effect on the producer's incentive. Also, those parts which should be exempted continuously is because of their low income and low support from government so that if they are taxed, this will affect negatively the producers' incentives.